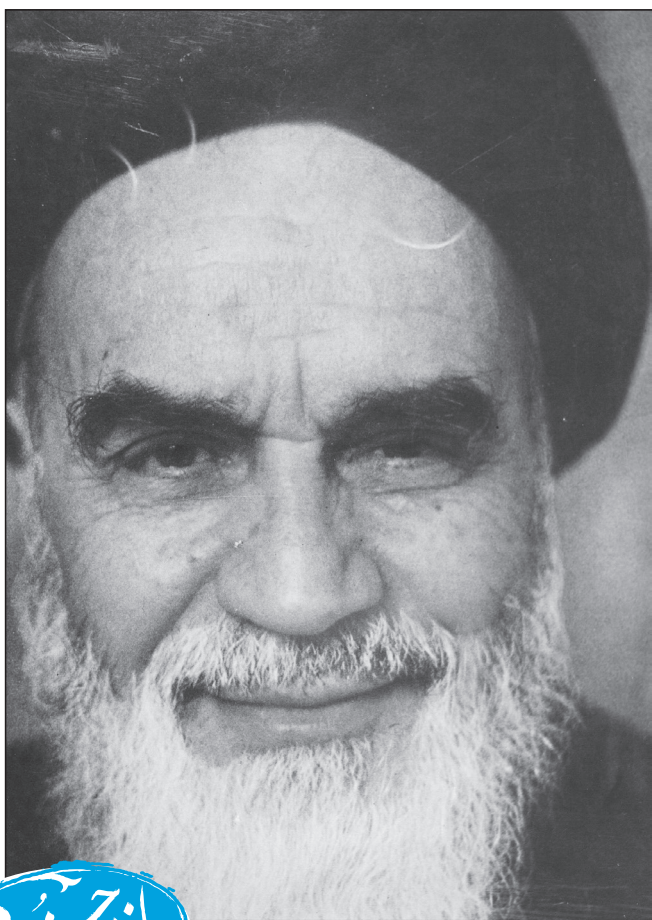




---

# انتظار فرج از نیمه خرداد کشم





فصلنامه تخصصی

در حوزه تاریخ پژوهی ایران معاصر

شماره ۷۱ و ۷۲

دوره سوم - سال نوزدهم

بهار و تابستان ۱۴۰۱



فصلنامه تخصصی در حوزه تاریخ پژوهی ایران معاصر  
دوره سوم - سال نوزدهم - شماره ۷۲ و ۷۱ - بهار و تابستان ۱۴۰۱

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: دکتر سید حمید روحانی

سر دبیر: دکتر مظفر نامدار

دبیر سرویس فلسطین: علیرضا سلطانشاهی

مدیر داخلی: مهدیه مرادپور

هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا): دکتر بهادر امینیان، دکتر محسن خلیجی، دکتر علی ربانی خوراسگانی، حجت الاسلام و المسلمین دکتر سید حمید روحانی، دکتر مجتبی زارعی، علیرضا سلطانشاهی، دکتر محمد شفیعی فر، دکتر حسین قریب، دکتر رامین خانگی، دکتر حسین کلباسی اشتری، دکتر منوچهر محمدی، دکتر مظفر نامدار

مدیر اجرایی: مهندس سید محمود حق

صفحه آرا: آرام بدیعی دزفولی

ناشر: بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی

پایگاه اطلاع رسانی: [www.iranemoaser.com](http://www.iranemoaser.com)

پست الکترونیک: [15khordad.mag@gmail.com](mailto:15khordad.mag@gmail.com)

قیمت: ۴۰۰۰ تومان

آدرس: تهران، خیابان دیباجی جنوبی، خیابان شهید تسلیمی، کوچه زاور، کوچه گل (دست راست)،

کوچه دادآفرین، کوچه صدر، پلاک ۶

صندوق پستی: ۷۳۸۵-۱۹۳۹۵

نمبر: ۲۲۷۶۱۲۶۴

تلفن: ۵-۲۲۵۷۹۱۹۲





۱. مقالات در نشریه دیگر به چاپ نرسیده باشد و یا همزمان برای نشریات دیگر ارسال نشده باشد.
۲. نویسندگان محترم مقالاتی را که جهت چاپ در فصلنامه پایزنده خرداد می‌فرستند، حداکثر به مدت ۶ ماه از ارسال آن به نشریات دیگر خودداری نمایند.
۳. حجم مقالات ارسالی از ۲۵ صفحه تایپ‌شده تجاوز نکند. (هر صفحه ۲۵۰ کلمه)
۴. مقالات به صورت تایپ‌شده بر روی کاغذ A۴ و با واژه پرداز Word در دو نسخه ارایه شود.
۵. ارسال فایل مقالات در CD یا از طریق ایمیل الزامی است.
۶. مقالات به ترتیب ذیل تدوین شوند:  
عنوان مقاله؛ نام و نام‌خانوادگی نویسنده(گان)، همچنین آوردن رتبه علمی؛ مربی، استادیار و... سازمان وابسته، آدرس، شماره تلفن نویسنده و آدرس ایمیل نویسنده(گان) ضروری است؛ چکیده، در حدود ۱۰۰ کلمه به زبان فارسی و در صورت امکان به زبان انگلیسی؛ کلیدواژه‌ها(تا ده واژه)؛ مقدمه؛ متن اصلی مقاله؛ نتیجه؛ فهرست منابع.
۷. ارجاعات، اعم از منابع و یادداشت‌ها با شماره‌های پیاپی در متن مشخص و با همان شماره به صورت پانویس در پایان هر صفحه ذکر شود. (شیوه ارجاع برای کتاب؛ نام و نام‌خانوادگی نویسنده(گان)، نام کتاب (به صورت ایرانیک)، نام مترجم، محل نشر، نام ناشر، سال انتشار، شماره جلد، شماره صفحه و برای نشریات؛ نام و نام‌خانوادگی نویسنده(گان)، عنوان مقاله(داخل علامت گیومه)، نام نشریه(به صورت ایرانیک)، نام مترجم، سال نشریه، شماره نشریه، شماره صفحه می‌باشد).
۸. مقاله ترجمه‌شده باید حاوی موضوعات بدیع و متناسب با نیازهای علمی و فرهنگی کشور باشد و متن اصلی، ضمیمه ترجمه ارسال شود و در هر صفحه ترجمه، علاوه بر شماره صفحه‌های ترجمه، شماره صفحه متن اصلی نیز قید گردد.
۹. مسئولیت مقالات بر عهده نویسندگان است و نشریه پایزنده خرداد پاسخگوی آرا و عقاید نویسندگان نیست. نشریه پایزنده خرداد از بازگرداندن مطالب رسیده معذور است و حق چاپ مقالات پذیرفته‌شده برای مجله محفوظ است. نشریه پایزنده خرداد در کوتاه‌کردن و ویرایش مطالب آزاد است.

#### نحوه ارزیابی مقاله

مقاله رسیده در صورتی که با اهداف مجله مطابقت داشته باشد، توسط دو نفر از صاحب‌نظران ارزیابی می‌شود و در صورت کسب امتیاز لازم و تصویب اعضای هیئت تحریریه امکان چاپ می‌یابد. ملاک‌های ارزیابی مقالات عبارت‌اند از: ابتکار و نوآوری، اتقان تحلیل‌ها و استدلال‌ها، بهره‌گیری از منابع معتبر، نظم و پیوستگی مطالب، روانی و رسایی مطالب و تناسب با نیازها.





## فهرست مطالب این شماره

• سخن سردیر ..... ۹

### • مقالات

دام نامرئی / غلامرضا خارکوهی ..... ۲۳  
دروغ سازان تاریخ و تاریخ دروغ سازان / محمدعلی افضلی ..... ۵۷

### • انقلاب اسلامی و مسئله فلسطین

گستره «ارض موهوم» / دکتر مظفر نامدار ..... ۱۰۷  
روزهای تهران / علیرضا سلطانشاهی ..... ۱۲۷

### • نقد متون، منابع و دیدگاه‌ها

ترجمه و نقد مدخل امام خمینی در دایره المعارف بریتانیکا (بخش دوم) / سهراب مقدمی  
شهیدانی ..... ۱۴۷

### • از تاریخ

قیام ۱۵ خرداد سال ۴۲؛ نهضتی به وسعت تمام قشرهای اجتماعی ایران / گروه پژوهشی بنیاد  
تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی ..... ۱۷۷



## به سوی یک مقاومت تمام عیار

در تاریخ ۱۵ شهریور ۱۳۵۸ (۶ اوت ۱۹۷۹) هفت ماه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و دو ماه قبل از تسخیر لانه جاسوسی امریکا در تهران، زیگنیو برژینسکی مشاور امنیت ملی جیمی کارتر رئیس جمهور وقت امریکا، دستور العمل محرمانه‌ای به وزارت خارجه در رابطه با ایران صادر کرد. در ابتدای این یادداشت آمده است در پاسخ به یادداشت مورخه ۱۶ جولای (۲۵ مرداد)، در ارتباط با برنامه‌های احتمالی برای وضعیت کنونی تحولات و تغییرات در ایران به شما اختیار داده می‌شود که در چهارچوب اختیارات وزارت خارجه اقدام کنید. در این دستور العمل نکاتی برای عملیات در ایران مطرح شده است که اهم این نکات به قرار زیر است:

۱. در مورد عملیات برای اثر گذاری بر فرآیند تحولات ایران نظر رئیس جمهوری این است که این عملیات هر کجا لازم آید با هماهنگی وزارت دفاع و سیا و سایر نهادهای مربوطه، با توجه به نظراتی که دوستان شاه در مشورت‌های اخیر خود ابراز داشته‌اند، انجام گیرد.
۲. رئیس جمهور تأکید دارد که با توجه به غیر قابل پیش‌بینی بودن تحولات ایران مهم است که بدون استثناء با تمام رهبران گرایش‌ها و سازمان‌های سیاسی از جمله اقلیت‌ها و گروه‌های افراطی که قادر به ایجاد شورش مسلحانه علیه رژیم خمینی هستند، ارتباط برقرار کرد.



## منشأ انتشار این سند

برای فهم اتفاقاتی که در این دوران منجر به تسخیر لانه جاسوسی امریکا شد باید به پیش زمینه‌های آن توجه کرد:

۱. عده‌ای که درک عمیق و دقیقی از تاریخ ایران ندارند و کلید همه مشکلات را در کاخ سفید جست‌وجو می‌کنند بیش از چهل سال است نقطه عزیمت کین‌توزی امریکا و امریکاپرستان داخلی نسبت به ملت ایران را به تسخیر و سقوط لانه جاسوسی توسط دانشجویان پیر و خط‌امام پیوند می‌زنند. این سند نشان می‌دهد که دو ماه قبل از تسخیر لانه جاسوسی، حکومت امریکا رسماً با دستور رئیس‌جمهور و رهبری مشاور امنیت ملی، سازماندهی تمام شبکه‌های مخالف با انقلاب اسلامی را در دستور کار قرار می‌دهد تا به هر روش ممکن انقلاب ملت ایران را شکست دهد و سفارت امریکا در

۳. ظرافت‌های خاص این نوع عملیات را در ذهن خود داشته باشید.
۴. رئیس‌جمهور با هر گونه تماس و ارتباطی چه با رهبران مذهبی و سیاستمداران پیرامون خمینی یا با اعضای مخالفین و فرمانده عالی بدون مشورت قبلی با سیاست مخالف می‌باشد.

دو ماه قبل از تسخیر سفارت

### دستور العمل محرمانه شورای امنیت ملی آمریکا به وزارت خارجه در رابطه با ایران



یادداشت محرمانه روزنسی رئیس شورای ملی امنیت آمریکا به رئیس امور خارجه آمریکا - تاریخ ۶ آگوست ۱۹۷۹ (۱۵ شهریور ۱۳۵۸) - درباره ایران (روانش به وزیر دفاع و رئیس سیا)

در پاسخ به یادداشت مورخه ۱۶ جولای (۲۵ مرداد) در ارتباط با برقراری احتمالی موقی وضعیت کنونی تحولات و تغییرات در ایران به شما اختیار داده می‌شود که در چهارچوب اختیارات وزارت خارجه اقدام کنید.

در مورد عملیات بسوی اثرگذاری بر فرایند تحولات ایران نظر رئیس‌جمهور این است که این عملیات هر کجا لازم آید با هماهنگی وزارت دفاع و مسایا و سایر نهادهای مربوطه با توجه به نظراتی که دوستان شاه در محسورات اخیر خود ابراز داشته اند انجام گیرد. رئیس‌جمهور نیاز به توجه و ملاحظه به بی‌اعتمادی و سوءظن‌هایی که در روابط ایران با همسایگانش وجود دارد را خاطر نشان ساخته است و باور دارد که پایان دادن به حمایت سیاسی از رژیم جمهوری اسلامی خمینی، به خصوص توسط اتحاد جماهیر شوروی، در نهایت به تضعیف موقعیت این رژیم در روابط خارجی منجر می‌شود. رئیس‌جمهور همچنین تأکید دارد که با توجه به غیرقابل پیش‌بینی بودن تحولات ایران، مهم است که بدون استئنا یا تمام‌رهبران گرایش‌ها و سازمان‌های سیاسی از جمله اقلیت‌ها و گروه‌های افراسی که قادر به ایجاد شورش مسلحانه علیه رژیم خمینی هستند، ارتباط برقرار کرد و با وجود این ظرافت‌های خاص این نوع عملیات را در ذهن خود داشته باشید. رئیس‌جمهور هر گونه تماس و ارتباطی چه با رهبران مذهبی و سیاستمداران پیرامون خمینی یا با اعضای «مخالفین» و فرمانده عالی، بدون مشورت قبلی با سیاستمدار میشل در صورتی که رویه‌های جدید ایران در ارتباط با منافع ملی، پیشنه‌های جدیدی را ایجاد کند به کاخ سفید ارجاع داده شود.

توجه: این دستور العمل، زمانی صادر شده بود که تازه به امریکا رسیده بود و گروه‌های گوناگون نشده بود و عقاید وزارت امور خارجه برای حل مشکلات روابط بین دو کشور فعال بودند.

زیست‌گویی و تسکی

شماره ۹۹

ایران مرکز این سازماندهی بود. این سند آشکارا به ما می‌گوید سفارت امریکا در ایران بیش از آن که یک سفارت‌خانه باشد بر خلاف تمامی پروتکل‌های بین‌المللی یک پایگاه امنیتی، اطلاعاتی و نظامی برای مبارزه با استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی بود و اگر دانشجویان پیر و خط‌امام این مرکز جاسوسی و سازماندهی نیروهای ضدانقلاب را تسخیر نمی‌کردند بی‌تردید امریکایی‌ها همان بلایی را سر انقلاب اسلامی می‌آوردند که سر جنبش ملی شدن صنعت نفت آوردند.

۲. یکی از پرسش‌های مهم این است که چرا این سند بعد از سی و چند سال پس از تسخیر لانه جاسوسی امریکا و آن همه دروغ‌بافی، اتهام جنگ‌افروزی و امریکاستیزی به ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی، ناگهان در اواخر سال ۱۳۹۲ باید از کشکول نشریه مهرنامه یکی از نشریات وابسته به گروهک نهضت آزادی و یکی از چند جریان امریکاپرست در ایران خارج شود؟

۳. تا جایی که اطلاع داریم تا به امروز امریکایی‌ها اسناد عادی مربوط به سیاست‌های خود با انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی را منتشر نکرده‌اند؛ بنابراین اسناد طبقه‌بندی‌شده نیز به طریق اولی منتشر نشده و نخواهد شد. پس چگونه این سند طبقه‌بندی‌شده که بسیار هم مهم است و به نوعی مقاومت جانانه ملت ایران در این چهل سال را عقلانی، ضروری و هوشمندانه نشان می‌دهد، به دست مهرنامه رسیده است؟

۴. چون نشریه مهرنامه که در شماره ۳۹ (سال پنجم، دی و بهمن ۱۳۹۲) این سند را منتشر کرد، مستقیماً هیچ منبعی برای آن ذکر نمی‌کند ما به مقدمه گزارشی که با نام مذاکره بین دو انقلاب در صفحات ۵۴ تا ۷۱ نوشته شده و این سند بدون هیچ شرحی در همین گزارش آمده است، استناد می‌کنیم. مهرنامه در مقدمه این گزارش می‌نویسد: «بخش اصلی ناگفته‌ها و اطلاعات این پژوهش توسط دکتر ابراهیم یزدی در اختیار مهرنامه قرار گرفته است.»

۵. ابراهیم یزدی در دوران صدور این دستورالعمل، وزیر امور خارجه دولت موقت مهدی بازرگان بود و در متن روابط ایران و امریکا در آغاز انقلاب اسلامی حضور داشت. همان‌طوری که در گزارش آمده است او بارها به خصوص در تاریخ‌های ۱۱ تیر ۵۸، ۱۱ مهر ۵۸ و ۲۶ مهر ۵۸ و غیره با نمایندگان امریکا ملاقات‌های مستمری داشت و بی‌تردید در جریان یکی از این ملاقات‌ها از دستورالعمل برژینسکی برای وزارت امور خارجه و سفارت امریکا در تهران اطلاع پیدا می‌کند و یحتمل نسخه‌ای از این دستورالعمل توسط دوستان امریکایی ابراهیم یزدی و نهضت آزادی در اختیار یزدی قرار می‌گیرد.

۶. پس بی‌تردید ابراهیم یزدی، دولت موقت و نهضت آزادی می‌دانستند که دولت امریکا مانند سال ۱۳۳۲ که طرح کودتا علیه جنبش ملی شدن صنعت نفت را اجرا کرد چه نقشه شومی برای نظام نوپای جمهوری اسلامی کشیده است.

۷. هنری پرشت مسئول میز ایران در وزارت امور خارجه امریکا در آخرین روز مهرماه ۱۳۵۸ به تهران سفر می‌کند و به همراه بروس لینگن کاردار سفارت امریکا در تهران به دیدار ابراهیم یزدی وزیر امور خارجه ایران می‌رود<sup>۱</sup> و چون از تمایلات و گرایش‌های ابراهیم

۱. مهرنامه، سال پنجم، ش ۳۹، دی و بهمن ۱۳۹۲، ص ۷۱.



یزدی، بازرگان و نهضت آزادی نسبت به امریکا خبر دارد به احتمال زیاد یزدی را در جریان عملیات امریکا برای برخورد با جمهوری اسلامی قرار می‌دهد و یحتمل به یزدی پیشنهاد می‌دهد که برای فراهم شدن شرایط این عملیات بهتر است دولت موقت که دوست امریکا است در قدرت نباشد و استعفا دهد.

۸. بنا به اظهارات بازرگان، دولت موقت به بهانه اخلاگری‌ها و تعدد مراجع تصمیم‌گیری، در همین دوران یعنی دوهفته قبل از تسخیر لانه جاسوسی استعفای خود را به شورای انقلاب گزارش می‌دهد. بازرگان در کتاب/انقلاب/ایران در دو حرکت می‌نویسد:

بعداً گروه‌های چپی و افراطی مخالف اصرار داشتند که استعفای دولت موقت را سقوط دولت موقت بنامند و معلول گروگان‌گیری و افشاگری بدانند در حالی که روز قبل از اشغال سفارت استعفا به تصویب هیأت دولت رسیده و دوهفته پیش از آن به شورای انقلاب گزارش شده بود... عمل گروگان‌گیری دانشجویان کوچکترین تأثیر در تصمیم دولت موقت و تقدیم استعفای قطعی برای امام نداشت.<sup>۱</sup>

این دوهفته دقیقاً همان تاریخ آخرین ملاقات ابراهیم یزدی با هنری پرشت است که به احتمال زیاد یزدی از دستورالعمل برژینسکی اطلاع پیدا می‌کند.

ابراهیم یزدی ۳۵ سال این دستورالعمل مداخله جویانه و جنگ طلبانه امریکا علیه نظام قانونی مردم ایران را پنهان کرد و مانند پیشوای مغرور خود دکتر مصدق که وقوع کودتا را کتمان کرد و خود را مستظهر به پشتیبانی ملت دانست، با کتمان این سند در طول این مدت همه اتهامات را متوجه جمهوری اسلامی کرد و ملت ایران برای این پنهان کاری چقدر هزینه داد؟ اکنون که بیش از چهل سال از عمر این سند گذشته است امروز به راحتی می‌توان عمق حقانیت سخنان مرحوم آیت‌الله کاشانی را درک کرد که به مصدق نوشت که هم‌وغم من نگهداری دولت جنابعالی است که خودتان به بقاء آن مایل نیستید... همان‌طور که در آخرین ملاقاتم در دزاشیب به شما گفتم... که امریکا در گرفتن نفت از انگلیسی‌ها کمک کرد و حالا به صورت ملی و دنیاپسندی می‌خواهد به دست جنابعالی این ثروت ما را به چنگ آورد.

یزدی این سند را در زمان غوغای مذاکرات با امریکا در دولت روحانی منتشر کرد که چندان مورد توجه پژوهشگران قرار نگرفت و این خود دلیل آشکاری است بر این حقیقت که اعتماد به جریان‌هایی که جز به منافع و آرمان‌ها و علایق و سلاقی حقیر خود نمی‌اندیشند حتی برای یک لحظه هم جفای نابخشودنی به ملت مظلومی است که به امید رهایی و رستگاری

۱. مهدی بازرگان، انقلاب/ایران در دو حرکت، تهران، نشر مهدی بازرگان، ۱۳۶۳، ص ۹۵ (پاورقی).



جان شریف خود و فرزندان خود را در راه استقلال و آزادی ملت ایران فدا کردند. حتی اگر این جریان در پشت الفاظ مقدسی چون ملت‌گرایی و دفاع از ملت سنگر گرفته باشند.

## نتیجه‌گیری

این سند نشان می‌دهد که فرو غلتیدن امریکا و امریکاپرستان به سمت یک تقابل همه‌جانبه، پیچیده و رسمی با ملت ایران، جدا از سازش یا ناسازگاری ما، از اول نهضت امام خمینی در رأس سیاست‌ها بود و اگر کسی ذره‌ای در این حقیقت و واقعیت تردید کند باید به سلامت عقلی وی شک کرد.

کسینجر در کتاب *دیپلماسی/ امریکا در قرن ۲۱* می‌نویسد: باید بحث در مورد روابط ایران و امریکا از تفکرات و اندیشه‌های تئوریک فراتر رود. اگر قرار بر بهبود روابط امریکا با جمهوری اسلامی ایران است باید این رابطه بر پایه این مسائل شکل گیرد:

۱. ایران باید صدور انقلاب را کنار بگذارد.

به عبارتی امریکایی‌ها و اروپایی‌ها می‌توانند از جهانی شدن و بسط و گسترش و صدور مدرنیته و فرهنگ غربی حرف زده و تئوری پردازی کنند ولی بقیه ملت‌ها چنین حقی ندارند!! اینها که شبانه‌روز در بوق‌های تبلیغاتی خود فریاد می‌زنند انقلاب اسلامی یک انقلاب ارتجاعی است و ملت ایران را به هزاران سال قبل به عقب برد؛ اکنون جا دارد پرسیده شود یک انقلاب ارتجاعی چه دارد که شما از صدور آن احساس وحشت می‌کنید؟

۲. تروریسم ایران باید مهار شود!

یعنی هیچ ملتی حق ندارد در مقابل تجاوزات امریکا و شرکایش و مزدوران داخلی‌اش مقابله کند که با حربه‌ای به نام تروریسم منکوب خواهد شد.

۳. در روند صلح خاورمیانه مداخله نکند.

یعنی اجازه دهند رژیم بی‌ریشه صهیونیستی بر سرنوشت ملت‌های منطقه حاکم شود.

۴. از تلاش ایران برای دستیابی به موشک‌های دوربرد باید جلوگیری شود. یعنی ملت ایران را بی‌دفاع و بی‌پناه در چنگال تروریست‌های داخلی و خارجی و رژیم‌های سلطه‌طلب رها کنیم و حق نداشته باشیم از امنیت، آزادی و تمامیت ارضی ایران دفاع کنیم. این در حالی است که امریکا و اروپا تمام رژیم‌های ارتجاعی و قرون وسطایی منطقه را مجهز به پیچیده‌ترین سلاح‌ها کرده‌اند.

۵. عدم دسترسی ایران به سلاح‌های هسته‌ای در رأس مسائل باشد.<sup>۱</sup>

۱. هنری کسینجر، *دیپلماسی/ امریکا در قرن ۲۱*، ترجمه ابوالقاسم راه‌چمنی، تهران، ابرار معاصر، ۱۳۸۳، ص ۳۲۹.





اگر هنوز جوانانی که در ک شهودی از تاریخ سیطره امریکایی‌ها و اروپایی‌ها در ایران ندارند فکر می‌کنند که انتخاب میان سازش و فراموش کردن گذشته امریکایی‌ها و اروپایی‌ها یک ملاحظه منطقی برای خروج از بخشی از گرفتاری‌هایی است که در این چهل سال بر ملت ما تحمیل شد، یک بار دیگر ابلاغیه برژینسکی و نظریه کسینجر را خارج از حب و بغض‌هایی که ممکن است هر کدام ما نسبت به شخصی یا حکومتی داشته باشیم، مطالعه کنند و در ترازوی آزادی و استقلال ایران که شاید تنها منطق مشترک باشد که ایرانی‌ها دارند، بسنجند.

این سند و ده‌ها سند دیگر و رفتار امریکایی‌ها و امریکا پرستان به ما می‌آموزد که بهترین راه در ک تاریخ و علل دشمنی امریکا با ملت ایران آن است که این دشمنی را بریده بریده و گسسته مطالعه و تحلیل نکنیم بلکه آن را در چهارچوبی متمرکز و با توجه به وسعت و عمق دخالت امریکا در نفی آزادی و مقابله با استقلال ملت ایران در نظر آوریم. امریکایی‌ها از جنگ دوم جهانی که با کمک انگلیس و شوروی سابق، کشور ما را اشغال کردند بالأخص از دهه چهل به بعد، تلاش می‌کنند این تمرکز را مخدوش کرده و به مدد غرب پرستان داخلی در احزاب و گروه‌هایی چون جبهه ملی، نهضت آزادی، جبهه مشارکت، جمعیت توحید و تعاون، حزب اعتدال و توسعه، مجمع روحانیون مبارز و سایر احزاب و گروه‌های فشار و ذی نفوذی که به نام ملی‌گرایی، اصلاح‌طلبی، اعتدالیون و غیره در ایران فعالیت کرده و می‌کنند، حافظه تاریخی ملت ایران را دستکاری یا پاک نمایند.

امریکا پرستان داخلی تا قبل از انقلاب اسلامی برای مخفی نگه داشتن خوی تجاوزطلبی و آدم‌کشی گاوچرانان غرب وحشی، تلاش می‌کردند تا ملت ایران از ماهیت این رژیم استکباری که با ولع غیرقابل وصفی آمده بود تا جای پدر بزرگ انگلیسی خود را در نقاط استراتژیک جهان پر کند، در ک متمرکز و عمیقی نداشته باشد. به همین اعتبار بود که بعضی از امریکا پرستان، از نبودن این تمرکز سوءاستفاده کرده و اثرات حضور نکبت‌بار این گاوچرانان را در ایران ماله‌کشی، انکار یا بزک کردند و تنها راه پیشرفت و تجدد ایران را سپردن امور به دست امریکاییان می‌دانستند. سندی که شرح آن در بالا رفت و ابراهیم یزدی یکی از سران نهضت آزادی آن را از چشم ملت ایران پنهان نگه داشت خود دلیل بارز این ماله‌کشی و بزک کردن امریکا است.

افسانه نجات بخشی امریکائیان<sup>۱</sup> همان‌طوری که خودشان نوشته‌اند از جنگ دوم جهانی در ذهن کارگزاران دولتی ایران شکل گرفت. حسین مکی در کتاب *تاریخ بیست ساله ایران* می‌نویسد:

۱. قبلاً در این رابطه در فصلنامه *پانزده خرداد* مطالب مفصل و مستندی توسط نگارنده نوشته شده است. ر.ک: *پانزده خرداد*، دوره سوم، س. ۱۲، ش. ۴۳-۴۴، بهار و تابستان ۱۳۹۴، ص. ۸۷ به بعد.



از روزی که ویلسن (رئیس‌جمهور آمریکا) طلسم (دکترین مونرو)<sup>۱</sup> را شکست و پیش از آن که آب‌های ساحلی قاره جدید جولانگاه سربازان آلمانی شود لشکرهای آمریکایی را به اروپا فرستاد عمل او روزنه‌امیدی به روی ملل ضعیف شرق گشود که ممکن است عهد عزلت و انزوی آمریکای بزرگ منقضی شده و عواطف بشردوستی و نوع‌پروری آمریکا!! ملل ضعیف شرق را زیر حمایت خود بپذیرد، پرتو ضعیف امید که از افق قاره جدید می‌درخشید میلیون ایران را آنقدر جرأت و جسارت داد که به انتظار مساعدت آمریکا با بحران و احتضار مبارزه کنند و به نیروی امید مجهز شوند. این فکر که باید آمریکای صلح‌جوی بشردوست!! را به ایران علاقمند ساخت و ایران را از دایره محدود مبارزات دو حریف روس و انگلیس رهایی بخشید، زمینه مستعد و مساعدی در افکار میلیون ایران یافت و نخستین انعکاس آن به صورت استخدام مورگان شوستر (در مالیه ایران) جلوه‌گر شد.<sup>۲</sup>

بر اساس همین توهم ساده‌لوحانه بود که مصدق رهبر آمریکاپرستان جبهه ملی و نهضت آزادی، تمام دستاوردهای ملت ایران در جنبش ملی شدن صنعت نفت را به پای آمریکا ریخت و ملت ایران را از درون چاله انگلیس به داخل چاه آمریکا پرتاب کرد.

حکایت نجات‌بخشی آمریکا دقیقاً شبیه حکایت آن گاوچرانی است که در پی گله در بادیه راه را گم کرد و جمعی از راهزنان او را گرفتند و به مخفیگاه خود بردند و لباس‌های او را به طمع یافتن زر و زیور از تن بیرون کردند وقتی از تفتیش لباس چیزی حاصل نشد، گفتند این شخص طرار می‌نماید و در این طراری بس ماهر و چابک است. یحتمل چیزی از زر و زیور فرو برده است. پس وقتی گرفتار این توهم شدند که این بیابانی وحشی و گاوچران! زر و زیور فرو خورده است دوغ ترشی آوردند و از آن بسیار بر او خوراندند تا اسهال بر وی افتاد و پیوسته گرفتار قبض و بسط مزاج شد! یکی از دزدان ابله چوبی به دست گرفت و در میان مدفوع او

۱. دکترین مونرو و Monroe Doctrine یک دکترین سیاسی آمریکایی بود که در ۲۳ دسامبر ۱۸۲۳ توسط جیمز مونرو رئیس‌جمهور وقت آمریکا اعلام شد. این دکترین مخالف استعمار یا دخالت قدرت‌های اروپایی در کشورهای تازه استقلال یافته قاره آمریکا بود. بر اساس این دکترین، دولت ایالات متحده آمریکا تصمیم گرفت که از دخالت در جنگ‌های بین قدرت‌های اروپایی و مستعمرات آنها خودداری، و وقوع جنگ یا فعالیت استعماری در قاره آمریکا را به عنوان حرکتی خصمانه تلقی کند. با اتخاذ این دکترین آمریکا وارد دورانی شد که به دوران انزو شهرت دارد. در جنگ آمریکا علیه اسپانیا در سال ۱۸۹۸ دکترین مونرو به اوج رسید. اما وودرو ویلسون با وارد کردن آمریکا به جنگ جهانی اول خط بطلانی بر این دکترین کشید و از دوران انزو خارج شد.

۲. حسین مکی، تاریخ بیست ساله ایران، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۹، ج ۲، چاپ چهارم، ص ۱۰۱. چاپ اول این اثر در تاریخ ۱۳۲۴ منتشر شد.



می‌زد و زر و زیور جست و جو می‌کرد. گاوچران بخندید. گفتند چرا می‌خندی؟ گفت من در دیار خود قند و نبات می‌خورم از من مدفوع جدا می‌شد اکنون که در این بادیه دوغ ترش می‌خورم زر و زیور چگونه جدا شود؟!

طرارانی که افسانه نجات بخشی امریکا را در جبهه ملی و نهضت آزادی یافتند هیچ‌گاه از خود نپرسیدند که چگونه امکان دارد گاوچرانانی که از غرب وحشی آمده‌اند و تمام سرمایه و زمین خود را از کشتار و غارت بومیان منطقه امریکا یعنی سرخ‌پوستان به دست آورده‌اند و دموکراسی و حقوق بشر آنها بر بنیاد برده‌داری و تجارت انسان‌ها و قتل و وحشی‌گری استوار است و خودشان در فیلم‌های هالیوودی خود را پایه‌گذار غرب وحشی می‌دانند، چگونه می‌توانند نجات بخش ملت‌های گرفتار و مبشر دموکراسی و حقوق بشر باشند؟!

البته هنوز هم میلیون!! مورد نظر حسین مکی باور نمی‌کنند که این تمایلات و توهمات آنها مانند توهمات اسلافشان که فکر می‌کردند مشروطه از آثار پارلمان اروپا است و ملت ایران چشم به کرامات ملت دموکرات انگلیس دوخته‌اند تا مشروطه و تجدد و ترقی ایران را امضا کرده و به رسمیت بشناسند و در نهایت مشروطه را از دیگ پلوی انگلیسی‌ها در آورند، چه هزینه‌های سنگینی را بر ملت ایران تحمیل کرد و این هزینه‌ها هنوز هم ادامه دارد.

داوری امریکایی‌ها درباره این تناقض در مورد بخشی از بدنه امریکا پرستان ایران جالب است:

صریح‌ترین انتقادات از ایالات متحده در میان آنهاست... بیگانگی بیشتر دانشجویان ایران از جامعه سیاسی آنها در نتیجه اختلافاتی است که آنها بین ایده‌آل‌ها و آرمان‌های خود از یک سو و واقعیت‌های اوضاع در ایران از سوی دیگر می‌بینند. در کشوری مانند ایران که نسبت به سیاست یک نوع کلی مسلکی<sup>۱</sup> و بی‌باوری و تحقیر وجود دارد، مایه شگفتی و نیز مایه شادی است که متوجه شویم که آرمان‌گرایی و به ویژه ایمان و اعتقاد به آزادی‌های مدنی و حکومت دموکراتیک مورد علاقه این همه جوانان است... اشتباه خواهد بود اگر اهمیت ایده‌آل‌های مورد احترام ایالات متحده را در نزد این

۱. نخستین نظریه پردازان خوشبختی در فلسفه یونانی، کلیبان یا کلیبی مسلمان، معتقد بودند انسان هر چه کمتر داشته باشد، خوشبخت‌تر است. راه حل آنها برای رسیدن به خوشبختی حداکثری، قناعت بود. نظر آنها این بود که تعلقات آدمی، باعث بدبختی بشر است، هر چه انسان از بار تعلقی آزادتر باشد، دغدغه فکری‌اش کمتر بوده و راحت‌تر زندگی می‌کند. برای مثال مشهورترین کلیبی مسلک دیوگنس (دیوجانس) نام داشت که تمام عمر خود را در خمره‌ای مثل سگ زندگی کرد و از مال دنیا تنها ردا، عصا و کیسه نانی داشت. وجه تسمیه کلیبی مسلکی (سگ‌مسلکی) به این جریان به خاطر شیوه زندگی پایه‌گذار این فکر بود که مثل سگ در سوراخ خمره‌ای می‌خوابید و اعتنایی به دنیا نداشت.



جوانان دست کم بگیریم. یکی از جالب‌ترین پدیده‌ها در ارتباط با دانشجویان رادیکال در دانشگاه تهران این است که در حالی که آنها ایالات متحده را به خاطر پشتیبانی از شاه و از سیاست‌های آرام‌سازی او که به عقیده آنها جز سالوسی، و سرکوبگری و پارتی‌بازی چیز دیگری نیست، محکوم می‌کنند، بیش از هر چیزی مایل به تحصیل در ایالات متحده بوده و ایالات متحده را به خاطر سیاست خارجی و حمایت از رژیم کنونی ایران مورد سرزنش قرار می‌دهند.<sup>۱</sup>

این تناقض بین آرمان‌ها و واقعیت‌های موجود در دیوانسالاری و منورالفکری ایران از مباحث بنیادینی است که هیچ‌گاه دقیق، عمیق و مستند مورد تجزیه و تحلیل قرار نگرفته است و ملت ما و جامعه روشنفکری ما به خاطر نپرداختن به این مسئله هنوز هم هزینه می‌پردازد.

اولین کسی که با قدرت و شجاعت زایدالوصفی این حضور نکبت‌بار را با تمام ارکانش مورد تهاجم قرار داد، امام خمینی بود که در آن نطق تاریخی ۴ آبان ۱۳۴۳ فریاد زدند:

ای سران اسلام، به داد اسلام برسید، ای علمای نجف، به داد اسلام برسید. ای علمای قم، به داد اسلام برسید؛ رفت اسلام. ای ملل اسلام، ای سران ملل اسلام، ای رؤسای جمهور ملل اسلامی، ای سلاطین ملل اسلامی، ای شاه ایران، به داد خودت برس. به داد همه ما برسید. ما زیر چکمه امریکا برویم، چون ملت ضعیفی هستیم؟! چون دلار نداریم؟! امریکا از انگلیس بدتر، انگلیس از امریکا بدتر، شوروی از هر دو بدتر. همه از هم بدتر؛ همه از هم پلیدتر. اما امروز سر و کار ما با این خبیث‌هاست! با امریکا است. رئیس‌جمهور امریکا بداند - بداند این معنا را که منفورترین افراد دنیاست پیش ملت ما. امروز منفورترین افراد بشر است پیش ملت ما. یک همچو ظلمی به دولت اسلامی کرده است، امروز قرآن با او خصم است؛ ملت ایران با او خصم است. دولت امریکا بداند این مطلب را. ضایعش کردند در ایران؛ خراب کردند او را در ایران... تمام گرفتاری ما از این امریکا است! تمام گرفتاری ما از این اسرائیل است! اسرائیل هم از امریکا است. این و کلا هم از امریکا هستند! این وزرا هم از امریکا هستند! همه تعیین آنهاست. اگر نیستند

۱. اسناد لانه جاسوسی/ امریکا، ج ۲۰، ص ۵۰-۴۹. این گزارش در ۳۰ آذر سال ۴۲ نوشته شده است.



چرانمی ایستند در مقابلش داد بزنند؟<sup>۱</sup>

پیروزی انقلاب اسلامی ایران این تمرکز را ایجاد کرد. وقتی امام خمینی گفت امریکا شیطان بزرگ است، نه تنها پراکندگی نقش این ابلیس در حمایت از رژیم پهلوی و غارت سرمایه‌های ملی و تحقیر ملت ایران و از همه مهم‌تر اضمحلال استقلال و آزادی کشور متمرکز شد بلکه در منطقه و حتی در جهان نیز این تمرکز مورد توجه قرار گرفت و حضور امریکا در خلیج فارس و منطقه آسیا و آفریقا را که امریکا پرستان حضوری نجات‌بخش القا کرده بودند، متزلزل ساخت. امریکایی‌ها از این تمرکز وحشت دارند و صدور این تمرکز را که به نوعی صدور انقلاب است، برای منافع خود خطرناک می‌بینند. بی‌تردید یکی از دلایل کین‌ورزی امریکا نسبت به انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی انتقام‌گیری از امام خمینی برای ایجاد همین تمرکز بود که چهره بدتر کیب این پدرخوانده دموکراسی و حقوق بشر را بر ملا کرد و نقاب تزویر و حقه‌بازی را از چهره بزک کرده امریکا کنار زد.

اکنون با مقاومت چهل‌ساله ملت بزرگ ایران در مقابل خوی تجاوزطلبی گاوچرانان غرب وحشی، تمام ابزارهای فشار برای به زانو در آوردن ایران، اعتبار خود را به عنوان ابزار کارآمد و اثرگذار، از دست داده است و امریکا و متحدان اروپایی‌اش با یک چرخش ارتجاعی و رنگ و رو رفته، تنها راه مقابله با انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی را ترویج ترور و خشونت علیه مردم ایران و ایجاد آشوب‌ها و اغتشاشات کور و مخرب قرار داده‌اند. یعنی کسانی که در ذات اندیشه سیاسی خود ضدانقلاب هستند ترویج خشونت، کشتار، ترور و تخریب را انقلاب می‌نامند و می‌خواهند از دل آن دموکراسی استخراج کنند؛ در حالی که تا دیروز می‌گفتند از دل خشونت و ترور دموکراسی زاده نخواهد شد.

روشی که امروز امریکایی‌ها و اروپایی‌ها برای به شکست کشاندن انقلاب اسلامی از آن استفاده می‌کنند روشی ناشناخته و جدید نیست. در دهه اول انقلاب نیز به سرمدمداری گروه تروریستی «سازمان مجاهدین غرب!!» (منافقین)<sup>۲</sup> و سایر گروه‌های مارکسیستی و تروریستی آن را تجربه کرده و به جایی نرسیدند. به قول سی‌رایت میلز<sup>۳</sup> جامعه‌شناس مشهور امریکایی، این واقعیت از اهمیت خاصی برخوردار است که همواره به یاد داشته باشیم، گروه کوچکی که در قلب امریکا و سایر ابرقدرت‌ها، قدرت را در دست دارند بر اساس این اصل حرکت می‌کنند که خشونت نظامی و سیاست مدنی و تمایل به جنگ، داده‌های استوار قطعی، اجتناب‌ناپذیر و رئالیست به شمار می‌آیند.<sup>۳</sup>

۱. صحیفه/امام، ج ۱، ص ۴۲۲-۴۲۰.

2. Charles Wright Mills

۳. سی‌رایت میلز، علل جنگ جهانی سوم، ترجمه فریبرز برزگر، تهران، جاویدان، ۱۳۵۶، ص ۴۴.



بنابراین هر گونه تردیدافکنی پیرامون علل صف‌آرایی دشمنان انقلاب اسلامی در مقابل ملت ایران با توجه به رفتارهای چهل سال گذشته، به راستی تردید پیرامون شرایط انسانی حق تعیین سرنوشت ملت‌هاست. کسانی که در پوشش دفاع از آزادی و روابط با جهان در این چهل سال با پنهان کردن سندهای سیاست‌های استکباری امریکا و هم‌پیمانانش شرایط را برای غربی‌ها فراهم کردند و با استفاده از ناجوانمردانه‌ترین روش‌ها ملت ایران را تحریم کرده و زیر فشار قرار دادند، در هر پست و مقام و در هر حزب و جناحی که باشند، در این جنایت شریک هستند و روزی باید در پیشگاه الهی به این ظلمی که به ملت ایران روا داشتند پاسخگو باشند.

اکنون با چهل و چند ساله شدن این صف‌آرایی، آن شرایط انسانی حق تعیین سرنوشت و کنار نیامدن با دشمنانی که هیچ منطقی جز منطق تسلیم‌طلبی مطلق ملت‌های مقاوم ندارند، بیش از پیش برای مردم ایران به صورت یک حق غیر قابل معامله خودنمایی می‌کند. همان‌طوری که دشمنان ایران و در رأس آن امریکا غالب‌انگیزه‌های خود را برای به زانو درآوردن ما اجتناب‌ناپذیر می‌بیند و در سند استراتژی امنیت ملی خود در قرن بیست و یکم آن را یک سیاست استراتژیک برای بیست و پنج سال آینده اعلام می‌کند ملت ایران با کدام منطق انسانی باید سرنوشت خود را به دست امریکایی‌ها دهد و دوباره همان شرایط بردگی دوران شاهنشاهی به ایران حاکم شود؟ امریکایی‌ها در این سند می‌نویسند:

ایران باید یا از جمهوری بودن دست بردارد و یا اسلامی بودن را کنار بگذارد. نبرد برای آن آینده هم‌اینک آغاز شده است. اما نتیجه برای کسی روشن نیست. اگر رژیم فعلی سقوط کند امواج آن در سراسر جهان اسلام احساس خواهد شد و به تبع آن، جنبش‌های اسلامی ضربه خواهند خورد. این امر راه را برای برقراری روابط پسندیده (بخوانید باب میل امریکا) میان ایالات متحده و ایران را هموار خواهد ساخت که اثرات منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای آن بسیار گسترده خواهد بود.<sup>۱</sup>

هر کسی اجتناب‌ناپذیر بودن این استراتژی را انکار کند و با اظهار نظرها، نوشته‌ها یا اتخاذ روش‌هایی بخواهد چهره کریه این دشمن عنود را بزک کند، یا خارج از عالم واقع‌بینی یا گرفتار ساده‌لوحی و جهل مطلق است و یا بی‌تردید دانسته یا نادانسته در خدمت منافع امریکا است. سیاست‌مداران، روزنامه‌نگاران، ژنرال‌های فتنه‌های خیابانی در قالب ورزشکار

۱. استراتژی امنیت ملی امریکا در قرن ۲۱، ترجمه جلال دهمشکی و دیگران، تهران، ابرار معاصر، ۱۳۸۳.



و هنرمند و غیره، تمامی شبکه‌های داخلی و خارجی که هم‌اینک به نحوی در این صف آرای‌ی غیرانسانی و ناجوانمردانه در مقابل ملت ایران حضور دارند و تلاش می‌کنند استقامت مردم را در هم شکنند و سقوط ایران را اجتناب‌ناپذیر نشان دهند بیش از هر چیزی نادانی‌های سیاسی و تاریخی و افول اندیشه‌های انسانی و اخلاقی خود را به نمایش می‌گذارند.

یک بررسی کوتاه از آنچه میان ملت ایران و آمریکا و شرکا و امریکاپرستان گذشت به ما می‌گوید که ملت ایران با امریکایی‌ها و هم‌پیمانان داخلی و خارجی‌اش به خط پایان راه‌های خوش‌بینانه برای حل مشکلاتش رسیده است؛ این راه‌ها فقط و فقط به مرگ استقلال، آزادی و تمامیت ارضی و عزت و کرامت ما می‌انجامد و بس.

نه آمریکا، نه اروپا و نه غرب در کلیت ایدئولوژیک‌شان، آزادی و استقلال ملت‌ها را به عنوان یک واقعیت انسانی و قانونی نپذیرفته‌اند. همزیستی مسالمت‌آمیز، حقوق بشر، آزادی و پیشرفت برای سایر ملل هم در گذشته و هم حال و هم آینده یک برنامه تبلیغاتی صرف است. به همین دلیل باید گفت که سیاست آمریکا و اروپا در برابر ملت ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و کوتاه شدن دست آنها از منابع و سرمایه‌های ما، همچنان متحجر، انعطاف‌ناپذیر، استکباری، استبدادی و استعماری است.

آنها نپذیرفته‌اند که هم ملت ایران و هم حکومت ایران عوض شده است. آنها همچنان به دکترین جنگ‌افروزی، اغتشاش‌گرایی، فتنه‌انگیزی و تحریم خود ادامه می‌دهند. این دکترین بنیاد اصلی سیاست آمریکا بوده، هست و خواهد بود. دکترین‌ها عوض نشده‌اند فقط ابزارهای اجرای دکترین‌ها عوض شده است. قبلاً تجاوزطلبی، سیاست قایق‌های توپدار، بمباران شیمیایی، ایجاد جنگ‌های نیابتی، سازماندهی کودتا و غیره بود اکنون به جای ارتش و بمب از شوالیه‌های تاریکی، کوکتل مولوتف، تخریب‌های خیابانی، ترورهای کور مردم بی‌گناه و اعتمادزدایی و اعتبارزدایی با استفاده از سربازان کم‌سن و سالی است که نه در کی از آزادی دارند و نه در کی از استقلال. نه معنای مستبد را می‌فهمند و نه شناختی از نظام استبدادی دارند. تمام آرمان‌های این سربازان زبان‌بسته و حقیر مانند سیاست‌های اجباری رضاخان در برداشتن کلاه و تعویض لباس و زدودن عفت، کرامت و شرافت زن ایرانی خلاصه می‌شود.





# مقالات



## دام نامرئی

فرآیند سقوط منتظری در دام سازمان مجاهدین خلق

غلامرضا خارکوهی<sup>۱</sup>

### اشاره

مرداد سال ۱۳۶۷ یادآور واقعه تلخ تهاجم سازمان منافقین با چتر حمایت ارتش صدام رئیس‌جمهور بعثی عراق به مرزهای غربی ایران است. این تهاجم که عملیات «فروغ جاویدان» نام داشت موجب شد که زندانیان منافق در شهرهای مختلف ایران خوشحال شده و آماده برای پیوستن به متجاوزان شوند تا به زعم خود زمام کشور را به دست گیرند. به همین جهت آنها ضمن ابراز خوشحالی و پایکوبی در زندان‌ها دست به شورش، آتش‌سوزی، کُشتن و ضرب و شتم توأبین واقعی زدند. در نتیجه از یک‌سورزمندگان اسلام اعم از نیروهای بسیج و سپاه و ارتش و هوانیروز با اجرای عملیات «مرصاد» به مقابله با متجاوزان پرداختند و آنها را تارومار کردند، از طرف دیگر امام خمینی در خصوص منافقین زندانی، دستور داد که آنها که هنوز بر سر موضع دشمنی با نظام اسلامی هستند و قصد جنگ مسلحانه علیه ملت دارند

۱. تاریخ‌نگار انقلاب اسلامی





معدوم شوند. در این میان آیت‌الله حسینعلی منتظری که قائم مقام رهبری بود و می‌بایست مدافع مردمش باشد، شدیداً با این حکم مخالفت کرد و به حمایت از تروریست‌ها پرداخت. از طرفی وارثان سیاسی آیت‌الله منتظری پس از مرگش، اقدام به انتشار فایل صوتی او در تاریخ ۱۹ مرداد سال ۱۳۹۵ کردند. این فایل حاوی سخنان اعتراضی و انتقادی او نسبت به اعدام منافقین - همزمان با هجوم نیروهای این سازمان با چتر حمایتی ارتش صدام - بود، که خیلی خبرساز شد. لذا به این مناسبت ما در این مقاله به شرح روابط او و عوامل بیتش با منافقین و نفوذ تروریست‌ها در دفترش می‌پردازیم.

## تعاملات دوران مبارزه

یکی از اقدامات چالش برانگیز آقای منتظری در دوران مبارزه، حمایت ایشان از گروه «سازمان مجاهدین خلق» بود. او نه تنها از این سازمان حمایت سیاسی و مالی می‌کرد، بلکه دیگران را نیز تشویق به حمایت از آنها می‌نمود. آقای منتظری حتی در تاریخ ۱۱ فروردین ۱۳۵۱ - ۱۵ صفر ۱۳۹۲ ق - نامه‌ای به امام خمینی در نجف اشرف نوشت و از او خواست که نیروهای این سازمان را تأیید نماید و مورد حمایت قرار دهد. ولی امام از وظیفه اسلامی خویش سر باز نزد:

بسمه تعالی

۱۵ صفر ۱۳۹۲

حضرت آیت‌الله العظمی - مدظله العالی

پس از تقدیم سلام و تحیت، به عرض عالی می‌رساند که چنانچه اطلاع دارید عده زیادی از جوان‌های مسلمان و متدین گرفتارند و عده‌ای از آنان در معرض خطر اعدام قرار گرفته‌اند. تصلب آنان نسبت به شعائر اسلامی و اطلاعات عمیق و وسیع آنان بر احکام و معتقدات مذهبی، معروف و مورد توجه آقایان و روحانیون واقع شده است، و بعضی از مراجع و جمعی از علمای بلاد اقداماتی برای تخلص آنان کرده‌اند و چیزهایی نوشته شده؛ و بجا و لازم است که از طرف حضرت تعالی نیز جهت تقویت و حفظ دماء آنان چیزی منتشر شود. این معنی در شرایط فعلی ضرورت دارد. چون مخالفین سعی می‌کنند آنها را منحرف قلمداد کنند. البته کیفیت آن بسته به نظر حضرت تعالی است. در خاتمه از حضرت تعالی ملتمس دعای خیر می‌باشم.

ح-ع-م.

امام خمینی نه تنها گروه «سازمان مجاهدین خلق» را تأیید نکرد، بلکه اجازه پرداخت وجوهات شرعی را نیز به آنها نداد. اما آقای منتظری، به خاطر ارتباط نزدیکی که با این سازمان داشت، از محل وجوهات مردم، به آنها کمک مالی می کرد.<sup>۱</sup> درست است که در آن زمان علاوه بر آقای منتظری شخصیت‌های دیگری هم بودند که از این گروه حمایت می کردند، اما این ایراد به فردی مثل آقای منتظری که خود را وکیل و نماینده مطلق امام خمینی در ایران و همه کاره او در اینجا می دانست! بیش از دیگران وارد است.<sup>۲</sup>

## نگاهی به کارنامه منافقین

پس از پیروزی انقلاب اسلامی سران سازمان مجاهدین خلق معروف به «منافقین» انتظار داشتند حکومت جدید ایران در اختیارشان قرار گیرد. آنها برای نیل به این هدف دست به اقدامات مختلفی زدند:

۱. سرقت سلاح‌های نظامی از پادگان‌ها و تقویت تسلیحاتی سازمان؛
۲. تشکیل شاخه نظامی سازمان تحت عنوان «میلیشیا»؛
۳. توسعه تشکیلات و جذب و سازماندهی گسترده نیروهای جوان؛
۴. تلاش برای انحلال ارتش و جایگزین کردن میلیشیا به جای آن؛
۵. بهره‌برداری سیاسی از چتر حمایت برخی از شخصیت‌های معروف مثل آیت‌الله سید محمود طالقانی، شیخ حسن لاهوتی، شیخ علی تهرانی و دکتر شیخ علی گلزاده غفوری؛
۶. تلاش برای فتح مراکز قدرت از طریق نفوذ در نقاط حساس سیاسی، اقتصادی، امنیتی، نظامی و قضایی؛
۷. گسترش فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی، انتشاراتی و مطبوعاتی در جامعه؛
۸. افزایش آموزش‌های رزمی، تشکیلاتی، سیاسی و ایدئولوژیک از نوع التقاطی، مخصوصاً وارونه‌انگاری آموزه‌های قرآن و نهج‌البلاغه؛
۹. همدستی با بنی‌صدر رئیس‌جمهور، و نفوذ در دفتر او و بیت آیت‌الله طالقانی و آیت‌الله منتظری؛
۱۰. همکاری و هم‌صدایی با تجزیه‌طلبان ضدانقلاب در مناطق قومی کشور؛
۱۱. اعلام رسمی جنگ مسلحانه علیه جمهوری اسلامی و ملت ایران در ۳۰ خرداد ۱۳۶۰؛

۱. از قرار معلوم نه فقط در دوران مبارزه علیه رژیم پهلوی، بلکه بعد از پیروزی انقلاب نیز بخشی از وجوهات شرعی که سهم امام زمان (عج) و بیت‌المال مسلمین محسوب می‌شود، توسط آقای منتظری به جیب منافقین تروریست و لیبرال‌ها و ملی‌گراها و باند آدم‌کش سید مهدی هاشمی می‌رفته است.

۲. غلامرضا خارکوهی، فراز و فرود آیت‌الله منتظری، آماده انتشار.



۱۲. بمب گذاری در اماکن عمومی و کوچه و بازار و تخریب اموال مردم؛
۱۳. همکاری سیاسی - نظامی با ارتش متجاوز صدام، رئیس جمهور دیکتاتور عراق؛
۱۴. جاسوسی و خبر چینی برای دشمنان خارجی مخصوصاً آمریکا و اسرائیل؛
۱۵. آدم ربایی و شکنجه و کشتار مردم بی گناه ایران؛
۱۶. ربودن هواپیماهای مسافربری ایران و انتقال آن به کشورهای متخاصم؛
۱۷. سرقت اموال و سرمایه های مردم از بانک ها؛
۱۸. انجام عملیات تروریستی و شهادت مردم کوچه و بازار و مسئولان خدمتگزار؛
۱۹. سرقت اسناد و اسرار و اطلاعات محرمانه از مراکز دولتی؛
۲۰. سرسپردگی کامل به دولت های استکباری مخصوصاً آمریکا، اروپا، اسرائیل، عربستان و عراق (در زمان صدام).

در این راستا آیت الله منتظری با توجه به سابقه همکاری نزدیک با آنها در قبل از پیروزی انقلاب، و نیز به خاطر سادگی سیاسی مفرط، و ولنگاری دفترش در مواجهه با مراجعان، به عنوان یک هدف مهم در دستور کار سازمان منافقین قرار گرفت؛ به طوری که از سال ۱۳۶۴ که ایشان به عنوان جانشین امام و رهبر آینده جمهوری اسلامی معرفی شد، مخفیانه در کانون توجه منافقین و جاسوسان این سازمان قرار گرفت. پیش از آن آقای منتظری در پیام ها و سخنان خود بارها از این سازمان با عنوان «منافقین» یا تعبیر تند دیگر یاد کرده بود، اما بعد از انتخابش به عنوان قائم مقام رهبری، به تدریج تحت تأثیر منافقین و لیبرال های نفوذی، این کلیدواژه را از ادبیات سیاسی خود حذف نمود، تا جایی که حتی به دفاع از آنان پرداخت و نوشت: تعبیر به «منافق» در مورد «سازمان مجاهدین خلق» صحیح نیست.<sup>۱</sup>

### مجاری نفوذ عوامل منافقین در بیت منتظری

«نفوذ» موضوع جدیدی در تاریخ انقلاب اسلامی نیست. قبل از انقلاب همه چیز ایران در دست امریکایی ها و انگلیسی ها بود. آنها همه جا آدم داشتند. اما انقلاب که پیروز شد همه چیزشان به هم ریخت. لذا از اول پیروزی انقلاب دشمنان ملت برای تغییر دادن مسیری که امام خمینی دنبالش بود، به طرح نفوذ در ارکان انقلاب پرداختند.<sup>۲</sup> در این میان کارشناسان سازمان سیا با ارزیابی عمیق آقای منتظری، به این نتیجه رسیدند که او به دلیل ناتوانی در فهم مسائل سیاسی و شخصیت ساده لوحی که دارد، به آسانی فریب می خورد. سفارت امریکا در

۱. خاطرات آیت الله منتظری، اتحادیه ناشران ایرانی در اروپا، ۱۳۷۹، ص ۶۲۰.

۲. مصاحبه با حجت الاسلام والمسلمین حیدر مصلحی، رمز عبور، ش ۲۲، مهر و آبان سال ۱۳۹۵، ص ۶.

تهران در گزارش محرمانه مورخ ۶ آبان ۱۳۵۸ در مورد ملاقات عوامل خود با آقای منتظری چنین نوشت:

کارمند سیاسی سفارت و کارمند اعزامی وزارت خارجه امریکا در ۲۵ اکتبر به مدت ۴۵ دقیقه با آیت الله حسینعلی منتظری در دفتر وی در مجلس خبرگان ملاقات کردند... با توجه به این ملاقات کوتاه مدت، ما چنین احساس می کنیم که وی یک متفکر سیاسی متبحر نبوده، و اکثر مطالبی که به وی استناد می شود یا برایش نوشته شده و یا توسط دیگران در دهانش گذاشته اند.<sup>۱</sup>

به گفته حجت الاسلام حیدر مصلحی وزیر سابق اطلاعات، احساس دشمن و استکبار از انقلاب ما این بود که این انقلاب مثل بقیه انقلاب های دیگری است که در دنیا اتفاق افتاده است؛ مثل انقلاب روسیه، فرانسه و در کشورهای اسلامی الجزایر، مصر و جاهای مختلف. در همه این انقلاب ها بعد از مدت کوتاهی اوضاع سر جای اولش برگشت. اما در انقلاب اسلامی امام خمینی از همان ابتدا با سرعت ساختاری را چید که دشمنان به راحتی نمی توانستند با آن مقابله و در آن نفوذ کنند. یکی از بحث های جدی این ساختار مقوله ولایت فقیه و رهبریت نظام است.<sup>۲</sup> لذا وقتی دشمن دید در اطراف امام خمینی نمی تواند نفوذ کند، به سراغ قائم مقام و جانشین او رفت. به طوری که به گفته سردار یوسف فروتن، افکار منافقان بر بیت آقای منتظری چنان حاکم شد که او همواره تحت تأثیر گزارش های منافقانه افرادی که در بیتش رفت و آمد می کردند قرار داشت.<sup>۳</sup>

منافقین از مجاری مختلف ذهن آقای منتظری را تحت تأثیر خود قرار می دادند. گاهی با تدوین و ارسال نامه ها و اسناد جعلی به عنوان افشای مظالم جمهوری اسلامی در زندان ها یا جاهای دیگر، او را نسبت به امام و مقامات حکومتی بدبین می کردند؛ گاهی افرادی ظاهراً به عنوان تواب در بیت منتظری رفت و آمد و با شخص او ملاقات می کردند؛ یا اعضای تروریست سازمان منافقین که در زندان ها بودند به نامه نگاری های دروغین برای او می پرداختند، یا با نماینده اعزامی آقای منتظری در زندان ملاقات می کردند و مطالب خود را به او القاء می نمودند و به واسطه او این القاءات شیطانی به آقای منتظری منتقل می شد و روی ذهنش اثر منفی می گذاشت. حتی سید هادی هاشمی - رئیس دفتر آقای منتظری - معتقد

۱. اسناد لانه جاسوسی/ امریکا (اسناد منتشر نشده) کتاب دهم، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، ص ۷۰۶ و ۷۰۸.

۲. مصاحبه با حجت الاسلام والمسلمین حیدر مصلحی، همان.

۳. آرشیو شخصی مؤلف، مصاحبه با سردار یوسف فروتن، ۳۱ اردیبهشت سال ۱۳۹۶.



بود که سازمان مجاهدین خلق بر رژیم جمهوری اسلامی ارجحیت دارد و بیت منتظری باید با منافقین خارج کشور ارتباط داشته باشد!<sup>۱</sup>

تأثیرپذیری آیت‌الله منتظری از منافقین آنقدر عمیق شد که او در مرداد سال ۱۳۶۷ طی نامه‌ای به امام خمینی صراحتاً از اعدام چند منافق تروریست دفاع کرد و خبرش را نیز عوامل نفوذی بیتش به رسانه‌های خارجی دادند و تبلیغات زیادی علیه جمهوری اسلامی به راه انداختند. همه این تسهیلات توسط باند سید مهدی و سید هادی هاشمی و سعید و احمد منتظری و برخی دیگر از عوامل اطراف آیت‌الله منتظری فراهم شد.<sup>۲</sup>

### تعامل نزدیک زندانیان منافق با رابط آقای منتظری

یکی از راه‌های نفوذ منافقین در افکار آیت‌الله منتظری از طریق منافقینی بود که به خاطر رأفت جمهوری اسلامی اعدام نشده و در زندان‌ها نگهداری می‌شدند. این افراد از داخل زندان نه می‌توانستند به بیت منتظری مراجعه کنند و نه می‌توانستند با او ملاقات نمایند. اما از طریق واسطه یک رابط متنفذ بهترین تأثیر را روی افکار او می‌گذاشتند و مأموریت شیطانی خود را انجام می‌دادند. این واسطه آقای انصاری نجف‌آبادی بود که ظاهراً نام واقعی‌اش «ناصری» بوده است. آقای انصاری یکی از نمایندگان آیت‌الله منتظری در امور زندان‌ها بود.

برای معرفی او کافی است دو نکته را روشن نماییم: اولاً او یکی از افراد پروپاقرص باند سید مهدی هاشمی بود. چنان که وقتی در مهر ماه سال ۱۳۶۵ سید مهدی بازداشت شد، آقای انصاری نجف‌آبادی برای دفاع از او، به اتفاق شخص آیت‌الله منتظری و فرزندش - سعید - و دامادش سید هادی هاشمی به اضافه آقایان علی اصغر کیمیایی فر، سلمان صفوی، ابوشریف و حسن نژاد، اقدام به تدوین و انتشار اطلاعیه‌ای با عنوان جعلی «جمعی از طلاب و فضلاء حوزه علمیه قم» نمود.<sup>۳</sup>

ثانیاً مسئولیتی فراتر از توان آقای انصاری نجف‌آبادی به او سپرده شد. آقای منتظری فردی ساده‌لوح و خوش‌باور مثل خودش را برای نمایندگی در امور زندان‌های سیاسی و نظارت بر کار قضات برجسته تعیین کرد. در حالی که زندانیان سیاسی افراد معمولی نبودند، بلکه کمونیست‌ها و منافقین و تروریست‌ها و جاسوسان کار کشته‌ای بودند که تا آن زمان دستشان به خون ۱۵ هزار زن و مرد بی‌گناه - پیر و جوان و کودک - آلوده بود و در خدمت

۱. اخذ از اعترافات سید مهدی هاشمی، رک: حجت‌الاسلام سید احمد خمینی، رنجامه، ص ۳۸-۳۹.

۲. غلامرضا خارکوهی، همان.

۳. این اطلاعیه در تاریخ ۲۴ مهر ۱۳۶۵ منتشر شد. رک: محمد محمدی ری‌شهری، سنجه انصاف قم، دارالحديث، ۱۳۹۱، ص ۳۲۲.





ارتش صدام و مراکز جاسوسی آمریکا و انگلستان و اسرائیل و عربستان بودند. لذا برای سخن گفتن با چنین زندانیان سیاسی خطرناک و حرفه‌ای لازم بود فردی مطلع، با هوشیاری سیاسی بالا و مسلط به ترفندهای منافقین تعیین شود. به همین جهت آقای انصاری نجف آبادی به راحتی از منافقین زندانی گول می‌خورد و تحت تأثیر مظلوم‌نمایی و دروغ‌های آنها قرار می‌گرفت. اما آیت‌الله منتظری که او را «مرد فاضل خوبی» می‌دانست، به عنوان نماینده ویژه خود برای نظارت بر کار دادستان‌ها و بازجوها و زندانبانان تعیین نمود.

برای روشن‌تر شدن موضوع کافی است ابتدا فردی به نام ایرج مصداقی را که از اعضای قدیمی و با تجربه سازمان منافقین در زندان بود، معرفی نماییم. او در سال ۱۳۶۰ دستگیر شد و به خاطر جنایات زیادش علیه مردم به ده سال زندان محکوم گردید. او از رهبران اصلی تشکیلات و شبکه مخفی منافقین در زندان محسوب می‌شد و نقش بسیار پررنگی در شست‌وشوی مغزی جوانان فریب‌خورده سازمان و تلاش برای عدم بازگشت آنان به دامن ملت داشت. به قول خودش او «منافق تیر» محسوب می‌شد؛ یعنی کسی که شایسته تیرباران است. هر چند که رأفت جمهوری اسلامی باعث شد که او و بسیاری از تروریست‌های دیگر اعدام نشوند.

ایرج مصداقی پس از آزادی از زندان به خارج از کشور گریخت و مجدداً به دوستان منافقش پیوست، و هم اکنون با کمک رسانه‌های غربی مشغول تبلیغات دروغین، علیه جمهوری اسلامی است. او در خارج کشور چهار جلد کتاب علیه جمهوری اسلامی نوشت که آن را توسط انتشارات «آلفابت ماکزیم» در سوئد منتشر کرد، و در آن به تشریح خاطرات دوره زندان خود پرداخت. او در لابه‌لای کتابش - در عین آن که بسیار ماهرانه سعی کرده تصویر وحشتناک مورد نظر خود را از زندان‌های ایران عرضه کند - ناخواسته حقایق را لو داده است. از جمله چنین نوشته است:

روزی، در حالی که در بهداری روی تختم دراز کشیده بودم، در اتاق باز شد و آخوندی به نام ناصری [انصاری نجف آبادی] به همراه پاسداران و مسئول بهداری وارد اتاق شدند. وی خودش را ناصری «نماینده آیت‌الله منتظری در امور زندان‌ها» معرفی کرد و تلاش کرد که با تک‌تک ما صحبت کند.<sup>۱</sup>

مصداقی از صحبت با او امتناع نمود، ولی نماینده آیت‌الله منتظری با خواهش و اصرار به صحبت با مصداقی پرداخت. طبق مطالب این کتاب، مصداقی در صحبت‌هایش بسیار از موضع بالا بر خورد کرد تا نشان دهد که از هر چه رنگ و بوی نظام دارد متنفر است؛ اما با

۱. ایرج مصداقی، *خاطرات زندان*، سوئد، آلفابت ماکزیم، ج ۲، ص ۱۳۶.

کمال تعجب، چند روز بعد از آن صحبت‌ها، مصداقی را به دفتر زندان فرامی‌خوانند و در آنجا با «انصاری نجف آبادی» (یعنی ناصری) مواجه می‌شود که منتظر اوست. مصداقی شرحی از گفت‌وگوی خود با انصاری را در کتابش آورده و مدعی شکنجه روی خود و دیگر زندانیان شده است. باید توجه کرد که در سازمان منافقین طبق یک مَشی تشکیلاتی، اعضا موظف بودند با تمام توان راجع به انواع شکنجه‌های دروغین روی خود سخن بگویند و آن را واقعی جلوه دهند. به این منظور حتی گاهی زندانیان زن منافق که محکوم به اعدام بودند، خود را از آله بکارت می‌کردند، و نیز برخی زندانیان مرد منافق محکوم به اعدام، آلت خود را با سیگار می‌سوزاندند تا پس از آن که جسدشان به خانواده‌شان تحویل شد، آنها به شکنجه شدن فرزندانشان یقین کنند!

مصداقی نوشته که:

[انصاری] چند بار در خلال صحبت‌هایش گفت: من دست شما را می‌بوسم، می‌دانم مظلوم واقع شده‌اید. «آقا» [یعنی آیت‌الله منتظری] از طریق من مطلع شده‌اند که در اینجا چه گذشته است و بر سر زندانیان و به ویژه زنان چه آمده است... وقتی آقا متوجه اوضاع شدند، از خشم در اتاق دور خودشان می‌چرخیدند و بد و بیراه می‌گفتند. عاقبت خبر داد که دو روز پیش نیز جمعی از بازجویان و کارمندان دادستانی و زندان‌ها را به حضور پذیرفته و خیلی به آنها تاخته که امکان پخش آن از تلویزیون نیست... [انصاری] سپس افزود: در [زندان] اوین عده‌ای امامشان شده است لاجوردی، این «قصاب» و «فاشیست جنایت‌کار».<sup>۱</sup> اینها دقیقاً تعبیر وی نسبت به لاجوردی بود... ارزیابی [منفی] او از لاجوردی دست من را برای برخورد های بعدی باز کرد.<sup>۲</sup>

۱. آقای انصاری نجف آبادی نماینده آیت‌الله منتظری در حالی شهید سید اسدالله لاجوردی را جلوی منافقین، «قصاب و فاشیست» معرفی می‌کند که شهید لاجوردی از نیروهای مبارز و مذهبی بود که شناخت فوق‌العاده‌ای درباره گروه‌ها و جریانات سیاسی قبل و بعد از انقلاب مخصوصاً درباره سازمان منافقین و مارکسیست‌ها داشت و منافقین دشمنی زیادی با او داشتند؛ زیرا آن شهید در افشای خطوط انحرافی این جریانات و مبارزه با تروریست‌ها تلاش زیادی به عمل می‌آورد. او در سال ۱۳۱۴ در خانواده‌ای مذهبی متولد شد و در اوایل دهه چهل به عضویت شورای مرکزی هیأت‌های مؤتلفه اسلامی - که یک گروه مذهبی و سیاسی مبارز بود - در آمد. او در اواخر سال ۱۳۴۳ به دلیل مشارکت داشتن در ترور حسنعلی منصور - نخست‌وزیر بهایی رژیم شاه - دستگیر شد و به دو سال زندان محکوم شد. اما پس از آزادی دست از مبارزه نکشید و باز در سال ۱۳۴۸ دستگیر شد و زیر شکنجه‌های سخت قرار گرفت. سپس در سال ۱۳۵۳ بازداشت شد و به هجده سال حبس محکوم گردید. بعد از پیروزی انقلاب شهید لاجوردی دادستان انقلاب تهران شد و سال‌ها ریاست سازمان زندان‌های کشور را بر عهده داشت. او در اول شهریور سال ۱۳۷۷ توسط منافقین ترور شد و به شهادت رسید. رک: شهید سید اسدالله لاجوردی به روایت اسناد ساواک، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۷.

۲. ابرج مصداقی، همان، ص ۱۳۸-۱۳۷.

آقای انصاری که با دروغ‌های مصداقی و دیگر منافقین پخته شده بود، با اصرار و التماس از مصداقی می‌خواهد تا شخصاً این مسائل را برای آیت‌الله منتظری بنویسد. به نوشته آقای مصداقی:

[انصاری] گفت: خواهش می‌کنم اینها را برای «آقا» بنویس. گفتم: به من چه ربطی دارد، من که نماینده او نیستم. شما که نماینده او هستید، این وظیفه را دارید. گفت: من خودم این کار را انجام خواهم داد ولی شما نیز لطفاً دریغ نکنید و از نگاه خودتان مسائل را مطرح کنید... [انصاری] دوباره تأکید کرد: خواهش می‌کنم اینها را برای «آقا» بنویس و توضیح بده.<sup>۱</sup>

ادامه صحبت‌های آن دو مفصل است و انصاری هر چه را مصداقی می‌گوید تأیید می‌کند و بعد از اتمام بحث، انصاری مجدداً از مصداقی می‌خواهد که اینها را برای آقای منتظری بنویسد. مصداقی در ادامه کتاب خاطراتش می‌گوید:

من یک موضوع کلی را در ذهنم مبنا گرفتم و آن واقعی بودن تضاد بین منتظری و وابستگی‌اش با خمینی و جریان حاکم بر زندان‌ها بود... شرایط حاکم بر زندان‌ها، پاشنه آشیل منتظری بود. او خود در زمان شاه در زندان به سر برده بود و با شرایط زندان به خوبی آشنا بود و به سادگی می‌توانست شرایط زندان‌های جمهوری اسلامی را با شرایط زندان‌های زمان شاه و آنچه که خود در رژیم «طاغوت و ضداسلامی» تجربه کرده بود، مقایسه کند. احساس می‌کردم بر ملا کردن شرایط وحشتناک زندان‌ها و تمامی اعمال ضدبشری که بر زندانیان روا می‌داشتند[!]، ممکن است او را بشکند. معتقد بودم که منتظری از یک صداقت نسبی [بخوانید ساده‌لوحی] برخوردار است. احساسم این بود که فاصله گرفتن او از خمینی، چه بسا به سود جنبش باشد و باعث آزاد شدن انرژی‌های زیادی شود. اگر نگاشتن آنچه که ناصری [انصاری] بر آن اصرار می‌ورزید، در این راستا به کار آید چه ایرادی دارد؟<sup>۲</sup>

ایرج مصداقی هم مثل سید هادی و سید مهدی هاشمی تلاش تدریجی خود را برای منفی کردن ذهن آیت‌الله منتظری و جدا کردن او از امام و نظام جمهوری اسلامی استوار کرد. مصداقی سپس در گزارش مفصلی به صورت یک کتابچه چهل صفحه‌ای، شرح سوزناکی از

۱. همان.

۲. همان، ص ۱۴۲-۱۴۱.



تعدادی از شکنجه‌های خیالی را برای آیت‌الله منتظری نوشت و صریحاً اذعان کرد که این کتابچه را به گونه‌ای نوشته که بر روی افکار آقای منتظری تأثیر بگذارد.

مصدیقی این دفترچه را به انصاری نجف آبادی - نماینده آیت‌الله منتظری در امور زندانیان سیاسی - داد و انصاری هم آن را مستقیماً به دست منتظری رساند تا خواسته یا ناخواسته، نقشه منافقین را تکمیل کرده باشد. یک هفته بعد انصاری با مراجعه به زندان، به مصداقی گفت: مطالب را به همان شکل که نوشته بودی به آیت‌الله منتظری دادم و فقط نام تو را حذف کردم، زیرا ترسیدم «آقا» حواسشان نباشد و اینها را به شورای عالی قضایی و یا نهادهای ذیربط برای بررسی و رسیدگی بدهند و آنها گریبان تو را بگیرند که چرا چنین چیزهایی را مطرح کرده‌ای.<sup>۱</sup>

این تنها یک نمونه از اقدامات منافقین بود که به سادگی دروغ‌های خود را علیه جمهوری اسلامی به شخص آقای منتظری منتقل می‌کردند و او هم با استناد به همین گزارشات دروغ، به امام و سایر مسئولان نامه می‌نوشت یا در سخنرانی‌های خود کل نظام را زیر سؤال می‌برد.<sup>۲</sup>

### عملیات فروغ جاویدان و آشکار شدن اثر القائنات منافقین

تا این زمان تنها بخشی از منویات انحرافی آقای منتظری از کوزه برون تراویده بود! و بخش مهم‌تر آن مثل آتش زیر خاکستر هنوز پنهان بود؛ تا این که چند روز پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط ایران، در اوایل مرداد سال ۱۳۶۷ سازمان منافقین با حمایت ارتش صدام دست به حمله نظامی به ایران زد. در این زمان دلبستگی بیش از پیش منتظری به تروریست‌ها آشکار شد؛ زیرا او صریحاً به دفاع از آنها پرداخت.

ماجرای این قرار بود که صدام رئیس‌جمهور بعثی عراق در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ با حمایت آشکار آمریکا و انگلیس، اروپا و شوروی و کشورهای عرب خلیج فارس بدون هیچ دلیل موجهی به کشور جمهوری اسلامی حمله نظامی کرد که مدت هشت سال به طول انجامید. در طول این سال‌ها نیروهای وابسته به سازمان مجاهدین خلق مخفیانه از ایران خارج شدند و به ارتش صدام پیوستند. بخش دیگری از منافقین هم در ایران ماندند و به بمب‌گذاری و جاسوسی و ترور مردم و مسئولان پرداختند. لذا افراد وابسته به این سازمان و گروه‌های دیگر در طول هفت سال - سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۷ - بیش از هفده هزار نفر از مردم عادی

۱. همان، ص ۱۴۳.

۲. غلامرضا خارکوهی، همان.



اعم از زن و مرد و پیر و جوان و کودک بی گناه ایرانی را ترور و شهید کردند،<sup>۱</sup> ده‌ها هزار نفر را نیز مجروح نمودند، و مغازه‌ها و ساختمان‌ها و اتومبیل‌های زیادی را هم به آتش کشیدند. حکم قضایی چنین افرادی به فتوای آقای منتظری «حکم مفسد فی الارض» یعنی اعدام بود. اما با وجود این تعداد بسیار اندکی از آنها اعدام شدند و اکثریت قاطع آنها زندانی و سپس آزاد گشتند. تا این که در تاریخ ۲۷ تیر ۱۳۶۷ دولت ایران به دبیر کل سازمان ملل اعلام کرد قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت را درباره توقف جنگ هشت ساله با عراق می‌پذیرد. در این میان ارتش صدام و نیروهای نظامی سازمان مجاهدین خلق - منافقین - به طور مشترک طی چند روز پیاپی به خاک ایران حمله کردند و برخی از شهرها و روستاهای غرب و جنوب کشور را تصرف نمودند و عده‌ای از مردم بی‌دفاع را به شهادت رساندند و هزاران نفر را از خانه و کاشانه‌شان آواره نموده و موطن‌شان را خراب کردند. همزمان با پیشروی نیروهای سازمان منافقین به داخل خاک ایران، این سازمان از طریق ایستگاه رادیویی خود در عراق و رابطین مخفی شبکه سازمانی خود در ایران، از هوادارانش خواست که دست به شورش علیه نظام بزنند و به زودی منتظر فتح تهران باشند. به دنبال آن تحرکات و شورش‌هایی نیز در زندان‌ها توسط اعضای این سازمان انجام شد، و برخی هواداران سازمان هم در سطح جامعه آماده آشوب و شورش در سطح شهرها شدند. به طوری که در آستانه عملیات فروغ جاویدان، مسعود رجوی - رهبر منافقین - از داخل خاک عراق گفت:

بر اساس تصمیمات انجام شده، ۴۸ ساعته به تهران خواهیم رسید... از پایگاه نوژه هم ترسی نداشته باشید؛ هر سه ساعت به سه ساعت دستور می‌دهم هواپیماهای عراقی بیایند و آنجا را بمباران کنند. پایگاه هوایی تبریز را هم با هواپیما هر سه ساعت به سه ساعت مورد هدف قرار خواهیم داد... از طرفی درب زندان‌ها که باز شود آنها هم با ما هستند و با ما همراهی خواهند کرد. نیروهای زندان، بالقوه با ما هستند.

او این سخنان را سه روز قبل از آغاز عملیات و یک هفته قبل از آغاز اعدام‌ها در تالار اجتماعات «قرارگاه اشرف»<sup>۲</sup> بیان کرد. لذا زندانیان مجاهدین از این حمله خبر داشتند و

۱. جمع کل ایرانیانی که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی توسط سازمان منافقین و سایر گروه‌های ضدانقلاب با ترور و پیب‌گذاری و شکنجه به شهادت رسیده‌اند، بیش از هفده هزار نفر می‌باشند که بالغ بر دوازده هزار نفرشان مستقیماً توسط منافقین شهید شده‌اند.

۲. «قرارگاه اشرف» یا «پادگان اشرف» در کشور عراق قرار داشت و به نام «اشرف ربیعی» همسر اول مسعود رجوی نامگذاری شده بود. اشرف ربیعی در سال ۶۰ به خاطر درگیری مسلحانه با پاسداران انقلاب معدوم شد. پادگان اشرف را صدام رئیس‌جمهور بعثی عراق در اختیار منافقین فراری از ایران گذاشت تا آنان را برای جنگ با ایران به خدمت خود درآورد.

خشنودی خود را از طریق برپایی جشن و سرودخوانی در زندان اعلام کرده بودند.<sup>۱</sup> آنها با شنیدن خبر حمله گسترده دوستان منافقشان به ایران، در زندان‌ها دست به اغتشاش و درگیری زدند و قصد فرار و تخریب زندان را داشتند تا به ارتش مشترک صدام و منافقین بپیوندند. قرار بود پس از اشغال هر شهر، آنان به ارتش منافقین پیوسته و در فتح تهران شرکت نمایند.

البته برنامه‌ریزی منافقین ناکام ماند و لشکر ویژه سپاه پاسداران و یگان‌های ارتش ایران با همکاری مردم، نقشه‌های آنان را نقش بر آب کردند؛ به طوری که ارتش به اصطلاح آزادبخش منافقین حتی نتوانست اولین زندان که زندان دیزل آباد کرمانشاه بود را آزادی ببخشد! مقارن با ناکامی ارتش رجوی، شورش منافقین در زندان‌ها رخ داد، و این نشانگر آن بود که شبکه زندانیان منافقین در ایران به خوبی هماهنگ و فعال است.<sup>۲</sup> البته عملیات «فروغ جاویدان» تبدیل به «مرصاد» شد و منافقین متجاوز به ایران، در همان ابتدای راه تار و مار شدند، اما شبکه زندانیان منافق که قرار بود نیروی ذخیره فروغ جاویدان باشند، هنوز باقی مانده بودند.<sup>۳</sup> حجت الاسلام دکتر سید حمید روحانی رئیس بنیاد تاریخ‌پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی در این زمینه می‌گوید:

منافقینی که در زندان‌های ایران توبه کرده بودند، همزمان با حمله منافقین بغداد، در زندان‌های مختلف سراسر کشور، دست به آشوب در داخل زندان زدند و به هم‌صدایی با منافقین بغداد پرداختند.<sup>۴</sup> این اقدامات نشان داد که توبه منافقین یک توبه فریبکارانه جهت آماده شدن برای یک روز خاص بود... من آن زمان به دلیل این که جلد سوم کتاب نهضت/مام

1. <https://fa.wikipedia.org/wiki>

۲. آقای یعقوب توکلی می‌گوید: شاید سؤال شود مگر می‌شود از داخل زندان با بیرون ارتباط برقرار کرد؟ باید گفت اساساً اگر زندانی سیاسی نتواند با سازمانش یا سازمانی نتواند با زندانی سیاسی خود ارتباط برقرار کند، باید فاتحه هر دو را خواند. اصلاً اولین کاری که یاد می‌گیرند، نحوه برقراری ارتباط است. به خصوص در فضای ایران که آن قدرها هم مشکلات ارتباطی جدی وجود نداشت و آن روزها... وضعیت جنگ هم به هم ریخته بود، اینها جسارت پیدا کرده بودند. نکته بعدی این که اگر عملیات منافقین به پیروزی می‌رسید و کشور به دست سازمان مجاهدین خلق می‌افتاد منطقه چه وضعیتی پیدا می‌کرد؟ آن موقع «صدام حسین» و «مسعود رجوی» بر خاورمیانه مسلط می‌شدند و دقیقاً چیزی شبیه این وضعیت در جریان «شاهسلطان حسین» اتفاق افتاد که در آن زمان ایران از عثمانی‌ها شکست خورد و آنها بخشی از کشور را گرفتند، روس‌ها هم از طرف شمال آمدند و یک اوضاع عجیب و غریبی شکل گرفت. امام خمینی (ره) شجاعت به خرج دادند. اما دکتر مصدق در ۲۸ مرداد این شجاعت را به خرج نداد و کشور از دست رفت. اگر این اتفاق نمی‌افتاد و جنگ‌های داخلی در کشور شکل می‌گرفت ما در عوض باید صدها هزار کشته می‌دادیم، ولی امام خمینی کسی بود که همیشه روش‌های ایشان ضد جنگ‌ترین روش‌ها بوده است. رک: [www.borhan.ir/NSite/FullStory/Id=9477](http://www.borhan.ir/NSite/FullStory/Id=9477)

3. [www.hodhodnews.ir/news/646590](http://www.hodhodnews.ir/news/646590) و [www.tasnimnews.com](http://www.tasnimnews.com)

۴. این بخش از سخنان حاج آقا روحانی، اندکی تلخیص و ویرایش شد.



خمینی را که مربوط به منافقین بود، می‌نوشتیم با بسیاری از این منافقین که جزء آشوب‌گران بودند مصاحبه گرفتیم. یکی از این افراد خانمی بود به اسم آیت‌اللهی، ایشان از توابعین بود و موضع منفی نسبت به سازمان مجاهدین خلق داشت. اما همین فرد در زندان چنان آشوب به پا کرد و زندان را به آتش کشید که خانم‌هایی را که از توابعین واقعی بودند به شدت شکنجه داد و موی سر یکی از خانم‌ها را چنان کشیده بود که کاملاً از ریشه کنده شده و اندازه کف دست سفیدی سر او نمایان شده بود. وقتی این خانم را به بازجویی کشیدند که شما از توابعین بودید، چرا این کار را کردید؟ در پاسخ گفته بود من هفت نفر از بستگان نزدیک خودم را به سازمان کشاندم که همه آنها یا کشته یا از کشور فراری شده‌اند، مگر می‌توانم از آنها برگردم، اگر آنها به جهنم می‌روند یا به بهشت، من هم باید بروم.<sup>۱</sup>

منافقین زندانی که قبلاً به طور تاکتیکی توبه کرده بودند، با ایجاد آشوب و آتش زدن زندان‌ها، به گمان خود می‌خواستند تا رسیدن منافقین بغداد، اشغال تهران را کامل و کار را یکسره کرده باشند. در پی این اقدام، امام صراحتاً فرمودند آنهایی که بر سر موضع هستند مهدورالدم‌اند و باید محاکمه و مجازات شوند. امام حکمی به این شرح صادر نمود:

از آنجا که منافقین خائن به هیچ وجه به اسلام معتقد نبوده و هر چه می‌گویند از روی حيله و نفاق آنهاست، و به اقرار سران آنها، از اسلام ارتداد پیدا کرده‌اند، با توجه به محارب بودن آنها و جنگ کلاسیک آنها در شمال و غرب و جنوب کشور با همکاری‌های حزب بعث عراق، و نیز جاسوسی آنها برای صدام علیه ملت مسلمان ما، و با توجه به ارتباط آنها با استکبار جهانی و ضربات ناجوانمردانه آنان از ابتدای تشکیل نظام جمهوری اسلامی تاکنون، کسانی که در زندان‌های سراسر کشور بر سر موضع نفاق خود پافشاری کرده و می‌کنند محارب و محکوم به اعدام می‌باشند و تشخیص موضوع نیز در تهران با رأی اکثریت آقایان حجت‌الاسلام نیری قاضی شرع و آقای اشراقی دادستان تهران و نماینده‌ای از وزارت اطلاعات می‌باشد. گرچه احتیاط در اجماع است، و همین‌طور در زندان‌های مراکز استان رأی اکثریت آقایان قاضی شرع، دادستان انقلاب یا دادیار و نماینده وزارت اطلاعات لازم‌الاتباع می‌باشد، رحم بر محاربین ساده‌اندیشی است، قاطعیت اسلام

1. [www.armanekerman.ir/p=11516](http://www.armanekerman.ir/p=11516)

در برابر دشمنان خدا از اصول تردیدناپذیر نظام اسلامی است، امیدوارم با خشم و کینه انقلابی خود نسبت به دشمنان اسلام رضایت خداوند متعال را جلب نمایید، آقایی که تشخیص موضوع بر عهده آنان است، وسوسه و شک و تردید نکنند و سعی کنند «أشداء علی الکفار» باشند. تردید در مسائل قضایی اسلام انقلابی، نادیده گرفتن خون پاک و مطهر شهدا می باشد.<sup>۱</sup>

با صدور حکم امام تردیدی در وضعیت نهایی برخی از اعضای منافقین زندانی و این که وضعیت این افراد آیا با منافقین جدید دستگیر شده در نامه امام صدق می کند یا نه، ایجاد شد. این تردید تا جایی پیش رفت که مرحوم حاج سید احمد خمینی طی نامه‌ای از امام در خصوص افراد یادشده سؤال می کند و این گونه پاسخ می گیرد:

بسمه تعالی

در تمام موارد فوق هر کس در هر مرحله اگر بر سر نفاق باشد حکمش اعدام است. سریعاً دشمنان اسلام را نابود کنید. در مورد رسیدگی به پرونده‌ها در هر صورت که حکم سریع‌تر اجرا گردد، همان مورد نظر است.<sup>۲</sup>

در خصوص دلایل صدور این حکم که از مبانی فقهی و حقوقی مستحکمی برخوردار است می توان به اختصار به این موارد اشاره کرد: وضعیت حساس نیروهای نظامی ایران در جبهه‌ها، نگرانی مردم در داخل کشور به واسطه انعکاس تحولات جبهه‌ها، تبلیغات وسیع رادیوهای بیگانه درباره پیشروی‌های عراق در خاک ایران، ورود مستقیم امریکا به صحنه جنگ با ایران در خلیج فارس از طریق هدف قرار دادن هواپیمای مسافربری ما، پیشروی نیروهای منافقین به داخل خاک ایران و تصرف چند روستای مرزی و شهر اسلام آباد غرب،

۱. منافقین در سال ۱۳۶۰ هم دست به شورش علیه جمهوری اسلامی و کشتار مردم زده بودند. اما در سال ۱۳۶۷، وضعیت متفاوت بود. در سال ۶۰ سازمان منافقین اگر چه از حمایت‌های سیاسی و تبلیغاتی بیگانه بهره می‌برد و یک گروه ضدانقلاب داخلی به شمار می‌آمد که دست به عملیات تروریستی و انفجاری در داخل می‌زد - که البته با عوامل آن نیز برخورد شد - ولی در سال ۶۷ این گروه در قالب یک «ارتش متجاوز» ظاهر شد که از پشتیبانی کامل و آشکار نیروهای نظامی بیگانه برخوردار بود، و با اتکاء به همین پشتیبانی‌ها توانسته بود راه خود را به داخل خاک ایران باز کند و بخشی از آن را به اشغال خود درآورد؛ و در کنار آن مسائلی نظیر آشوب منافقین در زندان‌ها و آغاز فعالیت آنها در سطح جامعه برای ایجاد شورش، بیانگر موج تازه توطئه‌های این گروه تروریستی با حمایت آشکار دول خارجی بود. از سوی دیگر امریکا نیز با حضور پررنگ نظامی در خلیج فارس و هدف قرار دادن یک هواپیمای مسافربری و حمله به ناوچه‌ها و نفتکش‌های ایرانی عملاً وارد عرصه جنگ با نظام جمهوری اسلامی شده بود. و طبعاً از نیروهای نظامی معارض نیز حمایت به عمل می‌آورد. در این شرایط امام خمینی به منظور خنثی کردن توطئه‌ای که در حال شکل‌گیری علیه ملت ایران بود، ضمن سفارش‌های لازم به منظور تشخیص صحیح «بر سر موضع نفاق بودن»، دستور برخورد با عوامل داخلی این توطئه را صادر کرد. (ر.ک: مسعود رضایی و عباس سلیمی نمین به اضافه خبرگزاری ایسنا به نقل از پارسینه و سایت پرسمان دانشجویی وابسته به اداره مشاوره نهاد رهبری، پاسداشت حقیقت، تهران، دفتر مطالعات و تدوین ایران، ۱۳۸۱)

۲. خاطرات آیت‌الله منتظری، همان، ص ۵۲۰.





بروز تحرکات و تنش‌هایی در زندان‌های سیاسی کشور با سرمدمداری عناصر بر سر موضع منافقین، آغاز فعالیت برخی از هواداران این سازمان در سطح جامعه برای برپایی آشوب و شورش در شهرها، انتشار پیام‌های مستمر سازمان منافقین از طریق رادیوهای خارجی برای تحریک مردم به شورش.

آیت‌الله موسوی اردبیلی رئیس وقت قوه قضائیه و امام جمعه موقت تهران در نماز جمعه (۱۴ مرداد ۶۷) گفت:

جمع کثیری از ایران رفته‌اند و آنجا [در پادگان اشرف منافقین در عراق] برای خودشان بساط و دستگاه و سازمان درست کرده‌اند. یک جمعی هم در ایران در زندان‌ها هستند... مردم علیه اینها آن چنان آتشی [و عصبانی] هستند، [که] قوه قضائیه در فشار بسیار سخت افکار عمومی است که چرا اینها را محاکمه می‌کنید؟ اینها که محاکمه ندارند، حکمش معلوم، موضوعش هم معلوم است و جزایش نیز معلوم می‌باشد. قوه قضائیه در فشار است که اینها چرا محاکمه می‌شوند، قوه قضائیه در فشار است که چرا تمام اینها اعدام نمی‌شوند؟ و یک دسته‌شان زندانی می‌شوند.<sup>۱</sup>

مردم در استقبال از این سخنان در نماز جمعه آن روز تهران، شعار می‌دادند: «منافق زندانی اعدام باید گردد».

به گفته حجت‌الاسلام نکنونام، منافقین زندانی در «قضیه مرصاد» در زندان‌های مختلف کشور به هلهله و شادی پرداختند و از عملیات مسلحانه منافقین علیه جمهوری اسلامی ایران حمایت کردند. بعد از شکست آنها در عملیات مرصاد، تحقیقات و بازرسی‌هایی از زندان‌ها و بندهایی که منافقین در آنها حضور داشتند صورت گرفت و اسناد و مدارکی کشف شد که نشان داد اینها خودشان را از زمان‌های گذشته برای روزی که منافقین به خیال خودشان بر ایران حکومت کنند، آماده کرده بودند. برخی از آنها در حد این که ارکان حکومت منافقین باشند مطرح شده بودند و این اسناد به دست آمد... حضرت امام با آن پیامی که دادند مشخص است که توجه داشتند به این که اینها محکومان به اعدام بودند که به خاطر توبه اعدام نشدند، و به حکم قانون مجازات اسلامی که تصریح کرده محارب باید اعدام شود حکم اعدام برایشان اجرا نشد... امام یک ابداعی در اینجا داشتند، در حالی که می‌توانستند بگویند مثلاً چند نیروی اطلاعاتی بنشینند و محاکمه کنند، ولی این کار را نکردند و تعدادی قاضی را در احکام سلب حیات مورد عنایت قرار دادند. لذا فرمودند تیمی متشکل از رؤسای

۱. خطبه‌های نماز جمعه تهران در روز ۱۴ مرداد ۱۳۶۷.

دادگاه‌های انقلاب، دادستان‌ها که همه قاضی هستند و البته یک نیروی اطلاعاتی نیز به دلیل تخصص اطلاعاتی‌اش انتخاب شده و این موضوع را بررسی کنند... این که بعضی می‌گویند این منافقین بدون حضور قاضی به اعدام محکوم شدند، درست نیست. حضور نیروی اطلاعاتی فقط از باب کارشناسی موضوع بوده و اصل موضوع و محاکمه توسط آقایان دادستان‌ها و حکام شرع صورت گرفت... به ضرس قاطع می‌توانم بگویم که این افراد در قالب شکل رسمی دادگاه محاکمه شدند، پرونده آنها را بررسی و مطالعه می‌کردند و با آگاهی از وضعیت سابقشان از آنها سؤال‌های بسیار می‌پرسیدند... اصلاً عده زیادی از محکومین به زندان، توسط همین کمیسیون به خاطر احرار توبه آزاد شدند... اما در این میان عده‌ای روی مواضع قبلی خود پافشاری می‌کردند، آن هم آدم‌هایی که عمدتاً روحیات جنایتکار و تروریستی در آنها تبلور و نمود داشت. جلسات محاکمه، جلسات طولانی و بعضاً چند نوبته بود؛ یعنی این که مطرح شود که فقط یک سؤال می‌کردند درست نیست. در واقع قضاتی که منصوب و معلوم شدند، از قضات متعهد و بنام کشور و از دادستان‌ها و رؤسای حقوقدان دادگاه‌ها بودند. گاهی اوقات با یک نفر، پنج تا ده ساعت صحبت می‌کردند تا به نتیجه برسند و اصل را بر قبول توبه و محکومیت اولیه می‌گذاشتند... البته مخفی هم نماند که همان زمان قانون این بود که گروهی که اعلام جنگ مسلحانه نسبت به جمهوری اسلامی ایران کنند حکم محارب دارند، و کسانی که حتی در عملیات مسلحانه شرکت نداشته‌اند ولی اعلام هواداری و سمپاتی به سازمانی که اعلام جنگ مسلحانه داشته، بکنند، مطابق قانون حاکم بر کشور مشمول قانون محاربه هستند. گرچه می‌توانم قاطعانه بگویم هیچ فردی مشمول این تبصره نگردید.<sup>۱</sup>

به گفته آقای اکبر هاشمی رفسنجانی تعداد اعدام‌شدگان زندانی در سال ۱۳۶۷ کمتر از هزار نفر بوده است. اما این آمار توسط عوامل ضدانقلاب مخصوصاً رسانه‌های بیگانه به دروغ به رقم چند هزار نفر افزایش یافت. منبع اصلی این دروغ‌پردازی نیز نامه محرمانه آیت‌الله منتظری به امام خمینی پس از این اعدام‌ها در سال ۱۳۶۷ بود که تصویر آن توسط عوامل نفوذی منافقین از بیت منتظری به شبکه بی‌بی‌سی تحویل داده شد و این نامه محرمانه در آنجا فاش و قرائت گردید.

لذا در شرایطی که متجاوزان منافق به فرماندهی مسعود و مریم رجوی با تمام توان نظامی و کمک‌های تسلیحاتی و حمایت صدام و آمریکا و اروپا به شهرها و روستاهای غرب کشور حمله کرده بودند، منتظری به جای محکوم کردن تجاوز آنها، به حمایت از آنان پرداخت و

۱. [farsnews.com/13950703000473](http://farsnews.com/13950703000473) و [tarikhirani.ir/fa/news/All](http://tarikhirani.ir/fa/news/All) و [news.gooya.com/politics/archives/2016/09/217929print.php](http://news.gooya.com/politics/archives/2016/09/217929print.php)

از سر کوب تروریست‌ها انتقاد نمود. او به جای زیر سؤال بردن رؤسای جمهور عراق، امریکا و اروپا، مسئولان ایران را مورد انتقاد قرار داد!

در همین راستا، آقای منتظری با ارسال دو نامه پیاپی به امام خمینی<sup>۱</sup> در تاریخ‌های ۹ و ۱۱ مرداد سال ۱۳۶۷ به دفاع از تروریست‌های معدوم پرداخت! وقتی دو نامه تند و هتاکانه او به امام بی‌جواب ماند، تصمیم گرفت اظهار نظرهای خود را وارد فاز جدیدی کند. منتظری با احضار مسئولین مرتبط با این موضوع، یعنی آقایان حسینعلی نیری، مصطفی پورمحمدی، سید ابراهیم رئیسی و مرتضی اشراقی و اتمام حجت با آنها، تلاش نمود تا از اجرای فرمان امام خمینی جلوگیری کند و جان تروریست‌ها را نجات دهد. از آن پس دیگر از حنجره منتظری تنها نوای رادیو مجاهد (منافقین) به گوش می‌رسید.<sup>۲</sup>

سپس این نامه‌های محرمانه که به قلم شخص دوم مملکت نوشته شده و در هر کشور مکاتبات چنین مقامات بلندبالای حکومتی، آن هم درباره مسائل حساس امنیتی، جزء اسرار نظام و غیرقابل انتشار است، توسط بیت منتظری در اختیار منافقین و رسانه‌های خارج کشور مثل بی‌بی‌سی قرار گرفت؛ در حالی که این کار از بزرگترین جرایم امنیتی و سیاسی محسوب می‌شود.

انتشار نامه‌های منتظری کاملاً به زیان جمهوری اسلامی و به نفع منافقین تمام شد. دلبستگی‌های او به تروریست‌ها چنان مورد توجه سران این گروه در خارج کشور قرار گرفت که مسعود رجوی رهبر این سازمان، منتظری را نزدیکترین جریان به گروهش اعلام کرد. رجوی در دیدار با «سپهبد طاهر جلیل حبوش» مسئول سرویس کل اطلاعات ارتش عراق در زمان صدام، می‌گوید: منتظری نزدیک‌ترین جریان به سازمان مجاهدین خلق است. او با افشای اعدام زندانیان ما، بزرگترین بمب سیاسی را در درون رژیم منفجر کرد.<sup>۳</sup>

آقای منتظری در ادامه تلاش‌هایش برای نجات تروریست‌ها آنقدر مُصَرِّب بود که هیأت مربوط به اجرای حکم امام را نیز سریعاً به منزلش فراخواند و با خشم و تندی، آنها را به خاطر محاکمه و اعدام منافقین، جنایتکار نامید!<sup>۴</sup>

۱. آقای منتظری علاوه بر دو نامه فوق به امام، در تاریخ ۶۷/۵/۲۴ نیز یادداشتی خطاب به آقایان نیری قاضی شرع، اشراقی دادستان، رئیسی معاون دادستان، پورمحمدی نماینده اطلاعات در زندان اوین، برای سنگ‌اندازی در اجرای حکم امام فرستاد.

2. peirov.ir

البته سخنان تند منتظری در آن جلسه و پاسخ‌های اعضای این هیئت، گرچه کاملاً سری بود، اما انتشار فایل صوتی آن جلسه پس از ۲۸ سال توسط فرزند منتظری، مجدداً این موضوع را در صدر اخبار رسانه‌های ضدانقلاب علیه ایران قرار داد.

۳. صفاءالدین تبرائیان، خواهردها، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، زمستان ۱۳۹۳، ص ۳۲۹-۳۲۸.

۴. اخذ از متن سخنان آقای منتظری در نوار صوتی آن جلسه، که پس از ۲۸ سال در تاریخ ۱۹ مرداد سال ۱۳۹۵ توسط فرزند منتظری، منتشر شد که این اقدام شیطنت‌آمیز موجب واکنش‌های زیادی گردید و ما در صفحات بعد به آن می‌پردازیم.





جای تعجب است، آقای منتظری به جای آن که تروریست‌هایی که هفده هزار زن و مرد و کودک بی‌گناه ایرانی را با وضع فجیع، شکنجه و ترور و شهید کرده‌اند و ده‌ها هزار نفر را نیز مجروح و معلول نموده‌اند و هزاران ماشین و ساختمان و اموال عمومی را به آتش کشیده‌اند را جنایتکار بنامد، مجریان قانون و مدافعان امنیت مردم و نظام اسلامی را محکوم می‌کند! حجت‌الاسلام سید ضیاء مرتضوی - که خود از شاگردان آقای منتظری بوده - در این خصوص می‌گوید:

آیت‌الله منتظری که این‌گونه در این جلسه به نقد موضع امام خمینی درباره «منافقان بر سر موضع» می‌پردازند و آن را به رغم مبنایی که خود ایشان در موضوع «باغیان» دارند و به آن اشاره خواهد شد، جنایت و خون‌ریزی بی‌سابقه و ماندگار در تاریخ و مایه ننگ می‌شمارند، چگونه حدود دو سال پیش از آن خود به صراحت خون آن همه امریکاییان را در هر کجای عالم که بودند، تنها به دلیل این که دولت متبوع آنان به مقر یکی از سران دولت‌های اسلامی حمله نظامی کرده است و نیز خون دیگری که به آنان جا و پناه دهند، هر چند مسلمان بودند، برای همه کسانی که قدرت داشته باشند، بدون تشکیل هیچ دادگاهی مباح و هدر می‌دانند؟!<sup>۱</sup> حال باید پرسید: چه فرقی است میان وابستگی صرف افراد به دولت امریکا که به صرف اقدام تجاوز کارانه دولت متبوعشان مهدورالدم اعلام شدند با این که نه تنها

۱. به گفته حجت‌الاسلام سید ضیاء مرتضوی: در ۲۶ فروردین سال ۱۳۶۵ جنگنده‌های امریکا با هدف کشتن سرهنگ قذافی - رهبر کشور لیبی - به مقر او در بنغازی حمله کردند. در این حمله تنها به دختر یا دختر خوانده وی آسیب رسید. نگارنده درست به خاطر دارد و در دفتر تقریرات درسی خود نیز یادداشت کرده است که روز بعد، مصادف با چهارشنبه ۲۷ فروردین، آیت‌الله منتظری تمام وقت جلسه درس فقه را که با حضور صدها نفر در حسینیه جنب بیت ایشان تشکیل می‌شد، به موضوع حمله امریکا اختصاص دادند و ضمن محکوم کردن شدید آن، به صراحت و قاطعیت و مستند به برخی ادله فقهی، بر جواز کشتن هر سرباز امریکایی و نیز هر امریکایی که وابسته به دولت امریکا باشد، در هر یک از کشورهای جهان که به سر ببرند، حکم کردند. و این حکم را به همه کسانی که به این امریکاییان پناه می‌دهند تسری دادند؛ با این بیان که دولت امریکا به سرزمینی اسلامی حمله کرده است، و از این رو خون همه وابستگان به چنین دولتی هدر است. ایشان در استدلال بر این حکم قاطع و عام که از نگاه ما شاگردان نیز موضعی اصولی و قابل دفاع بود، از جمله به آیه [۱۹۴ سوره بقره]: «فَمَنْ أَغْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ»، استناد کردند و جالب آن که این سخن امیرالمؤمنین علی (ع) در نهج/البلاغه را نیز در شمار ادله حکم خود ذکر کردند که حضرت (ع) طبق این نقل کشتن تمام سپاهیان جمل، به این دلیل که تنها یک نفر از مسلمانان را بی‌گناه کشته باشند، را برای خود حلال می‌شمارد، چه رسد که افراد زیادی را کشته بودند. یعنی همین که افراد به گونه‌ای وابسته به دولت امریکا بودند، هر چند به عنوان مثال کارمندی بیش در یک سفارتخانه امریکا نبودند و از پیش نیز حتی خبری از قصد حمله امریکا به مقر سرهنگ قذافی نداشتند، طبق این حکم مهدورالدم شمرده شدند! خون همه حامیان و پناه‌دهندگان به آنان نیز که مرحوم استاد [منتظری] از آنان به عنوان «مزدوران» نام بردند هدر اعلام شد؛ و واقعیت آن است که ما نیز همه، این موضع قاطع را، مطابق موازین شرعی و فقهی می‌دانستیم و نگارنده با همین تلقی گمان می‌کرد این سخنان آن روز در صدر اخبار داخلی مطرح خواهد شد، اما بر خلاف انتظار و گویا با توجه به بار حقوقی و پیامدهای آن انعکاسی نیافت. اما این حکم از موضع یک فقیه شناخته‌شده حوزه که در جایگاه قائم مقامی رهبری نیز بودند صادر شد. <http://www.mehrnews.com/news/3740970>



در این اقدام شرکت نداشتند، بلکه چه بسا راضی به آن نیز نبودند؛ و میان زندانیان منافق و مجرمی که به رغم چند سال جنایت گسترده در کشتار بی گناهان و خیانت بزرگ سازمانشان در تجاوز نظامی به مرزها و شهرهای کشور، بر موضع وابستگی خود به این سازمان و سران آن پافشاری داشتند؛ سرانی که دستشان تا مرفق در خون هزاران زن و مرد و شخصیت‌های خدمت‌گذار مانند شهید مظلوم بهشتی و یاران وی و رئیس‌جمهوری و نخست‌وزیر کشور و امامان جمعه فرو رفته بود!<sup>۱</sup>

حجت‌الاسلام مرتضوی سپس با انتقاد از کسانی که فایل صوتی جلسه محرمانه مرداد سال ۱۳۶۷ منتظری با مجریان فرمان ولی فقیه را برای تطهیر چهره تروریست‌ها منتشر کردند، گفت:

کسانی که امروز با هدف نقد و تخطئه امام خمینی در این قضیه یا با هدف تردیدافکنی در برخی تصمیمات تاریخی دیگر ایشان... [این نوار را] منتشر می‌سازند و بخشی از نسلی که شناخت کافی از امام خمینی و آگاهی لازم از واقعیات گذشته را ندارند، دچار سردرگمی یا بدبینی می‌کنند، آیا شجاعت آن را دارند که متن صوتی آن جلسه درس [۲۷ فروردین] سال ۶۵ را نیز عیناً منتشر و در معرض آگاهی عموم، و از جمله برخی رسانه‌های بیرونی قرار دهند؟! و آیا آمادگی دارند از موضع قاطع فقیه عالیقدر در آن جلسه نیز دفاع فقهی کنند؟! و آن را به سایر اقدامات نظامی امریکا در برخی کشورهای اسلامی دیگر که شاهد بوده و هستیم گسترش دهند؟! به هر حال پیشنهاد نگارنده این است که متن آن جلسه درس سال ۶۵ نیز همانند متن سال ۶۷ در دسترس عموم قرار گیرد و امکان داوری میان موضع امام خمینی درباره منافقانی که افزون بر آن همه جنایت، به ویژه قتل‌ها و ترورهای سال ۶۰ با حمله نظامی و خیانت به کشور و قصد خام‌فروشی چند روزه تهران و سرنگونی نظام، همچنان بر دفاع از آن [قصد خام‌فروشی و هواداری و عضویت آن پافشاری می‌کردند، و موضع آیت‌الله منتظری در اعلام عمومی جواز کشتن امریکاییان و حامیان [آنها]، فراهم گردد.<sup>۲</sup>

آقای منتظری در همین جلسه چنان از اعدام تروریست‌ها عصبانی شده بود که اعلام کرد

۱. همان.

۲. همان.

از غصه مرگ آنها شبی سه، چهار ساعت خوابش نمی برد!

او به جای آن که برای کودکانی که توسط منافقین یتیم، و زنانی که بی شوهر، و مادران و پدرانی که بی فرزند، و جوانانی که توسط این سازمان به طور وحشیانه شکنجه شده اند، غصه بخورد و بی خوابی بکشد، برای تروریست ها اشک ماتم می ریزد. کدام انسان عاقل اینقدر شیفته دشمنان ملتش است؟ آن هم در کشوری که مردم و مسئولانش بیشترین صدمه را از ناحیه تروریست ها دیده اند. آقای منتظری در حالی برای تروریست ها سینه چاک می کرد که آنها از کشتن و شکنجه و بمباران مردم ایران لذت می بردند، و مسعود رجوی که خود سر کرده آدم کشان بود، راحت و آرام می خوابید، و یک بار هم گفت از غصه معدومین منافق خوابم نمی برد. اما منتظری برای آنها دایه دلسوزتر از مادر شده بود.

منتظری در همین جلسه اعتراف کرد که منافقین زندانی هنوز سر موضع مخالفت با جمهوری اسلامی هستند و از جنایات خود توبه نکرده اند. اما به دروغ می گفت رفتار زندان بانان باعث آن شده است! «اینها [زندانیان] اغلب سر موضع شدنشون واسه بر خورد تند امثال لاجوردی<sup>۱</sup> و افراد اینها بوده.»<sup>۲</sup>

گویا آقای منتظری می خواسته از این آدمکش ها در داخل زندان مثل هتل پذیرایی شود و کمتر از گل به آنها نگویند! در حالی که هیچ کشوری در دنیا تروریست ها را روی پر قو نمی خواباند. هر کس به اندازه جرم و جنایتی که مرتکب شده باید در زندان مجازات شود، این عین قانون و عدالت است. باز آقای منتظری در ادامه سخنانش در همین جلسه می گوید: قاضی شرع یکی از استان های کشور که مرد مورد اعتمادی می باشد... با ناراحتی از نحوه اجرای فرمان اخیر... می گفت: مسئول اطلاعات یا دادستان... از یکی از زندانیان برای تشخیص این که سر موضع است یا نه، پرسید: تو حاضری سازمان منافقین را محکوم کنی؟ گفت: آری. پرسید: حاضری مصاحبه کنی؟ گفت: آری. پرسید: حاضری برای جنگ با عراق به جبهه بروی؟ گفت: آری. پرسید حاضری روی مین بروی؟<sup>۳</sup>

مرحوم حجت الاسلام سید احمد خمینی در پاسخ به این بخش از سخنان منتظری می گوید: حضرت آیت الله، شما سپس نتیجه گرفتید و گفتید چون این شخص گفته است که من روی مین نمی روم محکوم به اعدام شده است و معامله «سر

۱. راجع به اختلاف نظر شهید سید اسدالله لاجوردی که دادستان وقت انقلاب بود با نظرات لیبرال منشانه منتظری، در باورقی های بعد توضیح می دهیم.

۲. اخذ از متن سخنان آقای منتظری در نوار صوتی آن جلسه.

۳. همان.



موضع» با او کرده‌اند. در حالی که همان قاضی شرع مورد اعتماد شما، پیش من آمد و صریحاً گفت: آقای منتظری به من دروغ نسبت داده است، من این گونه نگفتم... بعد مسئولین اطلاعات و امور قضایی آن استان را خواستم، آمدند و جریان را به آنها هم گفتم. آنها اظهار داشتند که اصلاً بحث این گونه نبوده است و تقریباً تمام این نوشته حضرت تعالی را تکذیب کردند.

اگر این مسائل را از اطلاعات و دادستانی به ما بگویند، چون حرف سربازان گمنام امام زمان است و آنها مهدی هاشمی را اعدام کرده‌اند پیش شما دروغ است، و اگر مخالفین و دستیارانش بگویند عین واقعیت است! بحث من این است که چرا همیشه کسانی که از منافقین و لیبرال‌ها دفاع می‌کنند، مورد اعتماد شما هستند، ولی کسانی که از اوّل با انقلاب و امام همراه بوده و هستند جنایت کارند؟<sup>۱</sup>

آقای منتظری در بخش دیگری از سخنان تندش در این جلسه، خشونت و کشتار و آدم‌کشی تروریست‌ها را «منطق و فکر» می‌نامد! و از مسئولان قضایی می‌خواهد که قیام مسلحانه منافقین علیه مردم ایران را با «فکر و منطق» پاسخ دهند نه با مجازات قانونی و شرعی! منتظری می‌گوید:

شخص نیستند اینا، به فکر و ایده اینها دارند، به روش است، به منطق ولو منطق غلط، با کشتن حل نمی‌شه و بدتر می‌شه... روش پیغمبر را با دشمنان خود در فتح مکه و جنگ هوازن ببینید به چه نحو بوده است؛ پیامبر با عفو و گذشت برخورد کرد و از خدا لقب «رحمت للعالمین» گرفت. روش امیرالمؤمنین با اهل «جمل» را پس از شکست آنان ملاحظه کنید. در جنگ جمل، طلحه و زبیر و عایشه و اینا اومدند با امیرالمؤمنین جنگ کردند، بعد هم... جنگ [که] تموم شد عبدالله زبیر، عایشه، اینا یک عده تو بصره توی به خونه بودند. به امیرالمؤمنین گفتند آقا یاروها اینجان [اینجا هستند]. گفت ولشون کن.<sup>۲</sup>

در پاسخ آقای منتظری باید گفت، اولاً فتح مکه در اینجا صدق نمی‌کند. چون دشمنان اسلام، در آنجا اسلحه و مخالفت‌شان را در مقابل پیامبر کنار گذاشتند، آنها از جنگ با مسلمانان دست کشیدند، تسلیم شدند و از موضع خود کوتاه آمدند. اما در اینجا منافقین

۱. حجت‌الاسلام سید احمد خمینی، رنجنامه، تهران، بی‌نا، ۱۳۶۸، ص ۵۸.

۲. اخذ از متن سخنان آقای منتظری در نوار صوتی آن جلسه.



و تشکیلاتشان در برابر جمهوری اسلامی نه تنها چنین نکردند، بلکه تا آخر و به صورت مسلحانه بر سر موضع خود ایستادند و هیچ گاه جنگ خود را با ملت ایران پایان یافته اعلام نکردند.

ثانیاً لقب «رحمت للعالمین» فقط به خاطر عفو کفار مکه نبود که به پیامبر خدا داده شد، بلکه پیامبر در همه مواقع، چه در زمان اجرای حدود شرعی در جامعه، و چه در زمان جهاد و قتال با دشمنان اسلام، و به طور کلی در جنگ و صلح، «رحمت للعالمین» بود.  
ثالثاً پیامبر، هم «أَشَدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» بود و هم «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ».<sup>۱</sup> اگر ما پیامبر را فقط انسان تک بعدی معرفی کنیم آن هم به خاطر آن که چند تروریست محارب آزاد شوند؛ این، هم تحریف آشکار شخصیت پیامبر و تاریخ اسلام است؛ و هم تفسیر آیات قرآن به نفع منافقین؛ و هم ظلم بزرگی است در حق ده‌ها هزار مردم داغداری که همسر و فرزندان‌شان به دست منافقین ترور شده‌اند.

رابعاً منافقین ایران مصداق اسرای جنگ جمل نیستند. حجت الاسلام سید ضیاء مرتضوی می‌گوید:

جای شگفتی است که آیت‌الله منتظری در نقد برخورد با این دسته از منافقان از جمله به رفتار امیرالمؤمنین (ع) با سران بازمانده جنگ جمل «استشهاد» می‌کنند، در حالی که قضیه منافقان بازداشتی از مصادیق جنگ صفین است نه جمل. و از سوی دیگر این استناد در حالی است که ایشان... در «استدلال» بر جواز کشتن تمام وابستگان به دولت امریکا و پناه‌دهندگان به آنان، از جمله به این سخن امیرالمؤمنین (ع) درباره اصحاب جنگ جمل استناد کردند که حضرت به دلیل کشته شدن حتی یک نفر از مسلمانان بی‌گناه به دست برخی از سپاهیان جمل، کشتن تمام آنان را به دلیل این که نظاره‌گر بوده‌اند و اقدامی برای ممانعت نکرده‌اند، برای خود مجاز شمرده است... [حال] چگونه می‌توان میان آن استدلال و این استشهاد را جمع کرد؟!<sup>۲</sup>

آقای منتظری با آن که سال‌ها مدرس درس اخلاق بوده از غصه دل‌سوزی برای تروریست‌ها، در آن جلسه چنان عصبانی شد که قادر به کنترل خود و فرو بردن خشمش نبود. به همین سبب همه استدلال‌هایی که برای دفاع از منافقین می‌کرد غیر واقعی و نادرست

۱. قرآن کریم، سوره فتح، آیه ۲۹.



بود. حجت الاسلام سید ضیاء مرتضوی در این خصوص می گوید:

از نگاه فقهی موضع کلی امام خمینی درباره منافقین زندانی موضعی منطبق با موازین فقهی [است]... از این رو اگر هم کسی - به فرض - صدور آن دستور قضایی را توسط امام خمینی به هر دلیل بیرون از مصلحت بداند یا در اجرا، مواجه با اشکالاتی بشمارد، اما نمی توان دلیل و مبنای فقهی آن را که مورد اتفاق نظر فقهای ما هست نادیده گرفت... باید دید اگر چنین مواضع قاطعی نبود و با منافقان به رغم آن همه جنایت و خیانت و حمله نظامی با این نگاه برخورد می شد که به گفته آیت الله منتظری در همین جلسه، آنان یک فکر و یک منطق هستند، کار نظام و انقلاب به کجا می انجامید؟!<sup>۱</sup>

او در ادامه به نقد فقهی استدلال های آقای منتظری پرداخته و آن را مردود شمرده، و سپس حکم امام را در اعدام منافقین تروریست، با استناد به نظرات فقهای اسلام درست می داند و می گوید:

در این مجال تنها گذری کوتاه بر نظر اجماعی فقهاء در موضوع افرادی داریم که از گروه باغیان بازداشت و اسیر می گردند؛ با این توجه که اشکال اصلی از سوی آیت الله منتظری که مورد توجه و قبول برخی افراد قرار گرفته، این است که آن دسته از اعضاء و هواداران سازمان منافقین که هنگام حمله منافقان و مقابله با آنان در عملیات مرصاد، در زندان بودند و نوعاً دوره محکومیت خود را می گذرانند، جرم تازه ای مرتکب نشده بودند تا مجازات گردند، و مجازات آنان حتی اگر بر سر موضع خود بودند نادرست بوده است، و به معنای نادیده گرفتن احکام قضایی قبلی آنان است. [۱]

[در حالی که] از نگاه فقهی همان گونه که در روایات چندی آمده و سیره امیرالمؤمنین (ع) در سه جنگ جمل، صفین و نهروان به خوبی شاهد است، و فقهای ما از گذشته تا حال از جمله آیت الله منتظری تصریح کرده اند، کسانی از مسلمانان که در اقدامی گروهی علیه حاکم و حکومت مشروع اسلامی دست به سلاح ببرند و به جنگ و مقابله با آن بپردازند، هر چند اهل عمل به ظواهر اسلامی مانند نماز و روزه باشند، با شرايطی در شمار «باغیان» قرار می گیرند و مشمول احکام آن خواهند بود که به تفصیل در منابع فقهی آمده است. یکی از این احکام مربوط به چگونگی رفتار با اسیران، زخمیان

۱. همان.



و فراریان «گروه باغی» از جمله پس از شکست در جنگ است. فقهای ما به روشنی و با اتفاق نظر در این موضوع، میان «باغیان» زخمی و اسیر و فراری که به رغم شکست در جنگ، همچنان دارای گروه و مرکزی هستند که بتوانند گرد آن آیند، مانند سپاه معاویه در جنگ صفین، حتی اگر آن گروه باقی مانده چند نفر هم باشند که توان سازماندهی دوباره را داشته باشند، و میان کسانی که گروهشان کاملاً از هم پاشیده و قدرت سازماندهی دوباره را ندارند یا چنین قصدی ندارند، مانند گروه شکست خورده و از هم پاشیده جمل و خوارج فرق گذاشته اند. در فرض نخست همان گونه که در روایت «حفص بن غیاث» آمده، اسیران کشته می‌شوند، فراریان رها گذاشته نمی‌شوند تا کشته شوند، و زخمیان نیز کارشان تمام می‌شود و باقی گذاشته نمی‌شوند؛ چنان که امیر المؤمنین (ع) با برخی اسرای صفین چنین کرد. در صورت دوم، که خطری از سوی این بازماندگان، حکومت و جامعه اسلامی را تهدید نمی‌کند، با فروکش کردن جنگ و از هم پاشیدن کامل «گروه باغی»، کسی نباید متعرض آنان شود؛ چنان که در هر حال نباید متعرض زنان و کودکان و سالخوردهانی از آنان که توان جنگ ندارند شد.

[لذا] اصل فرق گذاری یادشده، چنان که «علامه حلی» خاطر نشان کرده امری اجماعی و مستند به ادله متعددی است که مرحوم استاد [منتظری] نیز در جلد سوم *دراسات فی ولایه الفقیه و الحکومه الاسلامیه* به خوبی و بیش از همه جمع آوری و به آنها استناد کرده است. در میان اهل سنت نیز از جمله ابوحنیفه و برخی شافعیان همین نظر را دارند. این است که تعبیر «یجاز علی جریحهم و یتبع مدبرهم و یقتل اسیرهم» و مشابه آن بارها در متون فقهی ما تکرار شده است. علامه حلی پس از این جمله افزوده است: فرقی نمی‌کند که آن گروه باقی مانده که فراریان و اسیران و زخمیان به آنان ملحق می‌شوند، در میدان باشند یا در جای دیگر باشند، نزدیک باشند یا دور باشند.

«شهید ثانی» نیز خاطر نشان کرده است که به اجماع فقهای ما اگر گروه باغی جنگ را رها کنند رها می‌شوند و نباید متعرض آنان شد یا اگر شکست بخورد در پی شکست خوردگان نباید رفت، و باید به پراکنده ساختن آنان و به هم زدن گروهشان بسنده کرد، مگر این که دسته‌ای داشته باشند که



به آنان ملحق شوند؛ در این صورت باید در پی فراریان رفت، کار زخمیان را تمام کرد و اسیران را کشت... این که حضرت امام خمینی در برخورد با زندانیان موضوع بحث، میان کسانی که همچنان بر موضع خود در وابستگی به سازمان منافقین و حمایت از آن پافشاری می کردند و دیگری که بر سر موضع خود نبودند، فرق گذاشتند، به همین ملاک شرعی برمی گردد؛ که با وجود بقای مرکزیت منافقان، آن هم در سایه جاسوسی و مزدوری برای رژیم متجاوز یعنی [صدام] و همراهی با جنایت کاران حاکم بر عراق و سران ارتجاع منطقه و دشمنان نظام و کشور، و در سایه حمایت آنان، آن دسته از منافقانی که سر موضع خود بودند، در شمار دسته نخست بودند و از نگاه فقهی فرقی نمی کند که اینان پیش از شروع جنگ بازداشت و اسیر شده باشند، یا هنگام آن، یا پس از آن، و این که به دلیل ارتکاب جرم محاکمه شده باشند یا نه.<sup>۱</sup>

آقای منتظری بدون توجه به جایگاه علمی و فقهی امام خمینی که هم اعلم از او است، و هم ولی فقیه جامعه بود، به مخالفت با فتوای او علیه تروریست ها پرداخت. حجت الاسلام علی رازینی - از مسئولان وقت قوه قضائیه - درباره اعدام های سال ۱۳۶۷ منافقین و شبهاتی که اخیراً حامیان آنها در این زمینه مطرح کرده اند، می گوید:

اگر امام بنا بود بی حساب و کتاب حکم اعدام بدهد، آن طور که ضد انقلاب می گوید، دیگر نیازی نبود که هیئت سه نفره تشکیل دهد. همان جا در زندان اعلام می شد که اینها را اعدام کنند. از جمله حاکم شرع، که حاکم شرع هم فرد خاصی که از طرف مراجع بالا انتخاب شود نبود، بلکه همان حاکم شرعی بود که از قبل برای [هر یک از] شهرها انتخاب شده بود. کسی که رئیس دادگاه انقلاب فرضاً سمنان یا مشهد بود و دادستان انقلاب همان شهر که به شکل عادی مسئولیت دارد، به اضافه نماینده [اداره] اطلاعات آن شهر، هیئت سه نفره را تشکیل می دادند که گاهی جلسات محاکمه حدود یک ساعت طول می کشید و عده ای را محکوم به اعدام کرده و عده ای را خیر. با این که [قاضی] دادگاه های انقلاب در آن زمان یک نفره بود، [اما محاکمه هر یک از منافقین در] این دادگاه ها به شکل جمعی [توسط هیأت

۱. همان؛ البته آقای مرتضوی این نکته را نیز یاد آور شد که حتی آیت الله یوسف صانعی نیز سال ها پیش، حکم امام خمینی را علیه منافقین تأیید نموده، و در جلسه درس خود، به نقد مخالفت آیت الله منتظری با حکم امام خمینی پرداخته و به این نکته اشاره کرده که «حکم امام در مقابله با منطق ترور و علیه آن بود.»

سه نفره قضاوت و [مدیریت شده است و رسیدگی‌ها به شکل اجماعی انجام می‌شد... به هر حال رسیدگی‌ها در سال ۶۷ عادلانه و کاملاً طبق قانون بوده است.<sup>۱</sup>

### تشکیل هیأت‌های عفو منتظری برای نجات تروریست‌ها

یکی دیگر از اقدامات آیت‌الله منتظری تشکیل «هیأت عفو» بود که در سال ۱۳۶۵ آن را به راه انداخت. او از طریق آن، افراد تروریست زندانی را به راحتی عفو و از زندان رها می‌کرد. اما بسیاری از آنها پس از عفو، مجدداً به سازمان منافقین می‌پیوستند و علیه جمهوری اسلامی دست به عملیات نظامی، جاسوسی، ترور و خرابکاری می‌زدند. به همین جهت روز ۱۲ مهر سال ۶۵ امام خمینی ضمن انتقاد به آیت‌الله منتظری، نوشت:

آزادی بی‌رویه چند صد نفر منافق، به دستور هیأتی که با رقت قلب و حسن ظنشان واقع شد، آمار انفجارها و ترورها و دزدی‌ها را بالا برده است. ترحم بر پلنگ تیز دندان - ستمکاری بود بر گوسفندان.

اقدامات خودسرانه آقای منتظری در امور قضایی از جمله آزادی بدون ضابطه زندانیان، گزارش‌های غلط نمایندگانش در امور زندان‌ها سر دراز دارد. این قضیه - همان‌طور که خود آیت‌الله منتظری نزد امام اعتراف کرده بود - منجر به این شد که منافقین «تند تند از زندان‌ها آزاد شوند». اقدامی که مورد اعتراض سایر نهادها و چهره‌های قضایی و مردم داغدار و حتی خود امام قرار گرفت. یکی از منتقدان عفوهای بی‌ضابطه منتظری، شهید سید اسدالله لاجوردی - دادستان وقت انقلاب - بود. حجت‌الاسلام علی رازینی - از مسئولان وقت قوه قضائیه - در این زمینه می‌گوید:

بحث اختلاف آقای منتظری و مرحوم لاجوردی از این قرار بود، قبل از آن که مرحوم منتظری از قائم‌مقامی برکنار شود شهید لاجوردی ایشان را قبول نداشت؛ چون یک جاهایی ایشان دیده بود که آن مرحوم [منتظری] تحت تأثیر منافقین حرف می‌زند... [لذا] خیلی صریح در مقابل خواسته‌های غیرمتعارف منتظری ایستادگی می‌کرد. مثلاً وقتی دستور می‌داد که فلان زندانی آزاد شود شهید لاجوردی ترتیب اثر نمی‌داد. بنابراین مرحوم منتظری بسیار فشار آورد که ایشان عوض شود. بنده که دادستان شدم، احساس کردم باید زمینه منتفی کردن ادعاهای اطرافیان آیت‌الله منتظری

را فراهم کنم. یکی از بهانه‌ها این بود که مثلاً گروهی از زندانیان که حکم‌های یک‌ساله داشتند و دوره محکومیت آنها نیز تمام شده بود، به دلیل این که همچنان با منافقین در ارتباط بودند از زندان آزاد نشده بودند، و صحبت شهید لاجوردی هم این بود که اگر اینها را رها کنیم فردا باید دوباره با صرف هزینه آنها را در خانه‌های تیمی دستگیر کنیم. بنده آمدم مشخصاً با این ۱۰۰۰ نفر مصاحبه کردم. تعدادی از اینها فعالیت گروهی داشتند. مثلاً در همان زمان که در زندان هم بودند اعلامیه پخش می‌کردند و زندانیان را تحریک می‌کردند. ما گفتیم اینهایی که چنین اقداماتی در زندان انجام داده‌اند را دوباره بازجویی کنیم تا به اقدامات داخل زندان خود اعتراف کنند، تا دلیل منطقی برای تجدید محاکمه آنها داشته باشیم. بنابراین پس از بررسی‌های دقیق و گزارش‌های مکتوب با کیفرخواست‌هایی که برای آنها تهیه شد دوباره دادگاه برگزار کردیم.<sup>۱</sup>

مسئله عفو منتظری آنقدر به کام منافقین شیرین آمد که سازمان به اعضای زندانی‌اش دستور داد «توبه نمایی» کنند تا زودتر آزاد شوند و به جنایات خود ادامه دهند؛ چون او تحت پوشش هیأت عفو به آزادی بی‌رویه تروریست‌ها می‌پرداخت. شاید بتوان راز این که تعداد قابل توجهی از کشته‌شدگان منافق در عملیات مرصاد را، آزادشدگان سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۶۶ تشکیل می‌دهند، در هیأت عفو آقای منتظری جست‌وجو کرد.

به عبارت دیگر منتظری پیش‌تر منافقینی را که ذره‌ای قابل تخفیف برای آزاد شدن بودند، از زندان‌ها بیرون کشانده و آزاد کرده بود و زندانیان باقی‌مانده افراد اصلی تشکیلات و به معنای حقیقی کلمه «تروریست» بودند. بنابراین در تابستان سال ۱۳۶۷ دیگر کسی از منافقین به خاطر مسائل قابل چشم‌پوشی در زندان نمانده بود؛ هر چه بود فعالین نظامی سازمان در داخل ایران بودند که قبل، حین یا بعد از عملیات تروریستی دستگیر شده بودند و حتی با «سیاست درهای باز» هیأت عفو منتظری هم قابلیت آزاد شدن نداشتند.

از سوی دیگر تحلیل آماری کشته‌شدگان منافقین در عملیات فروغ جاویدان خود یک شاهد زنده و گواه مستندی است بر فرمان درست امام خمینی و دلسوزی نابجا و ساده‌لوحانه منتظری. سازمان منافقین در کتابی به نام *یادنامه شهیدان فروغ جاویدان* - که در خارج از کشور منتشر کرده- تعداد کشته‌شدگان این عملیات را ۱۳۰۴ نفر برشمرده. آنها همچنین در جای دیگر ادعا می‌کنند که ۲۷۰ نفر از کشته‌شدگان این عملیات، «زندان‌یان رژیم آخوندی»



بودند؛ یعنی افرادی که محکوم شده بودند و در زندان‌ها بودند، ولی توسط هیأت‌های عفو منتظری یا به هر دلیل دیگری آزاد شده بودند و بار دیگر به سازمان منافقین پیوسته بودند. به این ترتیب با یک حساب سرانگشتی از آمار ارایه شده توسط منافقین، می‌توان دریافت که یک، پنجم کشته‌شدگان آنها در فروغ جاویدان، زندانیان آزاد شده سال‌های گذشته توسط آقای منتظری بوده‌اند.<sup>۱</sup> اما آمار دیگری گویای آن است که حدود ۱۳۰۰ نفر از زندانیان منافق و تروریست توسط آیت‌الله منتظری عفو و آزاد شده‌اند، ولی معادل همین تعداد هم در هنگام تهاجم منافقین در مرداد سال ۱۳۶۷، در عملیات مرصاد کشته شدند. ضمن آن که تعدادی از عفوشده‌ها در ایران و شهرهای خود باقی ماندند و مخفیانه به جاسوسی و خدمات دیگر برای سازمان خود پرداختند یا در حالت آماده‌باش برای ایجاد آشوب و اغتشاش به سر می‌بردند. همچنین تعداد زیادی از عفوشدگان هم که در عملیات فروغ جاویدان شرکت داشتند زنده ماندند و دوباره به پادگان اشرف در عراق بازگشتند. تعدادی نیز بعد از آن به ترکیه و کشورهای اروپایی رفتند و علیه جمهوری اسلامی تبلیغات نمودند.

علاوه بر این، به نوشته یکی از مورخان، پس از شکست عملیات فروغ جاویدان سازمان منافقین در سوم مرداد سال ۱۳۶۷، صرف نظر از کشته و زخمی شدن عده زیادی از آنها، شمار قابل ملاحظه‌ای از منافقان مسلح متجاوز، به اسارت جمهوری اسلامی درآمدند که به زندان‌های اوین تهران و گوهردشت کرج منتقل شدند. از قضا مشخص شد که تعداد زیادی از اینها کسانی بودند که سابقه بازداشت در ایران دارند و به خاطر توبه ظاهری و اظهار ندامت، توسط منتظری عفو و از زندان آزاد شده‌اند و دوباره به فرقه رجوی پیوسته‌اند. در نتیجه قضات پرونده بی‌درنگ آنان را مصداق باغی، شورشگر مسلح و برهم‌زننده امنیت کشور و قیام علیه نظام اسلامی ملت ایران تشخیص داده و به مرگ محکوم کردند که احکام صادره اجرا شد.<sup>۲</sup>

### اقدام مشترک منافقین و منتظری

یکی دیگر از اقدامات مشترک منافقین در خارج و آیت‌الله منتظری در داخل، طرح این موضوع کذب بود که جمهوری اسلامی دختران مجرد محکوم به اعدام را ابتدا به عقد موقت زندانبانان درمی‌آورد و سپس اعدامشان می‌کند! اولاً اعدام دوشیزگان و عقد آنها همه شایعات ساخته و پرداخته منافقین برای تطهیر

1. Peirov.ir

۲. صفاءالدین تبرائیان، همان، ص ۳۲۹.

جنایات و خیانت‌هایشان به کشور، و تخریب وجهه نظام اسلامی بود.

ثانیاً تا وقتی آقای منتظری در منصب قائم‌مقام رهبری بود، چون در بین مخالفین جمهوری اسلامی بسیار منفور بود این شایعه در مورد ایشان رایج بود که منتظری گفته دخترها را اعدام نکنید، اول آنها را صیغه کنید و بعد اعدام کنید. در خارج از کشور هم منافقین این موضوع را برجسته کرده بودند. اما به محض این که امام ایشان را از این منصب برکنار کرد، منافقین و سایر مخالفین نظام در سنگر حامیان منتظری قرار گرفتند و همه آنها به اضافه خود منتظری و عوامل بیتش این اتهام دروغ را متوجه دولت جمهوری اسلامی کردند. در حالی که اصل ماجرا دروغ و یک شایعه سیاسی بود. اما آقای منتظری به جای تکذیب این شایعه، به آن دامن زد.<sup>۱</sup>

### انتشار فایل صوتی منتظری در دفاع از منافقین

یکی از مهمترین شیطنت‌های وارثان سیاسی منتظری پس از مرگش، انتشار فایل صوتی او در تاریخ ۱۹ مرداد سال ۱۳۹۵ بود. این فایل حاوی سخنان تند و انتقادی آیت‌الله منتظری نسبت به اعدام منافقین - همزمان با هجوم نیروهای این سازمان با چتر حمایتی ارتش صدام - بود، که بسیار خبر ساز شد. در این فایل چهل دقیقه‌ای، ۲۳ دقیقه ابتدای آن سخنان منتظری و ادامه‌اش سخنان یکی از مسئولین قضایی درباره ادعاهای غلط اوست. منتظری این سخنان را روز ۲۴ مرداد سال ۱۳۶۷ بیان کرده است. او که مدت نه ماه بود عزا دار اعدام سید مهدی هاشمی بود،<sup>۲</sup> از در حمایت از منافقین و حمله به امام و نظام در آمد. او پیش از آن نیز برای دفاع از تروریست‌ها، به نگارش دو نامه تند و هتاکانه به امام (در روزهای ۹ و ۱۱ مرداد سال ۱۳۶۷) پرداخته بود. او پس از آن که نامه‌هایش به نتیجه نرسید، از چهار نفر از مسئولان مرتبط با مجازات منافقین، آقایان نیری (حاکم شرع)، اشراقی (دادستان)، رئیسی (معاون

۱. غلامرضا خارکوهی، همان.

۲. سید مهدی هاشمی در صفحه ۲۴ پرونده بازجویی خود راجع به ردائال اخلاقی‌اش نوشته بود: «خصلت‌های شیطانی مانند قدرت‌طلبی که نتیجه غرور و عجب بود، و خودمحوری و استبداد فکری، ریا، تکبر، خودبزرگ‌بینی، مراا حاطه کرده بود و منشاء بسیاری از برخوردهای عملی‌ام در قتل‌ها، انباشتن اسلحه و مهمات، افشاگری علیه مسئولان و... از این خصلت شیطانی سرچشمه گرفته بود.» به همین جهت او دستش به خون بیش از صد نفر آلوده بود و گروه‌های متعدد ترور و آدم‌ربایی را در قبل و بعد از انقلاب سازماندهی و رهبری می‌کرد؛ بیش از ۲۸۰ قبضه سلاح و مهمات و اموال بسیاری از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به سرقت برد و مخفی کرد، و نیز به ایجاد شبکه نفوذ در ارگان‌ها و ادارات مختلف و سرقت اسناد و مدارک طبقه‌بندی‌شده پرداخت. در حالی که امام خمینی دستور بازداشت و محاکمه او را داده بود و طی نامه‌ای محترمانه به آیت‌الله منتظری نوشته بود: «من تأکید می‌کنم که شما دامن خود را از ارتباط با سید مهدی پاک کنید که این راه بهتر است؛ و الا هیچ عکس‌العملی در رسیدگی به امر او از خود نشان ندهید که رسیدگی به امر جنایات مورد اتهام حتمی است»، باز آقای منتظری از او دفاع می‌کرد و او را مثل یک قدیس مورد حمایت قرار می‌داد.

دادستان) و پور محمدی (نماینده وزارت اطلاعات در زندان اوین) دعوت کرد تا به منزلش بروند. منتظری در این دیدار محرمانه، از این که تروریست‌ها محاکمه و اعدام شده‌اند به شدت انتقاد کرد، و البته پاسخش را هم شنید.

تا این که هفده سال بعد از آن دیدار، ورثه سیاسی آیت‌الله منتظری - پس از مرگش - فایل صوتی آن جلسه را منتشر کردند. این اقدام چند روز پس از آن صورت گرفت که رسانه‌های ضدانقلاب به مناسبت سالگرد اعدام منافقین موج تبلیغاتی تکراری هر ساله را به راه انداخته بودند. انتشار این فایل سوژه تبلیغاتی جدیدی بود که بیت منتظری در اختیار آنها گذاشت، و مورد استقبال گسترده شبکه‌های غربی و مخصوصاً منافقین قرار گرفت.<sup>۱</sup>

اما انتشار این فایل چه چیزی را هدف قرار می‌داد؟ شاید لایه اول تحلیل‌ها و واکنش‌های خبری انتشار این صوت، متوجه نظام جمهوری اسلامی ایران و دستگاه قضایی وقت باشد. اما حقیقت این است که انتشار آن مثل همه ادعاهای منتظری و یارانش، بیش از هر چیز شخص امام خمینی را هدف قرار می‌داد. انتقام‌گیری بیت منتظری از امام خمینی، هر زمان شکل متفاوتی به خود می‌گیرد، اما محتوایش ثابت است.<sup>۲</sup> یکی از بهترین روش‌ها درباره شیخ حسینعلی منتظری این است که او را با خودش نقد کنند. او که به اجرای حکم اعدام علیه منافقین جنایتکار اعتراض می‌کند، در فروردین سال ۱۳۶۵، حمله کنندگان به کشور لیبی را محکوم به اعدام دانست، حتی افرادی که با حمله کنندگان خوش و بش بکنند! حال باید منصفانه از آقای منتظری پرسید چرا او برای افراد تهاجم‌کننده به کشور لیبی، حتی کسانی که با مهاجمان خوش و بش بکنند، صراحتاً «حکم قتل» صادر می‌کند؟! ولی برای تروریست‌هایی که به کشور خود - ایران - حمله کرده‌اند و هفده هزار نفر از مردم بی‌گناه ما را شهید و ده‌ها هزار نفر را اسیر و شکنجه و زخمی کرده‌اند، حکم قتل نمی‌دهد، بلکه از آنها دفاع می‌کند؟! این سؤالی است که هیچ‌گاه منتظری به آن پاسخ نداد. چون از یک سو دفاع از منافقین با روح و جان او عجین شده بود، و از سوی دیگر او می‌خواست انتقام اعدام سید مهدی هاشمی را به این طریق از امام و نظام بگیرد.

البته انتشار فایل صوتی منتظری، اعتراضات زیادی را در ایران به دنبال داشت. برخی از این واکنش‌ها را در اینجا ارایه می‌کنیم:

- بیانیه مجلس خبرگان رهبری: نوار صوتی منتظری آب به آسیاب دشمن ریختن بود...

۱. پیش از آن نیز در اوایل فروردین سال ۱۳۶۸ شبکه بی‌بی‌سی یکی از این نامه‌های محرمانه او را که توسط عوامل نفوذی منافقین در بیتش به آنها رسیده بود، افشا و آشکار کرد و صدمات جبران‌ناپذیری به حیثیت ملت ایران وارد نمود. این نامه را آیت‌الله منتظری در حمایت از تروریست‌ها خطاب به امام خمینی (ره) نوشته بود.

2. <https://article.tebyan.net>





ریشه این گونه شیطنتها، حقد و حسد نسبت به امام و نظام است.

- آیت الله محمد محمدی ری شهری وزیر اطلاعات سابق با بیان این که آنچه در فایل صوتی آمده، حرف تازه‌ای نیست، گفت: انتشار این نوار سند روشن دیگری بر حقانیت سخن امام مبنی بر نفوذ منافقین در بیت منتظری است.

- آیت الله آملی لاریجانی رئیس وقت قوه قضائیه با بیان این که جنایت‌های منافقین سیاه‌دل تطهیرشدنی نیست گفت: باید تأسف خورد که برخی با پخش فایل‌های صوتی مستمسک به رسانه‌های غربی دادند... احکام محاربین قابل خدشه نیست... منافقین بدتر از داعش بودند.

- آیت الله سید حسن خمینی نوه امام (فرزند سید احمد خمینی) گفت: کسانی که از امام بغض دارند تا آخر نیز خواهند داشت... محبت مردم به امام ریشه در باورمندی دینی، اعتقاد قلبی و پیوند عاطفی آنها دارد، و سؤال این است کسانی که این نقطه را هدف قرار می‌دهند چه امید و هدفی دارند؟

- حجت الاسلام دکتر سید حمید روحانی مورخ نهضت امام و رئیس بنیاد تاریخ‌پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی گفت: وقتی که منافقین به ایران حمله کرده و وارد کشور شدند، منافقینی که در زندان بودند و به ظاهر توبه و اظهار ندامت کرده بودند، به نفع آنها در زندان‌ها آشوب و شورش به پا نمودند؛ در نتیجه حکمشان به اعدام تبدیل شد.

- آیت الله موسوی بجنوردی عضو شورای عالی قضایی در دوران امام خمینی، سخنان منتشر شده از حسینعلی منتظری را ناشی از اطلاعات غلطی دانست که مغرضانه به وی منتقل شده است. وی گفت: منافقین رذل‌ترین و خشن‌ترین گروهی بودند که به محاربه با نظام اقدام کردند.

- آیت الله علی اکبر هاشمی رفسنجانی با بیان این که زحمات احمد آقا خمینی برای اسلام، ایران، تشیع و انقلاب بی‌نظیر است، تأکید کرد: یکی از اهداف شوم دشمنان از طرح مسائل اخیر، خدشه وارد کردن به جایگاه مرحوم حاج احمد آقا و بیت معزز امام در جامعه است که نباید اجازه داد به اهداف خود برسند.

- حجت الاسلام محمدعلی انصاری عضو دفتر امام خمینی با بیان این که آقای منتظری از جدایی از امام هیچ نفعی نبرده است، گفت: کسانی که ذهن آقای منتظری را به مسائل غیر واقعی آلوده کرده‌اند، دفاع ایشان از لیبرال‌ها و منافقین را هم باعث شدند، و آنها این نوارها را پخش کرده‌اند. انتشار این نوار بعد از ۲۸ سال وقتی که سردمداران استکبار و تکفیری‌ها با منافقین نشست و برخاست می‌کنند، احیای آنان و مشروعیت‌زایی برای

آنهاست.

- دکتر محسن رضایی گفت: امام عزیز پیش بینی کرده بود که پس از او به احمد آقا هجوم کنند؛ امروز، بی بی سی، آل سعود و اسرائیل برای زیر سؤال بردن امام، دور جدیدی از حملات را به احمد آقا شروع کرده اند.

- دکتر علی اکبر ولایتی رئیس وقت مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام گفت: زمان وزارت تم یک سفارت خانه عربی با ظاهر انقلابی در بیت آقای منتظری نفوذ کرد.

- حجت الاسلام سید علی خمینی فرزند سید احمد آقا گفت: امروز یک عده ای برای منافقین دل می سوزانند که چرا اعدام کر دید؟ آنها کسانی بودند که در مقابل حکومت ایستادند و جنایاتی کردند که داعش آنها را نمی کرد؛ اگر امام خمینی در مقابل این جنایات نرمش از خود نشان می داد کشور پس از سی سال هم رنگ آرامش به خود نمی دید.

- سردار سنایی راد معاون سیاسی وقت سپاه گفت: آرشوی که این روزها فرزند منتظری منتشر کرد در جهت سناریویی بزرگتر است که در برجام بعدی با بهانه های حقوق بشر دنبال خواهد شد، گرچه او تنها یک بازیچه و بازی خورده است.<sup>۱</sup>

- غلامرضا خارکوهی تاریخ نگار انقلاب اسلامی گفت: کار کسانی که دست به انتشار نوار صوتی مشکوک آقای منتظری زدند، کمتر از جنایات منافقین علیه ملت ایران نیست و باید به اشد مجازات برسند. عجیب تر از همه، اقدام سؤال برانگیز آقای علی مطهری است که به جای افشای چهره جنایت بار و تروریستی منافقین و حامیان غربی و عربی شان، خواستار عذرخواهی برخی از مقامات سابق جمهوری اسلامی در این زمینه شده است! به طوری که متأسفانه نامه آقای علی مطهری<sup>۲</sup> در ادامه انتشار نوار صوتی منتظری، در شبکه ها و سایت های خبری جهان به مهمترین دستاویز رسانه ای علیه امام و جمهوری اسلامی تبدیل شده است.<sup>۳</sup>

- حمید رسایی نماینده سابق مجلس شورای اسلامی در واکنش به نامه مطهری به وزیر وقت دادگستری در خصوص اعدام منافقین در سال ۱۳۶۷ گفت: علی مطهری دقیقاً ویژگی های منتظری را دارد؛ فردی ساده لوح که خیلی راحت می شود او را بازی داد.

- مرتضی نبوی عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام با اشاره به پخش فایل صوتی منتظری از رادیو بی بی سی گفت: آنچه پخش شد برای تطهیر جنایات منافقین بود. اما جنایت های منافقین هیچ گاه از یاد ملت ایران نمی رود.

۱. پایگاه اطلاع رسانی نسیم آنلاین - Nasim News Agency

۲. علی مطهری نایب رئیس وقت مجلس شورای اسلامی.



- یادداشت مهدی فضائلی، روزنامه‌نگار: دشمن با انتشار فایل صوتی که سال‌ها پیش متن مکتوب او منتشر شده بود، به دنبال احیاء و مظلوم‌نمایی یکی از جنایتکارترین گروه‌های تروریستی است؛ گروه‌کی که دامنه جنایتش به ملت ایران محدود نشده و آکراد و شیعیان عراقی نیز طعم تلخ وحشیگری آنها را چشیده‌اند.

- یادداشت محمد کاظم انبارلویی، روزنامه‌نگار: منافقین در جنایات پیش‌تازتر از داعشی‌ها بودند. آنها همان کسانی بودند که پوست سر بچه‌های پاسدار عضو کمیته انقلاب را زنده زنده کردند و آنها را سوزاندند. داعشی‌ها در خشونت به پای منافقین نمی‌رسند.

- حسین شریعتمداری مدیر مسئول روزنامه کیهان گفت: اقدام احمد منتظری در انتشار فایل صوتی چه آگاهانه باشد و چه ناآگاهانه، در جهت هم‌سوئی با تکفیری‌ها صورت پذیرفته، و در این میان او و برخی دیگر از اصحاب فتنه امریکایی - اسرائیلی سال ۱۳۸۸ چه بخواهند و چه نخواهند، پادویی انگلیس، امریکا و سعودی‌ها را به دوش می‌کشند.

- قدرت‌الله علیخانی نماینده ادوار مجلس با بیان این که جنایت‌های منافقین ده‌ها مرتبه بدتر از اقدامات داعش بوده است، گفت: من اقدامات اخیر منافقین را با پخش فایل صوتی صحبت‌های آیت‌الله منتظری بی‌ارتباط نمی‌دانم.<sup>۱</sup>

۱. غلامرضا خارکوهی، همان.





## دروغ سازان تاریخ و تاریخ دروغ سازان

نگاهی بر بافته‌های ذهنی عبدالرحیم اباذری و محمدعلی ایازی برای نجات  
شریعتمداری از دادگاه تاریخ

محمدعلی افضلی<sup>۱</sup>

تطهیر عناصر مطرود و منحرف یکی از حربه‌های قدیمی جریان‌های تحریف برای وارونه‌نمایی واقعیت‌های تاریخی و عوض کردن جای «جلاد و شهید» است. یکی از این عناصر، که از جانب طیف‌های انحرافی و تحریف‌گر تاریخ مورد توجه بوده، سید محمد کاظم شریعتمداری است. فردی که در عین وابستگی و دل‌بستگی به رژیم پهلوی خود را در کسوت انقلابی‌گری جازده بود و در مقاطع حساس نهضت به کارشکنی‌های مرموز و خیانت به آرمان‌های ملت ایران دست می‌زد. اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی در وقایع مختلف چهره حقیقی او آشکار گردید و دادگاه تاریخ نیز محکومیت وی را ثابت کرد.

تاریخ ادامه دارد و تحریف‌گران تاریخ نیز به عنوان وکلای مدافع شریعتمداری‌ها همچنان مشغول قلم‌گردانی هستند و تلاش بی‌فایده‌ای برای تبرئه وی می‌کنند. یادداشت‌های دنباله‌دار عبدالرحیم اباذری که از ۱۴ فروردین ۱۴۰۱ آغاز شد، خواسته یا ناخواسته، دانسته یا نادانسته در همین راستا تحلیل می‌شود. اباذری در این یادداشت بخشی از کتاب

۱. دانش‌آموخته سطوح عالی حوزه قم و از محققین بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی



شریعتمداری در دادگاه تاریخ نوشته حجت الاسلام والمسلمین سید حمید روحانی را گزینش کرد و با رایبه مطالبی تحریف آمیز برای تخطئه آن قلم فرسایی نمود.

پس از انتشار یادداشت اول عبدالرحیم اباذری، محمدعلی ایازی نیز سخن تحریف آمیز و غیر واقعی دیگری در تأیید مطالب اباذری منتشر کرد که بنیاد تاریخ پژوهی به هر دو آن مطالب پاسخ داد و پس از انتشار این پاسخ، عبدالرحیم اباذری در کانال تلگرامی شخصی اش جوابیه ای به آن پاسخ منتشر کرد و بنیاد تاریخ پژوهی به آن جوابیه نیز پاسخ داد.

گفتمنی است پاسخ تفصیلی به یادداشت های اباذری و ایازی پیش از این در پایگاه رسمی بنیاد تاریخ پژوهی درج شد اما نظر به اهمیت صیانت از حافظه تاریخی ملت و ثبت حقایق تاریخی، این گفت و گوی مکتوب علمی در فصلنامه تخصصی پانزده خرداد نیز منتشر می گردد.

## ۱. یادداشت اول عبدالرحیم اباذری

### آیت الله شریعتمداری و تحریف تاریخ

اتهام استقبال از شاه

کتاب شریعتمداری در دادگاه تاریخ حتماً یادتان هست که تابستان ۱۳۶۱ با تیراژ پنج هزار، منتشر شد و در زمان کوتاه به تیراژ ده ها هزار جلد رسید. در این کتاب موضوعاتی از قبیل: «استقبال آیت الله شریعتمداری از شاه»، «ارتباط و همکاری با ساواک و ملی گراها» و «هم سویی با امریکا و طرح کارتر» به طور یک جانبه و تحریف گونه مورد به اصطلاح بررسی قرار گرفته است و در نهایت مؤلف کتاب با تمسک به حدیثی از امیر مؤمنان علی علیه السلام اعلام خطر کرده و خواستار دستگیری و به زندان افکندن متهم شده است. متأسفانه حدود چهل و سه سال است این مطالب به صورت غیر منصفانه و گاهی وارونه در اذهان مردم و حتی خواص برای خود جای باز کرده، بدون این که پیرامون آن تحقیق واقع بینانه انجام گیرد.

در این فرصت، تنها به موضوع استقبال مرحوم آیت الله شریعتمداری از محمدرضا شاه می پردازیم و بقیه را به وقت دیگر موکول می کنیم. نویسنده در صفحه ۳۶ کتاب با طرح این موضوع می نویسد:

آن روز (چهارشنبه ۶ خرداد ۱۳۲۶) که جو آذربایجان هر گونه ملاقات با شاه و استقبال از او را محکوم و مردود می شمارد و علمای متعهد



تبریز ملاقات با شاه را اساساً حرام و فسق می‌دانند، می‌بینیم که آقای شریعتمداری یک تنه در برابر علمای آذربایجان می‌ایستد و به استقبال شاه می‌شتابد و از او دیدن می‌کند! شریعتمدار [ی] آدم باهوشی است و خوب می‌فهمد که ملاقات با شاه در آن شرایط برای او گران تمام خواهد شد و با سقوط او همراه خواهد بود؛ با وجود این، گویا خود را ناچار می‌بیند که به آن دست بزند و مقدمات زد و بند و ارتباط را فراهم آورد و با قدرت مسلط زمانه بسازد و از او برای مقاصد شوم خود یاری بگیرد...

نویسنده کتاب در بخش دیگری، اقدام آقای شریعتمداری را به دست‌های نامرئی که به احتمالی ایادی بیگانگان منظورش باشد، نسبت داده و چنین طرح سؤال کرده و ادامه می‌دهد:

آیا به نظر نمی‌رسد که دستی نامرئی در کار بوده است تا جو ضدشاهی در محافل روحانی آذربایجان را به هر قیمتی در هم بشکند؟ و با واداشتن شریعتمداری به ملاقات شاه، موقعیت سیاسی او را که در آن روز تازه به سلطنت رسیده بود و نیازی مبرم به پشتیبانی علما و روحانیان داشت، تحکیم بخشد؟ و با در نظر گرفتن آن که شاه را در آن روز اقتداری نبوده است، باید دید آن قدرت نامرئی که شریعتمداری را به ملاقات با شاه وامی‌داشته از چه ناحیه‌ای بوده است؟!<sup>۱</sup>

در این باره چند نکته می‌توان ذکر کرد:

اولاً: چنان که در ادامه مقاله روشن خواهد شد، استقبال از شاه در آن مقطع تاریخی یک حرکت مثبت و نقطه قوت به شمار می‌آید؛ به طوری که بعد از آن، شاه نیز جهت بازدید از ایشان به مدرسه طالبیه آمد و در آنجا با اکثر علمای برجسته تبریز دیدار کرد و انبوه طلاب نیز حضور داشتند؛ علاوه آقای شریعتمداری به همراه شاه در مجلس جشنی که به مناسبت آزادی سرزمین آذربایجان از لوٲ وجود قوای اشغالگر روسیه شوروی در سالن شهرداری تبریز بر گزار شده بود شرکت نمود و در این جلسه ضمن تبریک پیروزی بر فرقه دموکرات به نقش تعیین کننده علمای منطقه و طلاب در دفاع از سرزمین ایران تأکید کرد و خواستار حفظ حرمت و جایگاه روحانیت

۱. سید حمید روحانی، شریعتمداری در د/دگاه تاریخ، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳، ص ۴۲.



از سوی حکومت مرکزی شد.<sup>۱</sup>

ثانیاً: آنچه که روشن است، نویسنده کتاب در این تحلیل تاریخی، دهه ۲۰ را با دهه‌های ۵۰-۴۰ خلط کرده و اشتباهی گرفته است. در دهه ۲۰ شاه هنوز تازه به سلطنت رسیده بود و بعد از دوران خفقان رضاخانی، آزادی‌های مذهبی داده و تا حدودی رضایت قشر مذهبی، حوزه و روحانیت را به خود جذب کرده بود، حتی در این مقطع مرحوم آیت‌الله بروجردی و مراجع بزرگ نجف، مشهد و اصفهان از شاه، در مقابل حزب توده و کمونیست‌ها حمایت جدی می‌کردند و در صدد تقویت تنها حکومت مرکزی و شیعی بودند که در آن مقطع گرفتار ضعف مفرط توسط تجزیه‌طلبان شده بود. پس اقدام آقای شریعتمداری در آن اوضاع و شرایط دقیقاً در راستای همین سیاست مراجع معظم تقلید وقت بود. حتی بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ که شاه به کشور بازگشت، مرحوم آیت‌الله بروجردی طی تلگرام تبریک، شاه را «اعلیحضرت همایونی خلد الله تعالی ملکه» خطاب کرده است.<sup>۲</sup> چنان که بعدها خود امام خمینی از طرف آقای بروجردی به دیدار شاه می‌رفتند و در ماجرای انجمن‌های ایالتی و ولایتی وقتی امام نامه به شاه می‌نویسند، او را بالقب محترمانه «اعلیحضرت» خطاب می‌کنند؛ پس در این مقطع اصلاً فضای ضدشاهی در حوزه و کشور وجود نداشت. ثالثاً: مسافرت محمدرضا شاه، روز ششم خرداد ۱۳۲۶، حدود پنج ماه بعد از آزادسازی سرزمین آذربایجان از تجاوز چهارساله نیروهای اشغالگر روسیه شوروی و بعد تصرف یک‌ساله ایادی حزب دموکرات آذربایجان (وابسته به روسیه) به رهبری جعفر پیشه‌وری و غلام‌یحیی دانشیان انجام می‌گرفت؛ در واقع شاه جوان جهت بازدید از سرزمین آزادشده به تبریز آمده بود، فلذا بر روحانیت بصیر، آگاه به مسائل روز و متعهد لازم و واجب بود از این سفر استقبال بکنند و در مراسم جشن آزادی حضور داشته باشند. بنابراین دیدار آقای شریعتمداری، مطابق فضای سیاسی آن روز حوزه، روحانیت و مرجعیت بود و در راستای دفاع از «تمامیت ارضی سرزمین ایران و عدم تجزیه آذربایجان» یک حرکت مثبت و درخشان به شمار

۱. دانشنامه جهان اسلام، تهران، بنیاد دایره‌المعارف اسلامی، ج ۲۷، ص ۹۶.

۲. کیهان، سه‌شنبه ۱۳۳۲/۶/۳، ص ۱.





می‌آید. اگر قرار باشد کسی در این ماجرا محاکمه بشود باید آنهایی احضار و محاکمه شوند که در خانه و حجره مدرسه نشستند و در این دیدار یا استقبال و جشن حاضر نشدند که تعدادشان از انگشتان یک دست کمتر بود.

علاوه بزرگانی مانند آیتین مرحومین: آمیرزا فتاح شهیدی و آمیرزا محمود دوزدوزانی که حضور پیدا نکردند از شخصیت‌های محترم و موجه تبریز بودند ولیکن علت عدم حضور آنها در مراسم استقبال، به خاطر مخالفت با شاه نبود، بلکه همان‌طوری که آیت‌الله دوزدوزانی تصریح کرده بود: ضمن حمایت از شاه در مقابل کمونیست‌ها، اما چون زنان با سر برهنه و قاطی مردان در مراسم حضور خواهند داشت از شرکت و حضور عذر خواسته بود.<sup>۱</sup> مضافاً به این که این بزرگان در اصل، شخصیت سیاسی نبودند و تنها به تدریس، تعلیم و تربیت طلاب و اقامه جماعت بسنده کرده و از فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی آنان چندان گزارشی مشاهده نشده است. در حالی که آقای شریعتمداری شخصیت اجتماعی و سیاسی داشت و در یک دوره‌ای از انتخابات مجلس شورای ملی به مدیریت و ابتکار عمل ایشان، حدود ۵-۶ نفر از روحانیون برجسته تبریز در انتخابات شرکت کرده و رأی آورده و به مجلس راه یافتند و نقش تاریخی ایفا کردند.

معلوم نیست چرا نویسنده کتاب، اینقدر اصرار دارد در دهه بیست از علمای تبریز شخصیت‌های انقلابی بتراشد! اصلاً در آن مقطع تاریخی، مبارزه با شاه معنا و مفهومی نداشت تا دیدار با وی حرام و فسق شمرده بشود!

رباعاً: از مرحوم آیت‌الله ملکوتی شنیدم، می‌فرمود: آن روزی که محمدرضا شاه ترور نافرجام شد (۱۵ بهمن ۱۳۲۷ حدود ۲۲ ماه بعد از حضور شاه در تبریز) مادر بالاسر حرم در درس مرحوم آیت‌الله بروجرودی حاضر بودیم که میان درس یکی از اصحاب، این خبر را به گوش ایشان رساند. آن مرحوم در سشان را نیمه تمام گذاشتند و به بیت تشریف بردند تا موضوع را تعقیب بکنند. مرحوم آقای ملکوتی می‌فرمود بعد از رفتن آقا، همه ما شاگردان که از موضوع آگاه شده بودیم دسته‌جمعی در اطراف ضریح حضرت معصومه (س) گرد آمدیم و برای سلامتی محمدرضا دعا کردیم

۱. عبدالرحیم اباذری، *خاطرات آیت‌الله شیخ مرتضی بنی‌فضل*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶.

که این نقل نیز در تأیید همان فضای مثبت به شاه حکایت دارد. این که مؤلف کتاب تأکید دارد، جو آذربایجان هر گونه دیدار با شاه را مردود می‌داندست و علمای متعهد تبریز آن را از اساس حرام و فسق می‌دانند، نشان از بی‌اطلاعی وی از فضای کشور، منطقه و آذربایجان آن روز دارد. بر خلاف تصور وی، در آن مقطع تاریخی، فرهنگ «شاه سایه خدا» و «سلطنت موهبت الهی» در اوج بود و مردم نیز به شدت تحت تأثیر این فرهنگ قرار داشتند.

این مقاله در صدد تبرئه و تأیید مطلق از موضع‌گیری‌ها و عملکردهای مرحوم آیت‌الله شریعتمداری نیست چرا که ایشان در ماجرای حمایت از حزب جمهوری خلق مسلمان و اصرار بر تعیین استاندار و امام جمعه‌های آذربایجان و... انصافاً عملکرد خوشایندی نداشتند؛ اما این مجوز نمی‌شود که ما خدمات مثبت و درخشان ایشان در تبریز و به خصوص دود دهه مرجعیت ایشان در قم را نادیده گرفته و جهت سرکوب وی به تحریف، سندسازی‌های کاذب و موضع‌گیری‌های غیر اخلاقی و عوام‌پسند روی آوریم.

متأسفانه این گونه تحریفات تاریخی علاوه بر ظلم به فرد مورد نظر، یک نوع به بازی گرفتن و فریب دادن توده مردم و حتی خواص تلقی می‌شود؛ البته در این مورد به خصوص در درازمدت تیشه به ریشه مرجعیت شیعه زد که امروز از زوایای گوناگون می‌توانیم شاهد پیامدهای ناگوار آن باشیم. ۱۴۰۱/۱/۱۴، سالروز درگذشت

## ۲. تکمیل تحریف اباذری توسط دروغ‌پردازی‌های ایازی

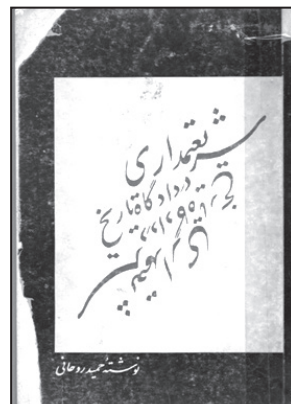
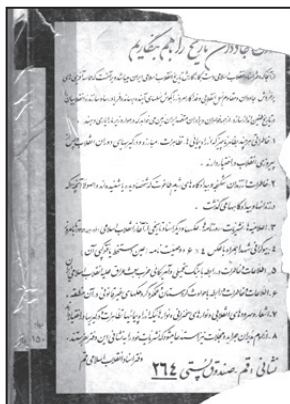
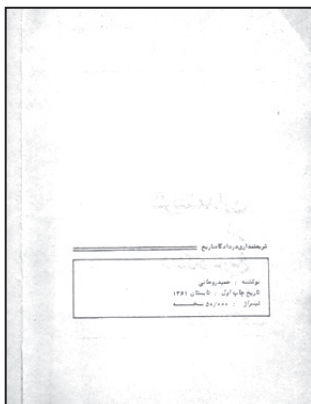
پس از انتشار یادداشت تحریف آمیز اباذری، محمدعلی ایازی در یک گروه واتس‌آپی، تحریف‌های هم‌قطار خود را تکمیل و چنین ادعا کرد:

مرحوم امام به مجرد خبر دار شدن از انتشار کتاب [شریعتمداری در دادگاه تاریخ] که با تیراژ ۱۰۰ هزار بود از طریق اینجانب به آقای فاکر ناشر دستور دادند بلافاصله این کتاب خمیر شود. ایشان به شدت از انتشار این کتاب ناراحت شدند و آن را توهین به مرجعیت دانستند.

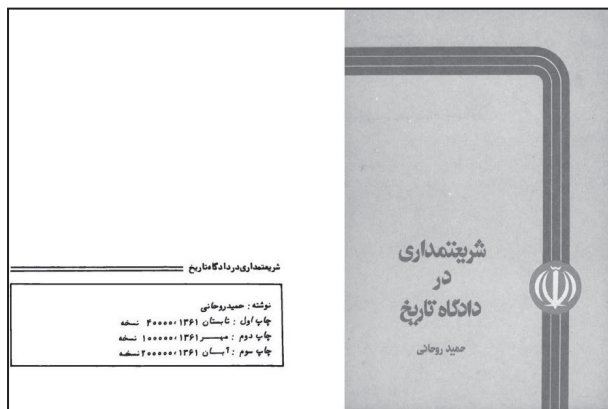
از آنجا که محور یادداشت آقای اباذری و همچنین ادعای دروغ آقای ایازی، کتاب

شریعتمداری در دادگاه تاریخ است؛ ضروری می‌نماید که گزارشی مختصر از این کتاب ارایه شده؛ ادعای آقای ایازی به بوته نقد گذاشته شود.

کتاب شریعتمداری در دادگاه تاریخ بار اول در ۵۰۰۰ نسخه توسط انتشارات دفتر اسناد انقلاب اسلامی قم در تابستان ۱۳۶۱ منتشر شد.



به دلیل استقبال مردم از خرید این کتاب، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم نیز در همان تابستان ۱۳۶۱ سه مرتبه دیگر این کتاب را در تیراژ ۴۰,۰۰۰ (چاپ اول)، ۱۰۰,۰۰۰ (چاپ دوم) و ۲۰۰,۰۰۰ (چاپ سوم) منتشر کرد؛ یعنی تا پاییز سال ۱۳۶۱ توسط دو ناشر این کتاب در ۳۹۰,۰۰۰ نسخه چاپ شد.



با توجه به مستندات مذکور، چند اشکال واضح به ادعای غیر مستند ایازی وارد است: ایازی ادعا می‌کند که امام به مجرد باخبر شدن از انتشار کتاب، دستور خمیر کردن آن را



دادند. سؤال اینجاست که با توجه به جو ملتهب سال ۶۱، که بی خبر ماندن امام از نشر چنین کتابی را بسیار بعید می‌نماید، طبعاً باید امام بعد از همان چاپ اول دستور به خمیر کردن می‌دادند و اگر به راستی امام دستور خمیر کردن کتاب را داده بودند، چطور این کتاب سه بار دیگر آن هم توسط انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم منتشر شد؟! به عبارتی این دستور خیالی‌ای که ساخته ذهن ایازی است و به امام منسوب کرده است رانه جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و نه وزارتخانه مربوطه‌ای که اجازه نشر کتاب می‌دادند، هم ندیدند؟! پس امام این دستور را برای چه کسانی صادر کرد؟

آقای ایازی ادعا می‌کند تیراژ کتاب در تاریخی که دستور به خمیر شدن داده شده، ۱۰۰ هزار نسخه بوده است. همان‌طور که مشاهده می‌کنید، این تیراژ مربوط به چاپ دوم بوده است. بنابراین بر فرض که امام از دو چاپ قبل بی‌خبر مانده باشند و دستور به خمیر کردن چاپ سوم کتاب را داده باشند؛ باز هم روایت ایازی مخدوش خواهد شد؛ چرا که بعد از چاپ دوم جامعه مدرسین (صد هزار نسخه) نه تنها کتاب جمع‌آوری و خمیر نشده بلکه تیراژ آن در چاپ سوم به دو برابر افزایش یافته است.

اگر امام دستور چنین برخوردی با کتاب شریعتمداری در دادگاه تاریخ داده بودند یقیناً نه تنها طرفداران شریعتمداری و مخالفان چهره‌های انقلابی این دستور را سر دست می‌گرفتند بلکه خود آقای ایازی که امروز ادعا کرده است امام از طریق من به آقای فاکر دستور خمیر کردن کتاب را داد از دهه شصت تا کنون بارها و بارها از طریق رسانه‌های مختلف آن را منتشر می‌کردند اما نه تنها تا کنون به این اقدامات دست نزدند بلکه برای مخدوش ساختن این کتاب، به برخی مطالب موهوم و دروغ‌پردازی‌های واهی (از جمله تهمت پشیمان شدن نویسنده کتاب!) دست زده‌اند که نشانگر دست خالی بودن این جماعت است!

بر اساس خاطرات موجود، امام خمینی نه تنها شریعتمداری را حائز شرایط مرجعیت نمی‌دانستند بلکه مسلم بودن وی را نیز زیر سؤال برده بودند. این ماجرا به صورت تلویحی، حتی در خاطرات مخدوش فردی همچون آقای حسینعلی منتظری نیز درج شده است:

یک شب که ما با امام جلسه داشتیم در آن جلسه همه مسئولین، آقای هاشمی، آقای خامنه‌ای، آقای موسوی اردبیلی، آقای موسوی نخست‌وزیر و احمد آقا هم بودند، در ضمن صحبت‌ها من این مطلب را به امام گفتم که: «چه اشکال داشت طبق وصیت آقای شریعتمداری که به آقای صدر گفته بودند تو بر من نماز بخوان در آن نیمه شب اجازه می‌دادند آقای صدر بر آقای شریعتمداری نماز بخواند، این به کجای انقلاب لطمه می‌زد؟ ولی



حالا که نگذاشته‌اند آقای صدر همه این جریانات و جریان بازداشتش را در یک جزوه هفتاد، هشتاد صفحه‌ای نوشته است، خیلی هم محترمانه نوشته به کسی هم توهین نکرده است، اما این نوشته در تاریخ می‌ماند و بعد در آینده حضر تعالی را محکوم می‌کنند، می‌گویند آقای خمینی نگذاشت به یک نفر مرجعی که رقیبش بود نماز بخوانند؛ وقتی من این حرف را زدم امام ناراحت شدند و جمله تندی راجع به آقای شریعتمداری گفتند که من خیلی تعجب کردم و حکایت از این داشت که ذهن ایشان را نسبت به آقای شریعتمداری خیلی مشوب کرده‌اند.<sup>۱</sup>

حسینعلی منتظری در این خاطره گویی به سبک خود تلاش کرد جمله امام مربوط به شریعتمداری را درز بگیرد و زمینه تخطئه امام را فراهم سازد؛ در نتیجه به ذکر این جمله که «امام جمله تندی راجع به آقای شریعتمداری گفتند» اکتفا کرد اما در هر صورت این جمله از طریق دیگر نقل شده است. حجت الاسلام والمسلمین سید حمید روحانی جلسه منتظری با امام را چنین روایت می‌کند:

وقتی آقای منتظری رفته بود به امام گفته بود، چه اشکالی داشت حالا شما می‌گذاشتید به وصیت آقای شریعتمداری عمل شود، آقا رضا صدر برایش نماز بخواند و در جایی که معین کرده دفن شود، امام فرموده بود آیا شریعتمداری مسلم بود تا خواسته باشیم به وصیتش عمل کنیم؟!<sup>۲</sup>

بنابراین از دیدگاه امام، شریعتمداری شرایط مرجعیت را نداشت تا به خاطر حفظ مرجعیت، از چاپ کتابی تاریخی جلوگیری کند.

جامعه محترم مدرسین پیش از انتشار کتاب *شریعتمداری در دگاه تاریخ*، در اطلاعیه تاریخی ۱۳۶۱/۱/۳۱ عدم صلاحیت وی را از مقام مرجعیت اعلام کرده بودند. طبیعی است اگر شریعتمداری صلاحیت مرجعیت را داشت و جامعه مدرسین این اقدام را انجام می‌داد، بالاترین وهن به مقام مرجعیت رخ داده بود اما امام خمینی نه تنها با این اقدام مخالفتی نکردند و اعضای جامعه محترم مدرسین را به این واسطه توبیخ نکردند بلکه در منشور روحانیت، مرجعیت شریعتمداری را، بدون ذکر نام وی، ظاهری و فاقد پشتوانه حقیقی دانستند. ایشان در این منشور و در حمایت از جامعه مدرسین فرمودند:

آیا مدرسین محترم که ستون محکم انقلاب در حوزه‌های علمیه بوده‌اند -

۱. حسینعلی منتظری، بخشی از خاطرات منتظری، نسخه الکترونیک، دفتر منتظری، ج ۱، ص ۴۸۲-۴۸۱.

۲. سهراب مقدمی شهیدانی، *روزگار قائم مقامی*، تهران، بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۹۸.

نمود بالله - به اسلام و انقلاب و مردم پشت کرده‌اند؟ مگر همان‌ها نبودند که در کوران مبارزه حکم به غیرقانونی بودن سلطنت دادند؟ مگر همان‌ها نبودند که وقتی یک روحانی به ظاهر در منصب مرجعیت از اسلام و انقلاب فاصله گرفت، او را به مردم معرفی کردند؟<sup>۱</sup>

با نگاهی کلی به جریان خاطره‌بافی‌ها و تحریف‌های مستمر و پر حجم روشن می‌شود که «احیای مخالفان امام از زبان امام» یکی از پروژه‌های جدی جریان تحریف و تخریب است. این طیف در تلاشی مذبوحانه به دنبال این هستند که مخالفان و معاندان را به وسیله خاطره‌گویی‌های انحرافی از امام زنده کنند تا در ادامه زمینه برای کوبیدن شخص امام فراهم شود؛ چنان که پیش از این نیز در همایش نکوداشت آیت‌الله العظمی میلانی در قم، به تاریخ ۹ دی ۱۳۹۵ کتابی با نام مجموعه مصاحبه‌ها پیرامون آیت‌الله العظمی میلانی رونمایی شد که یکی از مصاحبه‌های این کتاب مربوط به فردی بد سابقه و بدنام به نام «شیخ علی تهرانی» بود که از وی با عنوان مجعول «آیت‌الله شیخ علی خراسانی!» مصاحبه گرفته بودند. شیخ علی تهرانی، که انحرافش از مبانی و منطق امام خمینی واضح است، در این مصاحبه علیه امام نسبت‌های ناروایی داده بود و البته بخش‌های جنجالی و موهن مصاحبه شیخ علی تهرانی، توسط یک جریان رسانه‌ای حوزوی در فضای مجازی، آن هم در سطحی وسیع منتشر شد.<sup>۲</sup> یکی از حقه‌بازی‌های جریان‌های تحریف‌گر این است که بافته‌های ذهنی و مکنونات قلبی خود را به نقل از کسانی مطرح می‌کنند که در قید حیات نیستند تا صحت و سقم این بافته‌ها را تأیید یا رد کنند. اباذری نیز از این مغالطه‌نما استفاده کرده و مسئله ناراحتی امام و دستور جمع‌آوری کتاب آقای روحانی را به امام، آقای فاکر و خودش متصل کرد. امام عظیم‌الشأن و مرحوم آقای فاکر امروز در قید حیات نیستند که دروغ‌پردازی‌های نفر سوم را آشکار کنند. بنابراین باید پیدا کرد پرتقال فروش را!!!

### ۳. نقدی بر یادداشت اول اباذری در خصوص کتاب شریعتمداری در دادگاه تاریخ

یادداشت آقای اباذری با عنوان «آیت‌الله شریعتمداری و تحریف تاریخ» در تاریخ ۱۴ فروردین ۱۴۰۱ در کانال شخصی وی در فضای مجازی منتشر شد که در بخش نخست آن به ماجرای استقبال وی از شاه در سال ۲۶ ش، با عنوان «اتهام استقبال از شاه»، پرداخته است. آقای اباذری به خوبی می‌داند که سابقه صمیمانه شریعتمداری و رژیم پهلوی به سال‌ها

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۸۷.

۲. خبرگزاری تسنیم، «پاسخ تاریخ به ادعاهای ناصحیح شیخ علی تهرانی درباره امام (ره)»، ۱۷/۱۰/۱۳۹۵.



پیش از آغاز نهضت امام خمینی، به سال ۱۳۲۶ هـ.ش بازمی‌گردد و یادداشت خود را نیز با نقد همین نکته از کتاب *شریعتمداری در دادگاه تاریخ* آغاز کرده است. توضیح آن که محمدرضا پهلوی، میراث‌دار حکومت استبدادی، ضد دینی، ضد ملی و غیرقانونی رضاخانی، در سال ۱۳۲۶ هـ.ش در پی شکست فرقه دموکرات به تبریز سفر کرد. هیچ یک از علمای طراز اول از محمدرضا پهلوی استقبال نکردند اما در مقابل، سید محمد کاظم شریعتمداری در این دیدار شرکت جست. پس از این اقدام، شریعتمداری مورد تخطئه شدید علمای طراز اول تبریز قرار گرفت و از شدت بدنامی و فشارهای متدینان و علما، ناگزیر به ترک تبریز شد!

عبدالرحیم اباذری با ذکر این واقعه تاریخی ادعا کرد که این اقدام شریعتمداری نه تنها محل اشکال نیست بلکه بر تمام علمای بصیر! واجب بوده که به استقبال محمدرضا پهلوی بروند و هر کس به استقبال وی نرفته باید محاکمه می‌شده است! اباذری در این زمینه می‌نویسد:

مسافرت محمدرضا شاه، روز ششم خرداد ۱۳۲۶، حدود پنج ماه بعد از آزادسازی سرزمین آذربایجان از تجاوز چهارساله نیروهای اشغالگر روسیه شوروی و بعد تصرف یک‌ساله ایادی حزب دموکرات آذربایجان (وابسته به روسیه) به رهبری جعفر پیشه‌وری و غلام یحیی دانشیان انجام می‌گرفت؛ در واقع شاه جوان جهت بازدید از سرزمین آزادشده به تبریز آمده بود، فلذا بر روحانیت بصیر، آگاه به مسائل روز و متعهد لازم و واجب بود از این سفر استقبال بکنند و در مراسم جشن آزادی حضور داشته باشند. بنابر این دیدار آقای شریعتمداری، مطابق فضای سیاسی آن روز حوزه، روحانیت و مرجعیت بود و در راستای دفاع از «تمامیت ارضی سرزمین ایران و عدم تجزیه آذربایجان» یک حرکت مثبت و درخشان به شمار می‌آید. اگر قرار باشد کسی در این ماجرا محاکمه بشود باید آنهایی احضار و محاکمه شوند که در خانه و حجره مدرسه نشستند و در این دیدار، یا استقبال و جشن حاضر نشدند که تعدادشان از انگشتان یک دست کمتر بود.

منطق اباذری در نگارش سطور فوق در چند کلمه خلاصه می‌شود: «حفظ و تقویت شاه مساوی بود با حفظ تمامیت ارضی کشور»؛ چرا که اگر اباذری، محمدرضا پهلوی را عامل اصلی حفظ تمامیت ارضی کشور نمی‌دید معنی نمی‌داد که فتوا به وجوب استقبال از وی بدهد و معترضین به محمدرضا پهلوی را به دادگاه بکشاند! اما باید دید که آیا چنین انگاره‌ای واقعیت دارد؟! آیا محمدرضا پهلوی نقشی در حفظ آذربایجان داشت؟ آیا پهلوی دوم عامل حفظ

تمامیت ارضی بود و مقابله با وی به منزله تجزیه کشور بود؟

مطالعه مستندات و منابع تاریخی حاکی از آن است که این ادعا، پنداری بیش نیست و محمدرضا پهلوی نقشی در اخراج قوای شوروی یا اخراج فرقه دموکرات از آذربایجان نداشت بلکه خروج نیروهای شوروی از سر ناچاری و در اثر توافق ابرقدرت‌های وقت، بدون تأثیرگذاری محمدرضا در توافقات، انجام شده بود و رئیس فرقه دموکرات نیز پس از روشن شدن ضعف و عقب‌نشینی ارباب شوروی و ابلاغ برخی تصمیمات فرار را بر قرار ترجیح دادند و پیش از ورود نیروهای نظامی رژیم پهلوی، مردم خود دست به کار شدند و بخش عمده شهر را از وجود اتباع فرقه دموکرات پاک‌سازی کردند.

واقعیت تاریخی آن است که استالین و شوروی اعتنایی به رژیم و دولت مفلوک محمدرضا پهلوی و نخست‌وزیر وی نمی‌کردند. در روایتی تاریخی آمده که قوام‌السلطنه در گزارش خصوصی خود به مجلس گفت:

ژنرال‌یسیم استالین بیانات بسیار دقیق و حکیمانه و نمونه وسعت نظر و علو افکار سیاسی ایشان بود در باب لزوم اصلاحات و رفورها در ایران نمودند. در پاسخ ایشان اظهار داشتم... اکنون که دولت من مہیای رفورهای اساسی و تأمین زندگی مرفه و عادلانه‌ای برای مردم ایران است به واسطه عدم مساعدت دولت شوروی با تخلیه نکردن نیروهای خود و مشکلات دیگر کار اصلاحات بسیار سخت و دشوار خواهد بود و دولت شوروی با حسن نیت و یک اقدام به‌موقع می‌تواند مشکلات را از پیش پای ما بردارد... ژنرال‌یسیم استالین این نظر اصلاحی دولت را تأیید و تصدیق کرد ولی راجع به تخلیه ایران جواب مساعدی ندادند.<sup>۱</sup>

اساساً رژیم پهلوی و عمال او توان و عرضه حفظ استقلال کشور را نداشتند. چنان که در روزهای ابتدایی غائله آذربایجان در کابینه اول حکیمی چند گروهان برای تقویت پادگان تبریز تعیین شده بود که عجلتاً تا زنجان بروند اما با ممانعت قشون روس از شریف‌آباد قزوین فراتر نتوانستند بروند.<sup>۲</sup> به علاوه به گزارش عبدالله مستوفی کابینه دولت قوام به دموکرات‌های آذربایجان تا حدی خودمختاری داده بود.<sup>۳</sup>

در هر صورت، عمال رژیم پهلوی تنها راه صیانت از اراضی کشور را چوب حراج زدن به منابع کشور می‌دیدند. چنان که روز پانزدهم فروردین ۱۳۲۵ بین قوام‌السلطنه و سادچیکوف

۱. محمود طلوعی، پدر و پسر؛ ناگفته‌ها از زندگی و روزگار پهلوی‌ها، تهران، علم، ۱۳۹۲، ص ۵۶۲.

۲. عبدالله مستوفی، شرح زندگانی من، تهران، زوار، ۱۳۸۴، ج ۳، ص ۴۳۲-۴۳۱.

۳. همان، ص ۴۳۲.



بر اساس خاطرات موجود، امام خمینی نه تنها شریعتمداری را حائز شرایط مرجعیت نمی‌دانستند بلکه مسلم بودن وی را نیز زیر سؤال برده بودند. این ماجرا به صورت تلویحی، حتی در خاطرات مخدوش فردی همچون آقای حسینعلی منتظری نیز درج شده است

سفیر جدید شوروی در ایران موافقت‌نامه‌ای درباره تشکیل یک شرکت مختلط نفت ایران و شوروی به امضا رسید. مدت قرارداد پنجاه سال و حوزه عملیات تمام مناطق شمالی ایران به استثنای حاشیه مرزی ایران با ترکیه بود. سهم شوروی در این شرکت برای ۲۵ سال اول قرارداد ۵۱ درصد و سهم ایران ۴۹ درصد

در نظر گرفته شده بود.<sup>۱</sup> البته به این که سرانجام این توافق‌نامه به کجا رسید کاری نداریم و هدف از ذکر روایت تاریخی پیش گفته، نشان دادن ضعف و زبونی مفرط عمال پهلوی بود. در ضعف و زبونی مفرط رژیم پهلوی مردم و علما به مقابله با فرقه دموکرات و یادی شوروی پرداختند و از کوچک‌ترین مناسبت‌ها برای اظهار اقتدار اسلام در پیش چشم آنان نمی‌گذشتند.

علمای تبریز به مقابله با فرقه دموکرات پرداختند و در شهرستان‌ها نیز که قدرت فرقه به مراتب مهیبر بود، چنین شد. در محال «آلان بر آغوش سراب» میرزا حبیب صدیقی مورد پیگرد دموکرات‌ها قرار گرفته بود و از مراغه هم گزارش تکفیر فرقه دموکرات توسط روحانی محل در دست است. علاوه بر این رحلت آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی هم فرصتی پیش آورد تا مردم آذربایجان با بروز احساسات شدید در برپایی مجالس سوگواری متعدد و باشکوه در صدد مقابله خاموش با دست‌نشانندگان یک حکومت ملحد بر آیند. در این مجالس سوگواری که تا چهل‌م ایشان ادامه داشت، مردم با دستجات عزادار در سطح شهر و بازار به قدرت‌نمایی در مقابل فرقه دموکرات پرداختند. در این مبارزه نقش بازار نبایستی نادیده انگاشته شود؛ بازاریان تبریز به خاطر پیوندهای مستحکم با علما، چهل روز بازار را بستند. در برپایی این نمایش، قدرت مذهبی مرحوم آیت‌الله حاج میرزا فتاح شهیدی نقش عمده داشت؛ به طوری که اگر در محله‌ای مراسم ترحیم به این مناسبت برگزار نمی‌گردید خود وی مقدمات برگزاری مراسم را فراهم می‌کرد. طبق روایات محلی، برگزاری چنین نمایش قدرتی موجب بازخواست پیشه‌وری توسط مقامات شوروی شد، زیرا مقامات ارشد فرقه نیز ناچار شدند در مجالس ترحیم شرکت کنند. به پیشه‌وری گفته شد:

کمونیست این چیزها را قبول ندارد یک فرد کمونیست جز به رهبر حزب، به چیزی نمی‌اندیشد. معلوم می‌شود تمام گزارش‌هایی که به کنسولخانه

۱. محمود طلوعی، همان، ص ۵۶۳.

داده شده دروغ محض بوده است. نظام کمونیستی خدا را نمی‌پذیرد تا چه رسد به یک روحانی.<sup>۱</sup>

بنابه گزارش‌های متعدد تاریخی، تبریز نیز به دست عمال پهلوی فتح و پاکسازی نشد و درگیری‌های نظامی رژیم تنها محدود به میانه و قافلانکوه بود.<sup>۲</sup> نکته مهم آن که رؤسای حزب توده فرار کرده بودند و رژیم پهلوی نیازی به درگیری با آنها نداشت و بدنه و بقایای حزب توده نیز توسط مردم، و نه عمال پهلوی، سرکوب شدند و نیروهای ارتش پهلوی نیز پس از دو روز درگیری مردم با فدائیان به تبریز رسید و در هنگام وصول به تبریز فقط سه نقطه از شهر توسط مردم تصرف نشده بود.<sup>۳</sup> مرحوم خسروشاهی در خصوص نقش مردم و علما و البته بی‌نقشی ارتش رژیم پهلوی در مقابله با فتنه پیشه‌وری می‌گوید:

این که می‌گویند ارتش آمد و اینها را بیرون کرد، این طور نیست؛ چون سه روز قبل از ورود ارتش، تنها پل اصلی میانه به تبریز را اینها منفجر کرده بودند - یک پل قدیمی که باقیمانده آن هنوز هم آنجا هست - این را منفجر کرده بودند و امکان این که ارتش بتواند به سوی تبریز بیاید نبود و راه در واقع بسته شده بود. و اینها هم خودشان سه روز قبل از آن فرار کرده بودند؛ یعنی همه رهبران و فرماندهان اصلی و کادرهای مرکزی فرار کرده بودند، بقیه هم که مستضعفینی بودند که دیگر دولت هم با آنها کاری نداشت! بعد از سه روز که مردم همه جا را گرفتند - مثلاً استانداری و پادگان‌ها و با رهنمود علما - علما دخالت رسمی نداشتند که استانداری و حکومت را خود به دست بگیرند، اینها را مردم مسلمان به دستور علما گرفته بودند.<sup>۴</sup>

... قبل از آمدن نیروهای ارتش، خود مردم تبریز را آزاد کرده بودند. دو روز بعد ارتش آمد. البته شاهی‌ها گفتند ارتش ما آمد و تبریز را نجات داد که این طور نبود؛ چون بین شهر میانه و تبریز در منطقه قافلانکوه، یک پل آجری قدیمی هست که جز آن، راه ورودی به سوی تبریز نبود، شاید مثل پنجشیر افغانستان باشد که از آن گذرگاه نمی‌شود عبور کرد. دموکرات‌ها برای جلوگیری از آمدن نیروهای ارتش آن را منفجر کرده بودند و چون

۱. منیژه صدری و رحیم نیکبخت، پیدایش فرقه دموکرات آذربایجان به روایت اسناد و خاطرات منتشر نشده، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۹۳، ص ۶۵-۶۴.

۲. عبدالله مستوفی، همان، ص ۴۳۹.

۳. همان، ص ۴۴۲.

۴. سید هادی خسروشاهی، خاطرات مستند سید هادی خسروشاهی از آغاز زندگی تا سال ۱۳۳۳، قم، کلبه شروق، ۱۳۹۶، ص ۱۷۱.



یک پل تاریخی است، حالا شما به تبریز که می‌روید و به قافلانکوه می‌رسید، می‌بینید که پل شکسته همچنان هست، پس نمی‌توانست ارتش بیاید.

- پس نخست مردم قیام کردند؟

- بلی، نخست مردم قیام کردند و البته شایعه این که نیروهای ارتش هم دارد می‌آید...<sup>۱</sup>

مرحوم بنی‌فضل نیز حضور مردم در تقابل با نیروهای دموکرات را چنین تشریح می‌کند: فردای آن شبی که اینها فرار کردند (۲۱ آذر) مردم ریختند به خیابان‌ها و مراکز دولتی و نظامی را به تصرف خود درآوردند. تعدادی از افرادی را که از ایادی دموکرات‌ها به شمار می‌آمدند، شناسایی، دستگیر و زندانی کردند و شاید عده‌ای را هم کشتند. حتی عده‌ای از اهالی محله ما به رهبری دایی‌ام مرحوم آقای حاج حیدر دوزدوزانی، می‌روند کلاتری محله را در اختیار می‌گیرند و امنیت محله را برقرار می‌کنند. چنان که در سایر محله‌های تبریز هم این چنین افراد مورد اعتماد برقراری نظم و امنیت در محله‌ها را بر عهده می‌گیرند... نیروهای دولتی و ارتش ایران، پس از سه روز آزادسازی توسط مردم به منطقه آذربایجان و شهر تبریز وارد شدند. علتش هم این بود که پل دختر میانه (تنها پل ارتباطی) توسط نیروهای پیشه‌وری منفجر و تخریب شده بود و آب رودخانه قزل‌اوزن هم زیاد بود و اجازه عبور نمی‌داد.<sup>۲</sup>

بنابراین به جرأت می‌توان گفت که آزادسازی آذربایجان هیچ ارتباطی به قدرت و درایت محمدرضا پهلوی و رژیم وی نداشت و نهایت نقشی که آنها در این قبیل امور داشتند پاره‌ای از امتیاز دادن‌ها و مذاکرات ذیلانه بود. به علاوه، حتی عمال رژیم پهلوی نیز اقدامات محمدرضا در قبال فرقه دموکرات را بی‌اهمیت تلقی می‌کنند و خروج این فرقه را به ایالات متحده آمریکا، و نه محمدرضا پهلوی، منسوب می‌دانند.<sup>۳</sup>

در هر صورت فرقه دموکرات از تبریز خارج شد و پس از چندی محمدرضا پهلوی وارد تبریز شد. اباذری تلاش می‌کند با عبارت‌پردازی‌های مختلف تعداد علمای استقبال‌کننده از شاه را در چشم مخاطب افزایش دهد و تعداد معترضین و کسانی که استقبال نکردند را تقلیل دهد. او در این زمینه می‌نویسد: «کسانی که در این دیدار یا استقبال و جشن حاضر نشدند

۱. همان، ص ۲۳۴-۲۳۳.

۲. عبدالرحیم اباذری، همان، ص ۵۸-۵۷.

۳. رک: حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ویراسته عبدالله شهبازی، تهران، اطلاعات، ۱۳۹۳.

ج ۱، ص ۱۵۴-۱۴۶.

تعدادشان از انگشتان یک دست کمتر بود.» اما این طرز عبارت پردازی با روایت‌های تاریخی موجود هم خوانی ندارد. آیت‌الله شیخ مرتضی بنی‌فضل، در رد برخی روایت‌های ناروا که به استقبال غالب علما از شاه اشاره دارد چنین می‌گوید:

اخیراً در اظهارات یکی از آقایان محترم دیدم نوشته بود: بزرگانی از علمای تبریز به استقبال شاه رفتند. این تعبیر دقیق و صحیح نیست. بلی، از میان اساتید و علمای شهر چند نفری مانند مرحوم آیت‌الله شریعتمداری در این استقبال حضور داشتند... ولی ایشان در آن ایام جزو بزرگان به شمار نمی‌آمد. هم از نظر سنی از حضرات آیات شهیدی، دوزدوزانی و خسروشاهی کوچک‌تر بود و هم از جهت علمی در مرتبه دوم قرار داشت.<sup>۱</sup> هر چند ممکن است برخی روایات دیگر از جانب برخی علما وجود داشته باشد که نشان از کثرت جمعیت علمای استقبال‌کننده باشد اما آنچه مسلم است این که علمای طراز اول تبریز به استقبال شاه نرفتند و مابقی ادعاها نیاز به اثبات دارد.

اباذری در ادامه روند تحریف تاریخ تبریز و دفاع از شریعتمداری، علت عدم استقبال علما از شاه را به بی‌جایی برخی اطرافیان نسبت داد! او در این زمینه نوشت:

آیت‌الله دوزدوزانی تصریح کرده بود: ضمن حمایت از شاه در مقابل کمونیست‌ها، اما چون زنان با سر برهنه و قاطی در مراسم حضور خواهند داشت از شرکت و حضور عذر خواسته بود.<sup>۲</sup>

این استناد اباذری از عجیب‌ترین وجه تراشی‌های توهمی برای تحریف تاریخ است؛ آیا اباذری انتظار داشت که مرحوم آیت‌الله دوزدوزانی، در شرایطی که محمدرضا پهلوی با تکیه بر اربابان انگلیسی و امریکایی خود را مطلق‌العنان می‌پندارد قیام عمومی اعلام کند و هدف خود مبنی بر مخالفت و ضدیت با محمدرضا پهلوی را فریاد بکشد؟!

هر عاقلی می‌داند که این سخن مرحوم آیت‌الله دوزدوزانی بهانه‌ای است برای آن که او به عنوان یک فقیه اصیل شیعی، با محمدرضا پهلوی، زاده شاه ضد‌دین و ضدروحانیت دیده نشود. البته دریافت این نکته نیاز به تفکر فراوان نیز ندارد و اگر اباذری برای اثبات مدعای خود سخنان آیت‌الله بنی‌فضل را تقطیع و سانسور نمی‌کرد، ایشان نیز به همین مطلب اشاره کرده بود و سخن مرحوم دوزدوزانی را «تعلیق به محال» برای عدم مشارکت در استقبال از شاه دانسته بود. آیت‌الله بنی‌فضل سخنان آیت‌الله دوزدوزانی خطاب به استاندار وقت را

۱. عبدالرحیم اباذری، همان، ص ۶۱-۶۰.

۲. همان، ص ۶۰.

چنین روایت کرد:

... شما می‌دانید در این مراسم اصول و احکام اسلامی مراعات نخواهد شد، زنان با سر و بدن برهنه در آن حاضر و با مردان نامحرم مخلوط خواهند گردید، بنابراین حضور و سکوت من در این مراسم به منزله تأیید این نوع رفتار و کردارهای ضداسلامی است و من هرگز نمی‌توانم به چنین کاری تن در دهم. مگر این که شما شرکت زنان بی‌حجاب و انجام اعمال و رفتارهای غیراسلامی را در این مراسم منع کنید که این هم از قدرت و عهده شما خارج است.

یعنی مرحوم عمویم در واقع تعلیق به محال کرده بود.<sup>۱</sup>

علاوه بر نکات فوق، بنابر روایت شیخ مرتضی بنی‌فضل، مرحوم شهیدی پس از عدم استقبال از شاه توسط ایادی شاه مورد خصومت قرار گرفت.<sup>۲</sup> و اگر مرحوم شهیدی به تعبیر اباذری و امثال وی، یک چهره غیرسیاسی و منزوی و غیراجتماعی بود و عدم استقبال وی از شاه نیز هیچ بعد سیاسی و اعتراضی نداشت پس دلیل این خصومت چه بود؟  
بنابراین مشخص است که سخن مرحوم دوزدوزانی صرفاً بهانه‌ای برای عدم استقبال از شاه بوده است یا در نهایت بی‌حجابی را یکی از مصادیق بارز دین‌ستیزی رژیم پهلوی در نظر داشتند. چنان که تعبیر دیگری از مرحوم آیت‌الله شهیدی نقل شده است که آن تعبیر نیز ظهور در همین معنا دارد. مرحوم علامه جعفری روایت می‌کند:

بعضی از اطرافیان دربار، به خدمت مرحوم آیت‌الله آقامیرزا فتاح تبریزی رسیده و از ایشان خواهش می‌کنند که او نیز به دیدن شاه برود. وی برای این که آنها را از سر خود باز کند، می‌گوید: آقا جان! من یک دهاتی هستم. مرا چه به شاه! آنها هر چه اصرار می‌کنند وی این جمله را تکرار می‌کند.<sup>۳</sup>  
لابد جناب اباذری با مشاهده این روایت تاریخی به این نتیجه می‌رسد که عدم استقبال علما از شاه دلایل سیاسی نداشت بلکه به دلیل روستایی بودن علما بود! البته در خصوص واکنش مرحوم شهیدی به دعوت از ایشان برای استقبال از شاه روایت تقریباً مشابه دیگری هم هست:

وقتی شاه به تبریز آمد، از دکتر مخصوص خود «پروفسور دکتر رضی رضانور» که برادرزاده حاج میرزا فتاح بود، می‌خواهد که ایشان را نزدش

۱. همان.

۲. همان، ص ۷۱.

۳. کریم فیضی تبریزی، جاودان/ اندیشه، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۰، ص ۱۰۶.



بیاورد. وقتی که برادرزاده‌اش اصرار می‌کند، شهیدی می‌گوید: «من با شاه

کار ندارم که به دیدارش بروم.»<sup>۱</sup>

سید حسین موسوی تبریزی ماجرای عدم پذیرش ملاقات با شاه توسط مرحوم آیت‌الله شهیدی را با تفصیل بیشتری روایت می‌کند. بر اساس روایت سید حسین موسوی تبریزی، مرحوم آیت‌الله شهیدی محمدرضا پهلوی را عنصری ضد دین می‌دیدند که تلاش داشت دین ایشان را برباید:

پدرم می‌گفت: در یکی دیگر از جلساتی که عده‌ای آمده بودند و اصرار می‌کردند که مرحوم شهیدی با شاه دیدار کند، من حضور داشتم، ایشان در جواب فرمود: اگر پیش شاه بروم و هیچ حرفی نزنم نه خوشایند مردم است و نه شاه. مردم توقع دارند که از شاه چیزی درخواست کنم همان‌طور که خود شاه هم چنین انتظاری از من دارد و چون دنیا محل داد و ستد است هر چه از او بخواهم باید چیزی در مقابل بدهم؛ اما آن چیزی که من از او می‌خواهم هر چند با ارزش باشد در برابر چیزی که او از من می‌خواهد ناچیز است چرا که او دین من را می‌خواهد.<sup>۲</sup>

به علاوه، عبدالرحیم اباذری بدون در نظر گرفتن ابعاد مختلف وقایع تاریخی، از استقبال مقطعی برخی از مردم و روحانیون طراز دو و سه نتیجه گرفته که فرزند رضاخان میرپنج نزد مردم و علما محبوب بود. آیا او به راستی نمی‌داند که مردم و علما محمدرضا را وارث رضاخان می‌دانستند؟ آیا خاطره رنج آور اعمال ضد اسلامی و دیکتاتورمآبی و خون‌ریزی رضاخان از ذهن مردم به این راحتی پاک شده بود؟ آیا تلخی ضعف مفرط ارتش شاهنشاهی! و ذلت مردم ایران در جنگ جهانی دوم با چند حرکت نمایشی زائل می‌شد؟ حقیقت آن است که استقبال مقطعی از شاه به علت محبوبیت وی نبود بلکه یا به دلیل ترس بود یا به دلایل ثانوی دیگر. مرحوم خسروشاهی استقبال پس از فرار پیشه‌وری و دموکرات‌ها را چنین تبیین می‌کنند:

مردم آذربایجان در آن زمان نسبت به سلطنت و شخص شاه، با توجه به این که فقهای ماحکومت‌ها را غاصب و غیر مشروع می‌دانند، خوش‌بین نبودند و این اندیشه در ذهن همه مردم بود. و فقط استقبال پس از فرار پیشه‌وری و دموکرات‌ها بود که آن‌هم در واقع عنوان ثانوی پیدا کرده بود،

۱. علی اصغر شهیدی، خورشید پنهان، تهران، سفیر اردهال، ۱۳۹۷، ص ۱۷۱.

۲. سید حسین موسوی تبریزی، خاطرات آیت‌الله سید حسین موسوی تبریزی، تهران، عروج، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۵۱.



نه این که دلیل بر رضایت از حکومت رضاخانی باشد. بالأخص که خود رضاخان را که یک آدم مُلحد، مُرتد یا یک چنین چیزی می‌دانستند، به خاطر اعمالی که انجام داده بود و مثلاً گنبد مشهدالرضا(ع) را به توپ بسته بود و زوار را در داخل صحن و حرم امام رضا(ع) قتل عام نموده بود و به زور سرنیزه کشف حجاب کرده بود و... و به دنبال او، مردم به پسرش هم هیچ اعتقادی نداشتند. و علما هم در رأس‌شان.<sup>۱</sup>

اباذری در ادامه روند تحریفات خود از مرحوم شهیدی چهره‌ای غیرسیاسی می‌سازد و در مقابل شریعتمداری را سیاستمدار و اجتماعی می‌نامد:

این بزرگان (میرزا فتاح شهیدی و میرزا محمود دوزدوزانی) در اصل، شخصیت سیاسی نبودند و تنها به تدریس، تعلیم و تربیت طلاب و اقامه جماعت بسنده کرده و از فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی آنان چندان گزارشی مشاهده نشده است. در حالی که آقای شریعتمداری شخصیت اجتماعی و سیاسی داشت.

اباذری در این فقره از یادداشت خود ادعا می‌کند که مرحوم شهیدی و دوزدوزانی اصلاً شخصیت سیاسی نبودند و فقط اهل تدریس بودند اما همین اباذری، در مدخل «شریعتمداری، سید کاظم» در *دانشنامه امام خمینی* اذعان می‌کند که مرحوم میرزا فتاح شهیدی و میرزا محمود دوزدوزانی در برابر رژیم پهلوی موضع منفی سیاسی داشتند:

در ششم خرداد سال ۱۳۲۶ محمدرضا پهلوی به منظور بازدید از مناطق آزادشده وارد شهر تبریز شد. شریعتمداری برخلاف دیگر عالمان بزرگ تبریز همچون میرزا فتاح شهیدی، مرتضی خسروشاهی و میرزا محمود دوزدوزانی که در برابر رژیم پهلوی موضع منفی داشتند... در مدرسه طالبیه حاضر شد و در آنجا با پهلوی دیدار کرد و ورود او را به شهر تبریز خوشامد گفت.<sup>۲</sup>

حتماً اباذری پاسخ در خوری برای این سؤال دارد که چگونه یک فرد که تنها کارش تدریس است و هیچ جنبه سیاسی ندارد می‌تواند علیه شخص اول مملکت موضع منفی سیاسی داشته باشد و آن را عملاً و علناً نیز ابراز کند!

طبیعی است در قاموس امثال اباذری سیاسی بودن به معنای دودوزه‌باز، اهل زد و بند بودن،

۱. سید هادی خسروشاهی، همان، ص ۱۷۷-۱۷۶.

۲. سید ضیاء مرتضوی (به کوشش)، *دانشنامه امام خمینی*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۰۰، ج ۶، ص ۳۸۲.

به جرأت می‌توان گفت که  
آزادسازی آذربایجان هیچ  
ارتباطی به قدرت و درایت  
محمدرضا پهلوی و رژیم وی  
نداشت و نهایت نقشی که  
آنها در این قبیل امور داشتند  
پاره‌ای از امتیاز دادن‌ها و  
مذاکرات ذلیلانه بود

زالووار به قدرت چسبیدن و... است و بزرگانی همچون  
مرحوم آیت‌الله شهیدی، که در دهه بیست هجری  
شمسی به مبارزه منفی علیه محمدرضا پهلوی مشغول  
بودند با این تعریف هرگز سیاسی نبوده‌اند. اما این  
تحریف‌گری‌ها چیزی از واقعیات کم نمی‌کند و مرحوم  
آیت‌الله شهیدی همان‌طور که با بی‌اعتنایی‌شان به ورود  
محمدرضا پهلوی سیاسی بودن خود را نشان داده بودند،

در ادامه نیز با قبول نکردن پول محمدرضا پهلوی به او ضربه حیثیتی مجددی زدند. مرحوم  
علامه جعفری در این زمینه می‌گوید:

روزی شاه به مرحوم آقا میرزا فتح شهیدی سی هزار تومان پول (به عنوان  
هدیه) می‌فرستد (که معادل سی میلیون تومان حالا باشد) مرحوم شهیدی  
قبول نمی‌کند! افراد دربار می‌گویند: این پولی که ما آوردیم نیاز شما نیست  
و آن را بگیرید و به طلبه‌ها بدهید. میرزا گفته بود: اگر طلبه‌ها از این پول‌ها  
مصرف کنند، دیگر طلبه نمی‌شوند!<sup>۱</sup>

گفتنی است همین روایت از طریق دیگری نیز نقل شده است:

فردای آن روز [استقبال]، شاه برای حاج میرزا فتح شهیدی پول قابل  
توجهی توسط آقای صباغ و چند نفر دیگر می‌فرستد که ایشان قبول نمی‌کند  
و پس می‌دهد. در این موقع آقای صباغ اظهار می‌دارد: حاج آقا، طلاب  
مدرسه پاشا چندین ماه است که شهریه دریافت نکرده‌اند. حاج میرزا فتح  
شهیدی پاسخ می‌دهد: هر پولی را به طلاب نمی‌توان داد.<sup>۲</sup>

اباذری در ادامه تحریفات خود به این نتیجه می‌رسد که استقبال از محمدرضا پهلوی در  
آن زمان هیچ اشکالی نداشت و اصلاً مبارزه با شاه از جانب علما معنایی نداشت. او در این  
زمینه می‌نویسد: «در آن مقطع تاریخی، مبارزه با شاه معنا و مفهومی نداشت تا دیدار با وی  
حرام و فسق شمرده بشود!»<sup>۳</sup>

در مقابل این کلام اباذری، نقلی تاریخی از محمدحسن عبدیزدانی - از نزدیکان مرحوم  
شهیدی و از شخصیت‌های مبارز تبریز - وجود دارد که گویای ژرف‌بینی علمای تبریز نسبت  
به اقدام خلاف شریعت‌مداری است:

۱. کریم فیضی تبریزی، همان، ص ۱۰۶.

۲. علی اصغر شهیدی، همان، ص ۱۷۱.

۳. کریم فیضی تبریزی، همان، ص ۱۰۶.



روز بعد [از استقبال شریعتمداری از شاه] اخبار و اوضاع حضور شاه در مسجد جامع را به خدمت آیت‌الله شهیدی با حضور آیت‌الله خسروشاهی و آیت‌الله دوزدوزانی در منزل نقل می‌کردند. در خاتمه آیت‌الله شهیدی فرمودند: این مردم زنده باشند، من از دنیا می‌روم، می‌ترسم در آخر الزمان از دست این آقا میرزا کاظم به اسلام ضربه‌ای وارد شود که قلب امام زمان علیه‌السلام را خون‌بار نماید. آیت‌الله دوزدوزانی هم فرمودند: همچنان که کهنه هر فرش، خوب از آب در نمی‌آید، کهنه این آقا میرزا کاظم خوب از آب در نخواهد آمد. آیت‌الله شهیدی فرمودند: هنوز قدم‌های اولیه است که می‌بینید زنان سربرهنه، مسئولین و شاه و ملت و علما همه در یکجا و در یک روز تاریخی عکس‌برداری کنند، در تمام دنیا پخش شود، بگویند حجاب بی‌حجابی. اگر در قرآن هم هست، برای آن زمان گذشته بود، می‌خواهند با حضور ما بر دین‌زدایی تأییدیه بگیرند.<sup>۱</sup>

باز خوانی محققانه منابع تاریخی نشانگر سست بودن و تحریف‌گری آشکار در متن عبدالرحیم اباذری است و این قبیل روایت‌سازی‌های دروغین از وقایع تاریخی نشان‌گر آن است که طیفی از نویسندگان در بازخوانی تاریخ معاصر، امانت‌داری را مراعات نمی‌کنند و مطالب خلاف واقع به مخاطب تحویل می‌دهند. در صورتی که با این قبیل دروغ‌پردازی‌ها و تحریف‌گری‌ها مقابله نشود، با یک سونامی بزرگ تحریف تاریخ معاصر مواجه خواهیم شد که در نتیجه آن جای خائن و خادم و جای جلاد و شهید عوض خواهد شد. بی‌گمان رهبری حکیم انقلاب اسلامی، با مشاهده چنین شرایطی است که بر وجوب قطعی و فوری «جهاد تبیین» تأکید ورزیده‌اند و امید است تاریخ‌پژوهان متعهد، بیش از پیش در افشای دروغ‌سازی‌های عناصر بی‌اطلاع یا خدای ناکرده مغرض، بپا خیزند.

#### ۴. یادداشت دوم عبدالرحیم اباذری

##### لطفاً اتهام‌زنی‌ها را بس کنید!

در پی انتشار مقاله نگارنده تحت عنوان «آیت‌الله شریعتمداری و تحریف تاریخ» در نقد بخشی از کتاب شریعتمداری در دادگاه تاریخ نوشته آقای سید حمید روحانی، از سوی مؤلف جواب مفصلی تحت نام «ابتدال در تطهیر شریعتمداری» در کانال تلگرامی وی منتشر شد. در این فرصت جهت تنویر

۱. علی‌اصغر شهیدی، همان، ص ۲۰۶-۲۰۵.

افکار عمومی به نقد این نوشته به صورت مختصر پرداخته می‌شود:

۱. وی در بخش اول نوشته خود با مقدمه‌چینی طولانی و ملال‌آور در واقع به خارج از موضوع بحث پرداخته و با پراکنده‌گویی تلاش کرده به خوانندگان چنین القاء کند که عبدالرحیم اباذری، محمدرضا شاه را عامل اصلی حفظ تمامیت ارضی کشور می‌داند و در کانال خود بنده را متهم به تطهیر شخص شاه نموده است.

این نسبت دادن‌ها با اصول اخلاقی سازگار نیست و به شدت تکذیب می‌شود و از این گونه‌تهمات‌ها به خدا باید پناه برد. نگارنده در فصل اول کتاب *انقلاب اسلامی در شهرستان میانه* که در سال ۱۳۸۱ چاپ شده کاملاً ماجرا را توضیح دادم و نوشتم در این مقطع شخص شاه در نهایت ضعف و زبونی به سر می‌برد و چنین قدرتی نداشت. بعد عوامل ختم غائله تصرف آذربایجان توسط ایادی حزب دموکرات را در سه محور: «ایمان مردم»، «حضور حماسی روحانیت» و «هیأت عزاداری» و البته اولتیماتوم امریکا توضیح دادم.

سخن اصلی بنده این بوده و هست که شاه در آن مقطع با تمام عیب، ایراد و ضعفش در میان حوزه و روحانیت، به عنوان «شاه کشور شیعه» در مقابل کمونیست‌ها مطرح بود و از این جهت نیز مراجع قم، نجف، مشهد و غیره از آن حمایت جدی می‌کردند؛ به تبع آن، فرهنگ و شعار «شاه سایه خداست و سلطنت موهبت الهی است» در میان مردم و کشور حاکم بود. اگر کسی سری به روزنامه‌های آن روزها بزند استقبال علما و انبوه مردم از شاه را در شهرهای ایران مشاهده خواهد کرد. البته روشن است این حمایت‌ها هرگز به معنای تأیید و تطهیر مطلق شاه نبود بلکه می‌توان آن را به نوعی «تعدیل و مدیریت مدبرانه شاه» نامید.

۲. در بخش بعدی، وی به موضع‌گیری‌های حضرات آیات: دوزدوزانی و شهیدی پرداخته و اصرار دارد که این دو روحانی محترم را به زور شخصیت انقلابی و مبارز جلوه بدهد و از چند منبع هم نقل‌قول‌هایی را در تأیید مطلب گزارش کرده که همه آنها اول کلام است و جای تحقیق و تأمل دارد زیرا اغلب این اظهارات تحت تأثیر شرایط و فضای حماسی بعد از پیروزی انقلاب گفته شده است.



حالا بر فرض، این تحلیل‌ها و نقل قول‌ها را قبول کنیم، اقدام این دو بزرگوار حداقل در ظاهر با فضای موجود در بدنه حوزه و روحانیت و به خصوص با نظر و مشی مرجعیت شیعه در قم و نجف هماهنگی نداشت.

۳. در بخش دیگر نوشته وی، به مقاله بنده در *دانشنامه/امام خمینی* استناد شده، آنجا نوشتم که آقایان: شهیدی، دوزدوزانی و خسروشاهی در برابر پهلوی موضع منفی داشتند. بدین ترتیب خواسته تناقض نوشته‌های مرا به اصطلاح افشا و آشکار کند. روشن است که منظور نگارنده از «موضع منفی» هرگز مبارزه و انقلابی بودن نیست و می‌تواند شامل «رأی ممتنع» هم باشد که نفیاً و اثباتاً نظری در میان نباشد و چون معمولاً در *دانشنامه*‌ها مانع از توضیح و اطاله مطلب می‌شوند به همین مقدار بسنده شده است. البته آقای روحانی در ادامه نوشته خود، «موضع منفی» را به معنای مبارزه و انقلابی گرفته که من قضاوت در این خصوص را به محققان و پژوهشگران تاریخ ارجاع می‌دهم.

۴. او در بخش دیگر، این گونه نگارنده را مورد لطف و محبت قرار داده و نوشته: «طبیعی است در قاموس امثال اباذری سیاسی بودن به معنای دودوزه‌بازی، اهل زد و بند، زالوار به قدرت چسبیدن و... است.» اتفاقاً چند روز پیش هم یکی از حامیان پر و پا قرص مرحوم آیت‌الله شریعتمداری شبیه همین اتهامات را در یکی از گروه‌های شبکه مجازی به من نسبت داد و مرا «نیروی اطلاعاتی و سپاهی عمامه‌دار» خواند؛ البته اندکی بعد مطلب را حذف کرد و عذرخواهی نمود.

اما آنچه که از آقای روحانی به عنوان مورخ تاریخ انقلاب متوقع است این که بعد از چهل سال بایستی از تجربه‌های گذشته عبرت و الگو بگیریم و این سبک اتهام‌زنی‌ها را رها کنیم و به جای آن، نقد علمی و منصفانه داشته باشیم تا واقعیت تاریخی برای علاقه‌مندان روشن بشود. راستی! این چه منطقی است کسی را که مثل ما فکر نمی‌کند خیلی راحت متهم و تخریبش کنیم و خودمان را «قسیم الجنه و النار» بدانیم؟

البته برای بنده مایه افتخار است که در ردیف سلسله شخصیت‌هایی مانند حضرات آیات: سید ابوالقاسم خوئی، شهید سید محمدباقر صدر، امام موسی صدر، شهید چمران و... باشم که قبلاً توسط وی به اتهامات واهی

نواخته شده‌اند.

آن گونه که به یاد دارم همیشه سعی کردم در مسیر حق حرکت کرده و بعد از تحقیق و تفحص پیرامون هر موضوع و رخدادی، آنچه را که به نظر خودم درست تشخیص می‌دهم برگزینم و با هیچ گروه، جناح و شخصی معامله نکنم، همواره به قدرت قلم، کاغذ، فکر و اندیشه مستقل تکیه کرده‌ام. چنان که در اوج حاکمیت تندروهای دوم خرداد که مرحوم آقای حسینی امام جمعه ارومیه در روزنامه‌های زنجیره‌ای، هر روز مورد تمسخر و تحقیر قرار می‌گرفت، سی و سه جلسه مصاحبه با او انجام داده و خاطراتش را در سال ۱۳۸۲ به چاپ رساندم، در هشت سال حاکمیت جریان انحرافی که دست‌پخت اصولگرایان بود، مرتب رفتار، کردار، گفتار و موضع‌گیری‌های سرکرده آنها را به نقد کشیدم؛ وقتی مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی مورد ظلم و تعدی این جریان واقع شد با تمام وجود در مقابل ظالم ایستادم و از مظلوم دفاع کردم؛ این همه کجایش زد و بند و چسبیدن به قدرت است؟

دودوزه‌بازی و چسبیدن به قدرت شاید زیبنده کسانی باشد که یک وقتی در حاکمیت چپی‌ها از حاج آقای کروبی (سلمه‌الله) کمک مالی می‌گرفتند و کتاب‌هایشان از طریق بنیاد شهید چاپ می‌شد، امروز هم در حاکمیت اصولگرایان با آنها هماهنگ شدند و از محافل آنها تغذیه می‌شوند.

۵. مهم‌ترین اشکال این به اصطلاح نقد، اتهام‌زنی، پراکنده‌گویی و اضطراب آن است. نویسنده در بخش‌های مختلف، از دیکتاتوری و خونریزی محمدرضا شاه و کشف حجاب رضاخان یا فاسق بودن فلان آقا سخن گفته که هیچ ربطی به اصل مطلب ندارد و معلوم می‌شود که باز اصرار بر تکرار اشتباهات گذشته دارد و دهه بیست و سی را با دهه چهل و پنجاه عمداً به هم می‌آمیزد.

تأکید می‌شود بحث نگارنده پیرامون رخدادهای دهه بیست و سی است که به خاطر اعطای آزادی‌های سیاسی و مذهبی، شاه در میان مذهبیان محبوبیت داشت و مرجعیت شیعه نیز در پی تدبیر و تعدیل سیاست‌های شاه جوان بود. جا دارد موضوعات و حوادث به صورت جداگانه تجزیه و تحلیل شده و به هم قاطی نگردد و همچنین هنگام قضاوت، نخست خود را از

قالب و حصار فضای انقلابی بعد از پیروزی تھی و رہا کنیم و آنگاه پیرامون رخدادهای این دودهمه سخن بگوئیم. کشف حجاب رضاخانی یا فاسق بودن فلان آقا (البته بر فرض صحت) در سال ۵۸ چه ربطی به رخدادهای دهه بیست و سی دارد؟

۶. مدیران محافل پژوهشی و محققان محترم و متعهد در تاریخ انقلاب اسلامی عنایت داشته باشند که مطلب حقیر در مقاله قبلی به سه محور زیر متمرکز است که هیچ کدام در این نقد مورد توجه قرار نگرفته است:

اول: در دهه بیست و سی مرجعیت شیعه در قم و نجف از شاه به عنوان شاه شیعه در مقابل کمونیست‌ها حمایت می‌کردند و این هرگز به معنای تطهیر شاه نبود، یک نوع تعدیل، تدبیر و مدیریت بود. حتی قبل از آقای بروجردی، زمان مرجعیت آقایان ثلاث وضع همین‌طور بود، دیدارهایی از حضرات آیات: سید صدرالدین صدر، سید محمدتقی خوانساری، فیض، قزوینی، اشراقی و... طی سال‌های ۱۳۲۲-۱۳۲۳-۱۳۳۰ با شاه در حرم و باغ سالاریه قم گزارش شده که محتوای همه قابل توجه است و شرح آن در این مقال نمی‌گنجد.

دوم: تلگراف آیت‌الله بروجردی در ماجرای سوءقصد به شاه در تاریخ ۱۷ بهمن ۱۳۲۷ و جواب تشکر آمیز شاه با حضور شاه در منزل آقای بروجردی در قم، ۱۱ تیر ۱۳۳۰ به طوری که هنگام خداحافظی، ایشان شاه را از زیر قرآن عبور می‌دهند، تلگراف تبریک ایشان به شاه با عنوان «اعلیحضرت همایونی خلدالله تعالی ملکه» در ماجرای کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ و بازگشت شاه به ایران و دیدار مجدد شاه با ایشان در ۲۴ اسفندماه ۱۳۳۲ این بار در حرم، همه حکایت از رابطه مثبت شاه و تعدیل او توسط مرجعیت وقت شیعه دارد.

سوم: بنابراین در سال ۱۳۲۶ هنگام ورود شاه به تبریز، موضع و عملکرد آقای شریعتمداری در استقبال از شاه کاملاً در مسیر بدنه حوزه و مطابق با مشی مرجعیت شیعه در قم و نجف بود و نمی‌توان آن را تک‌روی و خلاف فضای موجود مطرح کرد.

والسلام علی عبادالله الصالحین  
عبدالرحیم اباذری



## ۵. استمرار ابتدال؛ پاسخ به یادداشت دوم اباذری

عبدالرحیم اباذری در تاریخ ۱۴۰۱/۱/۱۴ یادداشتی را در نقد فرازی از کتاب *شریعتمداری در دادگاه تاریخ* نوشت و رسانه رسمی بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی پاسخ آن را در تاریخ ۱۴۰۱/۲/۸ منتشر کرد.

اباذری نیز در ۱۴۰۱/۲/۱۳ به این پاسخ، پاسخ دیگری داد که در متن پیش رو رديه بنیاد تاریخ پژوهی بر آن را خواهید خواند. گفتنی است بنیاد تاریخ پژوهی در نقد یادداشت اول اباذری شفافیت کامل به خرج داد و نام و مشخصات ناقد یادداشت وی را در ابتدای متن انتقادی درج کرد اما عبدالرحیم اباذری در اقدامی تعجب انگیز و غیر حرفه‌ای، نویسنده متن انتقادی مذکور را جناب حجت الاسلام والمسلمین سید حمید روحانی معرفی کرد و مدعی شد از سوی مؤلف کتاب *شریعتمداری در دادگاه تاریخ*، «جواب مفصلی تحت نام «ابتدال در تطهیر شریعتمداری» در کانال تلگرامی وی منتشر شد.»

بنیاد تاریخ پژوهی ضمن تکذیب این ادعا تصریح می‌کند که نام نویسنده متن انتقادی (محمدعلی افضل)، نامی حقیقی و غیر مستعار است و اساساً ریاست محترم بنیاد تاریخ پژوهی به دلیل اشتغالات علمی فراوان فرصت پاسخ‌گویی به این قبیل تحریفات دست چندم را، که در سایه برخی اقدامات مشکوک روز به روز سنگین‌تر و پر حجم‌تر می‌شود، ندارد. به علاوه رسانه‌های بنیاد تاریخ پژوهی، همان‌طور که از نام آن پیداست، رسانه رسمی و حقوقی بنیاد تاریخ پژوهی است و جناب استاد سید حمید روحانی در شبکه‌های اجتماعی ایتا و تلگرام رسانه شخصی ندارند. وانگهی! اگر جناب اباذری آرزوی این را دارد که استاد روحانی به نقد نوشته‌جات او اقدام کنند، و این امر را برای خود افتخار می‌داند، باید گفت زهی تأسف و امان از خود باختگی‌ها!

آقای اباذری در یادداشت دوم نیز بر بیراهه‌پویی خود اصرار ورزیده و به اقتضای ضرورت و جهت تنویر افکار و تبیین تحریفات تاریخی مندرج در یادداشت وی، در ادامه نکات و مستندات پیرامون مجاهدت‌های علما در دهه بیست و سی مرور خواهد شد و در ضمن آن، به نقد تحریفات اباذری می‌پردازیم.

## اباذری و فتوا به وجوب استقبال علمای شیعه از شاه فاسق!

عبدالرحیم اباذری در یادداشت اول نه تنها شکستن تحریم استقبال از شاه توسط شریعتمداری را تطهیر کرد، بلکه استقبال از آن شخص فاسق جائز را به دلیل آزاد شدن تبریز از چنگ فرقه دموکرات «واجب» دانست. همان‌طور که در یادداشت پیشین ذکر شد،



تنها دلیل فتوای جناب اباذری به «وجوب استقبال از شاه» این می‌تواند باشد که آزادی تبریز مرهون تدبیر شاه بوده باشد و الا اگر شاه بی‌خاصیت آن زمان نقشی در این آزادسازی نداشته است، «وجوب استقبال از شاه» نیز معنایی ندارد. در جوابیه اول بنیاد تاریخ‌پژوهی بیان شد که محمدرضا پهلوی در آزادی تبریز نقشی نداشت و پس از این جوابیه، جناب اباذری نیز به یاد آورد که در یکی از نوشتجات خود گفته که محمدرضا پهلوی در این مقطع «در نهایت ضعف و زبونی به سر می‌برد و چنین قدرتی [برای بیرون راندن دموکرات‌ها] نداشت.» از جناب اباذری و احیاناً هیأت استفتای ایشان باید پرسید که اگر محمدرضا پهلوی تا این حد بی‌خاصیت و ضعیف و زبون بوده و هیچ نقشی هم در آزادی تبریز نداشته و در اقدامی نمایشی صرفاً برای مصادره پیروزی مردم و حماسه روحانیت به تبریز سفر کرده، فتوا به «وجوب استقبال از شاه» چه معنایی دارد؟! ممکن است اباذری ادعا کند که استقبال از شاه برای تقویت وی در برابر کمونیست‌ها واجب بوده است اما این ادعا نیز پذیرفته نیست چه آن که تا آن زمان شاه هیچ اقدام مؤثری در برابر نفوذ چپ‌گراها در آذربایجان انجام نداده بود تا حضرات علما آن را ببینند و تقویت وی را مایه تضعیف وابستگان به شوروی بدانند. مضاف بر این که قرائن فراوان و البته آشکاری پیش چشم علمای اعلام بود که حاکی از زد و بند پیدا و پنهان رژیم پهلوی با جریان چپ در دهه بیست بود که در ادامه به بخشی از این قرائن اشاره خواهد شد.

گفتنی است اباذری در یادداشت اول به صرف اعلام وجوب استقبال از شاه اکتفا نکرد و با ادبیاتی جسارت‌آمیز، بدون ذکر اسم، سخن از لزوم محاکمه مرحوم آیت‌الله میرزا فتاح شهیدی و سایر تحریم‌کنندگان استقبال از شاه به میان آورد و در مقابل، اقدام شریعتمداری را در شکستن جو تحریم استقبال از شاه، اقدامی درخشان و مثبت توصیف کرد، و الا امر کماتری.

### تحمیل بی‌وجه فضای سکولاریستی بر تاریخ روحانیت

اباذری در بخشی از یادداشت دوم خود چنین ادعا می‌کند:

وی [ناقد یادداشت اول اباذری] به موضع‌گیری‌های حضرات آیات: دوزدوزانی و شهیدی پرداخته و اصرار دارد که این دو روحانی محترم را به زور شخصیت انقلابی و مبارز جلوه بدهد و از چند منبع هم نقل قول‌هایی را در تأیید مطلب گزارش کرده که همه آنها اول کلام است و جای تحقیق و تأمل دارد زیرا اغلب این اظهارات تحت تأثیر شرایط و فضای حماسی بعد از پیروزی انقلاب گفته شده است.

نگارنده این سطور تردید داشت که برای نقد این بخش از یادداشت اباذری وقت بگذارد یا خیر؛ چه آن که نقد ادعای بی‌دلیل، ذکر بی‌دلیل بودن آن است. عبدالرحیم اباذری با اتهام زنی به شخصیت‌هایی همچون مرحوم «علامه جعفری»، «خسروشاهی»، «بنی‌فضل» و «سید حسین موسوی تبریزی» سخنان تمام این شخصیت‌ها را زیر سؤال برده و تحت تأثیر فضای حماسی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی دانسته است! ناگفته پیداست که این کلام، اول‌الکلام است و طرف مقابل نیز می‌تواند سخنان اباذری را تحت تأثیر شرایط و فضای سکولاریستی حاکم بر برخی جریانات تاریخی بداند؛ جریانات تاریخی که علقه آشکاری با شخصیت‌های معلوم‌الحال سیاسی داشته و انگیزه خاصی برای سکولاریزه کردن تاریخ روحانیت دارند.

علاوه بر نکته فوق، اگر اباذری این قبیل مطالب که بهره گرفته از خاطرات شفاهی است، جَوَزه و تحلیل زده می‌داند پس دلیل ارتزاق جناب ایشان از مصاحبه گرفتن‌ها و انتشار خاطرات شفاهی چیست؟ آیا در هنگام گرفتن پروژه یا اجرای طرح‌های شبه پژوهشی نیز دغدغه تحلیل‌زدایی از تاریخ داشته‌اند؟!

### پیش‌ان‌گویی واژگانی

عبدالرحیم اباذری در ادامه یادداشت دوم خود به توجیهی عجیب دست می‌زند. توضیح آن که وی، در مدخل «شریعت‌مداری، سید کاظم» در کتاب موسوم به *دانشنامه/امام خمینی* چاپ مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی،<sup>۱</sup> به اتخاذ موضع منفی آیات: میرزا فتاح شهیدی، دوزدوزانی و مرتضی خسروشاهی در برابر رژیم پهلوی اذعان کرده بود اما در یادداشت انتقادی از کتاب *شریعت‌مداری در دادگاه تاریخ* این کلام خود را نقض و ادعا کرد که نه تنها عدم استقبال علما از شاه به خاطر مخالفت با وی نبود بلکه اساساً علمای نامبرده شخصیت سیاسی نداشتند! او در یادداشت دوم خود برای توجیه این ناسازگاری آشکار ادعا کرد که «موضع منفی» می‌تواند به معنای «رأی ممتنع» هم باشد! اباذری در این زمینه می‌نویسد:

در بخش دیگر نوشته وی، به مقاله بنده در *دانشنامه/امام خمینی* استناد شده، آنجا نوشتم که آقایان: شهیدی، دوزدوزانی و خسروشاهی در برابر پهلوی موضع منفی داشتند. بدین ترتیب خواسته تناقض نوشته‌های مرا به اصطلاح افشا و آشکار کند. روشن است که منظور نگارنده از «موضع منفی» هرگز مبارزه و انقلابی بودن نیست و می‌تواند شامل «رأی ممتنع» هم باشد

۱. سید ضیاء مرتضوی (به کوشش)، همان، ص ۳۸۲.



که نفیاً و اثباتاً نظری در میان نباشد.

این قبیل توجیهات اباذری مصرع «قافیه چو تنگ آید...» را به ذهن مخاطب می‌آورد. به علاوه سخن در انقلابی‌گری نیست بلکه سخن در اینجاست که علمای شیعه اعتقاد داشته و دارند که در عصر غیبت هر حاکمی جز نایب عام امام عصر عجل‌الله تعالی فرجه الشریف جائر است و این ذهنیت عمومی وجود داشته و مانع از برقراری تعامل مثبت (به معنای واقعی کلمه) میان علما و طواغیت عصر می‌شد اما عبدالرحیم اباذری با طرح این ادعا که «شاه در میان مذهبیان محبوبیت داشت»، به جامعه دینی ایران اتهامی بی‌اساس وارد ساخت.

### سیاسی کردن فضای تاریخی به منظور تبرئه خود

عبدالرحیم اباذری در ادامه یادداشت دوم، فضای گفت‌وگوی علمی و تاریخی را به دلایل نامعلومی سیاسی کرده و برای بی‌طرف نشان دادن خود، به چاپ خاطرات یکی از ائمه جمعه در دوران اصلاحات و دفاع از آقای هاشمی رفسنجانی تمسک می‌کند و در انتها می‌نویسد: «این همه کجایش زد و بند و چسبیدن به قدرت است؟» طبیعی است مخاطبان فرهیخته معنای «زد و بند»، «چسبیدن به قدرت»، «دودوزه‌بازی» و کلمات مشابه را می‌فهمند و بر شخصیت‌هایی که اهل این معنا هستند به خوبی تطبیق می‌کنند. بنابراین ذکر این نکته کافی است اگر جناب ایشان اهل اعمال ملاحظات سیاسی در فضای تاریخ‌نویسی نیست، نوشتار انتقادی خود را از خاطرات پر غلط، پر حاشیه و مخدوش آقای اکبر هاشمی رفسنجانی منتشر کند یا اگر تاکنون چیزی منتشر کرده، در کانال شخصی خود باز نشر دهد تا ذهن تاریخی مخاطبان بیش از پیش در برابر خاطرات پر تحریف آقای هاشمی رفسنجانی مصون گردد! اگر واقعاً آقای اباذری از حریت لازم برخوردار است و مدح و ثنای ایشان نسبت به شیخ حسن روحانی و اتباع وی در چهارچوب ذهنی و نوشتار تاریخی وی تأثیر گذار نبوده، نسبت به اغلاط فاحش کتاب *الف لام خمینی*، که از دست شیخ حسن روحانی جایزه کتاب سال نیز دریافت کرد، موضع خود را اعلام کند و الا چاپ خاطره یا دفاع از فردی که یکی از رؤوس قدرت در عصر جمهوری اسلامی بود دلالتی بر بی‌طرفی و حریت کسی ندارد.

### یک اشکال عمده: انقطاع تاریخی

یکی از اشکالات عمده دو یادداشت اباذری «انقطاع تاریخی» است. عبدالرحیم اباذری با ذهنیتی ساده و بسیط نسبت به فضای دهه بیست و بدون لحاظ پیشینه تاریخی رژیم پهلوی در دو دهه ابتدایی قرن چهاردهم شمسی و مبارزات علما با آن رژیم، به این جمع‌بندی



کاریکاتوری رسیده که علمای اعلام و روحانیت شیعه، تا قبل از سال ۱۳۲۰ مورد انواع مظالم و تعدی‌ها از جانب رژیم پهلوی قرار گرفتند و در مقابل، مبارزات فرهنگی و سیاسی مختلفی علیه آن رژیم داشتند و اعتراضات صریحی به شخص اول مملکت داشتند اما با فرارسیدن سال ۱۳۲۰ به یکباره همه چیز را فراموش کردند و با برخی آزادی‌های ظاهری و محدود، که هر فردی می‌توانست بفهمد ترفندی بیش نیست، فریب خوردند و با محمدرضا پهلوی به صلح و صفار رسیدند و نگاه‌شان نسبت به رژیم پهلوی و شاه آن به یک «نگاه مثبت» تبدیل شد. گفتنی است یاد و خاطره جنایات رضاخان میرپنج علیه روحانیت، به ویژه برخی روحانیون آذربایجان، پس از گذشت دهه‌ها از ذهن مراجع عظام تقلید، روحانیت و مردم آن سامان، پاک نشد؛ چنان که امام خمینی حتی پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز از آن یاد می‌کردند: شاهد بودم که با روحانیون چه کردند، شاهد بودم که دو روحانی بزرگ آذربایجان را، مرحوم حاج میرصادق آقا و مرحوم انگجی را، تبعید کردند. شاید سقز بود که ایشان را تبعید کردند. شاهد بودم که علمای خراسان را دسته‌جمعی گرفتند و به تهران آوردند و به حبس کشیدند.<sup>۱</sup>

از لوازم قهری کلام اباذری این است که علمای اعلام شیعه که مبارزات دامن‌دار سیاسی‌شان از مشروطه تا آن روز، با فراز و فرود ادامه داشت و از فراست بالایی برخوردار بودند، آن قدر ساده‌دل و ساده‌لوح بودند که نمی‌دانستند اقدامات رژیم پهلوی و محمدرضا شاه نمایش مضحکی بیش نیست و محمدرضا پهلوی فرق اساسی با پدرش یا هر دیکتاتور خون‌خوار دیگری ندارد. بنابراین ادعای رابطه مثبت مراجع طراز اول با شاه تهمتی بیش نیست؛ هر چند رابطه تقیه در عصر طاغوت یا ارسال برخی تذکرات، محتمل است که این امر، غیر از مدعای اباذری است و در ادامه اشاره مختصری به آن خواهیم داشت.

### خلط میان تعامل مثبت و تعامل مبتنی بر تقیه

یکی از اساسی‌ترین اشکالات یادداشت‌های اباذری خلط میان «تعامل مثبت» و «تعامل مبتنی بر تقیه» است. عبدالرحیم اباذری برای تثبیت این خلط به برخی استنادات تاریخی یا شبه‌تاریخی ارجاع می‌دهد. البته وی در نتیجه‌گیری از این مستندات نیز دچار پریشان‌گزینی واژگانی شده است. او در بخشی از یادداشت خود ادعا می‌کند که تعامل روحانیت با شاه در دهه بیست و سی مبتنی بر «تعدیل، تدبیر و مدیریت» بوده است.

اولاً «تعدیل، تدبیر و مدیریت»، هم با اتخاذ موضع منفی سازگار است هم با اتخاذ موضع



مثبت؛ یعنی روحانیت شیعه برای متعادل کردن شاه افراطی می‌تواند از موضع مبارزه منفی وارد شود (چنان که علمای بصیر تبریز در سال ۱۳۲۶ چنین کردند) یا از موضع مثبت. بنابر این اقدام علمای طراز اول تبریز در عدم استقبال از شاه منافاتی با «تعدیل، تدبیر و مدیریت» که مورد ادعای اباذری است ندارد و برخلاف اتهاماتی که اباذری به علمای طراز اول تبریز وارد می‌سازد، اقدام ایشان برخلاف رویه حاکم بر فضای مرجعیت شیعه نبوده و از قضا، اقدام شریعتمداری در شکستن این اقدام مدیریتی قاطع، خلاف تدبیر اتخاذ شده از جانب علمای بصیر آذربایجان بوده است.

ثانیاً «تعدیل، تدبیر و مدیریت» به معنای نگاه مثبت روحانیت به شاه نیست و صرف ملاقات یا پیام دادن علما به محمدرضا پهلوی نیز حکایت از نگاه مثبت ایشان نسبت به شاه ندارد. زیرا تمام این موارد می‌تواند به دلیل موضع تقیه یا حفظ اصل نظام معیشت و پیشگیری از هرج و مرج بوده باشد و اگر با عینک آقای اباذری به تاریخ نگاه کنیم معاذالله باید رابطه ائمه معصومین علیهم‌السلام با سلاطین جائر اموی و عباسی را نیز مثبت تلقی کنیم به این خاطر که ممکن است آن ذوات مقدسه نیز در شرایط سخت تقیه مجبور به استفاده از تعابیری همچون «امیر المؤمنین» نسبت به خلفای فاسق بوده باشند اما طبیعی است که این تعابیر هیچ دلالتی بر رابطه مثبت با آن رؤس اشرا ندارد.

اباذری ادعا کرد که روحانیت، شاه کشور شیعه را سدی در برابر کمونیست‌ها می‌دانستند و به شاه اقبال داشتند اما این تهمتی سنگین و البته غیر قابل اثبات به علما و ملت شریف ایران است.

### سانسور و تحریف مواضع منفی روحانیت شیعه در دهه بیست و سی

عبدالرحیم اباذری با سانسور یا تحریف مواضع منفی و اعتراضات روحانیت شیعه در دهه بیست تلاش کرده این تصویر را در ذهن مخاطب ایجاد کند که علمای اعلام در این برهه از زمان به صلح و صفا، و به تعبیر اباذری رابطه مثبت با رژیم شاه رسیده‌اند. او در خصوص چرایی برقراری رابطه مثبت شاه و روحانیت! به چند وجه زیر استناد می‌کند:

۱. اعطای آزادی‌های مذهبی و سیاسی

۲. تقویت شاه شیعه در مقابل کمونیست‌ها

اما باید دید که آیا این دو وجه می‌تواند موجب پیدایش دید مثبت نسبت به دودمان پهلوی در دیدگان نافذ علمای طراز اول شود؟ به علاوه، آیا در این برهه، اعتراضات و اقدامات منفی علما علیه رژیم منحوس پهلوی قطع شد یا ادامه یافت؟ در این خصوص باید گفت:

۱. رژیم پهلوی در دهه بیست برخی آزادی‌های محدود مذهبی را داد اما بیشتر از آن بی‌بندوباری‌های ضد مذهبی را رواج داد یا زمینه آن را فراهم کرد و این اقدام پیش چشم روحانیت شیعه قرار داشت و روحانیون را به واکنش منفی وامی‌داشت. از این جمله می‌توان به رواج مواضع ضد دینی کسروی، که به نوعی پرورش یافته عناصر رژیم پهلوی بود<sup>۱</sup> و مبارزات دامنه‌دار روحانیت شیعه علیه وی اشاره کرد. علاوه بر جریان کسروی، در سایه بی‌بندوباری ضداسلامی پهلوی دوم، افکار الحادی کمونیستی گسترش یافت. بنابراین صرف اعطای برخی آزادی‌های محدود، و رها کردن بی‌دینی و الحاد در جامعه از جانب حکومت نمی‌تواند مورد رضایت علمای شیعه باشد و موجب نگاه مثبت آنان به پهلوی دوم گردد.

۲. به گفته برخی پژوهشگران معاصر مبارزات اعتقادی روحانیون و متدینین علیه فرقه‌های انحرافی در دهه بیست در بعضی موارد به منزله مبارزه سیاسی نیز بود؛ چه آن که روحانیت شیعه به خوبی نفوذ اتباع این فرقه‌های انحرافی در تار و پود پهلوی دوم را می‌دید. در این زمینه می‌توان به اوج گرفتن مبارزه روحانیون و متدینین با فرقه ضاله بهائیت از سال ۱۳۲۳ به بعد اشاره کرد که صورت سیاسی نیز به خود گرفته بود. یعنی مبارزه با بهائیت به نوعی مبارزه با حکومت و اجزای آن تلقی می‌شد، چرا که برخی از چهره‌های حکومت، متهم به داشتن گرایش‌های بهائی‌گری بودند.<sup>۲</sup> لذا این ادعا که روحانیت شیعه در دهه بیست و سی به صلح و صفا با رژیم پهلوی رسیده بود و به کلی دست از مبارزه شسته بود و نگاه مثبتی به آن رکن طاغوت داشت ادعای گزافی بیش نیست.

۳. بر فرض کم‌رنگ شدن موضع منفی و انتقادی از جانب مرجعیت عالی شیعه از سال ۱۳۲۰ تا ارتحال مرحوم آیت‌الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی را بپذیریم؛ بنابر برخی تحلیل‌ها می‌توان گفت که این مسئله ربطی به نگاه مثبت مراجع قم و نجف نسبت به پهلوی دوم نداشت بلکه به عواملی همچون «بسته بودن فضای ایران به دلیل مسائل جنگ و دشواری ارتباط با عراق» ارتباط داشت و همچنین به دلیل کهولت سن مرحوم آیت‌الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی امکان یک حرکت جدی و مؤثر وجود نداشت.<sup>۳</sup>

۴. به رغم مشکلات و موانع، مرحوم آیت‌الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی اقدامات اعتراضی جدی در دهه بیست داشتند که نامه ایشان به آیت‌الله سید محمد بهبهانی که در واقع پیام اعتراضی ایشان به نخست‌وزیر و وزیر فرهنگ برای لزوم تعیین ناظر شرعیات در

۱. رسول جعفریان، *جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران*، تهران، علم، ۱۳۹۸، ص ۳۲.

۲. همان، ص ۳۹.

۳. همان، ص ۴۷.



همه استان‌ها بود از این قبیل اقدامات اعتراضی بود.<sup>۱</sup>

۵. علاوه بر آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی، آیت‌الله حاج آقا حسین قمی (که پس از ارتحال مرحوم اصفهانی تا زمان وفات به مدت سه ماه مرجع علی‌الاطلاق شیعه بودند) نیز در سال ۱۳۲۲ هـ سفری شور آفرین، تاریخی و البته اعتراضی به ایران داشتند که با حمایت مرحوم آیت‌الله بروجردی به لغو قانون ضد دینی کشف حجاب منتهی شد. گفتنی است حمایت مرحوم آیت‌الله بروجردی از قبیل حمایت‌های عادی و توصیه‌های بی‌پشتوانه معمول نبود، چه آن که پیش از ورود ایشان به عرصه حمایت از آیت‌الله حاج آقا حسین قمی، سایر علما نیز تلگراف‌هایی را به مرکز ارسال داشتند که همگی بی‌اثر بود اما مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی دولت را تهدید به حرکت به سوی تهران کردند و از آنجا که رژیم پهلوی از نفوذ آیت‌الله بروجردی در میان عشایر آگاه بود و تلگراف‌های عشایر در این خصوص را دریافت کرده بود عقب‌نشینی کرد و دولت مجبور به قبول پیشنهادهای آیت‌الله قمی گردید.<sup>۲</sup> معلوم نیست اباضی این قبیل تهدیدهای جدی را چگونه می‌تواند حمل بر «رابطه مثبت میان روحانیت و شاه» کند. لابد جناب ایشان تهدید به حرکت به سوی تهران و تحریک عشایر مسلح را هم با «موضع ممتنع و بی‌طرف» قابل جمع می‌داند.

«به هر روی این مبارزات به صورت منسجم از سوی علمای شهرستان‌ها دنبال شد و هر از چندی آنان با ارسال طومارهایی به مرکز، خواستار لغو قانون کشف حجاب می‌شدند.»<sup>۳</sup> و همان‌طور که گفته شد در نهایت در ناحیه لغو قانون کشف حجاب پس از اقدام شجاعانه مرحوم آیت‌الله قمی و حمایت حماسی مرحوم آیت‌الله بروجردی این قانون ننگین لغو و پیروزی بزرگ (و البته مغفول مانده‌ای) برای جریان روحانیت پدید آمد؛ هر چند طبیعی بود که لغو این قانون از جانب رژیم پهلوی به طور کامل اجرا نشود و تأثیرات شوم آن قانون ضد دینی تا سال‌های سال بر تارک اجتماعی و فرهنگی ایران باقی بماند.

گفتنی است تقابل مرحوم آیت‌الله بروجردی با نقشه‌های ضد اسلامی محمدرضا پهلوی در دهه سی نیز ادامه داشت و اعتراض جدی ایشان به طرح تغییر قانون اساسی در زمینه ولایتعهدی، یکی از این نمونه‌هاست. مرحوم آیت‌الله العظمی صافی در این زمینه چنین می‌نویسند:

این موضوع (تغییر ولایتعهدی) بر خلاف قانون اساسی بود... از ایشان

۱. همان، ص ۴۸-۴۷.

۲. رک: سید محمد حسین علوی طباطبائی، *خاطرات زندگانی آیت‌الله العظمی آقای بروجردی*، تهران، اطلاعات، خرداد ۱۳۴۱، ص ۵۴-۵۲؛ رسول جعفریان، همان، ص ۵۰-۴۹.

۳. رسول جعفریان، همان، ص ۵۱.

(مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی) هم اعلام نظری نمی‌شد و سکوت ایشان را جمعی حمل بر مماشات می‌کردند... در این گیر و دار والد، آیت‌الله آخوند ملا محمد جواد صافی رحمت‌الله قم مشرف شدند و بزرگان حوزه مخصوصاً مرحوم آیت‌الله گلپایگانی و مرحوم امام خمینی با ایشان دیدارها نموده و از ایشان می‌خواستند که در ملاقات‌هایی که با آقا دارند علت سکوت ایشان را جویا شده و لزوم موضع‌گیری سلبی و منفی را گوشزد نمایند...

مرحوم آقای والد در ملاقاتی که برای خصوص این موضوع با آقا داشتند، موضوع را مطرح و جوانب، اطراف و مفاصل سوء آن و لزوم یک واکنش علنی و رسمی را تذکر دادند.

جلسه، بسیار پر بار و نتیجه‌بخش شد. آقا اولاً از توهمی که برای بعضی پیش آمده که ایشان در مثل چنین امری - که در جامعه اسلامی زن عهده‌دار این گونه مسئولیت‌ها باشد - سکوت کنند تعجب کرده و فرمودند: «خود آقایان می‌بایست آن را دفع و رد نمایند.» و فرمودند:

«من اگر جانم را هم لازم باشد که در راه ممانعت از این اقدام بدهم می‌دهم ولی از آن جلوگیری می‌نمایم.»  
لذا بنا شد که آقایان نامه‌ای به آقا بنویسند و موضوع را مطرح و کسب نظر بنمایند.

بنابر این نامه‌ای که نظرم نیست انشاء بنده یا حضرت آقای اخوی بود به امضاء حضرات آقای گلپایگانی، آقای خمینی، آقای مرتضی حائری و دو نفر دیگر که ظاهراً یکی از آنها آقای سید محمد داماد بود خدمت آقا تقدیم شد، و ایشان هم صریحاً موضع سلبی و منفی خود را اعلام نمودند؛ و نامه و جواب به خط بنده و حضرت آقای اخوی نوشته شد.

به هر حال، این نامه فوراً مثل توپ و بیشتر صدا کرد، و دستگاه دانست که روحانیت از این موضوع و مخصوصاً ولیعهدی زن به هر قیمتی باشد جلوگیری می‌نماید.

لذا به دست و پا افتادند که بلکه نامه منتشر نشود و پیغام آوردند که موضوع بدون این نامه هم طبق نظر آقا مسکوت‌عنه شده است.  
از این جهت، بعضی آمدند که نامه را از حضرت والد بگیرند.



ایشان با عصبانیت جواب دادند و خلاصه نامه در سطح کشور منتشر شد و موضوع منتفی شد، و زحمات تأسیس مجلس مؤسسان به هدر رفت، و ناچار مجلس را به طور صوری ادامه داده و ختم کردند.<sup>۱</sup>

گفتنی است تاریخ نامه مرحوم امام و سایر فضایی بر جسته حوزه علمیه به مرحوم آیت‌الله بروجردی<sup>۳</sup> فروردین ۱۳۲۸ هـ.ش بود.<sup>۲</sup>

علاوه بر این نکته تاریخی، مرحوم آیت‌الله بروجردی مشورتی ویژه با امام خمینی در مسائل سیاسی داشتند و ایشان نیز صریح‌ترین نکات انتقادی را به ایشان منتقل می‌ساخت. فقیه عارف، مرحوم آیت‌الله حاج آقا مجتبی تهرانی در این زمینه روایت تاریخی ویژه‌ای دارند:

... آیت‌الله ایشان (امام خمینی) را خواسته بودند و با ایشان مشورت کرده بودند که شاه به وسیله دکتر اقبال برای من پیغام فرستاده که قانون اصلاحات ارضی در برخی از کشورهای اسلامی مانند مصر و عراق اجرا شده است. شما چرا با اجرای آن در ایران مخالفت می‌کنید؟ امام به آقای بروجردی گفته بودند شما به شاه جواب دهید که اگر می‌خواهید از آن کشورها تأسی کنید آنها اول شاه‌بازی را کنار گذاشته و جمهوری شده‌اند شما هم از اینجا شروع کنید.<sup>۳</sup>

۶. یکی از مواضع اختلاف جدی علما با رژیم پهلوی عدم اجرای اصل دوم متمم قانون اساسی بود که در دهه بیست مورد اعتراض علما و عموم متدینین قرار گرفت. چنانچه نشریه *آئین/سلام* در سال سوم، شماره ۵۰، مورخ ۹ اسفند ۱۳۲۵ هـ.ش به این امر اعتراض کرد؛ همچنین این مسئله در سطحی عمومی‌تر مطرح گردید و برخی جمعیت‌های اسلامی نظر مراجع را در این باره جویا شدند<sup>۴</sup> و نشریه *آئین/سلام* پاسخ علما را در تاریخ ۸ خرداد ۱۳۲۶ منتشر ساخت. گفتنی است مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی در پاسخ به این سؤال سیاسی، به توجه خود به این امر اشاره کردند و به لزوم نگاه جامع‌نگر به مسئله تأکید کردند. سایر فقهای عظام: «شیخ محمدحسین آل کاشف‌الغطاء»، «سید هبة‌الدین شهرستانی»، «سید محمد حجت»، «سید محمد تقی خوانساری»، «سید محمدهادی میلانی» و «فیض» نیز بر حقانیت این مطالبه تأکید کردند.

۱. لطف‌الله صافی گلپایگانی، *فخر دوران*، قم، دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی، بی‌تا، ص ۶۵-۶۲.

۲. رک: صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۶.

۳. سید حمید روحانی، «حاج آقا مجتبی تهرانی؛ شاگرد دلباخته مکتب امام»، *پانزده خرداد*، دوره سوم، س ۱۰، ش ۳۴، ۱۳۹۱، ص ۴۸-۴۷.

۴. رسول جعفریان، همان، ص ۴۹.



## نظریات حضرات مراجع تقلید در اطراف اجرای اصل دوم متمم قانون اساسی

و اعزام پنج نفر از علماء طراز اول به مجلس شورای ملی

فایل توجه دولت

جواب آقای نورانی

مدیر محترم و زنده آئین اسلام  
نظر بر اینکه یکی از املات عالییه مسلمانان احکامات  
و هم آنگی میان موعظت مردم است و در امر اتمام آوردن  
وسایل حسن نظام میان ملت و دولت که در سرعت انجام  
مقتضای اجتهادی بسیار مؤثر است گویا میباید لذا در موضوع  
علی شریعتی اصل دوم متمم قانون اساسی شرحی به حضرت علمای  
الام و مجتهدین گرام و مراجع اتم نوشته شده و نظریه  
آنان را در این موضوع هم که بهترین وسیله ایجاد حسن  
نظام میان توده متدین و دولت میباشد خواستار شده و هر  
يك از مراجع نامبرده جوابی داده اند که باید بنظر حسامه  
مردم و بالخصوص دولت برسد اینک رونوشت آن نامه هارا  
پیوست این نامه تقدیم میبایم که در اولین شماره آن نامه نویسی  
امر بدوچ فرماید.

با تقدیم احترامات

دفتر اتحادیه مسلمین

جواب از طرف حضرت مستطاب  
آیه الله العظمی آقای شیخ محمد حسین آل

کاشف الغطاء دامت بر کاته

بسم الله الرحمن الرحيم

هیئت محترم اتحادیه مسلمین روقه هیئت محترمه  
و اعلی در مضمون آن اطلاع حاصل گردید این احقر از قدیم  
الایام تا بحال در اموری که راجع بنایید و حفظ دین نفس  
اسلام حیوونت گزانی ننموده و فعلا هم هر چه در این موضوع  
مردم علم ایران دستور و اقدام برمودن این احقر هم موافقت  
مینماید و تخلف ننموده در عین حال مایل بودی که کامل  
حضرت جلشانه خواستاریم و درین حال مایل بودی که کامل  
داریم که دولت علیه ایرادت نیز چنین علاقمندان باین  
دین مقدس و محضو مستطاب اتحادیه مسلمین را بنایند و هم  
و اقبایات مراجع و روحانیات را در نهایت کامل متعالیه موضوع  
اجرا گذارد تا اینکه هوار بار بشود و کشت و سوخت و تراش و بشرفات  
اسلام و اسلامیت متغیر و سراسر از باشد و عموما در میان تمام

دولت شاهنشاهی يك دولت معزز و با کرامتی بشمار آید.

نمر جمادی الاول ۱۳۶۶

مطابق ۱۴ فروردین ۱۳۶۶

محمد حسین آل

کاشف الغطاء

جواب از طرف حضرت مستطاب آیه الله

العظمی آقای حاج آقا حسین بن و جری

مدفله العالی

بسم الله الرحمن الرحيم

معرض میدارد

سلامت و موفقیت هنگی را از خداوند متعال جانت عقیده

مستلث مینماید راجع بموضوعی که تذکر داده بودید چنین

نیست خیر متذکر اینکه مطلب بنام نهایت این امور را

کاملا باید در اطراف آن بحث و تخیل نمود که در بدو عین آن به

موانع و محدودی تصادف ننماید و امید است خداوند متعال

آنچه صلاح و غیر مسلمین است مقدر فرموده هنگی را از

جیب خطرات محفوظ و محروس فرماید و السلام علیکم و

رحمة الله و برکاته

جواب از طرف حضرت مستطاب علامه هجیر

آیه الله العظمی آقای سید هبة الدین شورستانی

دامت بر کاته

الحمد لله

بسم الله و لله الحمد

استوار گشتی که از نظر فای راجع

باصول دوم متمم قانون اساسی دولت مشروطه ایران ننموده

در جواب آن عرض میدارد

پوشیده نیست که وضع این

ماده قانون اساسی با سنی و احکام جمعی از اصول علمای اسلام

و جمیع اسلام و علاقمندان بدینست و مملکت بوده و بدینست

با جلب موافقت دولت وقت و شرر آن از هر جهت مسترد

و متافعی هم برای تشدید مابین شرعی و تحکیم اساس دولت

اسلامی تصور میفرموده اینک در مملکت اسلامی متکلیف

ایران که در قانون اساسی آن تصریح شده قوانینی که مغایرت

با شرع اسلام داشته باشند قابل اجرا نیست بدینست که

بنده در متمم

## نظریات حضرات مراجع تقلید

بنده (از منتهی)

تنبیز در این امر مهم وجود خیر و اهل فی را لازم دارد و  
آهم غیر از مجتهدین نبوده و عموما اهل ایران که دارای  
مدن مقدس جمعی هستند قوانین معموله را که از نظر  
علمای گذشته باشد بدین احکام نگریسته و خود را از اجتهادی  
مکلف بصل آن میدانند... و قانون هم آنستکه با روحیه  
اکثر اهل ایران و فایده سیلا و اهل ایران هم چون مجلس مشروطه  
را مشرعه تلقی کرده در پرداخت مالیات بیش از پیش سستی  
بلکه خود را نموده دار شرعی و عرفی خواهند دانست فعلی  
است در هیچ سوختی برای دولت هم تفاوتی در قیامیات  
و سبوت و در سولات رنج خواهند داد و برای مردم هیچ انتفاع  
نخواهد بود لذا موضوع کاملا بصلاح شرع و مملکت است  
و در صورتیکه تحت نظر ارباب شرع و دولت اقدام بعمل  
موضوع و انتخاب مجتهدین جمیع الشراط که عارف به مصالح  
ملت و مقتضیات زمان باشند و هیچگونه ضرری بر ملت  
متصور نیست انداخته تنالی

جواب از طرف حضرت مستطاب آیه الله  
العظمی آقای سید محمد حجت مدفله العالی

هیئت محترم اتحادیه اسلام دانشا کام و زانف آید ایتم  
محترم و عرض میدارد

در تحت لای حضرت ولی عصر ارواح الله فنا در حفظ و  
حراست قوانین شرع متدین حضرت عاتم صلوات علیه و آله  
و سلام مؤید و منصور خواهم بود چندی قبل منشور هیئت  
محترم در خصوص تبیین طراز بر و رسول بخشد خیال کردم  
محتاج بجواب گشتی نیست لایا مرامم مردم از قرار مرقوم  
یعنی از رفقاء هیئت متعار جواب گشتی دانسته اند  
فایده با کمال اعتدال از تأخیر جواب عرض مشوقانیت امل  
قبی جای ترخیصت و عمو متدین و علاقمندان بدین  
از و آرا را بدینست و خیرم اگر حراست مراجع و اتم  
بر کامهم اقدام فرمایند عملی شود نسبت خواهند نمود و نیز  
سعادت و ترمیم هیئت محترمه را از خداوند منان منت  
مینمایم و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

الاحقر محمد الحسینی العز کمری  
بنده در متمم ۱۶



## قسمتی از جواب نامه حضرت مستطاب آية الله آقای سید محمد تقی خوانساری مدظله العالی

بسم الله الرحمن الرحیم  
پس از اهداء سلام و مراسم خلوص و صمیمیت مکتوبی بعنوان تعذیه ساین، امتنا جتعالی و اصل از مندرجاتش مستحضر شدم و بسیار تقدیس و سی مورد تجزیه می باشد. امید است از جانب خداوند تعالی فرجی عاجل برای عموم جامعه مسلمین فراهم آید و از جمیع معین ها و قنار های دینی و دنیوی استخلاص حاصل گردد بته و جوده و محمد وآله الامجاد علیهم سالوات الله الی یوم البقاء در خانه دوام سعادت و سلامت و وجود شریف را از خلاق متعال خواهند. الاخر محمد تقی الموسوی خوانساری

## جواب از طرف حضرت مستطاب آية الله آقای سید محمد هادی میلانی دامت برکاته

مقیم کربلا  
بسم الله الرحمن الرحیم  
جمعبیت محترم اتحادیه مسلمین دام مجددم و تأییدهم بر عرض می رساند نامه شریفه معصومه بعنوان اتحادیه مسلمین در نالو آیه مبارکه اهتمام بعجل الی جالب دیده دل و مروت خوشوقتی و امیدواری گردید که اتحاد حقیقی آنست و پاینده خواهد بود انشاء الله تعالی بیانات مندرجه حاکی از علاقه مندی به عالم دیانت و جامعه مسلمانان و کاشف از حسن فکر و درایت است که درد و درد او را در منظور و غالب جهات مورد توجه بوده است حقیقتاً اشخاصی برجسته که ناهد توانایی خویش در گفتار و رفتار باقلب نورانی و نیت خالص اقداماتی دارند بی منت و مورد تقدیر و تشکر و عذبت میباشد و چنانچه در همه طبقات اینگونه اشخاص وجود داشته و قلباً و یقناً و لساناً مساعدند دیگر و هر جامعه روابط کامل با جامعه دیگر داشته باشند فوق حد و حصر آثار و فوائد بسیار مهم دیده خواهد شد بپوشان الله تعالی و حسن تأیید و اگر نه چنین بود نتیجه ناقص یا عملی نخواهد گردید کلمات حق را چنانچه اذن و اعمیه نباشد انری مرثب نخواهد شد چه هر گونند را شنونده ولی آنچه البته بهائی نرسد فریاد است مگر

بجز گفتار و صرف اظهار مقصودی منظور نباشد ولی علاوه بر تشخص درد و دوا باستی شرط تأثیر و مانع جلوگیری هم تشخص داده شود و باید دید شونده چراییست یا اگر هست مانع از شتوایی چیست باری روحانیت پیوسته زبان گویا داشته و دارد و خود را موظف باقیه کلمات حق میدانند گاهی که سکوت نمایند و بامدنی بدین مژواک بماند باور اخلاوندی اقتدا نموده خود را بی یار و یاور دیده و خانه نشین گشته یا از فشار موانع تنبه را بحال جامعه اصلاح دیده است و البته بدیهی است روحانیت باتمام جدیت و باروری و احدی هر چه کامل تر نتواند مقصود خود را بنهایی عملی بخارده و اداران جدی از سایر طبقات لازم تا اقدامات کامله در مصالح دنیوی و دنیوی و شئون اجتماعی بعمل آید باعتبار الی جمل و علا راجع بعملی شدن اصل درم متهم اساسی که وسیله مقداری آسایش متدینین است و از جزئیات عسیده با اهمیت است مکرراً مورد مذاکره و مشورت آنان و اشخاص متدین بآن و سایر جهات منصوصه مورد گفتگو و مطالعه و البته بایستی زودتر نتیجه بدست آید انشاء الله تعالی ولی خوبست جمعبیت های دیگر ایران مانند جمعبیت اتحادیه مسلمین خود را معرفی نمایند که طر فدار و دوستی و زبان گویای روحانیت خواهند بود انشاء الله تعالی والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته الاخر محمد هادی العینی المیلانی

## قسمتی از جواب نامه حضرت مستطاب آية الله آقای فیض دامت برکاته

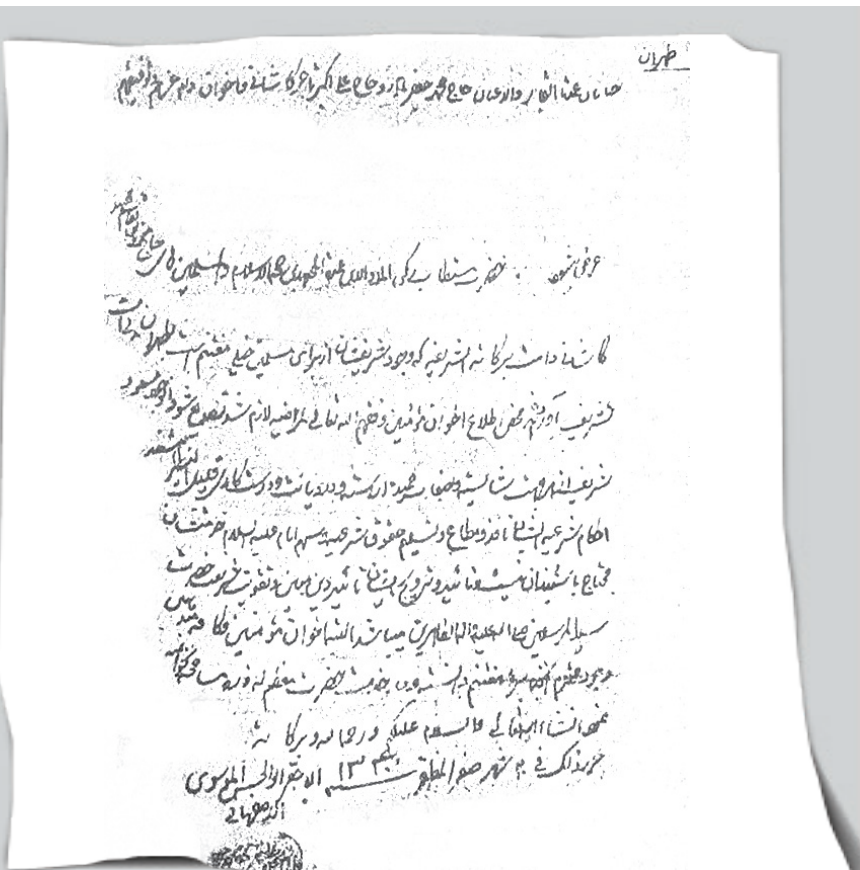
بسم الله الرحمن الرحیم  
بر عرض می رساند تعلیق معترمه و اصل از تحریرات دیبانی و احسانات آن مؤسسه که دل تشکر و تهنیت قدر دانی را می نمایند و از خدای تعالی درخواست آنکه آن مؤسسه معترمه را در ترویج اسلام موفق و مؤید بدارد در باب اقدام هر عملی نمودن اصل درم از قانون اساسی این مطالب را احتراز چند ماه قبل اقدام کردم و با آقایان مراجع گفتگو نمودم و مکرر مجلسی منعم نمودند و عموماً تحسین نمودند بلکه بعضی از آقایان مراجع گفتند خوب و حشمت بدیهی است ..... والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

الاخر محمد القمی فیض



طبیعی است مردم شهر تبریز که نقش اساسی در شکل گیری و پیشرفت مشروطه داشتند از عدم اجرای کامل قانون اساسی ناخشنود باشند و در این زمینه فرقی میان رضا و محمدرضا نبینند. معلوم نیست به رغم بقای این اختلافات جدی و ریشه‌ای میان روحانیت و رژیم پهلوی، امثال عبدالرحیم اباذری چگونه با طرح شبهاتی همچون «شاه شیعه» و... ادعای برقراری رابطه مثبت میان روحانیت و پهلوی جنایتکار دوم می‌کنند.

۷. اقدامات اعتراضی آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی از سال ۱۳۲۰ جریان داشت. گفتنی است آیت‌الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی سال‌ها قبل از دهه بیست، حمایت صریح و قاطع خود را از مرحوم آیت‌الله کاشانی اعلام کرده بودند و «تأیید و ترویج ایشان را تأیید دین مبین و تقویت شریعت حضرت سید المرسلین» دانستند و جایگاه ویژه‌ای را برای مرحوم آیت‌الله کاشانی فراهم کردند.



بنابراین با وجود قرائن آشکار فوق، مسلم است که علمای اعلام در دهه بیست هجری شمسی پی به ذات ضددینی پهلوی دوم و دروغی و مقطعی بودن برخی آزادی‌های سطحی و ظاهری آن برده بودند و این گونه نبود که به راحتی فریب سیاست‌های کثیف محمدرضا پهلوی را خورده باشند.

۸. برخلاف تصور عبدالرحیم اباذری، که دهه بیست را دهه تعامل مثبت! میان روحانیت و طاغوت می‌پندارد، اولین بیانیه سیاسی - الهی امام خمینی در همین دهه نوشته شده است و آن امام بصیر در همان دهه بیست مردم را به قیام فراگیر علیه دودمان رضاخانی فرامی‌خواند و از قضا این دوران را بهترین دوران برای «قیام اصلاحی» می‌دانند. بدیهی است بیانیه سیاسی - الهی ایشان، ناشی از یک دیدگاه شخصی نیست بلکه منشأ یافته از عمیق‌ترین معارف دینی و بر اساس درکی مشترک میان علمای اصیل و دور از هوای نفس تشیع شکل گرفته است؛ بنابراین خوانش گزیده‌ای از این بیانیه ما را به فضای ذهنی عالمان اصیل شیعه در آن دهه نزدیک می‌کند. ایشان در این بیانیه نظام اداری رژیم پهلوی را به کلی زیر سؤال برده می‌نویسند:

قیام برای نفس است که بیش از ده میلیون جمعیت شیعه را به طوری از هم متفرق و جدا کرده که طعمه مشتی شهوت پرست پشت میز نشین شدند.<sup>۱</sup>

ایشان در ادامه، شجاعانه مؤسس رژیم پهلوی را فردی بی‌سواد خطاب می‌کنند و ادامه می‌دهند:

قیام برای شخص است که یک نفر مازندران بی‌سواد را بر یک گروه چندین میلیونی چیره می‌کند که حَرْث و نسل آنها را دستخوش شهوات خود کند.<sup>۲</sup>

البته ایشان کلام سیاسی خود را ادامه می‌دهند و برخلاف تصور امثال اباذری که گمان می‌کنند روحانیت شیعه در دهه بیست سرسازش با رژیم داشت، دنباله‌های رضاخان را نیز به همان حکم رضاخان می‌رانند و چنین می‌نویسند:

قیام برای نفع شخصی است که الان هم چند نفر کودک خیابانگرد را در تمام کشور بر اموال و نفوس و اعراض مسلمانان حکومت داده.<sup>۳</sup>

امام خمینی در ادامه برخی اقدامات ضددینی رژیم پهلوی اول و به ویژه پهلوی

۱. صحیفه/امام، ج ۱، ص ۲۲.

۲. همان.

۳. همان.



از جناب اباذری و احیاناً هیأت استفتای ایشان باید پرسید که اگر محمدرضا پهلوی تا این حد بی‌خاصیت و ضعیف و زبون بوده و هیچ نقشی هم در آزادی تبریز نداشته و در اقدامی نمایی صرفاً برای مصادره پیروزی مردم و حماسه روحانیت به تبریز سفر کرده، فتوا به «وجوب استقبال از شاه» چه معنایی دارد؟!<sup>۱</sup>

دوم را فهرست می‌کنند و مواردی از این قبیل را بر شمرند: «تسلیم مدارس علم و دانش به مشتی کودک ساده»، «تبدیل مراکز علم قرآن به مرکز فحشا»، «تسلیم موقوفات مدارس و محافل دینی به مشتی هرزه‌گرد بی‌شرف»، «برداشتن چادر عفت از سر زن‌های مسلمان»، «تبدیل روزنامه‌ها به کالای پخش فساد اخلاق»، «تعقیب نقشه‌های تراوش شده از مغز خشک رضاخان بی‌شرف توسط روزنامه‌ها»، «سخنرانی برخی از وکلای قاجاق در پارلمان بر

علیه دین و روحانیت»، «ناسزاگویی یک نفر تبریزی بی‌سر و پا به تمام آیین تشیع و جسارت وی به امام صادق و امام غائب علیهم‌السلام در مرکز تشیع».

خوب است امثال آقای اباذری پیش از پر کردن کانال‌های مجازی شخصی‌شان سری به صحیفه/امام و منابع در دسترس این چینی بزنند تا خواسته یا ناخواسته تحلیل‌های سکولاریستی را بر تاریخ پرافتخار علمای شیعه تحمیل نکنند و با توجیه‌تراشی‌های بی‌مستند امثال شریعتمداری را تطهیر نکنند و نگاه انحرافی وی را به تمام علمای شیعه تسری ندهند و بر گندزدایی از چهره سیاه محمدرضا شاه نکوشند که فقط عرض خود می‌برند و زحمت ما می‌دارند!

۹. امام خمینی در همان دهه بیست کتاب کشف/سرار را نوشتند و در آن علاوه بر ذکر صریح خیانت‌های رضاخان، رد پای حکومتی که در سال ۵۷ شکل گرفت را می‌توان دید. امام در این کتاب، هر چند به دلیل فشارهای سیاسی از بیان شفاف تشکیل حکومت اسلامی امتناع می‌کنند اما مبادی آن را به خوبی تبیین می‌نمایند؛ به گونه‌ای که مطالب این کتاب نشان می‌دهد حضرت امام به خوبی با نوع حکومت‌های مدرن آشناست و به اصل تفکیک قوا توجه دارد و آنچه برای ایشان در تشکیل چنین حکومتی اهمیت دارد، اجرای قوانین الهی است. ایشان در این کتاب نشان دادند که تعریف مشخصی از حکومت دارند؛ حکومتی که باید انتخابی باشد و به دست مجتهدین دین‌دار سپرده شود. هر چند تصریح می‌کنند که برای جلوگیری از هرج و مرج و مادامی که حکومت بهتری تشکیل نشده، مجبور به حفظ نظام موجود هستند اما در عین حال تصریح دارند که نظام سلطنتی هیچ‌گونه مشروعیتی ندارد و مصداق حکومت طاغوت است.<sup>۱</sup> بنابراین از نگاه امام تعامل روحانیت با رژیم طاغوت تعاملی

۱. سهراب مقدمی شهیدانی، نقدی بر مدخل امام خمینی در دایره‌المعارف تشیع، تهران، بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۹۸، ص ۲۱۶-۲۱۴.

مثبت نیست بلکه تعاملی از سر اضطرار و دارای مهلت مشخص و با برنامه‌ریزی معین برای هدم این رژیم طاغوتی است.

۱۰. عبدالرحیم ابادری در بخش‌های مختلف دو یادداشت خود، بر این نکته تأکید می‌کند که علمای شیعه شاه را در برابر کمونیسم تقویت می‌کردند و این را به عنوان وجهی برای تعامل مثبت روحانیت با شاه ذکر می‌کند اما طبیعی است که علمای طراز اول، که ید طولایی در مبارزات سیاسی و اجتماعی داشتند و از پیچیدگی‌های سیاسی آگاه بودند، به خوبی از ماهیت ضد دینی دستگاه پهلوی مطلع بودند و می‌دانستند که بر خوردهای سطحی، مقطعی و زود گذر رژیم با جریان چپ، به دلیل سیاسی بودن و عدم ابتدائی آن بر ریشه‌های فکری و دینی، دوامی نمی‌یابد و تقویت و اتکا به چنین نیروی متزلزل و بی‌مسئولیتی نه تنها نتیجه‌بخش نخواهد بود بلکه به ضرر دین تمام خواهد شد. در این زمینه قرائن مختلفی پیش چشم علمای بصیر و سیاست‌فهم قرار داشت؛ قرائنی که حاکی از سازش‌های پیدا و پنهان رژیم با کمونیست‌ها بود و بی‌صداقی رژیم پهلوی در شعار مبارزه علیه کمونیسم را پیش چشم علمای اعلام قرار می‌داد. بخشی از این قرائن عبارت است از:

۱. آزادی کمونیست‌های قدیمی ایران با سقوط رژیم رضاشاه<sup>۱</sup>

۲. تشکیل جلسه هیأت مؤسسان حزب توده در ۱۵ مهر ۱۳۲۰ (مدت کوتاهی پس از آغاز سلطنت محمدرضا پهلوی) و انتخاب پانزده نفر از اعضای کمیته مرکزی موقت و کمیسیون تفتیش و تصویب رئوس اولین برنامه حزب توده<sup>۲</sup>

۳. حضور اعضای حزب توده در انتخابات مجلس چهاردهم (۱۳۲۳-۱۳۲۲) و تشکیل فراکسیون توده<sup>۳</sup>

۴. انتشار آزاد روزنامه رهبر (وابسته به حزب توده) با تیراژ ۱۵۰۰ نسخه در تهران و ۲۰۰۰ نسخه در شهرستان‌ها در سال ۱۳۲۳ ه.ش.<sup>۴</sup> و بنابر برخی گزارش‌ها تیراژ روزنامه رهبر در پنجمین سالگرد انتشار آن به ۱۲۰,۰۰۰ رسید.<sup>۵</sup>

۵. حمایت رهبری حزب توده از نخست‌وزیر رژیم پهلوی؛ قوام السلطنه. جالب توجه آن که به گفته ایرج اسکندری، قوام فقط با یک رأی، اکثریت را برای نخست‌وزیری به دست

۱. جمعی از پژوهشگران، حزب توده/از شکل‌گیری تا فروپاشی ۱۳۶۸-۱۳۲۰، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۹۰، ص ۹۱.

۲. همان.

۳. همان، ص ۱۰۵.

۴. همان، ص ۱۰۷.

۵. یرواند آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل‌محمدی و محمدابراهیم فتاحی، تهران، نی، ۱۳۹۲، ص ۱۷۰.



آورد و آن یک رأی هم از آن «رضارادمنش» نماینده توده‌ای مجلس بود و با همان یک رأی، با ۵۱ رأی در مقابل ۵۰ رأی به نخست‌وزیری رسید.<sup>۱</sup>

۶. عضویت سه عضو رهبری حزب توده در کابینه قوام<sup>۲</sup> که اگر چه برای مدت کوتاه و شاید به دلایل تاکتیکی صورت گرفته بود اما حاکی از آن بود که مبارزه رژیم پهلوی با کمونیسم شعاری توخالی بیش نیست.

۷. تسامحات رژیم پهلوی با سران حزب توده پس از ترور شاه و غیرقانونی شدن حزب توده نیز یکی از قرائن زرگری بودن دعوای میان رژیم پهلوی و حزب توده بود. توضیح مختصر آن که در بهمن ۱۳۲۷ در پی ترور نافر جام محمد رضا شاه، برخی افراد عالی‌رتبه حزب توده دادگاهی شدند اما جریان دادگاه به صورتی در آمد که حزب توده از آن کاملاً سود بردند و در نهایت عده‌ای از محکومین به تدریج مشمول عفو گردیده و آزاد شدند.<sup>۳</sup> البته مراد از زرگری بودن این دعوا، بی‌مبنا و بی‌ریشه بودن این قبیل زد و خوردهاست و الا رژیم وابسته پهلوی چشم به دهان ارباب بیگانه دوخته بود و در زمان معین برخی بر خوردهای سخت را با جریان چپ اعمال کرد؛ هر چند در ادامه به بهره‌برداری از عناصر و تفکر چپ برای تضعیف جریان اسلامی پرداخت.<sup>۴</sup>

در هر صورت معلوم نیست عبدالرحیم اباذری علمای طراز اول شیعه را در چه سطح از سیاست فهمی دیده که با وجود چنین قرائن آشکاری ادعا می‌کند مراجع عظام تقلید برای مبارزه با کمونیسم و جریان چپ در ایران به پهلوی دوم امید بسته بودند و حتی آن را تقویت نیز می‌کردند! آیا از نگاه جناب اباذری شخصیت‌هایی با سوابق سیاسی همچون آیت‌الله العظمی بروجردی، آنقدر دور از وادی مسائل روز بودند که این مسائل را نمی‌دید یا آن که می‌دیدند اما نعوذ بالله آنقدر ساده‌لوح بودند که به روابط رژیم پهلوی با جریان چپ پی نمی‌بردند؟! آیا مرحوم آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و در ادامه آیت‌الله العظمی بروجردی و سایر علمای اعلام شیعه از آزاد شدن بخشی از کمونیست‌های قدیمی در عصر پهلوی دوم خبر نداشتند؟! یا از تشکیل حزب توده، بدون ممانعت رژیم پهلوی، در سال ابتدایی دهه بیست بی‌خبر بودند؟! آیا از حضور برخی توده‌ای‌ها در مجلس فرمایشی رژیم

۱. ایرج اسکندری، *خاطرات ایرج اسکندری*، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۷۲، ص ۱۹۷.

۲. محسن مدیرشانه‌چی، *پنجاه سال فراز و فرود حزب توده/ ایران*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸، ص ۴۱.

۳. جمعی از پژوهشگران، *حزب توده از شکل‌گیری تا فروپاشی ۱۳۶۸-۱۳۲۰*، همان، ص ۱۲۸-۱۲۶.

۴. مجید صادقی نیارکی و دیگران، «نسبت اقدامات فرهنگی- اجتماعی فرح پهلوی در تعمیق پیوست‌های فرهنگی سلسله پهلوی»، *فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهش‌های سیاسی جهان/ اسلام*، ش ۳، پاییز ۱۳۹۹، ص ۲۶۲-۲۶۱.



پهلوی آگاهی نداشته و انتشار آزاد روزنامه آنان را نمی‌دیدند؟! آیا حضور سران توده‌ای در یکی از کابینه‌های پهلوی دوم را ندیده بودند؟! البته ممکن است آیات عظام بنا به وظیفه امر به معروف و نهی از منکر تذکراتی نسبت به نفوذ کمونیسم و لزوم مقابله با آن داده باشند، که در صورت وجود چنین تذکراتی بررسی دلالتی و سندی مورد به مورد ضروری است، اما این ادعا که روحانیت شیعه به منظور تقابل با کمونیسم به تعامل مثبت با رژیم پهلوی رو آورد ادعایی بی‌مستند است که قرائن مختلفی بر خلاف آن اقامه شد.

۸. سخن به مقطع ترور نافر جام محمد رضا پهلوی در سال ۱۳۲۷ هـ.ش رسید و در این زمینه، ذکر نکته تحریف آمیز دیگری از عبدالرحیم اباضری و نقد آن ضروری می‌نماید. توضیح آن که اباضری تلگراف آیت‌الله بروجرودی در ماجرای به اصطلاح سوء قصد به شاه در تاریخ ۱۷ بهمن ۱۳۲۷ را یکی از قرائن تعامل مثبت روحانیت با پهلوی دوم عنوان کرد. حال آن که تلگراف مرحوم آیت‌الله بروجرودی نه از سر نگرانی نسبت به جان شاه جوان بود و نه به دلیل رابطه مثبت آن مرجع عالیقدر و منزله شیعه با شخص فاسقی همچون محمد رضا پهلوی. توضیح مختصر آن که با طراحی پیچیده صورت گرفته، هیچ بعید نبود که عواقب و تبعات ترور ناموفق شاه در دهه بیست به گردن روحانیت و جریان متدین بیفتد. چنان که ساعد، نخست‌وزیر وقت، در خاطرات خود می‌نویسد:

۱۵ بهمن ۱۳۲۷ در محوطه دانشگاه به جان اعلیحضرت سوء قصد شد. من نخست‌وزیر و در آن روز به علت ذات‌الریه در خانه بستری بودم. حتی خبر سوء قصد را در آغاز به من ندادند و چند ساعت بعد از آن من از جریان واقعه آگاه شدم. همان شب مرحوم رزم آرا به خانه من آمد و گفت: «سوء قصد کننده از عمال آیت‌الله کاشانی بوده است و یکی از طرفداران آیت‌الله کاشانی به او به عنوان مخبر عکاس کارت داده بود و ضارب با کارت خبرنگاری روزنامه پرچم/سلام وارد دانشگاه شده و به کار خائنانه خود اقدام کرده است. در نتیجه کاشانی برای ما مشکوک شده او را گرفته‌ایم و می‌خواهیم محاکمه کنیم.<sup>۱</sup>

این خاطره از آن حیث اهمیت دارد که نشان می‌دهد عناصر رژیم پهلوی از همان ابتدا در صدد بودند که تبعات این ماجرا را متوجه روحانیت شیعه کنند. جالب توجه آن که کارت خبرنگاری روزنامه پرچم/سلام برای ناصر فخر آرای به توصیه رکن دوم ستاد ارتش صادر شده و صبح همان روز، ۱۵ بهمن از طرف فقیهی شیرازی به او داده شده است. این کارت

۱. انور خامه‌ای، *خاطرات سیاسی (پنجاه و سه نفر، فرصت بزرگ از دست رفته از انشعاب تا کودتا)*، تهران، گفتار/علم، ۱۳۷۲، ص ۷۱۹.

را طبق گزارشی که در پرونده «سوء قصد» وجود دارد سرباز وظیفه‌ای به نام رضا زاهدی که ماشین‌نویس رکن ۲ بوده، شب قبل در مطب دکتر فقیهی ماشین کرده بوده است. این همه اصرار به این که کارت پرچم/سلام برای ضارب صادر شود در حالی که قبلاً کارت خبرنگاری دیگری از روزنامه فریاد ملت داشته است نشان می‌دهد که به احتمال قوی طراحان این برنامه در آغاز قصد داشته‌اند این ترور را به جمعیت‌ها و شخصیت‌های اسلامی به ویژه آیت‌الله کاشانی نسبت دهند.<sup>۱</sup> با این وصف، به احتمال قوی اقدام مرحوم آیت‌الله بروجردی، اقدامی در راستای خنثی‌سازی این توطئه و پیشگیری از هزینه‌های جانی و مالی سنگین و بی‌وجه بر بدنه روحانیت و متدینین بوده است و نه اقدامی از سرنگرانی برای حال فاسقی چون محمدرضا پهلوی و با وجود این احتمال قابل توجه، وجهی برای پذیرش برداشت‌های عبدالرحیم اباذری باقی نمی‌ماند.

با توجه به نکات پیش گفته روشن می‌شود که تلاش‌های فرد نامبرده برای تطهیر شریعتمداری و تحمیل خواسته یا ناخواسته دیدگاه‌های سازشکارانه و شبه‌سکولاریستی بر تاریخ روحانیت شیعه بی‌وجه، بی‌مستند و غیر معقول است.

### کتمان مبارزات مرحوم آیت‌الله کاشانی در دهه بیست و سی

مرحوم آیت‌الله کاشانی نمونه بارزی از روحانیت مبارز شیعه بوده و است؛ مبارزاتی که از جوانی شروع شد و ادامه یافت. طبیعتاً بررسی تفصیلی اقدامات سلبی مرحوم آیت‌الله کاشانی در دهه بیست و سی علیه اقدامات ضد دینی و ضد ملی پهلوی مجال خاص خود را می‌طلبد و در این مقال به ذکر فهرست‌وار برخی از این اقدامات اکتفا خواهیم کرد:

- مبارزه علیه دولت احمد قوام السلطنه و تبعید به بهجت‌آباد قزوین در سال ۱۳۲۴ ه.ش
- صدور اعلامیه‌ای شدیدالحن علیه دولت انگلیس و دولت دست‌نشانده او در بهمن ۱۳۲۷ ه.ش

- مبارزات دامنه‌دار برای ملی شدن صنعت نفت
  - حمایت از مسئله فلسطین
  - صدور اعلامیه علیه قرارداد نفت ایران با کنسرسیون و قرارداد موسوم به «امینی-پیچ»
- در سال ۱۳۳۳ ه.ش

گفتنی است موارد ذکر شده از کتاب موسوم به *دانشنامه امام خمینی آمد که اباذری*

۱. همان، ص ۷۲۰؛ همچنین رک: احسان طبری، *کژراهه؛ خاطراتی از حزب توده*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۷، ص ۸۵.



مبارزات آیت الله کاشانی، صرفاً مبارزات یک شخص نبود بلکه طیفی از حمایت‌های حوزوی و مردمی را به عنوان پشتوانه داشت و بزرگانی همچون آیت الله العظمی بروجردی، گرچه به صورت مستقیم و صریح به حمایت از برخی مواضع سیاسی ایشان نپرداختند اما در مواقع لزوم پشتیبانی جدی و مؤثر خویش را از آن عالم مجاهد ابراز می‌داشتند

نیز یکی از همکاران تنظیم آن مجموعه بوده است.<sup>۱</sup> نکته مهم آن که مرحوم آیت الله کاشانی در برهه‌های مختلفی از زندگی حاد سیاسی‌اش، از جانب روحانیون و مردم مورد حمایت قرار می‌گرفت که در این زمینه به: «استقبال انبوه مردم از ایشان در پی آزادی از زندان انگلیسی‌ها در ۳۱ شهریور ۱۳۲۴»، «آزادی از زندان بهجت آباد قزوین در پی اعتراض علما مردم در ۲۱ خرداد ۱۳۲۶ ه.ش»، «تجلیل مردمی از ایشان

در پی آزادی از تبعید در سال ۱۳۲۹»، «حمایت مردم و علما از ملی شدن صنعت نفت» می‌توان اشاره کرد.<sup>۲</sup> علاوه بر موارد ذکر شده، در سال ۱۳۳۴ محمدرضا پهلوی برای این که در پیوستن به پیمان سنتو مشکلی از جانب آیت الله کاشانی نداشته باشد، ترتیبی داد تا وی را به بهانه شرکت در ترور رزم آرا بازداشت و روانه زندان کنند؛ ولی به دلیل اعتراض روحانیان به ویژه آیت الله العظمی بروجردی ناگزیر به آزاد کردن وی شد. از دیگر اقدامات آیت الله العظمی بروجردی مخالفت شدید با تصمیم به اعدام آیت الله کاشانی بود که پس از شکست مصدق، قرار بود رژیم پهلوی آن را اجرا کند.<sup>۳</sup> بنابراین مبارزات آیت الله کاشانی، صرفاً مبارزات یک شخص نبود بلکه طیفی از حمایت‌های حوزوی و مردمی را به عنوان پشتوانه داشت و بزرگانی همچون آیت الله العظمی بروجردی، گرچه به صورت مستقیم و صریح به حمایت از برخی مواضع سیاسی ایشان نپرداختند اما در مواقع لزوم پشتیبانی جدی و مؤثر خویش را از آن عالم مجاهد ابراز می‌داشتند.

### کتمان فعالیت‌های مذهبی - سیاسی روحانیت در دهه بیست و سی

در این بخش به صورت مختصر به فعالیت‌های مذهبی - سیاسی روحانیت در تقابل با نقشه‌های ضد دینی و ضد ملی پهلوی دوم و بیگانگان در ایران می‌پردازیم:

۱. شیخ محمد خالصی زاده پس از فرار رضاخان، به مقابله با برخی طرح‌های انگلیسی در ایران پرداخت و به همین خاطر به کاشان تبعید شد و در ادامه به مبارزات فرهنگی در قالب انتشار نشریه رو آورد. او در سال ۱۳۲۴ ه.ش تلاش کرد «جمعیت مجتبعین مسجد سلطانی»

۱. رک: سید ضیاء مرتضوی (به کوشش)، همان، ج ۸، ص ۳۶۱-۳۵۹.

۲. همان.

۳. همان، ص ۳۶۱.



را که پیش از روی کار آمدن رضاخان تشکیل داده بود، احیا کند. وی در نهایت در سال ۱۳۲۷هـ ش به یزد تبعید شد و قریب دو سالی که در آنجا بود به فعالیت‌های مذهبی-سیاسی خود ادامه داد.<sup>۱</sup>

۲. یکی دیگر از مصادیق فعالیت‌های مذهبی-سیاسی روحانیت در تقابل با اقدامات رژیم، فعالیت‌های جمعیت فدائیان اسلام که از دهه بیست آغاز شد و در دهه سی خاتمه یافت. هر چند فعالیت‌های فدائیان اسلام مورد تأیید مرحوم آیت‌الله بروجردی و مرحوم امام خمینی نبود اما در هر صورت بخشی از بدنه روحانیت به این جمعیت گرایش داشتند و به طور ویژه برخی مراجع عظام تقلید مانند آیات سید محمدتقی خوانساری و صدر از جمله حامیان این تشکیلات سیاسی-مذهبی مبارز بودند.

گفتنی است فدائیان اسلام پس از ترور رزم آرا چنان قدرتی داشتند که در آغاز اطلاعیه خود رسماً به شاه حمله کرده، چنین نوشتند: پسر پهلوی و کارگردانان جنایتکار حکومت غاصب بدانند که چنانچه تا سه روز دیگر برادر رشید ما خلیل طهماسبی یا عبدالله رستگار (نام مستعار خلیل طهماسبی) را با کمال احترام آزاد نکنند، آن به آن خود را به سراشیب جهنم نزدیک کرده‌اند.<sup>۲</sup> این نوع نگاه مؤید آن است که روحانیت شیعه، محمدرضا پهلوی را همان «پسر پهلوی» می‌دانست و فرقی میان رضا و محمدرضا نمی‌دید؛ هر چند در خصوص روش‌های مقابله با دستگاه پهلوی دوم اختلاف وجود داشت اما همان‌طور که اشاره شد شخصیت‌هایی همچون امام و آیت‌الله‌العظمی بروجردی روش فدائیان را تأیید نمی‌کردند.

۳. مقابله با تشییع جنازه رضاخان یکی از آشکارترین مقابله‌های جریان روحانیت با نماد و مؤسس رژیم پهلوی در دهه بیست بود. رضاخان در ۴ مرداد ۱۳۲۳هـ ش در ژوهانسبورگ سکنه کرد و مرد. بعد از استقرار نسبی پهلوی دوم، محمدرضا احساس کرد زمینه برای انتقال جنازه فراهم شده لذا گرچه یک بار با آن مخالفت صورت گرفت اما ابتدا در سال ۱۳۲۸هـ ش برای رضاخان عنوان «کبیر» را در مجلس تصویب کردند و سرانجام جنازه او در ۵ اردیبهشت ۱۳۲۹هـ ش وارد اهواز شد؛ روز شنبه ۱۶ اردیبهشت جنازه رضاخان به قم آورده شد و سرانجام صبح ۱۷ اردیبهشت به تهران رسید و در شهرری دفن شد. ورود جنازه رضاخان به ایران با عدم اقبال مردم همراه بود و خصوصاً در قم، با برخورد سلبی و تحریم یکپارچه طبقات مختلف روحانیت مواجه گردید؛ به طوری که هیچ کدام از مراجع تقلید

۱. رسول جعفریان، همان، ص ۱۷۴-۱۷۳.

۲. همان، ص ۲۵۱-۲۳۹.

۳. فدائیان اسلام در اعلامیه‌ای شاه و دولت را چنین مورد خطاب قرار داده‌اند: «ای غاصبین مملکت، ای شاه، ای دولت...»



طراز اول قم، آیات بروجردی، حجت، صدر و خوانساری حاضر به حضور در مراسم تشییع و اقامه نماز میت نشدند. مضاف بر آن، بنا به دستور آیت‌الله بروجردی حوزه علمیه قم دو روز تعطیل شد و به توصیه خصوصی ایشان اهل علم از حضور در مسیر عبور جنازه منع شدند. گذشته از عدم حضور در تشییع جنازه، با فعالیت گسترده اعضای فدائیان اسلام و واکنش منفی یکپارچه عموم حوزویان، طلاب از شرکت در مجالس ختم رضاخان امتناع ورزیدند. برخلاف میل و تلاش درباریان، هیچ یک از این مراسم‌ها در محدوده حرم و فیضیه برگزار نگردید و هیچ یک از وعاظ مشهور قم حاضر به سخن گفتن در مجلس ختم رضاخان در قم نشدند و در نهایت سید علی‌اکبر خوئی، طلبه‌ای نامتعال و بی‌سواد، به عنوان سخنگو دعوت شد که سخنرانی وی نیز توسط شیخ عبدالله مبلغی آبادانی و دوستانش بر هم خورد.<sup>۱</sup> همان‌طور که پیش از این اشاره شد، بی‌اعتنایی و ابراز بغض نسبت به رضاخان یک امر شخصی نبود. رژیم پهلوی با اعطای لقب «کبیر» به رضاخان نشان داد که ادامه‌دهنده راه اوست و معنای مقابله روحانیت با تشییع جنازه رضاخان، به عنوان مؤسس و شاه پیشین پهلوی، واضح‌تر از آن است که نیاز به توضیح داشته باشد؛ کما این که برخی مؤلفین معاصر تشییع جنازه رضاخان را موجب برانگیختن دشمنی بیشتر با دودمان پهلوی دانسته‌اند.<sup>۲</sup>

جمع‌بندی سخن آن که روحانیت شیعه در دهه بیست و سی تقابل‌های آشکاری با اقدامات ضد دینی و ضد ملی رژیم شاه داشت و ادعای برقراری رابطه مثبت با طرح منطق انحرافی «شاه شیعه» و ادعای مضحک تقابل شاه با کمونیسم یا اعطای برخی آزادی‌های سطحی و مقطعی توان کتمان آن تقابل‌های تاریخی را ندارد.

۱. سهراب مقدمی شهیدانی، «مخالفت یکپارچه روحانیون نسبت به انتقال جنازه رضاخان به قم»، پانزده خرداد، دوره سوم، س ۱۸، بهار و تابستان ۱۴۰۰، ش ۶۸-۶۷، ص ۲۲۷-۲۲۵.

۲. رسول جعفریان، همان، ص ۲۴۷-۲۴۶.





# انقلاب اسلامی و مسئله فلسطین





## گستره «ارض موهوم»

### دکترین فعالیت‌های رژیم صهیونیستی در مرزهای ایران<sup>۱</sup>

#### دکتر مظفر نامدار

حضور فعال صهیونیست‌ها در کردستان عراق و ساماندهی و تجهیز بعضی از گروه‌های تجزیه طلب و محارب مثل حزب دموکرات، حزب کومله، حزب پژاک، منافقین (سازمان مجاهدین خلق)، داعشیان، سلطنت‌طلبان و سایر احزاب ضدایرانی برای اقدامات تروریستی و آشوبگری و اغتشاش در ایران در حاشیه‌های امنیتی جمهوری اسلامی ایران چندان شگفت‌آور نیست؛ اما ساده‌لوحانه خواهد بود اگر تناوب و گستره آن را به صورت عمیق و دقیق دیده‌بانی نکنیم. تجزیه و تحلیل کارکردهای این حضور هم از جنبه تاریخی، هم از جنبه اعتقادی و هم از جنبه امنیتی و سیاسی به مراتب از آنچه بدو تصور می‌شود، دشوارتر است. کارکنان مؤسسات، بنیادها و شرکت‌های صهیونیستی در منطقه کردنشین عراق، هم سلاح به دست در توسعه طلبی صهیونیسم قدم به کارزار می‌نهند و هم فعالانه از دوره‌های

۱. این مقاله در سال ۱۳۹۳ با عنوان مقدمه ناشر در اثر زیر منتشر شده بود و اکنون با توجه به وقایعی که با هدایت امریکا و حمایت مالی و رسانه‌ای رژیم صهیونیستی و رژیم آل یهود عربستان در ایران سازماندهی می‌شود، با اصلاحاتی مجدداً منتشر می‌گردد. برای اطلاعات بیشتر رک: علیرضا خسروی، نفوذ/اسرائیل در عراق و تأثیرات آن بر امنیت ملی ایران، تهران، بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۹۳.

آموزش تروریستی سازمان سیا، موساد و اینتلجنت سرویس برای ترور مخالفان خود بهره می‌گیرند. این شرکت‌ها و مؤسسات در حمایت از اهداف توسعه طلبانه رژیم صهیونیستی و جنگ افروزی علیه نظام‌های محور مقاومت، به عنوان ستون عقیدتی نظام جعلی اسرائیل در جهان عمل می‌کنند و در عملیات خود از همه روش‌های ترکیبی برای نفوذ و مقابله با جمهوری اسلامی بهره می‌گیرند.

این ستون عقیدتی تا هر جایی در کره زمین که بوی نفت، ثروت، سرمایه و قدرت از آن به مشام می‌رسد سیطره نفوذ خود را گسترش می‌دهد و آن مکان را یکی از مکان‌های مهاجرت آن ده قبیله گمشده بنی اسرائیل معرفی کرده و بساط خیمه عقاید جعلی خود را علم می‌کند تا گستره «ارض موهوم»! که صهیونیسم آن را «ارض موعود» می‌نامد، تمام پهنه مرغوب و سرمایه خیز زمین باشد و لاجرم امنیت بنی اسرائیل به امنیت تمام جهان پیوند خورده و کسی جرأت نکند مشروعیت این امنیت را مورد تردید قرار دهد. تمام قاره‌های جهان به نوعی اثرات شرارت‌های این ستون عقیدتی و دکترین‌های فتنه‌انگیز و فساد آن را در طول تاریخ تجربه کرده است.

شاید تاکنون کسی به این پرسش توجه جدی نکرده است که چرا دولت‌های مدرن و مبشر مدرنیته، یعنی امریکا، انگلیس، فرانسه، آلمان و... که مدعی هستند تمام دستاوردهای مدرنیته، یعنی دموکراسی، آزادی، حقوق بشر، قانون، لیبرالیسم، سوسیالیسم و... در انحصار و محصول فرهنگ غربی است، حاضرند این دستاوردها را قربانی حمایت از یک رژیم حقیر، جنایتکار و کودک کشی چون اسرائیل نمایند.

از جهت دیگر ممکن است کسی تاکنون به این پرسش بنیادی توجه جدی نکرده باشد که چرا ملت ایران حاضر است تمام دستاوردهای تاریخی خود را که در رأس آن انقلاب کبیر اسلامی و نظام جمهوری اسلامی قرار دارد، برای نابودی رژیم جعلی اسرائیل هزینه نماید و همه سختی‌ها، مرارت‌ها و تحریم‌ها را به جان بخرد ولی این رژیم را به رسمیت نشناسد؟! ملت ایران کاملاً آگاه است که اگر گوشه چشمی به اسرائیل نشان دهد، نه در حد یک لبخند ساده و معمولی، بلکه حتی در حد سکوت! گشایش‌های قابل توجهی در حوزه اقتصادی و سیاسی برای ایشان به ظاهر اتفاق خواهد افتاد ولی به دولت مردان خود اجازه چنین کاری را نمی‌دهد!

این مسئله هم در اروپا و هم در ایران و آسیا و آفریقا ریشه تاریخی دارد و برای ملت‌های ساکن در این سه قاره یادآور فساد اخلاقی، فتنه‌انگیزی، خیانت، آشوب‌گری، بی‌رحمی، وحشی‌گری، انسان‌کشی، دروغ‌گویی، تهمت‌زنی، تحریف عقاید، فریب‌کاری،



یکی از دلایلی که باعث شد هر از چند گاهی یهودیان از سرزمین‌های اروپایی رانده شوند این است که مردم اروپا نیز مانند مردم آسیا و آفریقا خاطره خوشی از این قوم در سر ندارند. به عنوان مثال ادوارد اول (۱۳۰۸-۱۲۳۰م) دستور داد تمام یهودیان به خاطر فساد و فتنه خاک انگلیس را ترک کنند

ثروت پرستی و مال دوستی، پیمان شکنی، بی‌ثباتی، رباخواری و از همه بدتر جنگ‌افروزی و ویرانی است. این روحیات ضداجتماعی و ضداخلاقی را محققان اروپایی ناشی از دو ویژگی در میان این فرقه می‌دانند: یکی این که مسیحیان اروپا به صلیب کشیده شدن حضرت عیسی را از گناهان غیر قابل بخشش این قوم می‌دانند و دیگر این که یهودیان همیشه و در همه جا به استناد آموزه‌های

خاخام‌های یهودی، خود را قوم برگزیده و برتر و دیگر ملت‌ها را پست و ناچیز شمرده و همین آموزه‌ها باعث شده که در هر جا که بوده‌اند آنجا را به فساد، تفرقه، آشوب، جنگ‌افروزی و ویرانی بکشانند.

آنچه گفته شد ناشی از تعصبات یهودستیزی نیست بلکه مبتنی بر آموزه‌هایی است که در کتاب *تورات* و حواشی آن، قوم یهود نگاشته است. مثلاً درباره ما ایرانیان در کتاب استر که بخشی از ملحقات عهد عتیق است، آمده که به توهم قدرت‌طلبی و جاه‌طلبی دو یهودی به نام مردخای و استر، نزدیک به هشتاد هزار ایرانی ظرف مدت دو-سه روز در سراسر ایران به دست یهودیان قتل عام می‌شوند. این ایام که در آن دوران مترادف با ایام نوروز بود آنقدر برای مردم ایران ایام نحسی بود که مردم برای حفظ جان خود مجبور به فرار به کوه و دشت می‌شوند. نحسی روز سیزده فروردین و رفتن به کوه و دشت که بعدها مخصوصاً در دوران پهلوی، تاریخ‌نگاران یهودی آن را به افسانه‌های نوروز باستانی ایران پیوند زدند ناشی از این جنایات تاریخی بود که یهودیان در ملحقات *تورات* خود از آن به نام جشن پوریم یاد می‌کنند.

تمام این جنایات که با افتخار در *تورات* آورده شده فقط به خاطر این بوده است که مردخای عموی استر، همسر خشایارشا، قصد تسویه حساب با هامان، وزیر خشایارشا را در سر داشت. او برای از میان برداشتن هامان که قصد تأدیب سراسری یهودیان را با کسب مجوز از شاه داشت، با برادرزاده خود استر که جایگزین ملکه قبلی شده بود، موضوع را در میان گذاشت و متفقاً موفق به کسب فرمان جدیدی از شاه شدند که در روز موعود یهودیان با پیش‌دستی علیه مخالفین خود در سراسر امپراتوری به پاخیزند و حتی فرمان قتل هامان و ده فرزندش را از شاه گرفتند.





به رغم آن که مردم ایران مثل مردم کنعان (فلسطین) و مصر از مردم فقیر و آواره بنی اسرائیل با تمام وجود میهمان‌نوازی کرده بودند، سران قدرت پرست و ثروت‌دوست این قوم، عقده سیاست و ریاست بر جهان در سر داشتند و پایبند هیچ پیمانی نبودند. این اتفاق بعد از مهاجرت یهودیان به اروپا نیز دامن گیر قوم یهود از یک طرف و مردم اروپا از طرف دیگر شد. فساد و فتنه‌انگیزی این مردم در اروپا در بسیاری از منابع تاریخی آورده شده است و شاید یکی از دلایلی که باعث شد هر از چند گاهی یهودیان از سرزمین‌های اروپایی رانده شوند این است که مردم اروپا نیز مانند مردم آسیا و آفریقا خاطره خوشی از این قوم در سر ندارند. به عنوان مثال ادوارد اول (۱۳۰۸-۱۲۳۰ م) دستور داد تمام یهودیان به خاطر فساد و فتنه خاک انگلیس را ترک کنند. آنها تا ۴۰۰ سال حق ورود به خاک انگلستان را نداشتند و هر زمامداری دستور زمامدار قبلی را تأیید می‌کرد. در دوران کرامول (۱۶۵۸-۱۵۹۹ م) بود که به بعضی از آنها اجازه ورود به خاک انگلیس داده شد و در سال ۱۶۵۷ م آنها اجازه یافتند کنیسه‌ای در لندن برپا کنند. در فرانسه لویی هشتم و پدرش فیلیپ بارها یهودیان را به خاطر فساد و فتنه از خاک آن کشور اخراج کردند. در سال ۱۳۴۱ م مردم فرانسه علیه یهودیان شورش کردند و جنگ و خونریزی در فرانسه تا سال ۱۳۹۴ ادامه داشت تا حتی یک نفر یهودی نیز در خاک فرانسه باقی نماند.

همچنین در اسپانیا از دوران آراگون در سال‌های ۱۴۹۲ داستان اخراج یهودیان تکرار شد. این قوم به خاطر خصلت‌های ویژه‌ای که در فساد، فتنه‌انگیزی، خیانت، شورش و جنگ‌افروزی در میان ملت‌ها داشتند بارها از کشورهای ساکن بودند به ظاهر رانده شدند. داستان اخراج یهودیان در اغلب کشورهای اروپایی مثل روسیه، لهستان، ایتالیا، بلغارستان، سوئیس، مجارستان، رومانی، آلمان و چندین کشور دیگر در طول تاریخ تکرار شده است و کسی نیست که از حامیان صهیونیسم سؤال کند چه تعداد از این اخراج‌ها حقیقی و چه مقدار ساختگی بود تا یهود برای کسب منافع به سرزمین دیگری مهاجرت کند!

تاریخ به ما می‌گوید که سرزمین فلسطین هیچ‌گاه خاستگاه اصلی این قوم نبوده است بلکه حضرت ابراهیم (ع) پدر این قوم در دوران پیری برای در امان نگه داشتن پیروان خود از فشارهای نمرودیان از عراق امروزی به سرزمین فلسطین مهاجرت نموده است. ساکنان اصلی سرزمین فلسطین با جان و دل از یاران این پیامبر الهی میهمان‌نوازی کردند اما فرزندان سرکش حضرت یعقوب همان‌طوری که به پیامبران خود رحم نکردند به میزبانان سخاوتمند خود نیز در هیچ سرزمینی رحم نکردند. آنها به هر سرزمینی که وارد شدند نظام اجتماعی آن سرزمین را با قدرت طلبی و ثروت‌اندوزی و فساد اخلاقی به هم ریختند و آثاری جز آشوب،

کشتار، فحشا و فتنه در این سرزمین‌ها باقی نگذاشتند.

کوروش آنها را از دست اسارت بابلی‌ها رهانید و آزاد کرد و مخیر نمود که به موطن خود بازگردند ولی آنها به سمت ایران آمدند. ایرانی‌ها بدون هیچ چشم‌داشتی از آوارگان این قوم پذیرایی کردند اما پس از چندی با دروغ، فریب و نیرنگ، هوس منفعت‌طلبی در سرزمین ایران به ذهن سران این قوم افتاد. و در *تورات* نوشته‌اند که برای ایجاد وحشت در میان ایرانیان چگونه نزدیک به هشتاد هزار ایرانی را قتل‌عام کردند و این قتل‌عام غیرانسانی را مبنای جشن و پایکوبی قرار داده و تا به امروز این ایام را به نام ایام عید پوریم جشن می‌گیرند. قوم یهود چنین رفتاری را با اغلب میزبانان خود در سرزمین‌هایی که بدان مهاجرت کردند، ادامه دادند. عامل اصلی جنگ‌های صلیبی که سال‌ها خون هزاران انسان را بر زمین ریخت تحریک یهودیان بود. عامل اصلی آغاز جنگ‌های اول و دوم جهانی که در آن هزاران هزار انسان به خاک و خون غلتیدند و آبادی‌ها ویران شد، فتنه‌انگیزی یهودیان بود و این تاریخ همچنان ادامه دارد و معلوم نیست که فرزندان ناخلف و ناصالح بنی‌اسرائیل از جان بشریت چه می‌خواهند!

اکنون به راحتی می‌توان دریافت که چرا غربی‌ها آمادگی دارند تمام دستاوردهای مدرنیته، دموکراسی، آزادی و حقوق بشر و غیره را فدای نگهداری این قوم فاسد و لجوج در آسیا، اروپا و آمریکا نمایند. تجمع یهودیان در اروپا از نظر مردم این قاره همیشه با مصیبت، جنگ، خشونت و آدم‌کشی همراه بوده است؛ چنان که مهاجرت آنها به هر بخش از آسیا و آفریقا چیزی جز جنگ، خونریزی و فساد به ارمغان نداشته است.

از این رو ملت ایران حاضر نیست گوشه‌چشمی به یهودیان صهیونیست نشان دهد. یک‌بار میهمان‌نوازی ملت ایران از آوارگان این قوم به بهای قتل‌عام باستانی بی‌گناهان این مرز و بوم به دست استر و مردخای تمام شد. افسانه‌های عقیدتی یهودیان پیرامون «ارض موهوم» رابطه پنهان و آشکار با نفت، قدرت، سرمایه و ثروت دارد. هر جا که بوی اینها به مشام می‌رسد خام‌های افراطی یهودی و سردمداران صهیونیسم جهانی از *دل‌تورات* و حواشی آن برای این سرزمین‌ها، ایدئولوژی یهودی‌ستیزی و بازگشت به «ارض موهوم» می‌تراشند. اگر اروپاییان از تجمع سیاسی و اقتصادی زرسالاران این قوم در سرزمین‌های خود به یاد تاریخ خونبار جنگ‌های صلیبی، جنگ‌های سی‌ساله مذهبی، جنگ جهانی اول و دوم، قتل‌عام سال ۱۱۷ میلادی اروپا به دست یهودیان شهر سین، قتل‌عام مردم مصر و قبرس به دست آرتیمون، قتل‌عام مردم سافیل در اسپانیا و زنده به گور کردن ۱۳۸ هزار مسیحی





اکنون به راحتی می‌توان حدس زد که چرا ملت ایران صرف‌نظر از اهمیت دینی قدس و فلسطین، به رسمیت شناختن دولت جعلی اسرائیل را در همسایگی‌های خود مغایر با منافع حفظ بقا، منافع حیاتی و منافع مهم ملی خود می‌داند

در این شهر و جنایات و فتنه‌هایی شبیه به این می‌افتند<sup>۱</sup> و حاضرند تمام دستاوردهای مدرنیته را فدای نگهداری این قوم نژادپرست نمایند، نفس کشیدن این رژیم جعلی نیز ملت ایران را به یاد قتل‌عام نزدیک به ۸۰ هزار ایرانی به دست یهودیان در دوران هخامنشی و دروغ‌پردازی‌های تاریخی این قوم در تحریف تاریخ ایران و از همه بدتر افسانه مهاجرت ده قبیله به ظاهر گمشده بنی‌اسرائیل در فلات ژئوپلیتیک و قلمروی ژئوکالچری ایران می‌اندازد.

این افسانه بی‌تردید گسترده ادعاهای «ارض موهوم» را از «وادی صهیون» تا «جولانگاه استر»<sup>۲</sup> یعنی فلات مرکزی ایران تا دامنه‌های شرق دور می‌کشاند. زرسالاران یهودی با تمام توان به دنبال ساختن تاریخی جعلی برای مهاجرت تاریخی ده قبیله گمشده بنی‌اسرائیل به این سرزمین هستند. فرزندان زراندوز و فاسد استر هیچ‌گاه این تمایلات تجاوزطلبانه به سرزمین ایران را با توجه به منابع سرشار نفت در این جولانگاه، از نوشته‌های خود پنهان نکرده‌اند. بی‌تردید یکی از دلایل فعالیت تمام‌عیار صهیونیست‌ها در دشت قزوین در دوره رژیم منحوس پهلوی همین افسانه‌ها بود.

حبیب لوی یکی از تاریخ‌سازان صهیونیست در کتاب *تاریخ جامع یهودیان ایران* می‌نویسد: این عقیده که مظلوم آشور سبب شد که قبایل ده‌گانه بنی‌اسرائیل به کلی از میان برود قابل قبول نیست. آنچه موجب شده که چنین فکری تقویت شود سکوت پژوهشگران تاریخ در مورد بستگی ایران گذشته و ده قبیله اسرائیل است.<sup>۳</sup>

حبیب لوی برای این که توجیهات تاریخی برای بسط دامنه «ارض موهوم» تا ایران و از آنجا به غرب و شرق عالم درست کند، می‌نویسد:

جا به جا کردن اسیران یهودی کشور اسرائیل قدیم به وسیله شاهان آشور مسلم است و به گواهی کتاب مقدس این که شماری از آنان را به شهرهای ماد گسیل داشتند مسلم‌تر. و این همانست که در این مختصر

۱. محمد حسن وزیری، *اسرائیل فاشیسم جدید*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۹، ص ۵۶-۴۶.

۲. ملت ایران می‌داند که جولانگاه استر در تاریخ یهود تا بخش‌های مرکزی ایران یعنی محل دفن استر و دشت قزوین کشیده می‌شود.

۳. حبیب لوی، *تاریخ جامع یهودیان ایران*، لس آنجلس، بنیاد فرهنگی حبیب لوی، ۱۳۷۶، ص ۳۸.



بازگویی آن دنبال می‌شود تا روشن گردد که پیش از اسیران یهودی بابل، اسیران یهودی آشور به ایران آمده‌اند و اینان‌اند که نخستین مهاجران به این سرزمین بوده‌اند.<sup>۱</sup>

اکنون به راحتی می‌توان حدس زد که چرا ملت ایران صرف‌نظر از اهمیت دینی قدس و فلسطین، به رسمیت شناختن دولت جعلی اسرائیل را در همسایگی‌های خود مغایر با منافع حفظ بقا، منافع حیاتی و منافع مهم ملی خود می‌داند. یهودیان در طول تاریخ، مبدأ مهاجرت دسته‌جمعی به سرزمین‌های دیگر را مبنای محاسبه «ارض موهوم» و در نتیجه سرزمین مادری خود دانسته‌اند و به همین بهانه تمایلات تجاوز طلبانه به سرزمین‌های مرغوب و سرشار از منابع و ذخایر انرژی و معدنی را با افسانه مهاجرت ده قبیله گمشده بنی اسرائیل توجیه کرده‌اند. این ده قبیله، هر لحظه و هر آن می‌توانند در هر مکانی که بوی سرمایه، ثروت و قدرت به مشام برسد دامنه مهاجرت خود را بسط داده و مبنای توهم ایدئولوژیک «ارض موعود» قرار دهند تا فضا برای توجیهات تجاوز طلبانه صهیونیست‌ها به سرزمین ملت‌های دیگر فراهم شود.

حبیب لوی در توجیه این دروغ‌پردازی‌های شبه تاریخی می‌نویسد:

شاید آن دسته از غربیانی که درباره قبایل ده گانه گمشده سخن را به افسانه می‌پیوندند و با انگاشتن این که سرخ‌پوستان امریکا و سیاه‌پوستان آفریقا و بومیان استرالیا از این قبایل‌اند خود به بیراهه و گمراهی می‌روند. باید گفت... ردپای قبایل ده گانه را در سرزمین‌های دور از خاور مگیرید اینان به اجبار یا به اختیار به راه شرق رفتند و مسیر بین‌النهرین و سرزمین ماد و شمال ایران و خوارزم و خراسان کهن و هند را پیمودند و نخستین یهودیانی بودند که به ایران زمین کوچیدند.<sup>۲</sup>

این اظهارات موهوم توسط صهیونیست‌ها تردیدی باقی نمی‌گذارد که مبنای دست‌درازی به سرزمین‌های مرغوب و غنی شرق از دل تمامیت ارضی ایران می‌گذرد و زرسالاران یهودی برای توجیه ایدئولوژیک و تاریخی این تجاوزها، مهاجرت یهودیان از دوران باستان را مبنا قرار می‌دهند. تجاوز طلبی به فلسطین و مصر و اشغال این سرزمین‌ها دقیقاً بر مبنای همین افسانه مهاجرت اتفاق افتاد. یهودیان از جنبه تاریخی و مذهبی هیچ علقه‌ای به فلسطین ندارند. حضرت ابراهیم در دوران کهنسالی به امر خدا از سرزمین عراق به کنعان مهاجرت کرد و

۱. همان، ص ۳۹.

۲. همان، ص ۴۱-۴۰.



اسرائیل به صورت مشترک با آمریکا به منظور جذب مردم به مسیحیت از طریق فعالیت‌های فرهنگی - تبلیغی تلاش می‌کند و در همین راستا خبری مبنی بر اینکه ۸۰۰ نفر مبلغ مسیحی وارد شمال عراق شدند و کلیسای شهر حلب در سوریه، مرکزی مهم برای انتقال مبلغان مسیحی به شمال عراق است، منتشر شد.

این مهاجرت از جنبه تمایلات و تعلقات ارضی برای یهودیان هیچ حقی را اثبات نمی‌کند.

حساسیت به حضور و فعالیت صهیونیست‌ها در ایران و در همسایگی ایران مخصوصاً در عراق، ترکیه، آذربایجان و... از این جهت با منافع حفظ بقای ایران و منافع حیاتی ما رابطه نزدیک دارد زیرا در متون آشکار و پنهان صهیونیست‌ها طمع به سرزمین ایران بزرگ به عنوان مکان مهاجرت قبایل ده گانه! و جولانگاه استر، خودنمایی می‌کند. فرزندان خون‌خوار

استر در ساختن تراژدی رعب و انزوا یهودیان در ایران، سال‌هاست متون نژادپرستانه تولید می‌کنند.<sup>۱</sup> غفلت از فعالیت‌های فرهنگی، سیاسی، تجاری و اقتصادی صهیونیست‌ها به خصوص در کردستان عراق بی‌تردید خطری بزرگ برای امنیت ملی ایران به حساب می‌آید.

کردستان عراق به یک دلیل دیگر برای آینده سرمایه‌گذاری صهیونیسم بسیار اهمیت دارد و آن اجرای دکترین پیرامونی است که رژیم بر اساس آن با تمام کشورها و اقوام غیر عرب منطقه که پیرامون کشورهای عربی قرار دارند، رابطه برقرار می‌کند تا با بسط و گسترش همکاری با آنان، فشار ناشی از کشورهای عربی را کاهش دهد. و هم‌اکنون با احیاء دکترین پیرامونی در منطقه، کانون‌های توطئه برای تضعیف و تهدید ایران به عنوان مخالف اصلی رژیم در منطقه، فعال شده‌اند. آذربایجان، ترکیه و کردستان و افزایش تحرک رژیم در این کشورها و مناطق، مؤید احیاء این دکترین است که مبدع و طراح آن اولین نخست‌وزیر رژیم یعنی دیوید بن گوریون بود.

گزارش‌های منابع خارجی نشان می‌دهد که اسرائیل از پایگاه‌های دائمی خود در کردستان عراق برای اقدامات اطلاعاتی فرامرزی در درون ایران و سایر کشورهای منطقه استفاده می‌کند. رژیم صهیونیستی نفوذ عمیقی را در کردستان عراق برای خود ترتیب داده است و در قالب فعالیت‌های تجاری، اقتصادی و حمایتی علاوه بر جمع‌آوری اطلاعات در مورد ایران، گروه‌های تروریستی داعشی و سایر گروه‌های تجزیه طلب مثل کومله، حزب دموکرات و غیره را تجهیز و به درون ایران گسیل می‌دارد.<sup>۲</sup>

۱. رک: هومن سرشار، *فرزندان استر*، ترجمه مهرناز نصریه، تهران، کارنگ، ۱۳۸۴.

۲. قابل ذکر است آمار این فعالیت‌ها حداقل مربوط به ده سال قبل بوده است و امروز بی‌تردید دامنه تغییر و پیشرفت آن وسیع‌تر است.

## فعالیت‌های اسرائیل در شمال عراق (اقلیم کردستان)

### الف. فعالیت‌های تجاری و اقتصادی اسرائیل در شمال عراق

نمونه‌هایی از این فعالیت‌ها در قالب شرکت‌ها و مؤسسات به قرار زیر است:

۱. اسامی شرکت‌ها و سازمان‌های خدماتی:

- سازمان امور خیریه - اربیل

- شرکت تجاری مریوان - دهوک

- شرکت توسعه کردستان عراق (تحت عنوان kodo سلیمانیه)

- شرکت ترک (بازسازی مراقد پیامبران) استان کرکوک

- شرکت خدمات امنیتی (بیروت) کرکوک

- سازمان امور خیریه - دهوک - زاخو

- شرکت لوازم پزشکی (این شرکت فعالیت خود را در سه استان اربیل، سلیمانیه و دهوک

انجام می‌دهد و تقریباً تمام خدمات بیمارستانی این سه استان تحت پوشش این شرکت قرار دارد.)

- شرکت علاج و دوا (فعالیت این شرکت در استان‌های اربیل و سلیمانیه است و امور

مربوط به اعزام بیماران را به خارج از کردستان عراق بر عهده دارد.)

- شرکت کودو (فعالیت این شرکت در زمینه‌های فنی و الکترونیک است و در شهرهای

اربیل و سلیمانیه فعالیت دارد. رئیس این شرکت فردی به نام آنتون لیبکیس شاحاک اهل تل‌آویو است.)

- کمپانی introp (عمده فعالیت این شرکت در زمینه سلاح و مهمات است و بیشترین

قراردادهای نظامی و تسلیحاتی را با اقلیم کردستان منعقد کرده است. رئیس این شرکت

فردی به نام دنی یاتوم است که قبلاً رئیس بخش اطلاعات خارجی اسرائیل بوده است.)

- شرکت باواچی (فعالیت این شرکت در زمینه اکتشاف و استخراج نفت در شهر بیجی

از حوالی کرکوک است.)

- شرکت سنگ‌های تزئینی (فعالیت این شرکت پیرامون واردات و صادرات سنگ‌های

تزئینی می‌باشد و تحت حمایت مسرور بارزانی فرزند مسعود بارزانی و دفتر اصلی این

شرکت در شهر اربیل می‌باشد.)

- شرکت ۷۷ (فعالیت این شرکت در زمینه سنگ‌های بتنی به ارتفاع حداکثر چهار متر

است که در حصارکشی اماکن مورد استفاده قرار می‌گیرد و دفاتر اصلی آن در شهرهای

اربیل و سلیمانیه است.)



مهمترین اقدامات و فعالیت‌های سیاسی رژیم صهیونیستی در اقلیم کردستان عراق، به برقراری ارتباط با رهبران و عناصر بانفوذ اکراد عراقی و برقراری روابط دیپلماتیک با این اقلیم و در نهایت جذب و به کارگیری افراد همسو با اهداف صهیونیستی در بدنه سیاسی عراق خلاصه می‌شود

- شرکت عنسولین یونیه (فعالیت این شرکت در امور راه و ساختمان و شعبه اصلی آن در شهر اربیل است.)

- شرکت دان (فعالیت این شرکت در زمینه‌های اتوبوس‌های مستعمل و اسقاطی است و دفتر اصلی این شرکت در شهر اربیل قرار دارد.)  
- شرکت سونول (فعالیت این شرکت در زمینه‌های سوخت و فرآورده‌های نفتی است و دفاتر و شعب اصلی آن در شهرهای اربیل و

سلیمانیه قرار دارد.)

- شرکت دلتا (فعالیت این شرکت در زمینه صادرات و واردات انواع پارچه می‌باشد و دفتر اصلی این شرکت در اربیل است.)

## ۲. اسامی بانک‌ها

- بانک الثقة (بانک قرضی - فعالیت این بانک در زمینه پرداخت وام به یهودیان کرد برای خرید زمین است. رئیس این بانک فردی است به نام احمد و این بانک دارای سیزده کارمند است که نه نفر آن مرد و چهار نفر زن هستند. محل بانک مذکور در سلیمانیه است.)

- بانک آینده روشن سلیمانیه

- بانک ریلیس سلیمانیه

- بانک آشتی

## ب. فعالیت‌های نظامی - امنیتی

به طور کلی می‌توان اهداف و فعالیت‌های اطلاعاتی و نظامی رژیم صهیونیستی را در کردستان عراق به شرح زیر برشمرد:

- برگزاری دوره‌های آموزش اطلاعاتی - امنیتی

- افزایش توان نظامی پیشمرگ‌های کرد و سایر گروه‌های تجزیه‌طلب

- اقدامات اطلاعاتی - امنیتی

- برگزاری دوره‌های آموزش نظامی

- اعزام تیم‌های مستشاری در امور امنیتی - نظامی

۱. مقرها و پایگاه‌های نیروی اسرائیلی در کردستان عراق:

- اربیل - هتل خانزاد



- اربیل - هتل شرایتون - اقامتگاه عناصر اسرائیلی

- موصل - انتهای پل قدیم

- خانه امن سلیمانیه - سلیمانیه - محله ابراهیم پاشا

- مقر صالحی - اربیل - مزیف دارالضیافه پارتی.

۲. پایگاه‌های نظامی و فرودگاه‌ها:

- پایگاه هوایی الحریه - کرکوک: برخی از تردهای یهودیان اسرائیلی از طریق این پایگاه

انجام می‌گیرد.

- فرودگاه اربیل: بیشتر تردد عناصر رژیم صهیونیستی از طریق فرودگاه اربیل انجام

می‌گیرد.

- احداث پایگاهی در چمچمال سلیمانیه - بین روستای حمزه کانی و کانی کوچک؛ قابل

توجه اینکه، مقر مذکور یک قلعه قدیمی و باستانی بوده و قرار است به زودی تبدیل به زندان

شود.

### ج. فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی

اسرائیل به صورت مشترک با آمریکا به منظور جذب مردم به مسیحیت از طریق

فعالیت‌های فرهنگی - تبلیغی تلاش می‌کند و در همین راستا خبری مبنی بر اینکه ۸۰۰ نفر

مبلغ مسیحی وارد شمال عراق شدند و کلیسای شهر حلب در سوریه، مرکزی مهم برای

انتقال مبلغان مسیحی به شمال عراق است، انتشار یافته است. همچنین در خبری نیروهای

امنیتی ترکیه نیز در منطقه مرزی این کشور با کردستان عراق بالغ بر ۱۰۹۸۶ نسخه کتاب

زبور را که جهت ارسال به شمال عراق در نظر گرفته شده بود، توقیف کرده‌اند.

اماکن فرهنگی - تبلیغی:

۱. جمعیت کتاب مقدس - اربیل

۲. چاپخانه ثقافه - اربیل

۳. سازمان الحیات - اربیل

۴. سازمان تبلیغی و تبشیری - دفاتر این سازمان در مرکز استان دهوک، اربیل و سلیمانیه

به تازگی تأسیس شد.

### د. فعالیت سیاسی

مهمترین اقدامات و فعالیت‌های سیاسی رژیم صهیونیستی در اقلیم کردستان عراق، به

برقراری ارتباط با رهبران و عناصر بانفوذ اکراد عراقی و برقراری روابط دیپلماتیک با این

اقلیم و در نهایت جذب و به کارگیری افراد همسو با اهداف صهیونیستی در بدنه سیاسی

عراق خلاصه می‌شود.

## فعالیت‌های اسرائیل در عراق (غیر از اقلیم کردستان)

### الف. فعالیت‌های تجاری و اقتصادی

- شرکت‌های تجاری اسرائیلی به دو شکل اساسی در عراق مشغول فعالیت هستند:
- شرکت‌هایی که تولیدات و محصولات خود را در اسرائیل تولید کرده و با حذف کلیه نشان‌ها و علائم و با مارک‌های جعلی به عراق صادر می‌کنند.
  - شرکت‌هایی که تولیدات و محصولات سایر کشورها را به عراق صادر می‌کنند.
۱. مهم‌ترین شرکت‌های اسرائیلی که در عراق فعال هستند، عبارت‌اند از:
- شرکت ترانسکالال: این شرکت در زمینه کالاهای الکترونیک فعالیت دارد و دفتر مرکزی آن در کراده بغداد می‌باشد.
  - شرکت اعینش: این شرکت در زمینه حمل و نقل اجناس و کالا از حیفا به اردن و سپس به عراق فعالیت دارد.
  - شرکت تنور غاز: فعالیت این شرکت در زمینه واردات و صادرات کلیه کالاها و اجناس مصرفی است و جلسات متعددی بین مدیران شرکت با تجار عراقی برگزار شده است.
  - شرکت ریبتکس: این شرکت در زمینه ساخت و تهیه جلیقه‌های ضد گلوله نیروهای ائتلاف فعالیت دارد که کالاهای مورد معامله را از طریق اردن وارد عراق می‌کند.
  - شرکت عتیس میثیل: این شرکت متخصص در زمینه تولید وسایل حفاظت فیزیکی ساختمان‌ها و اماکن مثل نرده، حفاظ درب و... است.
  - شرکت طمبور: این شرکت در زمینه‌های تولید روغن خوراکی و گیاهی فعالیت دارد.
  - شرکت بزنا: این شرکت در زمینه‌های تعمیر خودروهای زرهی نیروهای ائتلاف و ارتش امریکا فعالیت دارد و از حمایت وزارت دفاع اسرائیل برخوردار است.
  - شرکت غایه: این شرکت در زمینه‌های صنایع الکترونیک فعالیت دارد.
  - شرکت تایمی ۴: فعالیت این شرکت در زمینه حفاری چاه‌های آب است.
  - شرکت لاغروب: فعالیت این شرکت در زمینه تهیه و توزیع مواد دارویی در عراق است.
  - شرکت رافنیت: این شرکت در زمینه‌های صنایع ضد زره فعالیت دارد.
  - شرکت نختال: این شرکت متخصص در زمینه زیرساخت‌ها است و در بازسازی عراق فعالیت دارد.
  - شرکت ترولیدور: فعالیت این شرکت در زمینه تولید پنجره‌های امنیتی و سیم‌های

یهودی‌های عراقی‌الاصل بیشتر  
به عنوان مشاور و راهنمای  
اسرائیلی‌ها عمل می‌کنند و مانع  
افشا شدن هویت اصلی‌ی تجار و  
بازرگانان اسرائیلی می‌شوند

خاردار نظامی و امنیتی است.

- شرکت لیتمون: فعالیت این شرکت در زمینه  
تولیدات مشروبات الکلی و نوشیدنی‌هاست.

- شرکت امنیتس isi: این شرکت از شاخص‌ترین  
شرکت‌های امنیتی است که برای ارتش آمریکا کار

می‌کند و افراد آن از نخبگان مؤسسات اسرائیلی هستند؛ مانند یگان مبارزه با تروریست و  
دستگاه امنیتی شین‌بت.

- شرکت الفرید: فعالیت این شرکت حفاظت از هواپیماهای نظامی و غیرنظامی در فرودگاه  
بین‌المللی بغداد است.

- شرکت للاعمار (امریکایی - عراقی): فعالیت این شرکت در زمینه واردات کالاهای  
اسرائیلی به عراق تحت عنوان کالاهای قبرسی، ترکی و اردنی است و نمایندگی آن در  
الکراده بغداد است.

- شرکت المدار: فعالیت این شرکت در زمینه حمل و نقل دریایی کالاهای اجناس است و  
نمایندگی آن در الکراده و الوحده بغداد و بصره است.

- شرکت نورتن لیلی: فعالیت این شرکت در زمینه حمل و نقل تجهیزات و ادوات نظامی  
از طریق دریایی است و نمایندگی آن در الخضراء بغداد است.

- مجموعه شرکت‌های العرس: فعالیت این شرکت‌ها در زمینه حمل و نقل دریایی، زمینی  
و هوایی کالاهای اجناس است و نمایندگی آن در الکراده بغداد است.

- شرکت اردن: فعالیت این شرکت در زمینه واردات هر گونه کالاهای اسرائیلی و دفتر  
نمایندگی آن در اربیل است.

- شرکت الهکاک: فعالیت این شرکت در زمینه واردات کالاهای اسرائیلی از طریق  
کشورهای مختلف بوده و نمایندگی آن در الکراده بغداد است.

- شرکت سلمان: این شرکت در زمینه طلا و جواهرات فعالیت داشته و دفتر نمایندگی  
آن در المنصور بغداد است.

- شرکت الازل: فعالیت این شرکت در زمینه واردات ذرت و علوفه برای وزارت  
کشاورزی عراق بوده و دفتر نمایندگی آن در السعدون بغداد است.

۲. اسامی شرکت‌هایی که به عنوان پیمانکار ثانوی در الخضراء فعال هستند، عبارت‌اند از:

- دفتر گسترش و بهره‌برداری عراق - الکراده

- مجموعه الغدوه - المنصور





- شرکت ساخت معاصر - المنصور
- المدامغه - خیابان الرشید
- خدمات مهندسی - المنصور
- مجموعه الاعمار - الکراده
- مجموعه القدوه - خیابان السعدون
- شرکت قراردادهای عمومی عراق - المنصور
- الفاج - الکراده
- خانه مهندسی - الجادریه
- مجموعه القریه - المنصور
- شرکت ارض الخزف - المنصور خیابان ۱۴ رمضان
- مجموعه الفنار العربی - الوزیریة
- مجموعه البرهان - خیابان الکندی
- مجموعه شرکت های عراقی - امریکایی - الحارثیه
- شرکت رواد بغداد - حی بابل
- الدانوب - الکراده
- فریق التصميم - عرصات هندی
- اصلان - المنصور
- وادی جنوبی - جاده پادگان الرشید
- شرکا الاوسی - ساختمان حسیب صالح
- مجموعه روعه الغانم
- شرکت الرتبا - المنصور
- خدمات معماری - اربیل
- سما الفجر - السیدیة
- کوکب الدری - جاده پادگان الرشید
- الدجیل - زیونه
- نیه جنرال المحدوده - الکراده
- دانه - خیابان فلسطین
- سویر کو - المنصور

صهیونیست‌ها واحدهای  
کماندوی کرد را برای انجام  
عملیات محرمانه در مناطق  
کردنشین سوریه و ایران  
آموزش می‌دهند

## ب. فعالیت‌های اطلاعاتی و امنیتی

به طور کلی می‌توان اهداف و فعالیت‌های اطلاعاتی  
و امنیتی رژیم صهیونیستی را در عراق به شرح ذیل  
برشمرد:

۱. تشکیل تیم‌های عملیات ویژه شامل: ترور، ربایش،  
خرابکاری و...

۲. نفوذ در تشکیلات دولتی به ویژه وزارخانه‌ها و مؤسسات دولتی

۳. شناسایی، جذب، به کارگیری و آموزش نیروهای عراقی، اکراد و یهودیان مقیم عراق به  
منظور جمع‌آوری اخبار و اطلاعات از فعالیت‌های جمهوری اسلامی ایران

۴. انجام فعالیت‌های جاسوسی تحت پوشش سازمان‌های بین‌المللی، خیریه و شرکت‌های  
تجاری

۵. پیگیری مواضع گروه‌ها و جریانات اسلامی سنی و شیعه

## فعالیت‌های عناصر اطلاعاتی و امنیتی اسرائیل در مناطق بغداد

۱. منطقه الخضراء

۲. هتل السدیر در میدان الآندلس

۳. قصر دجله (مجمع الوزراء سابق)

۴. باشگاه قایقرانی بغداد (مقر سابق عدی)

۵. منطقه المنصور

۶. منطقه المرسات در امتداد دجله

۷. قصر العینی در حارثیه

۸. هتل الحمران در الجادریه

## فعالیت‌های اسرائیلی‌ها در حله

نیروهای اسرائیلی هفده باب ساختمان را در حی‌البابل حله جهت فعالیت‌های اطلاعاتی  
خود اجاره کرده که افسران اطلاعاتی در آنجا مستقر هستند. این ساختمان‌ها مجهز به  
دستگاه‌های ارتباطی بسیار پیشرفته می‌باشند و با دستگاه‌های اطلاعاتی آنان در استان‌های  
سلیمانیه، اربیل، بصره و نیز با سفارت امریکا در بغداد ارتباط مستقیم دارند. رفت و آمد  
عناصر اطلاعاتی در این اماکن در هنگام شب یا صبح زود می‌باشد.

ملاحظات که مطرح است:

۱. اکثر تجار و واسطه‌های اسرائیلی که در خصوص تجارت و بازرگانی فعال هستند دارای



معاون وزیر کشور عراق رسماً در گفت‌وگو با یک روزنامه اردنی، شبکه‌های اسرائیل را عامل اقدامات جنایتکارانه بزرگی همچون قاچاق مواد مخدر، جعل اسکناس و انتشار مجله و سی‌دی‌های غیر اخلاقی و فساد و فحشا در میان جوانان عراقی می‌داند

اصلیت اروپایی و امریکایی بوده و با پاسپورت‌های غیر اسرائیلی به عراق تردد دارند.  
۲. واسطه‌های عراقی که بیشتر آنان کرد هستند در لندن و اردن نیز ملاقات‌های خود را با اسرائیلی‌ها انجام می‌دهند.  
۳. یهودی‌های عراقی‌الاصل بیشتر به عنوان مشاور و راهنمای اسرائیلی‌ها عمل می‌کنند و مانع

افشا شدن هویت اصلی تجار و بازرگانان اسرائیلی می‌شوند.

۴. تجار و سرمایه‌داران عراقی توجه و حساسیت چندانی نسبت به ماهیت تجار اسرائیلی ندارند اما در سطح عمومی (به ویژه شیعیان) هنوز حساسیت و برخورد منفی با اسرائیلی‌ها وجود دارد.

۵. امریکایی‌ها هنوز با حضور رسمی اسرائیلی‌ها موافقت نکرده‌اند اما با حضور غیر مستقیم و در پوشش شرکت‌های تجاری ثانویه کاملاً موافق هستند.

۶. در حال حاضر اردن (منطقه صنعتی زرقا در شمال اردن و منطقه آزاد تجاری در عقبه) به عنوان سرزمین واسطه و تسهیل‌کننده فعالیت شرکت‌های اسرائیلی برای فعالیت در عراق عمل می‌کند.

۷. بیشتر شرکت‌های اسرائیلی در عراق پوشش‌های عربی - اروپایی - اسرائیلی، عربی - اسرائیلی - امریکایی و عربی - ترکی - اسرائیلی را دارا هستند.

۸. صهیونیست‌ها حضور قابل توجهی در منطقه کردستان پیدا کرده‌اند. مهم‌ترین این پایگاه‌ها هم‌اکنون در ساختمان‌های مجللی که گفته می‌شود متعلق به اقلیم خودمختار کردستان است در شهر «عقره» واقع است. همچنین استراحتگاه «چمچمال» میزبان یک پایگاه دیگر صهیونیست‌ها بوده و استراحتگاه مسعود بارزانی رئیس اقلیم نیز، دیگر پایگاه اصلی صهیونیست‌ها را در خود جای داده است.

سیمور هرش در ۱۲ ژوئن ۲۰۰۴ خبر داد که صهیونیست‌ها قصد ایجاد پایگاه جاسوسی از مراکز هسته‌ای ایران در شمال عراق را دارند. تشکیل تیم شصت نفره‌ای از کماندوهای کرد که توسط موساد برای انجام عملیات تروریستی در داخل و خارج عراق آموزش‌های ویژه‌ای دیده بودند، راز جدیدی نیست که به تازگی فاش شده باشد.

بی‌بی‌سی هم فیلم مستندی را از آموزش نیروهای کرد توسط افسران صهیونیستی منتشر کرد. این در حالی است که رسانه‌های اروپایی و خبرگزاری‌های جهانی ۱۳ کتبر ۲۰۰۷ خبر



از حضور بیش از ۱۲۰۰ افسر موساد و سازمان‌های اطلاعاتی صهیونیستی در شمال عراق با هدف آموزش عناصر کرد داده بودند؛ افسرانی که به طور حتم صرفاً برای کمک به یک گروه اقلیت در عراق برای احقاق حقوق خود به این منطقه نیامدند و اهدافی فراتر از مسائل کمک به یک هم‌پیمان قدیمی در دستور کار دارند. این اطلاعات که گفته شد منبع اصلی آن سازمان اطلاعات فرانسه است محل استقرار این افسران را شهرهای اربیل و سلیمانیه اعلام کرد.

به اعتقاد تهیه‌کنندگان فیلم مستند بی‌بی‌سی، یکی از خطرناک‌ترین ابعاد این فعالیت دست‌چین کردن تعدادی از این عناصر تحت آموزش برای انتقال آنها به ساختار سازمان‌های فعال در منطقه است؛ سازمان‌هایی که علاوه بر فعالیت‌های تروریستی، در کشورهای منطقه و کشورهای واقع در اطراف عراق دست به اقدامات جاسوسی هم می‌زنند.

علاوه بر آن، سیمور هرش در گزارشی که در ژوئن ۲۰۰۴ در نیویورک منتشر شد، فاش کرد: صهیونیست‌ها واحدهای کماندوی کرد را برای انجام عملیات محرمانه در مناطق کردنشین سوریه و ایران آموزش می‌دهند. اما شاید فراگیرترین و مهمترین گزارش در رابطه با فعالیت‌های جدید رژیم صهیونیستی در عراق و منطقه، اطلاعاتی باشد که در روزهای اول و دوم دسامبر ۲۰۰۵ توسط روزنامه *یدیعوت آحارنوت* منتشر شد.

این روزنامه عبری‌زبان در این رابطه نوشت: شرکت‌های اسرائیلی در منطقه دورافتاده در شمال عراق، مرکزی را که تحت نام موقعیت Z شهرت یافته، ایجاد کرده‌اند و این مرکز هم‌اکنون کاربردی آموزشی دارد. به نوشته *آحارنوت*، واحدهایی از نیروهای نخبه صهیونیستی عملاً از سال ۲۰۰۴ از طریق مرکز ترکیه وارد شمال عراق شده‌اند.

این افراد معمولاً تحت عنوان مهندس راه‌سازی یا کارشناس کشاورزی وارد کردستان عراق می‌شدند و به کار آموزش کردها در این منطقه می‌پرداختند تا اینکه کردها دریافتند که نیروهای اطلاعاتی ایران از حضور و فعالیت صهیونیست‌ها در موقعیت Z مطلع شده‌اند. از این‌رو از بیم دستگیری یا ربوده شدن صهیونیست‌ها این مرکز را تعطیل یا به منطقه دیگری منتقل کردند.

روزنامه الکترونیک فلسطینی *دنیا الوطن* هم در گزارشی در این رابطه تأکید کرد در این پایگاه کماندوهای اسرائیل اقدام به آموزش تک‌تیرانداز و انجام عملیات ترور می‌کردند.

بر اساس اطلاعات این روزنامه، موساد در چهارچوب فعالیت یک شرکت تجاری به نام «انتاروپ» و دو شرکت به ثبت رسیده در سوئیس به نام‌های «کیودو» و «کلوزیوم» که زیرمجموعه این شرکت هستند، برخی از فعالیت‌های خود را در داخل کردستان و به تبع آن بقیه خاک عراق انجام می‌دهد.

به نوشته این روزنامه، موساد با استفاده از موقعیت سوق الجیشی کردستان عراق و قرار گرفتن این منطقه در همسایگی سه کشور ایران، ترکیه و سوریه تلاش دارد با استفاده از نیروهای جدایی طلب کرد از اهالی این کشورها از آنها برای جمع آوری اطلاعات و انجام عملیات در عمق کشورهای مذکور استفاده کند.

از سوی دیگر، امنیتی که در منطقه شمال عراق مقر اصلی موساد از آن بهره‌مند است و نیز آزادی عمل بسیار زیاد عوامل رژیم صهیونیستی در داخل عراق، برخی از رسانه‌های عراقی و عربی را بر آن داشته تا اقدامات تروریستی در عراق و به خصوص عملیات القاعده را حاصل فر آیند همکاری موساد با گروهی بدانند که تا چند سال پیش علناً در افغانستان زمان اشغال روس‌ها با سازمان‌های جاسوسی غربی و صهیونیستی در ارتباط تنگاتنگ قرار داشت. به نوشته این مطبوعات وقتی معاون وزیر کشور عراق رسماً در گفت‌وگو با یک روزنامه اردنی، شبکه‌های اسرائیل را عامل اقدامات جنایتکارانه بزرگی همچون قاچاق مواد مخدر، جعل اسکناس و انتشار مجله و سی‌دی‌های غیر اخلاقی و فساد و فحشا در میان جوانان عراقی می‌داند، چه دلیلی وجود دارد همراه با این اقدامات، مواد منفجره و بمب‌های به کار رفته در عملیات تروریستی در عراق هم از طریق این شبکه‌ها به تروریست‌ها نرسیده باشد؟

اگر چه اطلاعات مذکور در این مقاله از پایگاه‌های اینترنتی استخراج شده است<sup>۱</sup> و نیاز به ارزیابی دقیق و عمیق دارد ولی صرف نظر از صحت و سقم این اطلاعات، باید با واکاوی مستمر حضور صهیونیست‌ها در عراق - مخصوصاً در مناطق مرزی ایران - از زوایای متفاوتی این حضور و مؤسسات و شرکت‌هایی که در پوشش آنها صهیونیست‌ها عملیات تروریستی و تجزیه طلبی<sup>۲</sup> را در ایران سازماندهی می‌کنند، بررسی و تجزیه و تحلیل کرد. در دهه اخیر اثبات شده است که حجم عظیمی از سلاح‌هایی که توسط داعشی‌های ایران در قالب گروه‌های تروریستی و تجزیه طلب احزاب دموکرات، کومله و پژاک کردستان و فرقه

۱. برای کسب اطلاعات بیشتر رک:

<http://www.nedayeenghelab.com/vdcep78x.jh8foi9bbj.html>

۲. برپایی همه‌پرسی برای استقلال کردستان عراق در ۳ مهر ۱۳۹۶ (۲۵ سپتامبر ۲۰۱۷) با هدایت و اجرای مسعود بارزانی از مصادیق بارز تجزیه طلبی کردهای عراق است که با مخالفت همسایگان و حتی امریکا مواجه گردید و ناکام ماند. ضمناً برای اطلاع بیشتر رک:

- یوسی آلفر، پیرامونی؛ جست‌وجوی اسرائیل برای یافتن متحدان خاورمیانه‌ای، ترجمه علیرضا سلطانشاهی، تهران، بنیاد تاریخ‌پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۹۹.

- الیعزر تسفریر (آخرین نماینده موساد در کردستان عراق و آخرین نماینده موساد در ایران عصر پهلوی)، انا کردی؛ این کتاب از زبان عبری به فارسی در حال ترجمه است.

- شلومو نکدیمون، موساد در عراق، ترجمه نبی‌الله روحی، تهران، مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، ۱۳۸۵.

- آیت محمدی، استراتژی اسرائیل در ارتباط با کردها و تأثیر آن بر امنیت ملی کشورهای منطقه، آریو جان، ۱۳۹۸.



تروریستی منافقین و سایر احزاب و فرقه‌های داعشی برای برهم زدن امنیت ایران به داخل انتقال می‌یابد از طریق همین شرکت‌ها و مؤسسات صهیونیستی در عراق تأمین می‌شود. و شاید بعید نباشد که همین شرکت‌ها موجبات برپایی همایش عادی‌سازی روابط عراق با اسرائیل را در اربیل مرکز اقلیم کردستان عراق در مهرماه ۱۴۰۰ (۲۵ سپتامبر ۲۰۲۱) فراهم کردند.

در دهه اخیر اثبات شده است که حجم عظیمی از سلاح‌هایی که توسط داعشی‌های ایران در قالب گروه‌های تروریستی و تجزیه طلب احزاب دموکرات، کومله و پژاک کردستان و فرقه تروریستی منافقین و سایر احزاب و فرقه‌های داعشی برای برهم زدن امنیت ایران به داخل انتقال می‌یابد از طریق همین شرکت‌ها و مؤسسات صهیونیستی در عراق تأمین می‌شود

در این کنفرانس که اندیشکده مرکز ارتباطات صلح در نیویورک با حضور سید نصر از نویسندگان و چهره‌های فرهنگی-سیاسی شیعه و سنی عراق، بانی آن بود راه‌های برقراری رابطه با اسرائیل و گسترش همکاری با آن رژیم مورد بحث و بررسی قرار گرفت و البته مخالفت‌های داخلی و خارجی بسیاری را برانگیخت و به همین دلیل مجلس عراق در آذرماه ۱۴۰۱ و با افزایش زمزمه‌های عادی‌سازی روابط با رژیم، قانونی را تصویب کرد که عادی‌سازی روابط با اسرائیل ممنوع است و افرادی که در این راستا فعالیتی انجام دهند، مجرم بوده و در صورت محاکمه، مجازات شامل حبس، حبس ابد و اعدام در انتظارشان خواهد بود.







## روزهای تهران

### علیرضا سلطانشاهی

بیشتر به دلیل حرفی که زده بود، مورد توجه واقع شد:

اگر یک روز به روزنامه نگاران اجازه دهند از کارهایی که ما در تهران کردیم مطلع شوند، از آنچه می شنوند وحشت خواهند کرد... حتی نمی توانند آن را تصور کنند.<sup>۱</sup>

این جمله در برخی آثار و مطالب مربوط به حضور اسرائیل در ایران عصر پهلوی تکرار شده است و هر محقق و پژوهشگری را مشتاق دانستن از سوابق و ابعاد روابط ایران و اسرائیل در این دوره می کند. اگرچه با انتشار *یادنامه* اثر مئیر عزری سفیر سابق رژیم صهیونیستی در ایران در دو جلد به زبان فارسی، بخشی از این رابطه مورد بازبینی قرار گرفته و مرور شد ولی کماکان عطش دانستن درباره ابعاد روابط وجود داشت؛ به ویژه در زمانی که با مرور کتاب *یادنامه* به این واقعیت رهنمون می شویم که لاپوشانی و امساک در بیان حقایق وجود دارد، یا

۱. اندرو ولسلی کاکپورن، *ارتباط خطرناک*، ترجمه محسن اشرفی، تهران، روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۶.



نیمرودی: اگر یک روز به روزنامه‌نگاران اجازه دهند از کارهایی که ما در تهران کردیم مطلع شوند، از آنچه می‌شنوند وحشت خواهند کرد... حتی نمی‌توانند آن را تصور کنند

متن باید با وجود اختصارات و کدهای ویژه رمزگشایی شود؛ همان‌طور که گیزی<sup>۱</sup> هم در کتاب *شیطان بزرگ*، *شیطان کوچک* بر مراقبت سیستم اطلاعاتی و امنیتی در باب هر آنچه در این آثار بیان می‌شود اصرار دارد؛ تا حدی که موجبات نارضایتی نویسنده آن را نیز فراهم می‌نماید.

حال با این اوصاف اگر متوجه شویم که قهرمان داستان ما از فعالیت‌های حیرت‌آور اسرائیل و خودش در ایران و تهران در یک کتاب سخن به میان آورده حتماً راغب می‌شویم که از مطالب این اثر یا آثار مطلع شویم و این کنجکاوی زمانی چند برابر می‌شود که احساس کنیم نویسنده به دلیل چاپ کتاب به زبان عبری نمی‌خواهد که این حقایق حداقل در میان مخاطبان غیریهودی باز نشر گردد.

یعقوب نیمرودی نماینده موساد، وابسته نظامی اطلاعاتی رژیم صهیونیستی و تاجر معروف یهودی در ایران، بیش از سی سال تلاش نمود که به نفع خود و رژیم اقدامات حیرت‌آوری را رقم بزند. این یهودی صهیونیست عراقی‌الاصل با نشر سه عنوان کتاب با محوریت مأموریت در تهران، زندگی و کار و داستان ماجرای مک‌فارلین، تمام زندگی و فعالیت خود به عنوان یک «جهود» واقعی را به تصویر کشیده و با انتشار این سه عنوان اثر به زبان عبری و نه حتی به زبان انگلیسی (چه رسد به فارسی) ماهیت خودبرترین و صهیونیست خویش را فریاد می‌کند.

یعقوب نیمرودی به شخص یا اقدام، موضوع تحقیقی بسیار جالب، جذاب و راهگشایی برای شناخت مفهوم صهیونیسم در نظر و ایده و به ویژه عمل و مصداق است و برای نیل قطعی به این هدف لازم، کاویدن محتوای سه عنوان کتاب او صرفاً یک دست‌گرمی ابتدایی است؛ چه اگر نابودی اسرائیل لازم آید، شناخت عمیق نیمرودی‌ها اول قدم از پای نهادن در این مسیر است.

*روزهای تهران* اولین کتاب نیمرودی است؛ نشر معاریو، به زبان عبری، در هم ریخته از لحاظ دستوری و حتی محتوایی؛ گویی اولین تجربه اوست از نوشتن در باب کارنامه زندگی خود، که اتفاقاً آنچنان دلچسب هم درنیامده است.

۱. الیعزر تسفریر



نقشه عبری از ایران

با مرور سایر آثار نیمرودی از جمله سفر زندگی و داستان مک‌فارلین متوجه خواهیم شد که ظاهراً داستان زندگی این فرد و آنچه او درباره‌اش حرفی دارد، حول چند موضوع محدود چرخ می‌زند: نظامی‌گری، ایران، تجارت و ایران کنتررا.

تمام این سه اثر مملو از داده‌های ریز و درشت و پازل‌گونه از این داستان‌هاست که با وجود شخصیت مرموز نیمرودی اصلاً نمی‌توانیم مطمئن شویم که همه چیز را گفته است.

کتاب *روزهای تهران* در ۲۹۶ صفحه اولین بار در سال ۱۳۸۸ (۲۰۱۰) در اسرائیل به چاپ رسید. از بازتاب‌های انتشار این اثر، اطلاعی در دست نیست ولی به نظر می‌رسد که هر چه بوده، زمینه‌ای شده است برای انتشار اثر دو جلدی بعدی به نام *سفر زندگی* که شرح و بسط *روزهای تهران* است و گویی از ماحصل بازخوردهای چاپ کتاب اول بوده است.

*روزهای تهران* در چهار فصل تنظیم شده و هر فصل دربرگیرنده بخش‌هایی است که در این مقال برای اطلاع اولیه مخاطب تا قبل از انتشار کامل اثر در آینده نزدیک، مروری بر آن خواهیم داشت:



نیمرودی در لباس نظامی

در فصل اول با عنوان «نماینده موساد در تهران» در چهار بخش با سیر حضور وی در ایران به عنوان نماینده اطلاعاتی و نظامی آشنا خواهیم شد. آنچنان که خودش در پیش گفتار می گوید سال ۱۳۳۴ (۱۹۵۶) پس از یک سال و نیم از طرح اولیه موضوع، به عنوان نماینده موساد وارد تهران شد.<sup>۱</sup> برای یک دوره پنج ساله و بعد برای ده سال به عنوان وابسته نظامی؛ ولی عملاً سه سال در این پست بود و معلوم نیست که سال اتمام مأموریت موساد ۱۳۳۶ (۱۹۵۸) است یا ۱۳۳۷ (۱۹۵۹). تا پیش از این در یگان فرماندهی جنوب ارتش رژیم صهیونیستی خدمت می کرد و تا از امان به عنوان سازمان اطلاعات نظامی رژیم در ارتش به موساد منتقل شود مراحل طی شد که شرح آن در این بخش آمده و اینکه نهایتاً پس از مطالعات و بررسی های میدانی کاملاً در محل مأموریت خود

مستقر می شود.

مهمترین موضوع در دومین بخش از فصل اول شرح رقابت امان و موساد است؛ رقابتی که گهگاه شکل بدی پیدا می کند و چه بسا آسیب به سیستم امنیتی رژیم. در این بخش نیمرودی از فعال شدن پرونده عراق از طریق ایران و احداث پایگاه های جاسوسی در مرز عراق و به کارگیری عوامل خود می گوید و این که ایران چه قدر در دسترسی به یکی از مهمترین دشمنان اسرائیل [عراق، در آن زمان]، برای رژیم صهیونیستی حائز اهمیت است.

در بخش سوم با به کارگیری «خنیت» به عنوان نیروی کارآمد در تهران برای پیشبرد مأموریت ها، و نیز همراهی ربکا همسر نیمرودی و این که تا چه حد در انجام مأموریت ها به نیمرودی کمک کرده است، آشنا خواهیم شد.

نیمرودی در بخش سوم سایر همکاران خود را با نام های سازمانی معرفی می کند، و از توانایی و مأموریت های آنها می گوید.

همچنین به ذکر یک خاطره از نحوه به کارگیری عوامل خارجی با جاذبه زن می پردازد

۱. یعنی دقیقاً دو سال قبل از این که ساواک در ایران تأسیس شود، موساد در ایران نماینده داشته است.



نیمرودی و همسرش ربکا

و به گونه‌ای در این بخش سخن می‌گوید که ظاهراً برایش افتخار است. نیمرودی تا قبل از مأموریت در ایران، همواره به دنبال ارتقاء نظامی در جایگاه خود بوده و آن طور که در آثارش هویداست و به آن اذعان می‌کند، ظلمی به او شده است که سیستم و برخی افراد به او روا داشته‌اند.

در بخش چهارم شاهد رونمایی برخی از کارشکنی‌ها برای ارتقاء او و مآلاً تمديد مأموریت او، اما این بار به عنوان وابسته نظامی هستیم. اگرچه شاید این تمديد مأموریت برای نیمرودی فوایدی داشته باشد ولی به مدت ده سال از هر گونه ارتقاء نظامی باز می‌ماند و در وابستگی نظامی در ایران با موافقت شاه متمرکز می‌گردد و بدین ترتیب از مارس سال ۱۳۳۸ (۱۹۶۰) فصل جدیدی از زندگی او در

تهران آغاز می‌شود؛ در حالی که ظاهراً دو سال از اتمام مأموریت قبلی‌اش به عنوان نماینده موساد گذشته و او در اسرائیل به سر می‌برده است. نیمرودی در این بخش به معرفی مختصر از دکتر زوی دورتیل و مئیر عزری<sup>۱</sup> در سفارت اسرائیل می‌پردازد. آنها (عزری و نیمرودی) کمابیش اثرات مثبت و منفی بر هم دارند و یک رقابت محسوس میانشان شکل گرفته که به یک معنا خصومت در آن نهان است و این واقعیت را می‌توان در کتاب یادنامه عزری نیز احساس کرد. ولی هم عزری و هم نیمرودی به عنوان مهم‌ترین نمایندگان رژیم در ایران از دورتیل به اشکال مختلف تعریف و تمجید می‌کنند.

در این بخش نیمرودی از سپهبد حاج علی کیا نیز سخن می‌گوید؛ فردی که عزری نیز از نیکی و دوستی با او بسیار گفته و او را در کتاب خود شاه کلید درهای بسته نام نهاده و هم‌اکنون نیمرودی نیز با او ارتباطی رسمی، مربوط و کاملاً موجه داشته است. در حالی که اسناد موجود به هیچ عنوان بیان‌کننده عمق این رابطه نبوده است و اگر کمی نسبت به سازمان اطلاعاتی کوک در ارتش حساس بوده باشیم، در می‌یابیم که این ارتباطات معنای دیگری دارد و

۱. بنابر نظر نیمرودی، مئیر عزری از فروردین ۱۳۳۷ (آوریل سال ۱۹۵۸) مأموریت خود در تهران را آغاز می‌کند؛ یعنی دو سال بعد از آغاز مأموریت نیمرودی.

از همکاری و مساعدت حاج  
علی کیا در مهاجرت یهودیان  
از ایران نیز نباید به سادگی  
گذر کرد. اقدامی که در کنار  
خدمات نظامی - امنیتی کیا  
به رژیم، پرونده‌ای مملو از  
معاضدت‌های صهیونیستی  
را به ذهن متبادر می‌کند

جالب‌تر این که اسناد موجود از سازمان کوک و رژیم  
هم داستان مهمی را روایت نمی‌کنند یا حداقل تاکنون  
این اسناد منتشر نشده است!!!  
ابعاد داستان مغضوب واقع شدن کیا و جانشینی  
فردی نه چندان موجه به نام کمال به جای او نیز بر  
ابهامات و تردیدهای موجود می‌افزاید که متأسفانه  
نیمرودی هم از آن سخن نمی‌گوید.

از همکاری و مساعدت حاج علی کیا در مهاجرت  
یهودیان از ایران نیز نباید به سادگی گذر کرد؛ اقدامی که در کنار خدمات نظامی - امنیتی کیا  
به رژیم، پرونده‌ای مملو از معاضدت‌های صهیونیستی را به ذهن متبادر می‌کند.  
برای علاقه‌مندان به تحقیق در خصوص دکتربین پیرامونی<sup>۱</sup> که دیوید بن گوریون آن را  
ابداع و اجرایی نمود، در این بخش مطالب اولیه وجود دارد که حتماً قابل استفاده خواهد بود.  
ضمن آن که به نحوی دلیل همراهی شاه با رژیم در اجرای این دکتربین، هم مخالفت و دشمنی  
محمدرضا پهلوی با ناصر عنوان می‌شود و هم این که شاه به هر شکل به رقیب اصلی خود در  
منطقه ضربه وارد کند.

فصل دوم از کتاب با عنوان «وابسته نظامی و رئیس هیأت اعزامی وزارت دفاع در ایران»،  
به موضوع عملکرد و خاطرات نیمرودی در سمت وابسته نظامی می‌پردازد و یازده بخش  
دارد.

در بخش اول به مهاجرت یهودیان عراق از طریق ایران با کمک حاج علی کیا و هماهنگی  
مثیر عزری پرداخته می‌شود. ضمن آن که رفت و آمدهای فرماندهان نظامی به رژیم و از  
رژیم هم مورد توجه واقع شده است. شیطنت نیمرودی در به کارگیری جاذبه زن در برقراری  
ارتباطات غیرمتعارف کاری در این بخش، دوباره خود را نشان می‌دهد؛ زمانی که از زیبایی لوی  
به عنوان منشی خود استفاده می‌کند؛ به طوری که به نقل از او بسیاری از فرماندهان ارتش  
صرف دیدار با او، پا به دفتر نیمرودی می‌گذاشتند.

نیمرودی در این بخش دوباره به روابط نزدیک خود با کیا می‌پردازد و این که او با  
اصرار فراوان می‌خواسته است برای نیمرودی یک ماشین خریده و در اختیارش قرار دهد

۱. برای اطلاع بیشتر رک:

- یوسی آلفر، پیرامونی، ترجمه علیرضا سلطانشاهی، تهران، بنیاد تاریخ‌پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۹۹.  
- محمدتقی تقی‌پور، استراتژی پیرامونی/اسرائیل (اسرار عملیات مشترک موساد، ساواک، سرویس‌های  
اطلاعاتی ترکیه و اتیوپی در خاورمیانه و آفریقا)، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۳.



و ظاهراً نیمرودی به شرط این که شائبه‌ای نداشته باشد تنها با اختصاص یک راننده برای مأموریت‌های کاری، این لطف کیا را می‌پذیرد. او در این بخش به بهانه گشت و گذار با آن ماشین در مأموریت‌های شهری و بین شهری به وضع بد راه‌ها در ایران می‌پردازد و در ادامه سارا خدمتکار خود که اهل گیلان است را معرفی می‌کند که ضمن مصاحبت با او و خانواده‌اش با بخشی از فرهنگ ایرانیان آشنا شده است. تملق نیمرودی برای خاندان پهلوی با تعریف از رضاشاه به دلیل ایجاد سیستم آب‌رسانی در تهران برای شهروندان! نمود پیدا می‌کند و ضرورت این مهم که باید قدر آن را دانست!



نثار تاج گل سر قبر رضاشاه توسط نیمرودی و اسحاق رابین

در بخش دوم از فصل دوم نیمرودی از حاج علی کیا و دفتری که در نزدیکی دفتر خود به نیمرودی داده می‌گوید و سفری که به کردستان دارد و دیداری که از مرزهای عراق به عمل آورده و حیرت و شگفتی از نزدیکی به مرز یکی از دشمنان اسرائیل و پایه‌ریزی مقدمات یک سوءاستفاده همه‌جانبه از آن؛ به ویژه با احداث پایگاه‌های مرزی نزدیک خاک عراق.<sup>۱</sup> نیمرودی در این سفر با فردی به نام پالیزبان که کرد هم بوده، آشنا می‌شود؛ و اینکه بعدها با ایجاد رابطه باعث ارتقاء درجه پالیزبان شده است. در این بخش، گزارش از سفر مقامات نظامی هر دو طرف کماکان ادامه دارد؛ سفرهایی که عمدتاً برای استحکام پایه‌های رژیم پهلوی و اقدام علیه کشورهای عرب همسایه صورت می‌گرفت.

بده‌بستان نیمرودی با پالیزبان همچون قبل در بخش سوم برای جلب همکاری در

۱. برای اطلاع بیشتر رک: ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، خاطرات ارتشبد سابق حسین فردوست (دو جلد)، ویراسته عبدالله شهبازی، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۷۷.

کردستان ادامه دارد. ضمن آن که علاوه بر سرمایه‌گذاری روی پالیزبان از گرجی شاشا که در زمان مسئولیت به عنوان نمایندگی موساد در ایران او را جذب کرده بود نیز بهره کامل می‌برد؛ در حالی که مسئولین موساد با به کارگیری شاشا شدیداً مخالف بودند. در این بخش همچنین سیر محکم شدن روابط با کیا برای ایجاد دفتر اطلاعات ارتش و در نهایت داستان عزل کیا توسط شاه و دلخوری‌های کیا از سیستم و به قول خودش اجحافی که سیستم به او کرد و حتی کارش به بازداشت و... کشید، مطرح می‌شود.



نیمرودی بالای سر دیوید بن گوریون

فرود به‌ظاهر اضطراری هواپیمای دیوید بن گوریون در تهران در بخش چهارم شرح و بسط دارد و باید خواند و دید که چگونه اکثر نخست‌وزیران رژیم تا زمان وقوع انقلاب اسلامی به انحای مختلف به ایران رفت و آمد داشتند و چقدر برایشان این روابط مهم بود.

به دنبال تغییرات در سطح فرماندهان نظامی دو طرف، زوی صور رئیس جدید ستاد ارتش رژیم صهیونیستی نیز در تیر ۱۳۴۰ (ژوئیه ۱۹۶۱) دیدار مفصلی از ایران داشت و طی آن با شاه، نخست‌وزیر، رئیس ستاد ارتش ایران، رئیس رکن دو، رئیس ساواک و فرماندهان نیروهای دریایی، زمینی و هوایی دیدار کرد.

در بخش پنجم نیمرودی به آثار مثبت از سفر بن گوریون در روحیه خود می‌گوید و تلاش افزون او برای فعالیت بیشتر به ویژه با وقوع زلزله در بوئین‌زهر با رغم سنگ‌اندازی‌های وزارت خارجه ایران که نگران رابطه با اعراب بود؛ در حالی که شاه برای جذب کمک‌های نظامی-تسلیحاتی، کاملاً به اهمیت روابط با رژیم پی برده بود و در همین راستا اقدام می‌کرد.

او در این بخش به داستان حذف نام خود برای شرکت در یک مراسم رسمی با دخالت وزارت امور خارجه ایران به دلیل حضور میهمانان عرب می‌پردازد و از این بابت از وزارت خارجه بسیار گلایه‌مند است ولی فرصت پیش آمده برای کمک به زلزله‌زدگان در بوئین‌زهرا را برای نشان دادن حضور رسمی اسرائیل در ایران بسیار مغتنم می‌شمارد و از این بابت بسیار خشنود می‌شود.

آغاز بخش ششم همزمان با شروع نهضت حضرت امام (ره) در ایران است و مروری می‌باشد به بیانات ایشان در مقابله با شاه و رژیم؛ و این که بنا به ادعای امام شاه یهودی است! نیمرودی در این بخش نشان می‌دهد یا نسبت به اتفاقات ایران و مطالب مطرح ناآگاه است یا بسیار خبیث و تحریف‌گر.

سفر رئیس ستاد ارتش رژیم به ایران به صورت مشروح در این بخش مورد توجه واقع شده است و این که کشمکش اداری میان نیمرودی و مسئولین دستگاه‌های ذیربط در رژیم صهیونیستی بخشی از توان او را مصروف به خود می‌کرد به گونه‌ای که ظاهراً نمی‌توانستند روی نیمرودی حساب صددرصدی باز کنند و همواره نسبت به او و ادامه همکاری با او در ارتش یا سیستم اطلاعاتی تردید وجود داشته است. با این حال نیمرودی به درجه سرهنگی نائل می‌آید و این آخرین درجه او تا زمان جدا شدنش از سیستم نظامی است.

اوج گیری مبارزات حضرت امام (ره) و شدت یافتن خطر ایشان و زمزمه ترورشان نیز در این بخش مطرح شده است؛ طریقی که توسط سایر مأمورین رژیم صهیونیستی هم مطرح شد ولی امکان تحقق نداشت و در مقابل، این نظر و ایده مطرح و ترویج شد که شاه مخالف بوده!

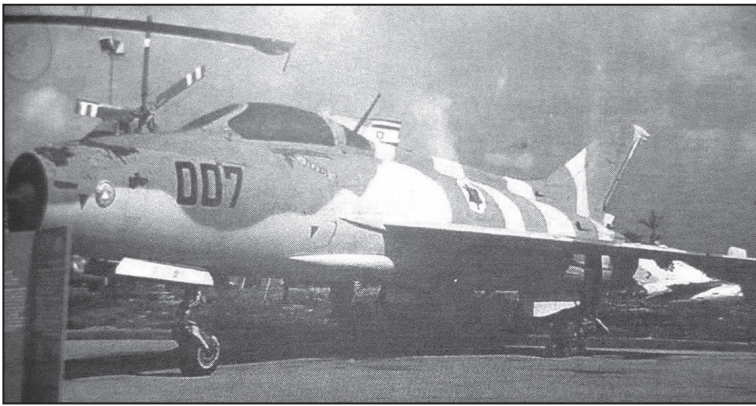


اهدای یوزی به طوفانیان

فروید به ظاهر اضطراری هواپیمای دیوید بن گوریون در تهران در بخش چهارم شرح و بسط دارد و باید خواند و دید که چگونه اکثر نخست‌وزیران رژیم تا زمان وقوع انقلاب اسلامی به انحای مختلف به ایران رفت و آمد داشتند و چقدر برایشان این روابط مهم بود

در بخش هفتم داستان جذاب خرید اسلحه یوزی از اسرائیل به بهانه تجهیز ارتش و تیم محافظ شاه پس از ترور او در کاخ بیان می‌شود؛ داستانی که عزری هم به آن در کتاب یادنامه خود می‌پردازد و این که گلدامایر ضمن موافقت با آن ملاحظه‌ای را مطرح می‌کند مبنی بر هراس از به کارگیری این سلاح توسط مخالفین شاه که البته بعد از پیروزی انقلاب اسلامی محقق می‌شود.

ضربه شاه به عراق و ناصر و مجهز شدن ایران به موشک هاوک هم از اهم موارد مطرح شده در بخش هفتم است. نیروی معتقد است که با نقش ویژه او یکی از باشکوه‌ترین عملیات‌های سازمان‌های اطلاعاتی در دنیا رقم خورده است و آن موفقیت عملیات الماس بود که جریان ربایش میگ ۲۱ ساخت روسیه توسط خلبان عراقی اتفاق می‌افتد، و بخش هشتم کتاب، به صورت مفصل داستان جذب خلبان و انتقال این جنگنده مهم از روس‌ها برای امریکایی‌ها توسط اسرائیلی‌ها را روایت می‌کند.



میگ ۲۱ دزدیده شده از عراق توسط اسرائیلی‌ها

نیرویی از فعالیت‌های اسرائیل در کردستان عراق به صورت پراکنده مطالبی مهم را در کتاب خود بیان می‌کند و بخش نهم از این کتاب گزارش از فعالیت یک مقام مهم نظامی - امنیتی اسرائیل در کردستان عراق به نام صوری ساگی است، البته بدون این که از نقش و جایگاه خود در این بخش سخنی به میان آورد. اما شرحی مفصل و نسبتاً کامل از یک دوره از



این روابط را الیعزر تسفریر در کتاب/نا کردی به زبان عبری به صورت داستان روایت می کند و از ابتدای ارتباط، نقش خاندان بارزانی از مصطفی تا مسعود در آن پیدا و غیر قابل انکار است؛ رابطه ای که در قالب دکترین پیرامونی ارزش و اهمیتی خاص پیدا کرده و تاکنون با فعال شدن جریانات دیگر مخالف جمهوری اسلامی در این منطقه، ابعاد مهم تری یافته است.



صوری ساگی و کردهای عراقی

در بخش دهم نیمرودی به شرح و بسط همکاری های نظامی، امنیتی و اقتصادی رژیم با ایران اشاره می کند و این که تبعات جنگ شش روزه برای ناصر به نفع شاه به چه مقدار اسباب رضایت شاه را فراهم کرده و دلیل موجهی برای شاه شده بود تا به اسرائیل نزدیک تر شود.



فریدون جم و نیمرودی



نیمرودی در خلال دوره سوم از حضور خود در ایران به داستان احداث تأسیسات آب شیرین کن در کیش می‌پردازد که ظرفیت تأمین نیاز آب یک میلیون نفر را داشت ولی عملاً چند هزار نفر فقط از آن استفاده می‌کردند

فریدون جم با نیمرودی و خانواده او بسیار نزدیک بود و نیمرودی هم بسیار از او تعریف و تمجید کرده است. بخش یازدهم، به ابعاد این رفاقت و الطاف و هدایایی که میان آنها رد و بدل شده، می‌پردازد و ایضاً عاقبت و سرنوشتی که فریدون جم از پس خدمت در رژیم پهلوی نصیبش می‌شود.

فصل سوم کتاب، دو بخش دارد و به دوران جدایی نیمرودی از خدمت در کسوت یک دولتمرد و آغاز فعالیت او در قد و قامت یک تاجر می‌پردازد. شاید ماهیت واقعی نیمرودی و نزدیکی او به پول و ثروت را بتوان در این فصل به وضوح حس کرد؛ آنچنان که رفیق نزدیک او آریل شارون هم به او می‌گوید: «شما برای تجارت مناسب هستید... بروید تجارت کنید.» از نکات قابل تأمل در فصل سوم این است که نیمرودی با وجود فعالیت از سال ۱۳۴۹ (۱۹۷۰) تا ۱۳۵۷ (۱۹۷۹) به عنوان تاجر، به مدت حدود ده سال، تنها دو بخش کوتاه از کتاب خود را به آن اختصاص می‌دهد. در حالی که طی سه دوره از حضور خود در ایران، دوره سوم یا دوره آخر، طولانی‌تر از دوره‌های قبل بوده است.

در بخش اول از فصل سوم، نیمرودی به وضوح از تمایل خود برای ارتقاء در ارتش و ناکامی در این هدف می‌گوید و اینکه به او می‌فهمانند که دیگر جایی برای رشد در ارتش ندارد و نیمرودی به خواست و تمایل اصلی خود به تجارت روی می‌آورد و با توجه به آشنایی از ایران در تیرماه ۱۳۴۹ (ژوئیه ۱۹۷۰) دوباره به ایران بازمی‌گردد ولی این بار برای تجارت و کسب درآمد؛ و از طریق تجارت در صنایع نظامی مثل توپ‌های خودکشی و تادیران و به ویژه وارد کردن صنعت آب شیرین کنی در رقابت با شرکت‌های اروپایی و امریکایی. او در خلال این تجارت به داستان احداث تأسیسات آب شیرین کن در کیش می‌پردازد که ظرفیت تأمین نیاز آب یک میلیون نفر را داشت ولی عملاً چند هزار نفر فقط از آن استفاده می‌کردند. دوران تجارت نیمرودی در ایران با وقوع انقلاب اسلامی پایان یافت و برنامه‌های نیمرودی را ناتمام گذارد و او با توجه به برنامه تمام اسرائیلی‌ها که جایی برای دوران پس از انقلاب اسلامی در ایران برای خود متصور نبودند، از ایران خارج شد. او در بخش آخر از فصل سوم ضمن اینکه آخرین مقام نظامی اسرائیلی که از ایران دیدن کرد را معرفی می‌کند به عملیات خروج اسرائیلی‌ها که الیعزر تسفریر در کتاب *شیطان بزرگ شیطان کوچک* به صورت مفصل به آن اشاره می‌کند، می‌پردازد؛ و البته نحوه خروج خود از کشور را بیان نمی‌کند و تا حدی به

ذهن متبادر می‌شود که خودش هم جزء آخرین اسرائیلی‌هایی بوده که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی از ایران خارج شده‌اند!



نیمرودی و موشه دایان

پیرامون ایران گیت یا ایران کنتر یا داستان مک‌فارلین سه روایت متصور است و به دلیل محرمانگی آن تاکنون داستان کامل و واقعی آن مشخص نشده است. این سه نظرگاه از سوی سه طرف ایرانی، اسرائیلی و امریکایی به عنوان طرف‌های درگیر در قضیه هم به صورت ناقص مطرح شده است؛ چراکه در هر یک از طرف‌های درگیر ماجرا، افراد متعددی فعال بوده‌اند که هر کدام می‌توانند با اطلاع از میزان دخالت خود، داستان را بازگو کنند.

یعقوب نیمرودی در فصل چهارم از

نگاه اسرائیلی نه تنها در این کتاب بلکه در کتاب مستقل دیگری داستان را به زعم خود روایت می‌کند و مدعی است که کل واقعیت ماجرا همین است که او می‌گوید. نیمرودی در کتاب *روزهای تهران* به ذکر خلاصه‌ای از داستان مک‌فارلین در هشت بخش می‌پردازد و چون از رهگذر درگیری در این قصه اتهامات زیادی متوجه او شده است، می‌خواهد که خود را با این نوشته تبرئه نماید. ولی با این اوصاف گویا موفق نبوده و به قول خودش داستان بی‌مهری در ارتقاء به سطوح عالی نظامی در این قسمت از زندگی او تکرار می‌شود و اگر کمی در تمایلات مادی نیمرودی تعمق داشته باشیم، وارد شدن این اتهامات را بی‌وجه نخواهیم دانست.

صرف نظر از ادعاهای نیمرودی یک واقعیت تلخ کماکان با قوت، شدت و تأسف فراوان وجود دارد که افراد درگیر در پرونده به مرور در حال از میان رفتن هستند و هنوز داستان واقعی روایت نشده است. شاید اسناد در آینده سخن بگویند یا مطالب و خاطراتی از فعالان درگیر در زمانی مناسب‌تر منتشر شود.

ایران با عراق در حال جنگ است و به سلاح نیاز دارد و کرکس‌هایی در این زمان به دنبال طعمه‌هایی حتمی و بی‌دردسر هستند. شامه عدنان قاشقچی تاجر اسلحه از عربستان و منوچهر قربانی‌فر با سابقه فعالیت در تأمین سلاح و تجهیزات جنگی با اصل و نسب ایرانی

ان شاء الله با انتشار روزهای تهران  
نسل جوان ایرانی و آزاده از اعراب و  
مسلمانان، به ماهیت واقعی رژیم‌های  
پوشالی پهلوی و صهیونیستی پی  
برده و بی خود و بی جهت سرمایه  
امت اسلامی را در گرداب  
عادی سازی روابط هدر ندهند

تیز می‌شود. آنان، نیمرودی را برای دلالی و  
وساطت و جلب نظر اسرائیلی‌ها و ارتباط با امریکا  
فرا می‌خوانند؛ ضمن آن که به دروغ نه تنها در  
این کتاب بلکه در منابع دیگر هم آمده است که  
اسرائیل نمی‌خواهد در این جنگ، ایران شکست  
بخورد و به همین دلیل به اضلاع دیگر طرف‌های  
درگیر به این پروژه ملحق می‌شود.

نیازهای ایران احصاء شده و مذاکره و پیگیری برای تأمین و انتقال سلاح آغاز می‌شود.  
امریکا برای تأمین مالی ضدانقلابیون کنترا در نیکاراگوئه تسلیحات خود را برای فروش از این  
طریق آماده می‌کند و مک‌فارلین به عنوان مشاور امنیت ملی ریگان مسئولیت این پرونده را  
بر عهده می‌گیرد. از سوی دیگر زیاده‌خواهی امریکا و سوءاستفاده از فرصت، آنها را متمایل  
به این می‌کند که به قول خود با دادن این امتیاز به ایران، گروگان‌هایشان در لبنان نیز با نفوذ  
ایران آزاد شوند.



از راست به چپ: نیمرودی، ارتشبد آریانا و اسحاق رابین

در بخش دوم نیمرودی بر روی گروگان‌گیری در لبنان متمرکز می‌شود و معامله و عملیات  
در حال شکل‌گیری است. امریکا مترصد این است که مهم‌ترین گروگان به نام ویلیام باکلی،  
مسئول سرویس سیا در بیروت آزاد شود؛ در حالی که او در مهر ماه سال ۱۳۶۴ (اکتبر سال  
۱۹۸۵) کشته شده است.

در بخش سوم اشاره می‌شود که امریکا حاضر است حتی بدون باکلی معامله ادامه داشته



ایران با عراق در حال جنگ است و به سلاح نیاز دارد و کرکس‌هایی در این زمان به دنبال طعمه‌هایی حتمی و بی‌درد سر هستند. شامه عدنان قاشقچی تاجر اسلحه از عربستان و منوچهر قربانی فر با سابقه فعالیت در تأمین سلاح و تجهیزات جنگی با اصل و نسب ایرانی تیز می‌شود. آنان، نیم‌رودی را برای دلالتی و وساطت و جلب نظر اسرائیلی‌ها و ارتباط با امریکا فرامی‌خوانند

باشد؛ در حالی که سیر انتقال یک محموله به تهران روایت شده و بعد هم در تدارک محموله دوم با نام عملیات کاپوچینو ۲ و تحویل در تبریز هستند. مقامات اسرائیلی در این مرحله برای جلوگیری از افشای داستان با توجه به رفتار ترک‌ها در حین پرواز هواپیما از فضای آن کشور، بخش سانسور نظامی را فعال کرده و از انعکاس هر گونه خبر و گزارشی در رسانه‌های اسرائیلی ممانعت به عمل آوردند. با تحقق دومین عملیات، اولین گروگان امریکایی به نام کنیش ویر آزاد می‌شود.

در بخش چهارم کتاب آمده که با آزادی ویر امیدواری طرفین برای ادامه معامله افزون گردید و مسئله نحوه انتقال موشک‌های تاو، هاوک و استینگر برای محموله سوم طی عملیات اسپر سو از طریق هواپیمای خاص هم حل شد؛ چراکه هواپیما و شرکت مربوطه و اندازه هواپیما برای این محموله مسئله‌ساز شده بود.

بخش پنجم کتاب با شرح ترند کثیف وزارت دفاع و در واقع وزارت جنگ رژیم صهیونیستی به توقف عملیات و نارضایتی ایران می‌پردازد؛ چراکه محموله با استفاده از انبارهای موشک‌های تاریخ گذشته رژیم با مسئولیت وزارت جنگ آنها تأمین گردید. نیم‌رودی در این مقطع خود را بسیار مخالف نشان می‌دهد تا بتواند از این حُقه مبرا شود. همه از ایران عذرخواهی کرده و در صدد جبران هستند در حالی که معلوم نشد که چه کسی در اسرائیل دست به چنین اقدامی زده است. چراکه پرز به عنوان مقام مسئول در این داستان خواستار توقف پیگیری در این مورد شده بود.

در بخش بعد نیم‌رودی نشان می‌دهد که چگونه طرفین در حال جبران شکست عملیات اسپر سو و برگرداندن اوضاع به حالت قبل هستند. در این قسمت از داستان شاهد ورود فردی به نام آمیرام نیر مشاور نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در امور ضد تروریسم هستیم که برای تضمین موفقیت و پرهیز از خرابکاری، کنار نیم‌رودی قرار می‌گیرد. نیم‌رودی دل خوشی از او ندارد چراکه محدوده اختیارات و آزادی او را سلب کرده بود. از سوی دیگر امریکایی‌ها می‌خواستند از فرصت به وجود آمده استفاده دیگری هم بکنند و آن اعزام یک هیئت با مسئولیت مک‌فارلین جهت برقراری مجدد ارتباط سیاسی میان امریکا و ایران بود.



نیمرودی و عزروایزمن

از وقایع و مذاکرات هیئت مذکور در تهران با حضور یک اسرائیلی به نام نیر مطلب جدیدی کشف نشده است ولی بعد از وقوع این اتفاق، سفر مذکور از طریق مجله هفتگی *الشراع* در لبنان در ۱۱ آبان ۱۳۶۵ (۲ نوامبر ۱۹۸۶) افشا گردید و یک افتضاح سیاسی همچون بمب خبری دنیا را متأثر از خود کرد.

تمام بخش هفتم به چگونگی افشای ماجرا و عواقب آن برای اشخاص و طرح‌های امریکایی و اسرائیلی اشاره می‌کند؛ تبعات ناگواری که برای شخص نیمرودی داشت؛ ویلیام کیسی رئیس آژانس مرکزی اطلاعات امریکا سکنه مغزی کرد؛ رابرت مک‌فارلین دست به خودکشی زد و بعد از چند وقت، آمیرام نیر نیز به طرز مشکوکی با سقوط هواپیما در امریکای لاتین جان سپرد.

نیمرودی در آخرین بخش تلاش می‌کند با شرح محاکمه و حمله‌ای که رقبای اسرائیلی و امریکایی به او داشتند خود را از اتهامات مالی این ماجرا مبرا کند؛ ماجرای که ابعاد آن هنوز افشا نشده است و به دلیل غیرقانونی عمل کردن همه طرف‌ها، امکان حقیقت‌گویی نیز به صورت کامل وجود ندارد.

نیمرودی برای چهار عملیات کیهان، کاپوچینوی ۱ و ۲ و اسپرسو تا قبل از آمدن آمیرام نیر، مورد اتهام واقع شد و کمیته تحقیق با مسئولیت رافائل وردی و الیاکیم روبینشتاین همکاران نیمرودی از جمله کیمچه، شویمیر ولدین در این ماجرا را متهم به دزدیدن پول

ایرانی‌ها کرده بودند. از سوی دیگر آمیرام نیر نیز با ورود به پرونده علیه نیمرودی اتهاماتی را مطرح کرد که کمیته تحقیق اسرائیلی را به پیگیری پرونده مصمم‌تر نمود. طرف امریکایی هم با مسئولیت پرونده نزد لارنس والش علیه نیمرودی وارد صحنه می‌شود و نهایتاً رسانه‌ها نیز به این داستان دامن زده و حتی معاریو به عنوان یکی از روزنامه‌های پیشرو، فضا و عرصه را بر نیمرودی تنگ می‌کنند و در این زمان نیمرودی با احساس تنهایی و شکست عمیق تصمیم به یک اقدام بی‌سابقه در این دست پرونده‌ها می‌گیرد که حتی وکیلش نیز با آن موافق نبوده و آن، طرح دعوا علیه دولت اسرائیل و گرفتن اعتراف از مقامات اسرائیلی و اذعان آنها به بی‌گناهی نیمرودی است. او پس از اتمام این پرونده که از سال ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۲ به طول انجامید، فقط و فقط برای ادب کردن سردبیر روزنامه معاریو، این روزنامه را خریده و سردبیر مورد نظر را اخراج می‌کند.

\*\*\*

امید است با انتشار این اثر برای اولین بار به زبان غیرعبری، جامعه علمی، تحقیقی و رسانه‌ای جمهوری اسلامی و علاقه‌مندان به این حوزه امکان اطلاع از نظرگاه یک اسرائیلی متعصب و پول‌دوست را بیابند؛ فردی که در تمام طول فعالیت خود چه در حوزه نظامی، چه تجاری و چه دیپلماتیک به مردم و سرزمین ایران لطمه وارد کرد و عملاً با انتشار خاطراتش که خلاصه‌ای از آن در این کتاب آمده است، دشمنی خود با این مرز و بوم را آشکار ساخت. ان شاءالله با انتشار این دست آثار نسل جوان ایرانی و آزاده از اعراب و مسلمانان، به ماهیت واقعی رژیم‌های پوشالی پهلوی و صهیونیستی پی برده و بی‌خود و بی‌جهت سرمایه امت اسلامی را در گرداب عادی‌سازی روابط هدر ندهند.

یقیناً محققین با مطالعه این کتاب فرصت آن را خواهند یافت تا با پژوهش، به حقیقت روابط عجیب و بسیار تأمل‌برانگیز شاه با رژیم پی برده و عداوت رژیم علیه انقلاب در دوران جنگ تحمیلی و پس از آن را حس کنند؛ حقیقتی که شخص نیمرودی با انتشار کتاب‌های خود به زبان عبری سعی در مکتوم نگه داشتن آن دارد تا روزنامه‌نگاران متوجه نشوند که چه بر سر این مرز و بوم رفته است.







# منابع و دیدگاه‌ها نقد متون،



## ترجمه و نقد مدخل امام خمینی در دایره المعارف بریتانیکا

(بخش دوم)

سهراب مقدمی شهیدانی

### مقدمه

در عصر حاضر دایره المعارف‌ها از جایگاهی راهبردی در عرصه پژوهش‌های خرد و کلان برخوردارند و ضمن بر ساختن ذهنیت عمومی در مورد پدیده‌ها، مفاهیم و جریان‌ها، در ترسیم سوگیری پژوهش‌ها نیز به شدت مؤثر هستند و اگر «دایره المعارف» را گلوگاه پژوهش در عصر حاضر بنامیم، سخن به گزافه و مبالغه نیست. بر این اساس بررسی دقیق و فنی دایره المعارف‌ها در هر عرصه و ساحتی ضروری می‌نماید؛ به ویژه اگر برخی مدخل‌های یک دایره المعارف حاوی تحریفات آشکار یا سوگیری پنهان باشد.

تردیدی نیست که پیروزی انقلاب اسلامی ضربه سهمگینی به ساختارهای سیاسی-فکری استکبار وارد ساخت و یکی از راه‌های جدی ابر قدرت‌ها در مقابله با این پدیده، تولید و ترویج روایت‌های تحریف آمیز است و وارد شدن القائات تحریف آمیز به دایره المعارف‌ها یکی از مخاطره آمیزترین انواع تحریف است.

با پیروزی انقلاب اسلامی نهضت دایره المعارف نویسی آغاز گردید و در این زمینه مراکز





و مؤسسات مختلفی تأسیس شد که برخی از آنها تا امروز به کار خود ادامه داده‌اند. با نگاهی به تولیدات این مراکز متأسفانه باید اذعان داشت که برخی از این آثار، و به صورت مشخص مدخل‌هایی که به «امام» اختصاص داده شده‌اند، حاوی غلط‌ها و تحریفات متعدد بوده است. به طور مثال می‌توان به مدخل مربوط به «امام خمینی» در *دایره‌المعارف بزرگ اسلامی*<sup>۱</sup> یا همان مدخل در *دایره‌المعارف تشیع*<sup>۲</sup> اشاره کرد که حاوی تحریفات و اغلاط متعدد محتوایی بود و پیش از این مورد نقد قرار گرفت.

نگارنده پس از نقد تفصیلی و مستدل دو مدخل فوق در دو اثر مستقل با عنوان: *نقدی بر مدخل خمینی، روح‌الله در دایره‌المعارف بزرگ اسلامی و نقدی بر مدخل امام خمینی در دایره‌المعارف تشیع*، اکنون مدخل امام خمینی در *دانشنامه بریتانیکا* را مورد بحث و بررسی تاریخی قرار می‌دهد.

مدخل «Ruhollah Khomeini: Iranian Religious Leader»، «روح‌الله خمینی؛ رهبر مذهبی ایرانی» در *دانشنامه بریتانیکا*، برای نخستین بار در ۲۹ تیر ۱۳۷۷ شمسی برابر با ۲۰ جولای ۱۹۹۸ میلادی منتشر گردید و تاکنون پنج بار در سال‌های ۲۰۰۹ (توسط لورا اتردرژ)، ۲۰۱۶<sup>۳</sup> (توسط نوح‌تیش)، ۲۰۱۸<sup>۴</sup> (دو بار توسط گروه ویرایشگران) و ۲۰۱۹ (توسط آدام زیدان)،<sup>۵</sup> مورد بازبینی محتوایی جدی قرار گرفت که مهم‌ترین آن مربوط به «آدام زیدان» در سال ۲۰۱۹ است. همچنین هشت بار دیگر اصلاحات جزئی در مدخل صورت پذیرفت.<sup>۶</sup>

ترجمه فارسی مدخل مزبور و بخش نخست نقد محتوای مخدوش آن، پیش‌تر در شماره ۷۰-۶۹ فصلنامه تخصصی *پانزده خرداد* تقدیم مخاطبان ارجمند گردید و اکنون بخش دوم آن مورد ارزیابی علمی قرار می‌گیرد. نقد حاضر بر اساس آخرین ویرایش این مدخل مربوط به ۱۴ می ۲۰۱۹ میلادی، نگارش یافته است.

در بخش نخست نقد این مدخل، موضوعاتی چون «عدم اشاره به سیادت امام»، «بی‌دقتی در استفاده از اصطلاحات علمی و ذکر برخی تواریخ»، «القای برخی مطالب تحریف‌آمیز در خصوص مرجعیت امام خمینی»، «عدم اشاره به نقش راهبردی امریکا در ماجرای انقلاب

۱. نگارش یافته توسط آقایان فرامرز حاج منوچهری، احمد پاکتچی و حمید انصاری در سال ۱۳۹۴ ه.ش.

۲. به قلم عمادالدین باقی، نویسنده و سیاستمدار نزدیک به نهضت آزادی و عضو ارشد بیت منتظری.

3. Laura Etheredge

4. Noah Tesch

5. Adam Zeidan

۶. برای اطلاع از جزئیات ویرایش‌ها به پیوند ذیل مراجعه کنید:

<https://www.britannica.com/biography/Ruhollah-Khomeini#accordion-article-history>



سفید»، «تأثیرپذیری از نگاه چپ‌زده در نگارش مدخل» و... مورد ارزیابی قرار گرفت و در نوشتار پیش رو بخش دوم نقد این مدخل تقدیم می‌گردد که در آن به بررسی علمی برخی موضوعات از قبیل «سیاه‌نمایی پیرامون جمهوری اسلامی»، «دادگاه‌های انقلاب و برخورد با مخالفان سیاسی»، «مسئله حجاب در جمهوری اسلامی»، «صدور انقلاب»، «ماجرای تسخیر لانه جاسوسی» و «ساخت حرم امام» می‌پردازیم. مقارنت مباحث این نوشتار با داغ شدن مجدد بحث حجاب به واسطه عملیات روانی جریان‌های معاند و دنباله‌های داخلی آن، جالب توجه است و التفات به پیشینه تاریخی سیاه‌نمایی دشمنان در متون معیار (خصوصاً در دانشنامه‌ها) پیرامون مقوله حجاب، در تحلیل توطئه پیچیده و جنگ ترکیبی دشمن، قطعاً مؤثر است و امید است این نوشتار مورد اقبال و استفاده پژوهشگران ارجمند واقع گردد. با این مقدمه، بخش دوم از نقد مدخل بریتانیکا در ذیل تقدیم می‌شود.

## سیاه‌نمایی پیرامون جمهوری اسلامی

### مسائل مربوط به استقرار نظام سیاسی

در بخشی از مدخل در مورد تحولات تاریخی پس از استقرار نظام، چنین نوشته‌اند:

خمینی به صورت تزلزل‌ناپذیر خود را متعهد کرد که ایران را به یک حکومت طبق نظریات اسلامی تبدیل کند. روحانیون شیعه ایران به صورت گسترده تدوین سیاست‌های حکومتی را به دست گرفتند، در حالی که خمینی در میان جناح‌های مختلف انقلابی داوری می‌کرد و تصمیمات نهایی در مورد موضوعات مهم را نیازمند به تأیید خودش قرار داد.

### نقد و بررسی

۱. امام خمینی در کتاب کشف/سرار خود در خصوص لزوم عمل به قوانین اسلامی، تصریحات فراوانی دارد. پایبندی امام خمینی به اصول اسلامی، امری نبود که بعد از پیروزی انقلاب، و استقرار نظام سیاسی بدان تصریح شود و در برهه‌های مختلف مبارزات خصوصاً در درس ولایت فقیه در سال ۴۸ و نیز در اغلب مصاحبه‌های سیاسی در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی بدان تصریح شده است و مردم و نخبگان سیاسی با ایده حکمرانی امام آشنا بوده و با وجود این و بلکه فقط به همین دلیل، با ایشان همراه شده‌اند لذا تعبیر «خمینی به صورت تزلزل‌ناپذیر خود را متعهد کرد که ایران را به یک حکومت طبق نظریات اسلامی تبدیل کند» تا حدود زیادی غلط‌انداز است و چنین القاء می‌کند که اسلام‌خواهی و اسلام‌گرایی امام خمینی امری پوشیده (و جزو سیاست‌های غیراعلامی و سر بسته ایشان) بوده و بعد از پیروزی



چنین رخ‌نمایی کرده است! حال آن که در امر واقع چنین نیست.

امام در دوران حضور در پاریس که هنوز نشانه‌های پیروزی برای بسیاری از سیاستمداران نیز روشن نبود، هرگز از بیان التزام به عقاید اسلامی لکنتی نداشت و بدان تصریح می‌نمود. به عنوان نمونه ایشان در مصاحبه با نشریه/لوموند<sup>۱</sup> در اردیبهشت ۵۷ چنین می‌فرماید:

در جامعه‌ای که ما به فکر استقرار آن هستیم، مارکسیست‌ها در بیان مطلب خود آزاد خواهند بود... هر کس آزاد است اظهار عقیده کند ولی برای توطئه کردن آزاد نیست.<sup>۲</sup>

امام همچنین در دی‌ماه ۵۷ در گفت‌وگو با مجله محلی<sup>۳</sup> پاریس می‌فرماید:

در اسلام دموکراسی مندرج است و مردم آزادند در اسلام، هم در بیان عقاید و هم در اعمال، مادامی که توطئه در کار نباشد و مسائلی را عنوان نکنند که نسل ایران را منحرف کنند.<sup>۴</sup>

همین نگاه تا پایان عمر مبارک امام نیز برقرار بود؛ چنان که در وصیت‌نامه امام خمینی می‌خوانیم:

تبلیغات، مقالات و سخنرانی‌ها و کتب و مجلات برخلاف اسلام و عفت عمومی و مصالح کشور حرام است و بر همه ما و همه مسلمانان، جلوگیری از آنها واجب است و از آزادی‌های مخرب باید جلوگیری شود از آنچه در نظر شرع حرام و آنچه خلاف مسیر ملت و کشور اسلامی و مخالف با حیثیت جمهوری اسلامی است، به طور قاطع اگر جلوگیری نشود، همه مسئول می‌باشند.<sup>۵</sup>

آنچه در این سخنان مشهود است آن که حضرت امام در تمام موارد به ارزش‌های اسلامی به عنوان خطوط قرمز اشاره کرده است؛ «همه آزادند مادامی که نسل ایران را منحرف نکنند»، «مارکسیست‌ها هم آزادند مادامی که قصد توطئه نداشته باشند»، «کتب و نشریات نیز آزادند مادامی که خلاف شرع و مخالف جمهوری اسلامی ننویسند». در تمام موارد می‌بینیم که انحراف جامعه از مسیر شرع را خط قرمز آزادی اعلام می‌کنند و هر کجا که کسی یا گروهی بخواهند با مطالب انحرافی و خلاف شرع، جامعه را به انحراف بکشاند آنجا

1. Le monde

۲. صحیفه امام، ج ۳، ص ۳۶۶.

3. local magazine

۴. صحیفه امام، ج ۵، ص ۴۶۸.

۵. همان، ج ۲۱، ص ۱۹۵.



آزادی‌شان محدود می‌شود و این حد دموکراسی است. لذا امام با ارایه یک مبنای مشخص و لازم (یعنی شرع مقدس و قوانین جمهوری اسلامی)، حدود آزادی‌های اجتماعی را برای همه تبیین می‌نمایند. طبعاً نباید انتظار داشت که رهبر انقلاب اسلامی، همه قیود و شرایط جزئی مرتبط را در قالب سخنرانی یا بیانیه و پیام و... ارایه کند! اما مواضع امام پیرامون مسائل اسلامی، آن هم قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، به اندازه‌ای است که مدخل‌نویسان بریتانیکا نتوانند تأکیدات امام بر ارزش‌های دینی در حکومت‌داری را امری عارضی و پسینی قلمداد نمایند.

۲. نویسندگان تلاش دارند همپای برخی نویسندگان مخالف انقلاب اسلامی، دوران استقرار جمهوری اسلامی را با تصدی‌گری صنفی روحانیت در عرصه سیاست و حکومت‌داری گره بزنند حال آن که اولاً امام خمینی در بدو ورود به ایران با تصدی‌پست‌های اجرایی توسط روحانیون مخالف بود و مناصب مهم اجرایی دولت انتقالی را بر اساس پیشنهاد و اصرار شورای انقلاب، به جمعی از تکنوکرات‌های اسلامی طرفدار غرب (خصوصاً آمریکا) واگذار نمود و ظرفیت سیاسی خود را در مرتبه‌ای بالاتر به نمایش گذاشت.

لذا در واکاوی این تعبیر که «روحانیون شیعه ایران به صورت گسترده تدوین سیاست‌های حکومتی را به دست گرفتند» می‌توان چنین گفت: اولاً اگر روحانیت شیعه در عرصه حکمرانی بر رأس هرم سیاست‌گذاری نزدیک شده، امری است که به خواست مردم و در فرآیندی کاملاً دموکراتیک به وقوع پیوست و لذا نقدی بدان وارد نیست. ثانیاً در همه ادوار جمهوری اسلامی، افرادی از غیر روحانیان در عالی‌ترین مناصب اجرایی و سیاست‌گذاری حضور داشته و از این رو، راه برای هیچ طیفی که در چهارچوب قانون اساسی و شریعت شیعی فعالیت نماید، بسته نیست تا تلقی انحصارگرایی به ذهن خطور کند.

### دادگاه‌های انقلاب و برخورد با مخالفان سیاسی

در بخشی از مدخل با تعبیری به غایت خارج از انصاف و ناسازگار با مستندات تاریخی نوشته‌اند:

در ابتدا رژیم وی در جهت خونخواهی سیاسی، صدها نفر از افرادی که برای رژیم شاه کار کرده بودند را اعدام کرد. پس از آن مخالفت‌های داخلی باقی‌مانده، سرکوب شد، اعضای آن مخالفت‌ها به طور سیستماتیک زندانی و یا کشته شدند. زنان ایرانی مجبور به پوشیدن حجاب بودند، موسیقی غربی و الکل ممنوع بود و مجازات‌های تجویز شده توسط قانون اسلامی جایگزین شدند.



## نقد و بررسی

۱. در این فراز مطالبی به غایت غیر علمی نگارش یافته که متن مدخل را به محتوای یک بیانیه سیاسی تقلیل داده است. از آن جمله نوشته شده، جمهوری اسلامی با هدف «خونخواهی سیاسی»، «صدها نفر» را صرفاً برای اینکه «برای رژیم شاه کار کرده بودند»، اعدام کرده است!

معلوم نیست با کدام مستند تاریخی چنین مدعای گزاف و بی‌راهی مطرح شده است که نظام اسلامی افراد را صرفاً به جرم کارگزاری رژیم شاه، اعدام کرده است! آیا به گمان نویسندگان مدخل، اگر کارگزاران یک رژیم سیاسی در قتل عام مردم مظلوم و بی‌گناه مشارکت یا مباشرت مستقیم داشته باشند، مجرم نیستند؟ آیا کسانی که در طی چند دهه، با اتکا به انواع روش‌های غیرقانونی و غیرشرعی، به سرقت اموال عمومی و تجمیع مال نامشروع مشغول بوده‌اند، نباید بعد از استقرار نظام اسلامی، مورد تعقیب قضایی قرار می‌گرفتند؟ متجاوزان به حریم شخصی و عفت عمومی چگونه؟ اگر این قبیل عناوین مجرمانه و شنیع، قابل ردیابی قضایی نباشد، اساساً فلسفه حقوق برای چیست؟ چرا دستگاه قضایی در یک نظام سیاسی باید وجود داشته باشد؟ آیا اگر جمهوری اسلامی خیل مجرمان غربگرای درباری را بدون تعقیب و مجازات به خود وامی‌گذارد، مردمی که نزدیک به دو دهه تمام، از جان و مال خود در جهت پیروزی این نهضت دینی ایثار کرده بودند و انتظار اقامه عدالت را داشتند، چه واکنشی بروز می‌دادند؟ آیا این مجرمان و بعضاً جانیان بالفطره، که دستشان تا مرفق در خون و مال مردم مظلوم آلوده بود، به ادامه جرم و جنایت مشغول نمی‌شدند؟ از همه اینها که بگذریم، در نظام‌های سیاسی مطلوب نویسندگان بریتانیکا، با مخالفان نظام سیاسی که با اساس نظام درگیر و در تدارک براندازی هستند، چه برخوردی می‌شود؟ با بانیان رفتارهای تروریستی و عاملان کشتار عمومی مردم، چگونه برخورد می‌شود؟ آیا مجازات اینان را مصداق خونخواهی سیاسی تلقی می‌کنند یا اجرای عدالت و دفاع از حقوق مردم و استیفای مصالح عمومی لقب می‌دهند؟

۲. جز یک مورد که به دست آقای خلخالی و در محل اقامت امام اجرای حکم صورت گرفت، در سایر موارد با تأکید امام خمینی، افراد بعد از برگزاری دادگاه و حضور اصحاب رسانه و پس از محرز شدن جرایم، محکوم و مجازات می‌شدند؛ مگر موارد خاص که برخلاف رویه حقوقی مطلوب رهبری نظام، و بر اساس اشتباهات فردی (که در همه انقلاب‌ها رایج بوده) صورت گرفته است که از کم و کیف این موارد خاص و خلاف روال نیز جمع‌بندی دقیقی در دست نیست و روایت‌های موجود نیز نوعاً در فضای سیاه‌نمایی و سیاست‌زدگی

مواضع امام پیرامون مسائل  
اسلامی، آن هم قبل از پیروزی  
انقلاب اسلامی، به اندازه‌ای است  
که مدخل نویسان بریتانیکا نتوانند  
تأکیدات امام بر ارزش‌های دینی  
در حکومت‌داری را امری عارضی  
و پسینی قلمداد نمایند

تولید شده است. گذشته از روایت‌های مخدوش معاندان،  
گاه روایت‌های تاریخی داخل کشور نیز مشوب و مغلوپ  
است؛ چنان که شخص آقای خلخالی در خاطرات خود  
مطالب غلوآمیز و بعضاً کاملاً نادرستی در مورد عملکرد  
دادگاه‌های انقلاب اسلامی ارایه کرده است.<sup>۱</sup>

۳. به نظر می‌رسد منظور اصلی از عبارت فوق، تعریض  
به عملکرد آقای خلخالی در دادگاه انقلاب باشد که در این  
مورد نیز نکات مهمی قابل ذکر است:

اولاً بعد از تعرض یکی از سران زندانی رژیم به مأمور نگهبان خود (که نزدیک بود او را از  
پای در آورد)، بحث ضرورت محاکمه این جنایتکاران در میان حلقه نزدیکان امام مطرح شد  
و تنها کسی که برای پذیرش این مأموریت پیشقدم شد، آقای خلخالی بود.  
ثانیاً در مورد شخص مرحوم خلخالی نیز باید گفت احکام او به پشتوانه فقاقت و اجتهاد وی  
صادر می‌شد و از این مسیر مشروعیت می‌یافت و جالب آنکه ایشان گرچه از شاگردان امام  
بوده اما از ایشان اجازه اجتهاد نداشت.<sup>۲</sup>

ثالثاً امام خمینی با دقت تاریخی و درایت کامل در حکم مرحوم خلخالی عبارتی آورده‌اند  
که پاسخی محکم است به تاریخ؛ و مسئولیت اقدامات دادگاه‌ها را رأساً متوجه شخص قاضی  
شرع می‌کند و نه انقلاب اسلامی و امام خمینی. ایشان در حکم آقای خلخالی چنین نوشته‌اند:

بسمه تعالی

۶۲ع ۹۹۱ [۵ اسفند ۱۳۵۷]

جناب حجت‌الاسلام آقای حاج شیخ صادق خلخالی - دامت افاضاته

به جنابعالی مأموریت داده می‌شود تا در دادگاهی که برای محاکمه

۱. به عنوان نمونه او در خاطرات خود در ذیل عنوان «فهرست برخی از اعدامی‌ها با تصاویرشان» از «جواد  
ذبیحی» (شماره ۴۷) نام می‌برد و تصاویر او را به عنوان یکی از اعدامی‌ها درج می‌کند؛ حال آنکه ذبیحی هرگز اعدام  
نشد بلکه پس از محکومیت و دو سال حبس، آزاد شد و بعداً توسط یک گروه خودسر به نام «شاهین» به دلایل  
نامعلومی ترور شد. با وجود این آقای خلخالی در لیستی که ارایه می‌دهد، ذبیحی را در جرگه اعدامی‌های اولیه  
قلمداد می‌کند و چنین می‌نویسد: «اولین افرادی که در شب ۲۴ بهمن ۱۳۵۷ حکم اعدام‌شان را در مدرسه رفاه در  
تشکیل اولین جلسه دادگاه پس از انتصاب به عنوان حاکم شرع دادگاه‌های انقلاب صادر کرده‌ام و در پشت‌بام  
مدرسه رفاه به جوخه اعدام سپرده شده‌اند.»

رک: ایام انزوا (خاطرات آیت‌الله خلخالی)، تهران، سایه، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۳۰۹ و ۳۲۳-۳۲۲.

۲. تنها مستمسک او در این جهت که به امام نسبت داده، نقل قول از شهید سید مصطفی خمینی مبنی بر  
حاشیه‌نگاری بر عروه است که خود ادعا کرده امام آن را دلیلی بر اجتهادش دانسته که البته در سایر منابع تأیید  
نشده است و با توجه به سیره امام بعید به نظر می‌رسد با چنین روایی بخواهند احراز اجتهاد نمایند! والله العالم.  
خلخالی گفته: «امام فرمود: مصطفی گفته بود که شما حاشیه عروه را هم نوشته‌اید و مجتهد هستید.» رک: ایام انزوا،  
تهران، سایه، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۲۹۱.

متهمین و زندانیان تشکیل می‌شود، حضور به هم رسانده و پس از تمامیت مقدمات محاکمه، با موازین شرعیه حکم شرعی صادر کنید. روح‌الله الموسوی‌الخمینی<sup>۱</sup>

تأکید امام خمینی در این متن بر «صدور حکم شرعی بر اساس موازین شرعیه» و پس از «تمامیت مقدمات محاکمه» است. مسئله مهمی که در هیچ کدام از انقلاب‌های جهان به چشم نمی‌خورد و نشان از آن دارد که انقلاب اسلامی و رهبری آن، نه تنها بنای بر برخورد سیاسی با مخالفان نداشته، که محاکمه سران جنایتکار پهلوی را نیز بر اساس ضوابط شرعی و قانونی دنبال می‌کرده است. صد البته خطای انسانی و برخورد سلیقه‌ای افراد، منتفی نیست و ممکن است در گوشه و کنار، اقداماتی برخلاف رویه صورت گرفته باشد که در هر نظام حقوقی دیگری نیز این میزان از خطا پذیرفته است و نمی‌توان از آن به عنوان یک انحراف قضایی سیستماتیک یاد کرد.

در تأیید این دیدگاه، لازم به یادآوری است که برخی از سران انقلاب اسلامی از جمله شهیدان مطهری<sup>۲</sup> و بهشتی، بیش از سایر منتقدان دادگاه‌های انقلاب اسلامی، به برخی اقدامات این جریان انتقاد وارد کرده، در مدت کوتاهی با موافقت امام خمینی، روند محاکمات در دادگاه‌های انقلاب را به طور کامل تغییر دادند. ناهماهنگی قضایی دولت موقت با دادگاه‌های انقلاب نیز در آشفته شدن فرآیند رسیدگی به جنایات سران رژیم تأثیر مستقیم داشت و آزاد کردن بسیاری از ضد انقلابیون سرشناس، جدای از اعتراض مردم، موجب فعال‌تر شدن ضدانقلاب گردید.<sup>۳</sup>

بعد از بروز انتقادات به برخی عملکردها، مسئله محاکمات انقلابی و اعدام‌ها، که چهره پیگیر و شاخص آن خلخال بود، به دستور امام متوقف گردید و تحت نظارت شورای انقلاب قرار گرفت و بنا شد آیین‌نامه جدیدی برای دادگاه‌ها تدوین شود.<sup>۴</sup> به پیشنهاد شهید بهشتی مقرر شد کمیسیون مختلط از اعضای شورا و نمایندگان دولت، آیین‌نامه مربوطه را در مدت زمانی معین به وسیله حقوقدانان باصلاحیت تنظیم کنند و به دنبال آن امام خمینی

۱. صحیفه امام، ج ۶، ص ۲۱۶.

۲. از جمله شهید مطهری ضمن انتقاد از برخی اقدامات دادگاه‌ها و با توجه به پرنرنگ کردن نقش آقای صادق خلخال در زمینه محاکمات و اعدام‌ها، معتقد بود: «تنها خلخال نیست. جوی است که او هم آمادگی دارد. در روزنامه‌ها متن حکم، جوری تنظیم می‌شود که عوامانه است و تعجب می‌کنم آنها قاضی هستند...» رک: صورت مذاکرات شورای انقلاب مورخ ۲۶ اسفند ۱۳۵۷.

۳. تاریخ ایران پس از انقلاب اسلامی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۱۰۳.

۴. یحیی فوزی، تاریخ تحولات سیاسی-اجتماعی پس از انقلاب، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۲۰۳.



در ۲۳ اردیبهشت ۱۳۵۸ در پیامی خطاب به دادستان کل انقلاب اسلامی (مهدی هادوی)، محدودیت‌های زیادی را برای اجرای احکام دادگاه‌های انقلاب ایجاد کرد.<sup>۱</sup> در تاریخ ۲۷ خرداد ۱۳۵۸ آیین‌نامه دادگاه‌ها و دادسراهای انقلاب به تصویب رسید<sup>۲</sup> و از این تاریخ به بعد محاکمات دادگاه‌های انقلاب، زیر نظر شورای انقلاب و دولت موقت قرار گرفت. در این فضا فرصت برای ایجاد بستر قانونی دادگاه‌ها از طریق شورای انقلاب فراهم آمد و شورا بعد از چند جلسه فشرده در ۵۸/۲/۲۷ مصوبه‌ای را در خصوص شکل‌گیری قانونی این دادگاه‌ها با صلاحیت‌های معین اعلام نمود. در واقع در این دوره، شکل اولیه دادگاه‌های انقلاب کاملاً تغییر یافت و پس از آن محاکمات قضایی به صورت ساختارمند (با نظارت دولت موقت و شورای انقلاب)، انجام می‌گرفت.<sup>۳</sup>

با توجه به اینکه از هنگامه پیروزی انقلاب اسلامی تا نیمه دوم اردیبهشت ۵۸ که فرآیند محاکمات دادگاه انقلاب به صورتی کاملاً ساختارمند در آمد و پس از آن شورای انقلاب و دادستان کل انقلاب و بدنه دولت موقت بر روند محاکمات نظارت داشته‌اند، لذا محل اصلی مناقشه نویسندگان و ادعای کشتار صدها نفره مخالفان توسط نظام، قاعداً مربوط به بازه سه ماهه نخستین است. اکنون باید از نویسندگان مدخل بریتانیکا پرسید در این مدت سه ماهه، چند نفر اعدام شده‌اند؟ تعداد مجموع اعدامی‌ها چه تناسبی با عدد نجومی مورد ادعای مدخل بریتانیکا دارد؟ چرا اسامی این صدها نفر که طبعاً با توجه به شانتاژ رسانه‌های معاند در سراسر جهان، اخبار محاکمه آنان به صورت گسترده مخابره شده، تاکنون منتشر نشده و به صورت غیر علمی و مبتنی بر کلی‌گویی، به اتهام‌زنی علیه نظام اسلامی می‌پردازند؟ سؤال دیگر آن که آیا همه محاکمات دادگاه‌های انقلاب، فاقد مقدمات حقوقی رایج بوده؟ به عنوان نمونه در مورد محاکمه هویدا، آیا جلسه علنی دادگاه با حضور اصحاب رسانه برگزار نشده؟ از این گذشته، آیا اعدامی‌ها از نظر نویسندگان بریتانیکا مرتکب هیچ جرم و جنایتی نشده‌اند؟ با کدام مستند به تبرئه این سَنخ متهمان پرداخته می‌شود در حالی که اسناد

۱. متن پیام به شرح زیر بود:

«بسم الله الرحمن الرحيم  
آقای دادستان دادگاه انقلاب اسلامی

در غیر از دو مورد زیر:

۱. کسی که ثابت شود آدم کشته است؛

۲. کسی که فرمان کشتار عمومی داده است و یا مرتکب شکنجه‌ای شده که منجر به مرگ شده باشد، هیچ دادگاهی حق ندارد حکم اعدام صادر کند و نباید اشخاص در غیر از دو مورد مذکور اعدام شوند. تخلف از این امر جرم است و موجب ثبوت قصاص، «رک: صحیفه امام، ج ۷، ص ۲۷۴.

۲. مجموعه قوانین سال ۱۳۵۸، دادگستری جمهوری اسلامی، روزنامه رسمی کشور، ص ۸۸.

۳. مجموعه قوانین سال ۱۳۵۹، روزنامه رسمی جمهوری اسلامی، ص ۹۲؛ فرهنگ‌نامه نهادهای انقلاب اسلامی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷، ص ۵۷.



سخنرانی ۱۵ اسفند ۱۳۵۷ امام  
مخالفت جریان‌ها و شخصیت‌های  
غرب‌گرا و برخی روزنامه‌ها  
(همچون کیهان) که در آن زمان  
گرایش چپ داشتند را برانگیخت  
و البته مردم متدین نیز به این  
اعتراضات واکنش نشان دادند  
و به طور مثال مردم به حمایت  
از کلمات امام در لزوم رعایت  
حجاب به تظاهرات روبه‌روی  
دفتر کیهان پرداختند

جنايات اغلب آنان در تاريخ ثبت شده و يکايک قابل  
بررسی علمی است. به نظر می‌رسد هنگام بررسی  
روند رخدادهاي انقلاب اسلامي، منطق جرم و جزا در  
لسان نويسندگان بریتانیکا تغيير کرده است!

سیاه‌نمایی علیه دادگاه انقلاب و تبرئه برخی  
جنایتکاران نامدار عصر پهلوی، رویه رایجی است  
که برخی نویسندگان غرب‌گرا و غربی پیش از  
نویسندگان مدخل‌مورد نقد نیز به دفعات پیموده‌اند؛  
به عنوان نمونه عباس میلانی، در نگارش پروژه  
سفارشی خود از زندگانی هویدا، به ماجرای

دادگاه‌های انقلاب وارد می‌شود و با اشاره به صدور حکم اعدام هویدا و به ادعای او محاکمه  
هزاران نفر دیگر در این دادگاه‌ها، به ترسیم چهره‌ای خشن و غیر واقعی از امام خمینی  
می‌پردازد و به طرز تعجب‌برانگیزی تمام اتهامات هویدا را با زبانی ادیبانه و شاعرانه، تبرئه  
می‌سازد!<sup>۱</sup> جالب آن که میلانی نه تنها هویدا را از اتهامات مربوط به دوران نخست‌وزیری  
که منجر به مشارکت در بسیاری از جنایات شاه و ساواک شده بود، تبرئه ساخته، بلکه بر  
خوابکاری‌ها و رسوایی‌های دوران دانشجویی او از جمله قاچاق در اروپا نیز به طرز بسیار  
پیش‌پافتاده‌ای سرپوش می‌گذارد و به ضرب‌المثل سیاه‌نمایی علیه نظام اسلامی تبدیل  
می‌شود.<sup>۲</sup>

۴. در بخشی از مدخل نوشته‌اند:

پس از آن مخالفت‌های داخلی باقی مانده، سرکوب شد، اعضای آن  
مخالفت‌ها به طور سیستماتیک زندانی و یا کشته شدند.

این بخش از مدخل نیز به احتمال زیاد به مجازات برخی سازمان‌های تروریستی و  
توطئه‌گر مانند سازمان مجاهدین خلق و حزب توده اشاره دارد یا مواجهه نظام اسلامی با  
برخی گروه‌های تجزیه‌طلب مدنظر آنان بوده که بحث و بررسی سوابق سیاه آنان متضمن

۱. عباس میلانی، معمای هویدا، تهران، اختران، ۱۳۸۰، ص ۹۹-۹۸.

۲. همان، ص ۱۲۶-۱۲۰.



مقالات مبسوط مستقل است و در برخی منابع به تفصیل بدان پرداخته شده است.<sup>۱</sup>

## مسئله حجاب در جمهوری اسلامی

نویسندگان مدخل با نگاهی یکسویه و بی‌ارتباط با روند تحولات تاریخی، تصویری غیر واقعی از اجرای قوانین اسلامی در ایران عصر انقلاب اسلامی ارایه داده و چنین نوشته‌اند: زنان ایرانی مجبور به پوشیدن حجاب بودند، موسیقی غربی و الکل ممنوع بود و مجازات‌های تجویز شده توسط قانون اسلامی جایگزین شدند.

در نقد مطالب پیشین نکاتی قابل ذکر است:

در ابتدا باید گفت که پدیده شوم بی‌حجابی، اساساً یک پدیده وارداتی است و ارتباطی با فرهنگ اصیل و نجیب ایرانی ندارد. بررسی خیانت‌ها و جنایت‌های فرهنگی غرب برای ترویج این بیماری فرهنگی موضوع پژوهشی مستقل و البته ضروری است که بدان اشاره‌ای گذرا خواهیم داشت.

برای نمونه در بخشی از متن سفرنامه هانری رنه دالمانی<sup>۲</sup> فرانسوی که در عصر قاجار سفرهایی به ایران داشت، با اشاره‌ای واضح به نقش رسانه‌ها در تخریب فرهنگ حجاب و عفاف آمده است:

اخیراً در یک روزنامه فکاهی که توسط مسلمانان در روسیه منتشر می‌گردد گراور بزرگی را مشاهده کردم که شکل رنگین مضحکی داشت. در این گراور یک زن ایرانی دیده می‌شد که با روی پوشیده در کالسکه مجللی نشسته بود و جمعی از فراشان و نوکران پیاده و سواره در جلو او افتاده بودند و به عابرین امر می‌کردند که صورت خود را بر گردانند و به کالسکه نگاه نکنند و تمام مردان حتی پسران کوچک هم روی خود را بر گردانده و پشت به کالسکه کرده بودند، بعضی از مردان هم چشمان خود را بسته بودند و از همه مضحک‌تر سگی هم در پایین این صورت دیده می‌شد که سر خود را

۱. برای اطلاع از روند شکل‌گیری و فعالیت‌های خرابکارانه و فرجام حزب توده رک: جمعی از پژوهشگران مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی (به کوشش)، حزب توده: از شکل‌گیری تا فروپاشی (۱۳۶۸-۱۳۲۰)، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۷.

پیرامون ماجرای مجازات‌های سال ۶۷ و روند تقابل جمهوری اسلامی با سازمان تروریستی منافقین نیز رک: سهراب مقدمی شهیدانی و محمدجواد فرح‌نژاد، روزگار قائم‌مقامی، تهران، بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۹۸.

در مورد عملکرد گروه‌های تجزیه‌طلب و نوع مواجهه نظام اسلامی با آنان نیز رک: اصغر حیدری، انقلاب اسلامی و گروه‌های تجزیه‌طلب در ایران، تهران، بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۹۳.

2. Henry d'Allemagne.

برگردانده بود تا چشمانش به کالسکه نیافتد. بدیهی است که تأثیر این نوع حملات بر ضد عقاید و عادات قدیمی بیش از تأثیر نطق و بیان خواهد بود و طولی نمی کشد که به نتیجه مطلوب خواهد رسید.<sup>۱</sup>

پهلوی اول به صورت آشکارا با عفاف عمومی و حجاب اسلامی به مبارزه برخاست و قانون ننگین اجباری شدن کشف حجاب را پیاده کرد اما واضح و بدیهی بود که این اقدام، سنخیتی با فرهنگ اصیل ایرانی ندارد و شکست خورد. از این رو پهلوی دوم مجبور به عدم اجرای این قانون ننگین شد و البته، پروژه عفت زدایی عمومی را به طرزی پیچیده و با تمرکز بر فرهنگ و رسانه با جدیت دنبال کرد.

مردم ایران با علم و اطلاع از ماهیت ضد دینی رژیم پهلوی، به نهضت اسلامی که به رهبری یک مرجع تقلید شیعی شکل گرفت، پیوستند و تا پیروزی، پای آن ایستادند و بعد از پیروزی نیز در تمام رفتارندوها و انتخابات های سر نوشت ساز، به ایده امام خمینی لبیک گفتند و جمهوری اسلامی را برگزیدند و به قانون اساسی با ماهیت اسلامی، رأی دادند. طبعاً در چنین وضعیتی، مسئله حجاب که اصل آن از ضروریات فقه شیعه است، به صورت مفروضه همه این انتخاب ها لحاظ شده است.

امروز جریانات انحرافی در ساحت رسانه و حتی در برخی محافل علمی بدون در نظر گرفتن واقعیات قطعی تاریخی، لزوم رعایت قانون اساسی را مورد خدشه قرار می دهند و پشتوانه های اجتماعی و حقوقی آن را زیر سؤال می برند اما در مقابل باید گفت تأکید حاکمیت دینی بر مسئله حجاب، از یک سو متکی به پشتوانه حقوقی مستحکم است و از دیگر سو، مورد مطالبه اکثریت قاطع جامعه ایرانی که نظام دینی را برگزیده بودند، می باشد؛ لذا دو گانه سازی کاذب در این قبیل امور، نه با واقعیت سازگار است و نه منطق علمی و حقوقی دارد.

مرور روند تاریخی قانونی شدن حجاب در ایران نشان می دهد که برخلاف القائات ناپخته و ناصحیح نویسندگان بریتانیکا، مسئله حجاب در روندی طبیعی، به قانون تبدیل شده است نه آن که محصول تصمیمات آنی ناشی از تحولات انقلابی باشد.

با نگاهی به متون حقوقی جمهوری اسلامی مشخص می شود که تا ۵ مهر ۱۳۶۰ هیچ قانون جزئی یا کلی در خصوص حجاب وجود ندارد. البته ریشه های قانون گذاری در کلام رهبر

۱. هانری رنه دالمانی، سفرنامه از خراسان تا بختیاری، ترجمه علی فرهوشی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۳۵، ص ۲۹۵-۲۹۴.

انقلاب اسلامی وجود داشت.<sup>۱</sup>

سخنرانی ۱۵ اسفند ۱۳۵۷ امام مخالفت جریان‌ها و شخصیت‌های غرب‌گرا و برخی روزنامه‌ها (همچون کیهان) که در آن زمان گرایش چپ داشتند را برانگیخت و البته مردم متدین نیز به این اعتراضات واکنش نشان دادند و به طور مثال مردم به حمایت از کلمات امام در لزوم رعایت حجاب به تظاهرات روبه‌روی دفتر کیهان پرداختند.<sup>۲</sup> این اعتراضات و طرفداری‌ها ادامه داشت و البته در شرایط پرتهاپ ابتدای انقلاب زمینه‌ای مناسب برای گروه‌های مشکوک پدید آورد تا با تعرض به زنان زمینه بدنامی نظام اسلامی را فراهم کنند. امام خمینی در تاریخ ۱۳ تیر ۱۳۵۹ در پاسخ به یک سؤال فرمودند:

بسم الله الرحمن الرحيم

[امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در پاسخ استعلام در مورد تعرض عده‌ای از افراد ناآگاه و احياناً ضدانقلاب، به بانوان بی‌حجاب دستوری به این شرح صادر فرمودند:]

ممکن است تعرض به زن‌ها در خیابان و کوچه و بازار، از ناحیه منحرفین و مخالفین انقلاب باشد. از این جهت، کسی حق تعرض ندارد و این‌گونه دخالت‌ها برای مسلمان‌ها حرام است، و باید پلیس و کمیته‌ها از این‌گونه جریانات جلوگیری کنند.<sup>۳</sup>

مباحث در خصوص قانون شدن حجاب تا سال ۱۳۶۰ ادامه یافت تا این که در تاریخ ۱۵ فروردین ۱۳۶۰ بخشنامه‌ای از طرف نخست‌وزیر وقت به کلیه وزارت‌خانه‌ها و

۱. ایشان در تاریخ ۷ دی ۱۳۵۷ در نوفل‌لوشاتو و در مصاحبه با کرکروفت (استاد دانشگاه روترکز امریکا) فرمودند:

«در اسلام زن باید حجاب داشته باشد، ولی لازم نیست که چادر باشد. بلکه زن می‌تواند هر لباسی را که حجابش را به وجود آورد اختیار کند. ما نمی‌توانیم و اسلام نمی‌خواهد که زن به عنوان یک شیء و یک عروسک در دست ما باشد. اسلام می‌خواهد شخصیت زن را حفظ کند و از او انسانی جدی و کارآمد بسازد. ما هرگز اجازه نمی‌دهیم تا زنان فقط شیئی برای مردان و آلت هوسرانی باشند.» رک: صحیفه/امام، ج ۵، ص ۲۹۴. همچنین در ۱۵ اسفند ۱۳۵۷ نیز با تأکید بر رعایت شئون اسلامی نسبت به وضعیت وزارت‌خانه و اماکن دولتی اعتراض نمودند:

«الان وزارت‌خانه‌ها- این را می‌گویم که به دولت برسد، آن طوری که برای من نقل می‌کنند- باز همان صورت زمان طاغوت را دارد. وزارت‌خانه اسلامی نباید در آن معصیت بشود. در وزارت‌خانه‌های اسلامی نباید زن‌های لخت بیایند؛ زن‌ها بروند اما با حجاب باشند. مانعی ندارد بروند؛ اما کار نکنند، لکن با حجاب شرعی باشند، با حفظ جهات شرعی باشند. نباید در آنجا ظرف طلا و نقره- که به نص اسلام حرام است- استعمال بشود.» رک: صحیفه/امام، ج ۶، ص ۳۲۹.

۲. کیهان، ۲۰ اسفند ۱۳۵۷، ص ۲.

۳. صحیفه/امام، ج ۱۲، ص ۵۰۲.



در مورد بنای حرم امام خمینی اما نقد و نظرهای مختلفی مطرح شده و از سال‌ها پیش از افتتاح آن، پیش‌بینی می‌شد که ساخت چنین بنای مجللی مورد سوءاستفاده معاندان و دلسردی محرومین و مستضعفان قرار گیرد و اکنون می‌بینیم در این مدخل چنین شده است

سازمان‌های دولتی صادر شد.<sup>۱</sup> بعد از این اتفاق، تحولات حقوقی و قانونی در زمینه حجا در بخش‌های مختلف نظام جمهوری اسلامی (دستگاه اجرایی، قضایی، شورای عالی انقلاب فرهنگی و...) پیگیری شد که هر نوع قضاوت در مورد عملکرد نظام در مسئله حجاب، بدون مطالعه این رخدادها، ناقص خواهد بود. نگاهی جامع و فراگیر به رویکردهای حاکمیتی جمهوری اسلامی به مسئله حجاب، نشان از آن دارد

که مواجهه با این مقوله، در فضایی گفتمانی، فرهنگی و حقوقی پیش رفته است و طبعاً نخبگان برآمده از آراء عمومی متکفل رقم زدن تمام تصمیمات اساسی در این عرصه بوده‌اند؛ فارغ از هر نگاهی که به نتایج آن داشته باشیم، مرور پیشینه وضع قوانین مرتبط با حجاب، نشان

۱. متن این بخش‌نامه به شرح ذیل است:

«مردم یعنی شما و برادران و خواهران شما که با فریادهای خالصانه خود تحقق آرمان‌های خویش را در چهارچوب جمهوری اسلامی خواستار شدند. در همین حال برادر و خواهر، فرزند رزمنده شما کارکنان دولت و خدمتگزاران ملت برای حفظ جمهوری اسلامی بهترین سرمایه خویش یعنی حیات خود را تقدیم می‌کنند و شکل و محتوای جمهوری اسلامی را به صورت امانت به دست تو و من می‌سپارند. بنابراین به عنوان پاسداری از خون شهدای انقلاب و نیز پاسخ متناسب به فریاد ملت که کارفرمای واقعی ما هستند موارد ذیل را خواستارم: ۳... خواهران عزیز رعایت فرهنگ انقلاب را که پوشش اسلامی، سادگی است جدا رعایت نمایند.

وزرا و مسئولین ملزم به اجرای دقیق مواد این بخش‌نامه هستند، بدیهی است این خدمتگزار کوچک نمی‌تواند از متخلفین صرف‌نظر کند که این امانت ملت است و تخلف از آن برای هر کس خیانت به امانت می‌باشد و نیز خدمت‌گزاران صدیق به مردم مورد تشویق مناسب قرار خواهند گرفت.» (مهناز بادران، مجموعه قوانین و مقررات مرتبط با عفاف و حجاب، تهران، شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، ۱۳۹۷، ص ۱۰۲) همچنین مطابق با «قانون بازسازی نیروی انسانی وزارت‌خانه‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت؛ ماده ۱۴، مصوب ۵ مهر ۱۳۶۰ اعمال خلاف اخلاق عمومی جرم محسوب شد و مطابق با ماده ۱۸ این قانون عدم رعایت حجاب اسلامی، عملی خلاف اخلاق عمومی محسوب شد:

«فصل دوم - انواع جرائم و خطاها

ماده ۱۴ - جرائم و خطاها که در این قانون مطرح است چهار قسم است:

۱. جرائم سیاسی و نظامی
۲. جرائم مالی و اداری
۳. تخلف‌های انضباطی
۴. اعمال خلاف اخلاق عمومی
- ماده ۱۸ - اعمال خلاف اخلاق عمومی عبارت است از:
  ۱. اعمال منافعی عفت عمومی
  ۲. تظاهر به فسق و فجور
  ۳. استعمال مشروبات الکلی و مواد مخدر
  ۴. اعمال و رفتار خلاف حیثیت و شرافت و شئون شغلی
  ۵. عدم رعایت حجاب اسلامی
  ۶. نشر و توزیع نوارهای مبتذل و یا عکس‌های مستهجن و صور قبیحه.»

همچنین مجلس شورای اسلامی ۱۷ تیر ۱۳۶۱ با تصویب «قانون خط مشی کلی و اصول برنامه‌های سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران» زمینه پیش‌گیری از ترویج بی‌حجابی را فراهم نمود: ←

از اهتمام ویژه حاکمیت به مدیریت مسئله حجاب از طریق مجاری حقوقی دارد.<sup>۱</sup> مهم‌ترین مصوبات قانونی مرتبط با مسئله حجاب به قرار ذیل می‌باشد:

قانون بازسازی نیروی انسانی مؤسسات دولتی و وزارتخانه‌های وابسته به دولت (۱۳۶۰/۷/۵)،<sup>۲</sup> قانون مطبوعات (۱۳۶۴/۱۲/۲۲)،<sup>۳</sup> قانون مقررات انتظامی هیأت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی کشور (۱۳۶۴/۱۲/۲۲)،<sup>۴</sup> تصویب «قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباس‌هایی که استفاده از آنها در ملاء عام خلاف شرع است یا عفت عمومی را جریحه‌دار می‌کند» (۱۳۶۵/۱۲/۲۸)،<sup>۵</sup> آئین‌نامه حفظ حدود و آداب اسلامی در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی (۱۳۶۶/۵/۶)،<sup>۶</sup> رعایت حجاب اسلامی در محیط کلیه دستگاه‌های اجرایی - بخش‌نامه نخست‌وزیری (۱۳۶۸/۹/۲۵)،<sup>۷</sup> ابلاغیه رعایت ظواهر شرعی و حجاب اسلامی در محیط کار قوه قضائیه

→ «ماده ۱۹ - در کلیه برنامه‌ها به ویژه اخبار، مسائلی که حاوی نکات زیر باشد، قابل پخش نیست. الف. جزء اسرار نظامی، سیاسی، اقتصادی کشور محسوب شود و یا بر اثر انتشار مورد سوءاستفاده دشمن قرار گیرد.

ب. تهمت به نهادها و ارگان‌های رسمی کشور و گروه‌ها و جمعیت‌ها و احزابی باشد که طبق قانون احزاب فعالیت آنها قانونی است.

ج. پخش آن موجب فساد اخلاق و هتک حرمت جامعه گردد «ان‌الذین یحبون ان تشیع الفاحشه فی‌الذین آمنوا...» (سوره نور، آیه ۱۹)

با تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۵ مرداد ۱۳۶۲، و تبصره ماده ۱۰۲ بی‌حجابی در معابر و انتظار عمومی جرم محسوب شد:

«ماده ۱۰۲ - هر کس علناً در انتظار و اماکن عمومی و معابر تظاهر به عمل حرامی نماید علاوه بر کیفر عمل تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌گردد و در صورتی که مرتکب عملی شود که نفس عمل دارای کیفر نمی‌باشد ولی عفت عمومی را جریحه‌دار نماید، فقط تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌گردد.

تبصره - زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انتظار عمومی ظاهر شوند، به تعزیر تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهند شد.» و مطابق با ماده ۱۴۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۲ خرداد ۱۳۷۵:

«ماده ۱۴۱ - هر کس علناً در انتظار و اماکن عمومی و معابر تظاهر به عمل حرامی نماید، علاوه بر کیفر عمل به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می‌گردد و در صورتی که مرتکب عملی شود که نفس آن عمل دارای کیفر نمی‌باشد ولی عفت عمومی را جریحه‌دار نماید فقط به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

تبصره - زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انتظار عمومی ظاهر شوند به حبس از ده روز تا دو ماه و یا از پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد.» رجوع شود به: سایت رسمی مرکز پژوهش‌های مجلس، سامانه قوانین: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/92683>

۱. در برخی منابع، قوانین مرتبط با مسئله حجاب به نحو تفصیلی آمده است. به عنوان نمونه رک: مهناز بادران، مجموعه قوانین و مقررات مرتبط با عفاف و حجاب و اخلاق و عفت عمومی، همان.

۲. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/90230>.

۳. سامانه ملی قوانین و مقررات جمهوری اسلامی: <https://qavanin.ir/Law/TreeText/83554>.

۴. همان: <https://qavanin.ir/Law/TreeText/83384>.

۵. همان: <https://qavanin.ir/Law/TreeText/85610>.

۶. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/100899>.

۷. رعایت ظواهر شرعی و حجاب اسلامی در محیط کار: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/131400>.



(۱۳۶۸/۹/۲۵)،<sup>۱</sup> تکلیف کلیه وزارخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت، بانک‌ها و مؤسسات وابسته به آنها به مراقبت کامل لزوم پوشش کارکنان و ارباب رجوع مطابق ضوابط اسلامی در محیط کلیه دستگاه‌ها (۱۳۶۹/۲/۹)،<sup>۲</sup> ابلاغیه قوه قضائیه: بر خورد قاطع و اعمال اشد مجازات درباره ترویج دهندگان فرهنگ منحط و مغایر با شئون اسلامی (۱۳۷۲/۳/۴)،<sup>۳</sup> قانون رسیدگی به تخلفات اداری (۱۳۷۲/۹/۷)،<sup>۴</sup> قانون گزینش معلمان و کارکنان آموزش و پرورش (۱۳۷۴/۶/۱۴)،<sup>۵</sup> تکمیل آئین‌نامه انضباطی دانشجویان جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۴/۶/۱۴)،<sup>۶</sup> اصول و مبانی و روش‌های اجرایی گسترش فرهنگ عفاف (۱۳۷۶/۱۱/۱۴)،<sup>۷</sup> مصوبه راهبردهای گسترش فرهنگ عفاف (۱۳۸۴/۵/۴)،<sup>۸</sup> تدوین سیاست‌های ارتقای مشارکت زنان در آموزش عالی (۱۳۸۴/۷/۲۶)،<sup>۹</sup> قانون ساماندهی مد و لباس (۱۳۸۵/۱۰/۱۲)،<sup>۱۰</sup> مصوبه اختصاص مبلغ یک میلیارد ریال به منظور تحقق هدف‌ها و وظایف پیش‌بینی شده در قانون ساماندهی مد و لباس به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۶/۷/۲۹)،<sup>۱۱</sup> دستورالعمل صدور مجوز برپایی نمایشگاه مد و لباس (۱۳۸۷/۲/۱۶)،<sup>۱۲</sup> آیین‌نامه اجرایی قانون ساماندهی مد و لباس (۱۳۸۷/۴/۹)،<sup>۱۳</sup> دستورالعمل صدور مجوز برپایی نمایشگاه / جشنواره مد و لباس ایرانی - اسلامی (اصلاحیه - مصوب ۱۳۸۸/۳/۹)،<sup>۱۴</sup> سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰/۱۰/۶)،<sup>۱۵</sup> مصوبه فرآیند و مرجع تدوین سند ملی مد و لباس (۱۳۹۹/۴/۲۵)،<sup>۱۶</sup>

۱. مرکز پژوهش‌های مجلس: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/131400>.

۲. سامانه قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران: <https://qavanin.ir/Law/TreeText/98691>.

۳. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/131481>.

۴. سامانه ملی قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران: <https://qavanin.ir/Law/TreeText/83454>.

۵. همان: <https://qavanin.ir/Law/TreeText/83524>.

۶. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/100401>.

۷. همان: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/100556>.

۸. سایت رسمی شورای عالی انقلاب فرهنگی: <https://sccr.ir/pro/1416>.

۹. همان: <https://sccr.ir/pro/1636>.

۱۰. سامانه ملی قوانین و مقررات جمهوری اسلامی: <https://qavanin.ir/Law/TreeText/116447>.

۱۱. همان: <https://qavanin.ir/Law/TreeText/118326>.

۱۲. همان: <https://qavanin.ir/Law/TreeText/249684>.

۱۳. همان: <https://qavanin.ir/Law/TreeText/120488>.

۱۴. همان: <https://qavanin.ir/Law/TreeText/124021>.

۱۵. همان: <https://qavanin.ir/Law/TreeText/184860>.

۱۶. همان: <https://qavanin.ir/Law/TreeText/286994>.

اصلاح آیین‌نامه اجرایی قانون ساماندهی مد و لباس (۱۳/۱۱/۱۴۰۰).<sup>۱</sup>

اختلاف میان موافقان و مخالفان قانونی شدن حجاب از ابتدای انقلاب وجود داشت و جنجال برانگیز نیز بود. جریان‌های غرب‌گرا و غیراسلامی همچون مجاهدین خلق در رد قانونی شدن حجاب اطلاعیه صادر کردند.<sup>۲</sup> و برخی روزنامه‌های زاویه‌دار نیز به پروپاگاندا و بزرگ‌نمایی نسبت به تظاهرات بخشی از زنان تهرانی، به مناسبت ۸ مارس و برخی شعارها علیه قانونی شدن حجاب اسلامی پرداختند. البته در مقابل، مردم مسلمان ایران که سخنان صریح امام خمینی نسبت به لزوم حفظ حجاب اسلامی در ادارات را شنیده بودند و مخالفت علنی این روزنامه‌ها با کلام امام را می‌دیدند به اعتراض و تجمع مقابل دفتر برخی از این روزنامه‌ها پرداختند.<sup>۳</sup> از جمله مخالفین قانونی شدن حجاب اسلامی سیمین دانشور بود که یادداشت وی در تاریخ ۱۹ اسفند ۱۳۵۷ در صفحه شش روزنامه کیهان منتشر شد و ۲۶ اسفند ۱۳۵۷ جوابیه آن یادداشت که به گفته کیهان نویسنده‌اش یک دانش آموز بود، در همان روزنامه و همان صفحه منتشر شد. مطالعه وصیت‌نامه شهدای هشت سال دفاع مقدس (که شاخص و نمونه مناسبی از قشر متدین دهه شصت هستند) حاکی از فراوانی توصیه به حفظ حجاب است و این مطلب بیان‌گر این است که لزوم حفظ حجاب اسلامی لااقل در بخش قابل توجهی از قشر متدین به عنوان یک ضرورت مطرح بوده است.

امروز نیز همان خط انحرافی توسط برخی فراری‌های خارج از کشور و البته برخی مسئولین غرب‌زده دنبال می‌شود. به عنوان مثال سخنان معاونت امور زنان دولت حسن روحانی در مورد بازنگری در قانون عفاف و حجاب قابل ذکر است که به شدت مورد استقبال رسانه‌های معاند همچون دویچه‌وله (۲۷ تیر ۱۳۹۶) و رادیو فردا (۲۷ تیر ۱۳۹۶) قرار گرفت.

## صدور انقلاب

در بخشی از مدخل در موضوع صدور انقلاب، چنین آمده است:

رشته اصلی سیاست خارجی خمینی، رها شدن کامل از جهت‌گیری شدید غربی شاه و پذیرش نگرش خصمانه و بی‌رحمانه نسبت به هر دو ابرقدرت، ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی بود. علاوه بر این، ایران سعی کرده است برند (تعریف خود) از احیای اسلام (اسلام احیاشده) را به کشورهای همسایه مسلمان، به ویژه در میان شیعیان آنها صادر کند.

۱. همان: <https://qavanin.ir/Law/TreeText/296591>.

۲. کیهان، ۲۳ اسفند ۱۳۵۷.

۳. همان، ۲۰ اسفند ۱۳۵۷.



## نقد و بررسی

۱. مسئله «صدور انقلاب» به نحو تلویحی مورد نقد نویسندگان بریتانیکا قرار گرفته است؛ در حالی که اولاً حکومت‌های غربی چند دهه است که برای بسط تئوری‌های سیاسی خویش در اقصی نقاط جهان، مبالغ هنگفتی هزینه می‌کنند و در موارد متعدد از ابزارهای نامشروع برای بسط سیطره گفتمانی و سیاسی و فکری خویش بهره می‌برند که هجوم و اشغال عراق و افغانستان از آخرین نمونه‌های آن است که به ادعای واهی امریکایی‌ها برای صدور دموکراسی به این کشورها، ریختن خون میلیون‌ها نفر مسلمان بی‌گناه را بر خود جایز شمرده‌اند! لذا چنین کسانی صلاحیت اظهار نظر و نقد صدور تئوری انقلاب اسلامی به سایر کشورها را ندارند.

از این گذشته، ماهیت انقلاب اسلامی اقتضای آن دارد که در حصار ملیت و مذهب متوقف نیست لذا «استکبارستیزی» و «حمایت از مسلمانان و نهضت‌های آزادی بخش» از مسائل ذاتی این نهضت دینی است که از ابتدای نهضت تا استقرار نظام و بعد از آن، در گام نخست چهل ساله، همواره ادامه یافته و در گام دوم نیز با قوت استمرار خواهد یافت. چیز پنهانی نبوده و نیست، موضوع غیر قابل دفاعی هم نیست؛ چرا که استکبارستیزی را می‌توان صفت ذاتی انقلاب اسلامی به شمار آورد؛ صفتی که در صورت کنار گذاشتن آن، انقلاب اسلامی دست‌خوش دگر دیسی هویتی خواهد شد. شعار «نه شرقی، نه غربی» که دال بر استکبارستیزی است، در بیان امام و مردم انقلابی ایران به صورت مستمر تکرار می‌شد<sup>۱</sup> و نادیده گرفتن آن نشان‌دهنده بی‌اطلاعی نویسنده یا فاصله گرفتن تعمدی او از ادبیات امام و شعارهای مردم است. امام به صورت جدی پیگیر تشکیل جبهه مستضعفین در مقابل مستکبرین جهان بود و می‌فرمود:

هان ای مسلمانان جهان و مستضعفان تحت سلطه ستمگران! بپاخیزید و دست اتحاد به هم دهید و از اسلام و مقدرات خود دفاع کنید و از هیاهوی قدرتمندان نهراسید که این قرن به خواست خداوند قادر، قرن غلبه مستضعفان بر مستکبران و حق بر باطل است.<sup>۲</sup>

امام از حزب مستضعفین و وارث زمین شدن آنان سخن رانده<sup>۳</sup> و هر گونه سازش با مستکبرین را منتفی می‌دانست و می‌فرمود:

سلامت و صلح جهان بسته به انقراض مستکبرین است؛ و تا این

۱. صحیفه امام ج ۱۸، ص ۴۶۲.

۲. همان، ج ۵، ص ۴۵۷؛ ج ۷، ص ۲۹۲؛ ج ۱۱، ص ۱۳۳ و ج ۱۵، ص ۱۷۱.

۳. همان، ج ۹، ص ۲۸۰.





سلطه طلبان بی فرهنگ در زمین هستند، مستضعفین به ارث خود که خدای تعالی به آنها عنایت فرموده است نمی رسند.<sup>۱</sup>

امام بر ضرورت نبرد مستضعفین و مستکبرین باور داشت و دستور پر خاش علیه مستکبرین را صادر می فرمود:

ای مسلمانان جهان و ای مستضعفان عالم! دست به دست هم دهید و به خدای بزرگ رو آورید و به اسلام پناهنده شوید، و علیه مستکبران و متجاوزان به حقوق ملت ها پر خاش کنید.<sup>۲</sup>

موضوع «صدور انقلاب» که از روش های دعوت به اسلام و مقاومت و از راه های حفظ نظام است، در نظر امام یکی از تاکتیک های مبارزاتی علیه مستکبرین است؛ چنان که به فرموده ایشان:

ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می کنیم؛ چرا که انقلاب ما اسلامی است و تا بانگ لاله لا اله الا الله و محمد رسول الله بر تمام جهان طنین نیفتد مبارزه هست. و تا مبارزه در هر جای جهان علیه مستکبرین هست ما هستیم.<sup>۳</sup>

مسئله «حمایت از مسلمانان و نهضت های آزادی بخش» و لزوم تشکیل امت واحد اسلامی نیز از مبانی محوری اندیشه سیاسی امام است و ایشان در این زمینه فرمودند:

کشور ایران با تمام قدرتی که دارد و با تمام قدرتی که خواهد پیدا کرد ان شاء الله، هیچ گاه نظر به این ندارد که تجاوز به یک ملت دیگر و یک کشور دیگر هر چه ضعیف باشد بکند، بلکه پشتیبان آنهاست. قدرت دارد، لکن قدرت خودش را صرف پشتیبانی از سایر مسلمین می کند.<sup>۴</sup>

دعوت به اسلام هم از داعیه های همیشگی امام بود که تا پایان حیات خویش بر آن پای فشرد و با نامه الهی - سیاسی به گور باچف نشان داد که ابایی از دعوت سران ابر قدرت ها نیز ندارد. برجسته کردن مسئله فلسطین و حمایت بی دریغ از مسلمانان بی دفاع فلسطین، تعیین روز جهانی قدس، مبارزه با رژیم صهیونیستی و غده سرطانی نامیدن آن، از اصول دینی برگرفته شده و مبنای حمایت از مسلمانان و جنبش های اسلامی می باشد. کمک های رژیم پهلوی به اسرائیل از دلایل عمده مبارزه امام با این رژیم بود.<sup>۵</sup> و اگر محقق مسئله فلسطین یا «صدور انقلاب» را از اندیشه امام حذف کند، طبیعتاً درک درستی از اندیشه امام ارایه نداده است.

۱. همان، ج ۱۲، ص ۱۴۴.

۲. همان، ج ۱۰، ص ۳۳۹.

۳. همان، ج ۱۲، ص ۱۴۸.

۴. همان، ج ۱۵، ص ۴۴۲.

۵. همان، ج ۵، ص ۱۸۷.



## ماجرای تسخیر لانه جاسوسی

پیرامون مسئله تسخیر لانه جاسوسی نیز در عبارتی کوتاه و جهت دار چنین نوشته‌اند:  
 خمینی حمله ناگهانی و ستیزه‌جویانه ایرانیان به سفارت امریکا در تهران  
 (۴ نوامبر ۱۹۷۹) را تأیید کرد و پرسنل دیپلماتیک امریکایی را بیش از یک  
 سال به عنوان گروگان نگاه داشت.

صحت‌سنجی مدعی نویسنده گان بریتانیکا در ماجرای «تسخیر لانه جاسوسی» که از آن  
 به عنوان «گروگانگیری پرسنل دیپلماتیک امریکایی» یاد کرده‌اند، نیازمند مرور تاریخی بر  
 روند رخدادهای مرتبط با این حادثه است.

بازخوانی این بخش از مدخل امام خمینی، ذهن را با این سؤال مواجه می‌کند که آیا جوانان  
 انقلابی ایران، بدون دلیل منطقی اقدام به تسخیر این مرکز کردند؟ آیا حرکت دانشجویان  
 پیرو خط امام «اشغال سفارتخانه امریکا» بوده است یا تعبیر «تسخیر لانه جاسوسی» و تعبیر  
 مشابه باید برای آن به کار رود که از یک سو دلیل این اقدام را در خود مستتر دارد و از طرف  
 دیگر، ادبیات رسمی نظام اسلامی در تمام سال‌های پیشین بوده است؟ آیا به نظر نویسنده،  
 سفارت امریکا لانه جاسوسی نبوده است؟

نکته مهمی که خود نشانه دیگری از جهت‌دار نویسی است، عدم اشاره به دلیل تسخیر  
 لانه جاسوسی است که در نتیجه آن، چنین القا شده است که دانشجویان انقلابی بدون دلیل  
 منطقی به این اقدام دست زده‌اند. بهتر بود به دلیل تسخیر که پناه دادن امریکا به شاه و امتناع  
 از تحویل او به ایران بود و نیز نقش موسوی خویینی‌ها<sup>۱</sup> و عدم اطلاع اولیه امام از ماجرای این  
 تسخیر نیز اشاره می‌شد.<sup>۲</sup>

اشاره همراه با تعریض و کنایه به حمایت تمام‌عیار امام از اقدام دانشجویان خط امام از  
 جهات مختلف قابل تحلیل است و اگر چه نویسندگان بریتانیکا با اتکا به این حمایت پسینی، به  
 دنبال محکوم کردن امام هستند اما حمایت قاطع امام از تسخیر لانه جاسوسی، امری مستدل  
 و کاملاً قابل دفاع و از اقدامات تاریخی ایشان است که در سایه مرور روند رخدادها، کاملاً  
 روشن خواهد شد.

۱. برای اطلاع بیشتر از ماجرای تسخیر لانه جاسوسی و نقش موسوی خویینی‌ها، رک: محمد رضا امینی، سراب  
 سیاست، قم، اشراق حکمت، ۱۳۹۰.

۲. امام خمینی در مورد عدم اطلاع از قصد اولیه دانشجویان تسخیرکننده لانه جاسوسی، می‌فرماید: «من احتمال  
 نمی‌دادم که آقای کارتر برخلاف همه موازین بین‌المللی عمل بکند و اینجا را مرکز جاسوسی و مرکز توطئه و مرکز  
 حکومت بر ملت قرار بدهد. ما حالا بعد از اینکه جوان‌های ما رفتند و شاید آنها روی این احتمالات رفته باشند که  
 من نمی‌دانم که آنها روی چه احتمال رفتند و مورد تأیید همه ملت ما شده است». (صحیفه امام، ج ۱، ص ۸۲)

امام خمینی تسخیر لانه جاسوسی را «یک انقلاب زیاده‌تر از انقلاب اول» نامیدند<sup>۱</sup> و طی یک سخنرانی در ۱۴ آبان ۱۳۵۸ در قم به دفاع از آن پرداختند.<sup>۲</sup>

پس از تسخیر لانه جاسوسی آمریکا توسط دانشجویان مسلمان پیر و خط امام، جیمی کارتر رئیس‌جمهوری آمریکا (احتمالاً با هماهنگی عوامل داخلی، به‌خصوص چند عضو کابینه دولت موقت)،<sup>۳</sup> «رمزی کلارک» و «ویلیام میلر» را برای ملاقات با امام خمینی به ایران اعزام داشت. در حالی که نمایندگان اعزامی به ترکیه رسیده بودند و خود را برای سفر به ایران آماده می‌کردند، پیام فوق‌الذکر حضرت امام صادر شد و آنان بدون اخذ نتیجه به آمریکا بازگشتند. پیام کوتاه و مختصر حضرت امام بلافاصله در جهان و رسانه‌های گروهی بین‌المللی انعکاس گسترده و کم‌نظیری یافت. یادگار حضرت امام آقای سید احمد خمینی در این باره تصریح می‌کنند:

حضرت امام به محض اطلاع، اعلامیه‌ای صادر فرمودند و در آن اطلاعیه هیأت امریکایی را نپذیرفتند و به همه اعضای شورای انقلاب، هیأت دولت موقت و سایر مسئولین تذکر دادند که هیچ‌کس حق ملاقات با

۱. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۴۹۳.

۲. همان، ص ۴۹۲.

بخشی از سخنان امام به شرح ذیل است:

«آن مرکزی هم که جوان‌های ما رفتند گرفتند - آن طور که اطلاع دادند - مرکز جاسوسی و مرکز توطئه بوده است. آمریکا توقع دارد که شاه را ببرد به آنجا مشغول توطئه، پایگاهی هم اینجا برای توطئه درست کنند. و جوان‌های ما بنشینند و تماشا کنند. باز ریشه‌های فاسد به فعالیت افتاده بودند که ما هم دخالتی نکنیم و جوان‌ها را بگوئیم که شما بیرون بیاوید از آنجایی که رفتند. جوان‌ها یک کاری کردند برای اینکه دیدند، آخر ناراحت کردند این جوان‌ها را. یک شاهی که در طول پنجاه سال این مملکت را به غارت کشیده است و به چپاول برده است و داده است و داده خوردند و خودش خورده است، و بالاتر از این، این قدر قتل نفس کرده است، کشتار عمومی کرده است... توقع دارند که یک کسی که پنجاه سال به این ملت آن طور کرده است و حالا آمریکا با یک بهانه بی‌خود او را برده است نگه داشته در پناه خودش، و برایش وسایل آرامش تهیه کرده است، و به اسم مریض بودن یا به واقع مریض بودن - فرقی نمی‌کند - او را برده در آنجا و نگه داشته، و جوان‌های ما که آنجا اظهار مخالفت می‌کنند، آنها را یا متفرق می‌کنند یا حبس می‌کنند. به همین دو، سه روز که در آن مجسمه آزادی - که یک دروغ شاخ‌داری است در آمریکا، آزادی - جوان‌های ما رفتند به آنجا متوسل شدند و یک پارچه بستند به آنجا که شاه را باید بدهید. پلیس رفته و آنها را متفرق کرده و چند نفر از آنها را گرفته است. توقع این هست که جانی دستِ او را ببرند آنجا نگه دارند و حمایت از او بکنند، و اینجا هم مرکز توطئه درست کنند، و مرکز پخش چیزهایی که توطئه‌گری است درست بکنند، نمی‌دانم، همه چیزهایی که می‌خواهند بکنند، بکنند و ملت ما و جوان‌های ما و جوان‌های دانشگاهی ما و جوان‌های روحانی ما بنشینند تماشا کنند تا خون این صد هزار نفر تقریباً - یا کمتر و بیشتر - هدر برود، برای اینکه احترامی قائل بشوند به آقای کارتر و امثال اینها. توطئه‌ها نباید باشد. البته اگر توطئه نبود، اگر این خرابکاری‌ها نبود، اگر آن کار فاسد نبود، همه مردم آزادند در اینجا موجود باشند. اما وقتی توطئه هست در کار، وقتی که آن طور کارهای فاسد انجام می‌گیرد، ناراحت می‌کند جوان‌های ما را. جوان‌ها توقع دارند در این دنیا که مملکتشان - که این قدر برایش زحمت کشیدند - دستشان باشد. وقتی می‌بینند توطئه است که می‌خواهند که دوباره برگردد به حال سابق و دوباره همه چیزشان به باد برود، نمی‌توانند بنشینند».

۳. همان، ص ۵۰۴.

این هیأت امریکایی را ندارد. نکته قابل توجه در این اعلامیه آن است که این تنها اعلامیه حضرت امام است که بدون «بسم الله الرحمن الرحیم» است همانند سوره برائت در قرآن کریم.<sup>۱</sup>

پیام امام به شورای انقلاب و مسئولان دولتی مبنی بر «عدم ملاقات با نمایندگان امریکا»، در تاریخ ۱۶ آبان ۱۳۵۸، صادر شد.<sup>۲</sup> در جای دیگر امام خمینی، ضمن یادآوری سازش ناپذیری خود با رژیم شاه در ابتدای نهضت، بار دهر نوع مذاکره با امریکایی‌ها، پیش شرط هر مذاکره‌ای را تحویل شاه، و دست برداشتن از توطئه علیه ایران و همچنین انسانی شدن روابط خصمانه دولت امریکا با مردم ایران بر می‌شمارند. ایشان ضمن اشاره به ریشه‌های تاریخی خیانت‌های امریکا، صراحتاً به طرح برخی مطالبات مهم ملت از جمله استرداد شاه پرداخته، امریکا را در موضع ضعف و انفعال قرار می‌دهد.<sup>۳</sup>

مقارنت استعفای دولت موقت با تسخیر لانه جاسوسی، حرکتی معنادار تلقی می‌شود که ناظر به پیوند فکری اعضای نهضت آزادی با دولت امریکا و نشانه اختلاف بنیادین با

۱. مجموعه آثار یادگار امام حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سید احمد خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، عروج، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۴۱.

۲. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۵۰۴.

متن این پیام تاریخی به قرار زیر است:

«از قرار اطلاع نمایندگان ویژه کارتر در راه ایران هستند و تصمیم دارند به قم آمده و با اینجانب ملاقات نمایند. لهذا لازم می‌دانم متذکر شوم دولت امریکا که با نگهداری شاه، اعلام مخالفت آشکار با ایران را نموده است و از طرفی دیگر آن طور که گفته شده است سفارت امریکا در ایران محل جاسوسی دشمنان ما علیه نهضت مقدس اسلامی است، لذا ملاقات با من به هیچ وجه برای نمایندگان ویژه ممکن نیست و علاوه بر این:

۱. اعضای شورای انقلاب اسلامی به هیچ وجه نباید با آنان ملاقات نمایند.

۲. هیچ یک از مقامات مسئول حق ملاقات با آنان را ندارند.

۳. اگر چنانچه امریکا، شاه مخلوع - این دشمن شماره یک ملت عزیز ما - را به ایران تحویل دهد و دست از جاسوسی بر ضد نهضت ما بردارد، راه مذاکره در موضوع بعضی از روابطی که به نفع ملت است باز می‌باشد. روح‌الله الموسوی الخمینی».

۳. صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۱۶.

در بخشی از سخنان امام چنین می‌خوانیم:

«روابط اینها با همه جا داشتند، مرکز جاسوسی شاید شرق بوده اینجا. اینجا را جای امنی برای خودشان درست کرده بودند. آقای «آریامهر» اینجا را تقدیم کرده بود به اینها هر کاری بخواهند بکنند. مرکز جاسوسی همه جا بوده، می‌گویند نه مخصوص به ایران بوده است، برای همه جا، اینجا مرکزیت برای همه جا داشته است، و مرکز توطئه برای همه جا بوده است. این مرکز را از اینجا کلکش را بکنند، و آن خائن را هم دست ما بدهند تا [برای] ما جای این پیدا بشود که حالا ما بنشینیم یک صحبتی بکنیم. در زمان محمدرضا - آن اوایل نهضت - دست و پا می‌کردند که یک تفاهمی بشود. یک دفعه که آمدند پیش ما که می‌خواهیم که مثلاً ملاقاتی، چیزی طرح بشود، من به ایشان گفتم که «عَلَم» هستش؛ ما وارد مذاکره نمی‌شویم، شما اول «علم» را کنار بگذارید، بعد وارد مذاکره بشویم، ببینیم چه بگوییم. حالا ما این مرکز جاسوسی در اینجا بیاست، و تا آن خائن را که آنجا بردند و آنجا هم یک مرکز جاسوسی دیگر می‌خواهند درست بکنند و یک مرکز توطئه دیگر می‌خواهند درست بکنند. تا آن آنجاست و این اینجا است، جای صحبت نیست. نه من صحبت می‌کنم نه کس دیگر. وقتی این دو تا از بین رفت، آن وقت بنشینیم ببینیم باید چه بگوییم. ببینیم که آیا رابطه ما، رابطه یک مظلوم با یک ظالم، یا قلدر با یک مستضعف است. نه، ما دیگر رابطه‌ای نداریم، و اگر رابطه انسانی است، روابط انسانی با هیچ جا مانعی ندارد، و ما با ملت‌ها خوب هستیم».

مسئله «صدور انقلاب» به نحو تلویحی مورد نقد نویسندگان بریتانیکا قرار گرفته است؛ در حالی که حکومت‌های غربی چند دهه است که برای بسط تئوری‌های سیاسی خویش در اقصی نقاط جهان، مبالغه‌گفتی هزینه می‌کنند و در موارد متعدد از ابزارهای نامشروع برای بسط سیطره گفتمانی و سیاسی و فکری خویش بهره می‌برند

اندیشه‌های سیاسی امام و جامعه انقلابی ایران است. در متن استعفای مهندس بازرگان، از «دخالت‌ها، مزاحمت‌ها، مخالفت‌ها و اختلاف نظرها» به عنوان عواملی که «انجام وظایف محوله و ادامه مسئولیت را برای بازرگان و همکارانش غیرممکن ساخته» یاد شده است.<sup>۱</sup>

اعتراض پردامنه فعالان سیاسی-اجتماعی و توده‌های انقلابی به دیدار برخی از اعضای دولت موقت با برژینسکی-معاون امنیتی کارتر-یکی از زمینه‌های تسخیر لانه جاسوسی است که در بیانیه‌ها و گفت‌وگوهای مطبوعاتی نیز نمود یافته است. مسعود

بهنود از فعالان مطبوعاتی اصلاح طلب، در کتاب ۲۷۵ روز بازرگان، ضمن اشاره به این دیدار، بخشی از اعلامیه اعتراضی طلاب حوزه علمیه قم در اعتراض به ملاقات جنجالی بازرگان-برژینسکی را انعکاس داده است. این اعلامیه در ۱۳ آبان ۵۸، و به امضای حوزه علمیه قم، انتشار یافت و در آن، ضمن حمایت از تسخیر سفارت آمریکا، برای نخستین بار از آن به عنوان «لانه جاسوسی» تعبیر شد. این اعلامیه، ضمن اشاره به موضع قاطع امام، به تقابل دو خط موازی در ایران می‌پردازد، و دولت موقت به عنوان نماد خط آمریکا و در مقابل خط دشمنی با آمریکا معرفی می‌شود. در بخشی از این بیانیه آمده است:

در این هنگامه ناگهان جرس فریاد بر می‌دارد که ملاقاتی با برژینسکی معاون امنیتی کارتر صورت گرفته و تازه متوجه می‌شویم که بدون اجازه امام بوده است و دو خط به وجود می‌آید؛ خط آمریکا و خط دشمنی با آمریکا.<sup>۲</sup>

در کتاب ۲۷۵ روز بازرگان، از گفت‌وگوی مطبوعاتی دانشجویان تسخیرکننده سفارت آمریکا نیز گزارشی انعکاس یافته که حاوی مطالب مهمی است. بر اساس مطالب طرح‌شده در

۱. متن این استعفا که مندرج در روزنامه‌های کثیرالانتشار روز ۱۵ آبان ۵۸ بوده است، در پی می‌آید: «بسم الله الرحمن الرحیم. حضور محترم حضرت آیت الله العظمی روح الله الموسوی الخمينی! با کمال احترام معروض می‌دارد پیر و توضیحات مکرر و نظر به اینکه دخالت‌ها، مزاحمت‌ها، مخالفت‌ها و اختلاف نظرها، انجام وظایف محوله و ادامه مسئولیت را برای همکاران و اینجانب مدتی است غیرممکن ساخته و در شرایط تاریخی حساس حاضر نجات مملکت و به ثمر رساندن انقلاب بدون وحدت کلمه و وحدت مدیریت میسر نمی‌باشد، بدین وسیله استعفای خود را تقدیم می‌دارم تا به نحوی که مقتضی می‌دانند کلیه امور را در فرمان رهبری بگیرند یا داوطلبانی را که با آن‌ها هماهنگی وجود داشته باشد مأمور تشکیل دولت فرمایند. با عرض سلام و دعای توفیق. مهدی بازرگان، ۵۸/۸/۱۴»؛ مسعود بهنود، ۲۷۵ روز بازرگان، تهران، علم، ۱۳۸۸، ص ۸۰۵-۸۰۴.

۲. همان، ص ۸۰.



این گفت و گوی مطبوعاتی، دانشجویان تسخیر کننده لانه جاسوسی می گویند که فکر تسخیر مربوط به مدت ها قبل بوده است ولی «مذاکرات دولت با هیئت امریکا و پیام امام»، کار آنها را تسریع کرده است.<sup>۱</sup>

معصومه ابتکار به دیدار بازرگان و برژینسکی اشاره می کند و به واکنش منفی مردمی نسبت به ارتباط سران دولت موقت با نمایندگان دولت امریکا در الجزایر، می پردازد و می نویسد:

ملاقات الجزیره در ۴ آبان ماه ۱۳۵۸ میان زیگنیف برژینسکی مشاور امنیت ملی جیمی کارتر و مهدی بازرگان و ابراهیم یزدی برگزار شد.<sup>۲</sup> بلافاصله پس از پخش خبر این ملاقات در تهران، دو میلیون تظاهرات کننده خشمگین با شعار مرگ بر امریکا به خیابان ها ریختند.<sup>۳</sup>

آن گونه که می خوانید، مذاکرات اعضای دولت موقت با هیئت امریکایی به سرپرستی برژینسکی، یکی از دلایل تسخیر لانه جاسوسی عنوان شده است. اقدام مشکوک دولت موقت در الغای یک طرفه قراردادهای اقتصادی - تسلیحاتی ایران با امریکا، یکی دیگر از نشانه های پیوند فکری اعضای دولت موقت با دولت امریکا است. این اقدام سنسجیده، بهانه ای برای استنکاف دولت امریکا از باز پس دادن مبالغ پیش پرداخت قراردادهای ایران گشت و تاکنون منشأ خسارت های مالی فراوان شده است. در این زمینه، تاکنون موضع گیری روشنی از سوی وزیر امور خارجه وقت دولت موقت - ابراهیم یزدی - صورت نگرفته است. در روز ۱۴ آبان ۵۸ که استعفای دولت موقت در همین روز اتفاق افتاده است، دولت موقت در آخرین اقدام مهم خود، «به پیشنهاد وزارت امور خارجه، همکاری با ایالات متحده امریکا را که در ۱۴ اسفند ۱۳۳۷ منعقد شده بود، لغو کرد».<sup>۴</sup>

در روز ۱۴ آبان و تنها یک روز پس از تسخیر لانه جاسوسی، هیئت دولت ضمن تشکیل جلسه ای طولانی، تصمیم به استعفا گرفت.<sup>۵</sup> خانم معصومه ابتکار از دانشجویان تسخیر کننده لانه جاسوسی، در روایت مکتوبش از ماجرای تسخیر، به رابطه علنی کابینه دولت موقت با امریکا می پردازد و می گوید: «مهدی بازرگان که دولت خود را به چاقویی بی دسته تشبیه

۱. همان، ص ۸۰۳.

۲. جیمز ا. ایل، به نقل از شیر و عقاب: روابط بدفرجام ایران و امریکا، ترجمه فروزنده برلیان و دیگران، تهران، فاخته، ۱۳۷۱، ص ۲۹۴.

۳. معصومه ابتکار، تسخیر: اولین روایت مکتوب از درون سفارت تسخیر شده امریکا در تهران، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۹، ص ۱۰۰.

۴. همان.

۵. مسعود بهنود، همان، ص ۸۰۴.



کرد، رابطه علنی با امریکا برقرار نموده بود، آنها به خاطر سادگی بر باد رفتند.»<sup>۱</sup> وی در ادامه به نقل از جیمز بیل، می نویسد: «برخی از میانه روها عقیده داشتند در شرایطی که دشمنان کشور را محاصره کرده اند، حمایت امریکا بسیار مهم است.»<sup>۲</sup>

معصومه ابتکار پس از تحلیل مشی سیاسی اعضای دولت موقت و اشاره به رابطه آنان با دولت امریکا، از اسناد این ارتباط سخن به میان می آورد.<sup>۳</sup>

در برخی منابع معتبر می خوانیم که بنی صدر نیز همانند سران دولت موقت، عملکرد دانشجویان را زیر سؤال می برد و تلاش می کرد با همکاری قطب زاده، به هر قیمت ممکن، گروگان ها را تحت نظارت دولت قرار دهد و سپس زمینه آزادی آنان را فراهم کند.<sup>۴</sup> معصومه ابتکار در خصوص عملکرد بنی صدر در زمینه آزادی گروگان ها می گوید: «ما متقاعد شده بودیم بنی صدر فعالانه سعی می کند با اطرافیان کار تر معامله کند.»<sup>۵</sup> وی در جای دیگر با اشاره به روابط پنهانی بنی صدر با امریکایی ها می گوید: «احتمالاً تماس های مخفیانه بنی صدر با سازمان سیا در ماه های بعد نیز ادامه یافت. همان طور که اسناد سفارت نشان می داد، سازمان سیا در درازمدت نزدیکی به بنی صدر را مثبت ارزیابی کرده بود.»<sup>۶</sup>

توجه به مطالب مذکور نشان می دهد که تسخیر لانه جاسوسی، بر اساس عملکرد خرابکارانه دولت امریکا در پناه دادن شاه و پیگیری مذاکرات پنهانی با عناصر خودباخته داخلی و تبدیل سفارتخانه به مرکز جاسوسی و توطئه علیه انقلاب نوپای اسلامی صورت گرفته و از همه مهم تر، اگر چه این اقدام در ابتدای امر در محافل نخبگانی و دانشجویی پی ریزی شده اما در ادامه از پشتوانه کاملاً مردمی برخوردار بوده است. لذا حمایت امام از

۱. معصومه ابتکار، همان، ص ۹۸.

۲. همان.

۳. ابتکار چنین نوشته است:

«اکنون که به گذشته می نگریم، دولت موقت را آمیزه ای از محافظه کاران می یابیم. این دولت ناگزیر نمی توانست در برابر فشارها مقاومت کند و وظایف خود را به انجام برساند. آنها برخلاف روح انقلاب، زودتر از آنچه پیش بینی می شد به تماس با امریکا و سایر عناصر خارجی پرداختند. از جمله می توان به ملاقات ابراهیم یزدی، وزیر امور خارجه دولت موقت با مشاور امنیت ملی امریکا زبیرگینف پرژینسکی در الجزیره اشاره کرد. بر اساس اسنادی که بعدها در سفارت به دست آمد، مشخص شد افرادی مستقیماً در تماس های خارجی و حتی توطئه علیه نهادهای جوان انقلاب، شرکت داشتند.»

ابتکار با انتقاد از رویه غیرانقلابی دولت موقت، به اتکای فزاینده اعضای آن به دولت امریکا و بی اعتنایی شان به قدرت های مردمی می پردازد. وی معتقد است که: «دولت موقت به جای اتکا به مردم و منابع بی پایان آن، سعی کرد با دشمنی که بیش از همه از انقلاب ضرر و از بی ثباتی و تضعیف جمهوری جوان سود می کرد، به توافق برسد.» رک: همان، ص ۱۰۰.

۴. احمد رضا شاه علی، انقلاب دوم: تسخیر لانه جاسوسی امریکا، آثار و پیامدها، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۸ به نقل از: فاطمه نظری کهره، بنی صدر از ظهور تا سقوط، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۱، ص ۲۲۵.

۵. معصومه ابتکار، همان، ص ۳۱۷.

۶. همان، ص ۳۱۸.

این اقدام، کاملاً قابل دفاع و منطقی است و اگر ایشان چنین نمی کردند، شاید یکی از ابهامات تاریخی رقم می خورد.

## حرم امام

در مورد حرم امام نیز در عبارتی غیر علمی و متضمن تعریض و طعنه، چنین نوشته اند: و گنبد طلایی و مجلل او در گورستان بهشت زهرا تهران، به حرمی برای حامیان تبدیل شد.

### نقد و بررسی

در این فراز کوتاه نیز دو نکته مهم وجود دارد؛ نخست اشاره به مجلل بودن حرم امام خمینی و ثانیاً اعتراض و کنایه به تبدیل شدن مرقد امام به عنوان حرم حامیان ایشان. پیرامون نکته نخست به تفصیل سخن خواهیم گفت اما در مورد نکته دوم گفتنی آن که مرقد امام صرفاً به یک طیف خاص که از آن به عنوان حامیان امام تعبیر شده اختصاص ندارد و در حقیقت قاطبه مردم ایران و بلکه همه دوستداران امام و آزادی خواهان جهان، به این مرقد شریف به عنوان نقطه الهام بخش همه جنبش های الهی و آزادی بخش می نگرند لذا تلاش نویسندگان بریتانیکا برای القای کاهش عظمت این محل مقدس، بی نتیجه است.

در مورد بنای حرم امام خمینی اما نقد و نظرهای مختلفی مطرح شده و از سال ها پیش از افتتاح آن، پیش بینی می شد که ساخت چنین بنای مجللی مورد سوءاستفاده معاندان و دلسردی محرومین و مستضعفان قرار گیرد و اکنون می بینیم در این مدخل چنین شده است. از آنجا که حضرت امام رهبر یک انقلاب دینی است و حرم ایشان یک مکان مقدس است، توجه به مفاهیم دینی مرتبط با معماری، و تداعی معانی القایی از مشاهده سازه حرم مطهر، مسئله ای بسیار مهم است که نباید از پرداختن به آن در بخش مربوط به معرفی حرم امام غفلت کرد. نقدی که پس از افتتاح سازه حرم در طیف گسترده ای از زائران و دوستداران حضرت امام مطرح شد، تجملات غیر ضروری و معماری اشرافی حرم بود. این نقدها وقتی به متولیان امر وارد می شد که زائران، به زیارت امامی آمده بودند که ساده زیستی، یکی از شاخصه های شخصیتی بارز او در تمام عمر بوده است. امامی که با تأسی به مولای متقیان، علی (ع)، تا واپسین روزهای حیات نورانی شان بر عهد با محرومین و بر سلوک ساده زیستی استوار بودند. با وجود این، چگونه وقتی امام در تمام سال های حیات خود، ساده زیستی را مبنای انتخاب خانه و استفاده از امکانات زندگی قرار می دهند، حتی اجازه تکمیل حسینیه جماران را نداده است، از ساخت حرمی مجلل و خارج از عرف که تداعی کننده نوعی تجمل و اشرافیت ناسازگار با روحیه و سیره امام است، ناراضی نباشند. بدیهی است توسعه حرم شریف امام و ایجاد امکانات مختلف به واسطه تشریف میلیونی زائران مزار ایشان، هیچ مورد





نظر و نقد نیست، چه اینکه حسینیۀ ایشان در جماران نیز در زمان حیات امام در جوار بیت شریفشان مورد رفت و آمد مردم بود. آنچه مورد نقد جدی است زیور آرای و تجملات غیر ضروری و زرق و برق‌هایی است که اذهان زائران را با پرسش‌های جدی در مورد ناسازگاری این سازه با سیره و سلوک امام مواجه می‌کند.

این رویه غلط و مغایر با سیره و اندیشه امام موجب دل‌آزرده‌گی و ناراحتی طیف‌های مختلف مردمی و موجب واکنش‌های منفی بسیار، به متولیان بازسازی حرم امام شده است که در این نوشته هیچ بازتابی از این واکنش‌های منفی مردمی و نخبگانی مشاهده نمی‌شود. امام در حکم اولیه برای مصلاي تهران در روز ۲۳ آبان ۱۳۶۷ می‌نویسد:

ان شاءالله در کنار ساختن مصلاي تهران، در ساختن بینش کفرستیزی مسلمانان موفق باشید. ضمناً سادگی مصلاً باید یادآور سادگی محل عبادت مسلمانان صدر اسلام باشد. و شدیداً از زرق و برق ساختمان‌های مساجد اسلام امریکایی جلوگیری شود. خداوند تمامی دست‌اندرکاران برپاکنده مساجدالله را تأیید فرماید.<sup>۱</sup>

در این متن تاریخی، امام بر سادگی تأکید کرده و زرق و برق‌ها را مختص مساجد اسلام امریکایی معرفی کرده‌اند. مؤسسه حفظ آثار امام به عنوان سازندگان بنای جدید حرم امام، دقیقاً با جای همان اسلام امریکایی گذاشته و حریمی خلاف شأن امام خمینی برای ایشان تدارک دیده‌اند. مسئله‌ای که در هنگام افتتاح این بنا، مورد نقد جدی طیف‌های مختلف از فعالان سیاسی قرار گرفت.<sup>۲</sup>

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۸۹-۱۸۸.

۲. به عنوان نمونه مسیح مهاجری مدیر مسئول روزنامه جمهوری اسلامی و از نزدیکان هاشمی رفسنجانی، در یادداشتی به تاریخ ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۴ با عنوان «فاصله حرم تا فرهنگ امام خمینی» می‌نویسد: «فضای بسیار وسیع، سقف و پایه‌های بسیار مستحکم و دیوارهای ضخیم بتونی اطراف، چنان توجه مرا به خود جلب کرده بودند که نتوانستم با حال عادی همیشگی مشغول زیارت شوم و بدون آن که بفهمم چه کرده‌ام از همان مسیر برگشتم و غرق در این تفکر شدم که آیا امام خمینی با این هزینه کردن برای مقبره خود موافق است؟ در مسیر رفت، به هتل، تالارها، پاساژها، فروشگاه‌ها، گلدسته‌ها، گنبد‌های کوچک و بزرگ و سایر ساخت‌وسازهای پرزرق و برق که در مجموعه‌ای با عنوان حرم امام خمینی ساخته شده‌اند خیره شده بودم و بدون آن که ذره‌ای تردید کنم آنها را وصله‌های ناچسبی برای حرم امام خمینی یافته بودم، اما هنگامی که آن تونل و آن فضای وسیع و پرهزینه زیرزمین را دیدم، غربتی وصف‌ناشدنی برای امام خمینی احساس کردم که تا آن روز، احساس نکرده بودم. در مسیر بازگشت، تا زمانی که به خانه رسیدم، نتوانستم خود را از سؤالی که با آن درگیر شده بودم رها کنم. فردای آن روز، آنچه دیده بودم را با یکی از دوستان مطرح کردم. او گفت طبقه بالای حرم را اگر دیده بودی چه می‌کردی؟» رک: جمهوری اسلامی، س ۳۶، ش ۱۰۳۱۰، دوشنبه ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۴، ص ۳.

چند روز بعد محمدعلی انصاری سرپرست آستان امام خمینی و سرپرست مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، طی یادداشتی طولانی به مسیح مهاجری پاسخ داد: «جناب آقای مهاجری! به یقین حرم‌های ائمه و امامزادگان برجسته با همه رزق و برق و گنبد و گلدسته و رواق و ایوان‌های طلاکاری شده و ضریح‌های مرصع که هر روز بر شکوه و عظمت آنان افزوده می‌شود نه تنها- آن‌گونه که جنابعالی در نوشته‌تان القا کرده‌اید- مایه غربت اهل بیت نیستند که مایه عظمت و افتخار شیعیان و یکی از مهم‌ترین عوامل ماندگاری یاد و نام آنان می‌باشند. تصور نمی‌کنم میان زندگی زاهدانه مولای متقیان که به فرموده او شیعیان طاقت تحمل آن را ندارند با حرم مجلل او در نجف اشرف وصله ناچسبی وجود داشته باشد. من فکر می‌کنم مشکل از اینجا سرچشمه می‌گیرد که ما تصور کنیم حرم امام یعنی خانه امام در جماران و قم».



→ رک: «پاسخ محمدعلی انصاری به شبهه‌های مطرح‌شده درباره ساخت حرم امام خمینی»، سایت خبر آنلاین، دوشنبه ۱۱ خرداد ۱۳۹۴ - ۱۴:۲۵:۴۶، به نشانی: <http://www.khabaronline.ir>

یحیی نوریان کارشناسی ارشد معماری در مقاله‌ای به نقد علمی بنای حرم امام خمینی پرداخت و چنین نوشت: «معماری جدید مرقد امام خمینی (ره) یک معماری التقاطی است که آمیخته‌ای از معماری مسیحی، نگاره‌های اسلامی، عناصر ایران باستانی و یا عناصر ابداعی و دست آخر موتیف‌هایی شیعی را در کنار هم به نحوی غیراصولی و غیرهنرمندانه جمع کرده است. به این ترتیب مانند هر معماری التقاطی دیگر ظرفیت آن را دارد که در هر جزء خود ستودنی باشد و در کلیاتش انتقاد هر متخصصی را برانگیزد؛ هر چند به نظر می‌رسد به دلیل فرمایش‌های گوناگون اولیای امر، چندان در اجرا هم موفق ظاهر نشده است. عمده تلاش در معماری اخیر حرم امام را می‌توان معطوف به اشرافیت و استیلاطلبی مسئولین امر دانست که به نوعی با بدیل‌های مسیحی عصر باروک تطابق دارد و با اشارات مستقیم رهبری در مورد تحریف امام مستضعفین نیز بی‌ارتباط نیست. جالب توجه آنکه در آن دوران نیز اشراف و اربابان کلیسای مسیحی فکر می‌کردند با تجمل و شکوه هر چه بیشتر می‌توانند جایگاه اجتماعی خود را نزد مردم محکم‌تر کنند.

عمده تلاش در معماری اخیر حرم امام را می‌توان معطوف به اشرافیت و استیلاطلبی مسئولین امر دانست که به نوعی با بدیل‌های مسیحی عصر باروک تطابق دارد و با اشارات مستقیم رهبری در مورد خطر تحریف امام مستضعفین نیز بی‌ارتباط نیست. جالب توجه آنکه در آن دوران نیز اشراف و اربابان کلیسای مسیحی فکر می‌کردند با تجمل و شکوه هر چه بیشتر می‌توانند جایگاه اجتماعی خود را نزد مردم محکم‌تر کنند. فرار مسئولان امر از پاسخ‌گویی و چماق معماری ایرانی - اسلامی که بر سر منتقدان آورده‌اند چندان دور از ذهن نبود؛ اما شگفت‌آورتر آن است که جریان متخصص معماری (شاید تنها به دلیل نزدیکی بیشتر فکری با جریان مسئول امر) در مقابل این حرکت نادرست و غیراصولی موضع‌گیری روشنی نداشته‌اند. معماری این گونه حرم امام آن گونه که مسئول مستقیم امر گزارش می‌کند اصلاً یک ضرورت نبوده است بلکه بیشتر فرصتی تلقی شده است تا شخصیت و نگاه و آرمان امام توسط جریانی خاص صادره به مطلوب و وارونه نمایان شود و یک پایگاه اشرافی خاص در نقطه‌ای مستعد برای جریانی خاص بنا شود.»

رک: یحیی نوریان، «طاق‌های رومی کلیسا در ترکیب چلیپا! / معماری جدید حرم امام (ره) چه ویژگی‌هایی دارد؟ + تصاویر»، فردانیوز، تاریخ انتشار: ۲۲ خرداد ۱۳۹۴؛ به نشانی: <http://www.fardanews.com/fa/news/423438>

روزنامه کیهان نیز در یادداشتی به قلم ایرج نظامتی به نقد حرم امام پرداخت: «این روزها اگر راهتان به حرم مطهر امام خمینی (ره) افتاده باشد، حتما خواهید دید که دیگر از آن مرقد امام مستضعفین و پابرهنگان خبری نیست؛ بلکه با قصری باشکوه روبه‌رو می‌شوید که نمی‌تواند نماد امام مبارز و مخالف کاخ‌نشین‌ها باشد. و دیگر از آن مرقد زیبای امام که آجر آجرش با اشک و ماتم و اوج خلوص نیت مهندسان و معماران و کارگران و نجاران و آهنگران و... ساخته شده خبری نیست!... اگر صریح‌تر بگوییم، دیگر نه در سایت جماران نیز می‌شود امام خوبی‌ها را به خوبی شناخت و نه در مرقد ایشان، که با معماری کاخ‌گونه قصر پادشاهان را تداعی می‌کند! بلکه باید امام را از شیوه‌های دیگری شناخت و زیارت کرد.»

رک: ایرج نظامتی، «روح منی خمینی بت شکنی خمینی (نگاه)»، روزنامه کیهان، یکشنبه ۱۰ خرداد ۱۳۹۴، ص ۱۰.

پژوهشگاه هنر و فرهنگ اسلامی حوزه هنری تهران، نشست پژوهشی با موضوع «زیبایی‌شناسی و مردم‌شناسی حرم امام خمینی (ره)» با حضور دکتر ابراهیم فیاض (مردم‌شناس)، دکتر محمد رجبی (تمدن‌پژوه)، حجت‌الاسلام رضا غلامی رئیس مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدا، دکتر گودرزی (صاحب‌نظر معماری اسلامی) و دکتر وحید یامین‌پور به عنوان مجری در روز ۲۰ خرداد ۱۳۹۴ در سالن سلمان هراتی حوزه هنری برگزار کرد. در این نشست به طور تفصیلی به نقد و بررسی حرم امام خمینی پرداختند. دکتر فیاض در این جلسه گفت: «انقلاب امام انقلاب جهانی بود. تا چه حد جهانی بودن انقلاب امام و جهانی بودن شخصیت امام در شهرسازی‌های شهر آفتاب اطراف مرقد امام تجلی پیدا کرده است؟ معماری و شهرسازی اطراف حرم امام فاجعه است. ما قاعداً باید جهانی بودن امام را در شهرسازی و معماری اطراف امام ایجاد کنیم که الان این نیست. باید یک شهر جهانی بسازیم. این شهری که مظهر انحطاط ماست، یعنی تهران را ببینید، آیا شهر آفتاب قرار است کاستی‌های این را جبران کند. نه فکر نمی‌کنم. من که چیزی ندیدم... سازندگان حرم امام خمینی آنچه ساخته‌اند معماری‌اش نه ربطی به شخصیت امام دارد و نه ربطی به انقلاب اسلامی دارد و نه ربطی به آینده‌ای که انقلاب باید بسازد دارد - چون گفتیم که این معماری‌ها باید در آینده کنش‌ساز باشد - و نه به آرمان‌ها و امیدهایی که امام ایجاد کردند ربط دارد. مرقد امام در حال حاضر هیچ نسبتی هم نه با تهران و نه با شهرهای اطراف دارد.»

رک: «گزارش تفصیلی نشست علمی زیبایی‌شناسی و مردم‌شناسی حرم مطهر امام خمینی (ره)»، ۲۳ خرداد ۱۳۹۴، سایت باشگاه هنر پژوهان جوان، به آدرس: <http://honarpajohan.com>



# از تاریخ



## قیام ۱۵ خرداد سال ۴۲

### نهضتی به وسعت تمام قشرهای اجتماعی ایران

اسناد منتشر نشده‌ای از قیام ۱۵ خرداد

#### گروه پژوهشی بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی

هر چه از زمان وقوع قیام خونین ملت ایران در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ دور می‌شویم تبیین آن پیچیدگی‌های بیشتری پیدا می‌کند؛ زیرا در بررسی این قیام، در نقطه‌ای ایستاده‌ایم که قیام به بخش قابل توجهی از نیات، مقاصد و اهدافش رسیده و یک انقلاب بزرگ و نظام اجتماعی نوینی به بار آورده است. اما این سؤال همیشه مطرح است که سرشت این قیام چه تفاوت‌هایی با قیام‌های گذشته داشته است که توانست در مدت ربع قرن یک نظام به ظاهر ریشه‌دار و تا دندان مسلح که تمام قدرت‌های استکباری دنیا پشتش بودند را به زانو در آورد؟! همانندی و تفاوت قیام‌های پیشین و نهضت ۱۵ خرداد در کجاست؟ چرا نهضت ۱۵ خرداد توانست به یک انقلاب بزرگ اجتماعی منجر شود اما جنبش‌های دیگر نه تنها نتوانستند ارکان نظام ضد عقلی و ضد اسلامی پادشاهی را متزلزل کنند بلکه مانند جنبش مشروطه نظام سلطنت را قانونی و در دل یک خانواده مادام‌العمر تثبیت نمودند؟ در خمیرمایه نهضت ۱۵ خرداد چه چیزی وجود داشت که توانست زمینه‌های واژگونی گسترده نظام پیشین را فراهم سازد؟ موارد مذکور سؤال‌هایی است که پاسخ به آنها نیاز به باز کاوی آرمان‌های نهضت ۱۵ خرداد و انقلاب اسلامی دارد. اما باز کاوی آرمان‌هایی که در بیش از شش دهه گذشته



پیوسته بر زبان مردم جاری بود، در این زمان چگونه امکان‌پذیر است؟ این واقعیت را نمی‌توان انکار کرد که در بازکاوی آرمان‌های گذشته، احساسات امروزین ما بی‌تأثیر نیست. کدام ایرانی مسلمان است که بتواند درباره کشورش، آرمان‌های خود و جامعه‌اش و از همه مهم‌تر عصری که در آن زندگی می‌کند، بابتی طرفی محض بیندیشد و بنویسد؟ در تاریخ‌نگاری کدام ملت و کدام جامعه در جهان چنین بی‌طرفی‌ای وجود دارد؟ از همین روی، باید اعتراف کرد که در هنگام بررسی جنبه‌های گوناگون نظام اجتماعی پیشین و آرمان‌های نهضت ۱۵ خرداد و انقلاب اسلامی هرگز از تأثیر ایران امروز بر کنار نیستیم و نخواهیم بود. اکنون در میان موافقان و مخالفان قیام ۱۵ خرداد و انقلاب اسلامی کسانی هستند که افکار، اندیشه‌ها، آرمان‌ها، بینش‌ها و گرایش‌های آنها نسبت به نیم‌قرن پیش به کلی دگرگون گشته است. کسانی بودند که در گذشته شور انقلابی آنها به گونه‌ای بود که هیچ‌گاه کمترین تعللی را در تفسیر اسلامی آرمان‌های نهضت امام خمینی بر نمی‌تابیدند، ولی امروز دیگر از آن شور و هیجان خبری نیست. بخشی از آن افراد گرفتار آفات تحجر و بازگشت به گذشته شدند؛ برخی بی‌تفاوت و فاقد احساسات، نسبت به تحولات مسیر وادادگی را در پیش گرفتند؛ برخی دیگر به دلیل عدول از پابندی به مرزهای خودی با دشمن امروز، آب به آسیاب دشمن می‌ریزند؛ عده‌ای هم آنچنان اسیر جمع کردن غنائم شدند که سقوط مقام انسانی خود و اطرافیان‌شان را نمی‌بینند. بنابراین در مجموع بی‌مبالاتی نسبت به خطوط اصلی، تجددگرایی افراطی، نفوذ اندیشه‌های بیگانه، رخنه فرصت‌طلبان، انحراف از آرمان‌ها و اصول انقلابی و هوا و هوس و طمع چشم عده‌ای را کور کرده است و برایشان مهم نیست که چه بلایی بر سر کشور می‌آید. از آن طرف نیز هستند کسانی که شاید در آن دوران چشم‌انداز مثبتی نسبت به دگرگونی‌های ایران نداشتند ولی هنگامی که با دگرگونی‌های چشمگیر عمر نسبتاً کوتاه جمهوری اسلامی روبه‌رو شدند نسبت به آن با انصاف بیشتر و داورای‌های عقلایی‌تر برخورد می‌کنند.

اما در همه این پیچ و تاب‌ها، آنهایی که در صحنه هستند و خواهند بود ملت بزرگ ایران است که در آغاز نهضت ۱۵ خرداد با خمینی کبیر عهد بستند که لحظه‌ای از راه، مرام، اهداف و آرمان‌های او روی بر نتابند. اینها کسانی هستند که با محاسبات کاسبکارانه وارد نهضت امام خمینی نشدند و وقتی ندای هل من ناصر خمینی بلند شد، با تمام هستی خود به راه و مسلک امام دل بستند.

یکی از راه‌های بازکاوی آرمان‌های قیام ۱۵ خرداد و انقلاب اسلامی، بازخوانی جایگاه اجتماعی قشرها و گروه‌هایی است که در آن دوران به شکل خودجوش وارد فضای قیام علیه رژیم شاه شدند. قشرهای اجتماعی این دوران همان‌طوری که گفته شد، به هر دلیل از احساسات و امتیازطلبی‌های امروزین خالی هستند و با اصالت بیشتری به دگرگونی‌های قیام



۱۵ خرداد و انقلاب اسلامی نظر دارند؛ دگرگونی‌هایی که نمایانگر اراده مطلق جمعی مردم ایران در نفی رژیم کهنه و پوسیده مشروطه سلطنتی، طرد نظریه‌های سیاسی و اجتماعی غرب و پایه‌ریزی نظام جدیدی مبتنی بر باورها و ارزش‌های نهادینه‌شده جامعه بود؛ نظامی که آرمان‌های خود را در اعتقادات اسلامی جست‌وجو می‌کرد.

اگر ادعا کنیم که قیام ۱۵ خرداد و انقلاب اسلامی از جنبه نظری موجب تحقق حقیقت اجتماعی دین در ایران گردید، ممکن است عده‌ای ما را متهم کنند که در تبیین انقلاب به تاریخ‌نگاری ایدئولوژیک گرفتار شده‌ایم. این اتهام در ایران معمولاً از ناحیه کسانی وارد می‌شود که عموماً نگاه آنها به دگرگونی‌های اجتماعی تحت تأثیر قرائت‌های رسمی تفکر اروپایی و جوامع مسیحی است. مسیحیان در ظاهر سال‌هاست که دین را از ساحت زندگی اجتماعی خود خارج کرده‌اند و دین کارکرد اجتماعی خود را در غرب از دست داده است. اگرچه این اعتقاد صرفاً در حوزه نظر می‌تواند به عنوان یکی از دیدگاه‌ها مورد تحلیل قرار گیرد اما نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم متونی که زبان و ادبیات آنها زبان و ادبیات تفکر غربی است به این حقیقت اعتراف کنند که قیام ۱۵ خرداد و انقلاب اسلامی بار دیگر نگاه دینی به حوزه تحولات اجتماعی را در جهان زنده کرد.

با این همه، هیچ دلیل عقلی در دست نداریم که بپذیریم، نپرداختن چنین زبان و ادبیاتی در انقلاب اسلامی به منزله نفی اسلامی و دینی بودن انقلاب است. اگرچه ممکن است عده‌ای از چشم‌انداز همان زبان و ادبیات غربی تصور کنند که مسئله اساسی انقلاب عظیم مردم ایران در نفی نظام شاهنشاهی، مسئله تجدد و ترقی بود. اما می‌توان گفت که در انقلاب اسلامی قبل از آن که مسئله تجدد و ترقی به تعبیر غربی آن مطرح باشد آرایش شکلی و محتوایی آن مهم‌تر بود. مثلاً در درک مفهوم تجدد، بخش اعظمی از متفکران که تحت نفوذ زبان و ادبیات غربی هستند، معتقد بودند که ما باید تقلید کنیم و اصولاً راهی جز تقلید برای ما وجود ندارد. به عبارت دیگر در باب مسئله دگرگونی سهل‌الوصول‌ترین راه را تقلید می‌دیدند. امام خمینی و پیروان انقلاب اسلامی به کلی چنین نظریاتی را مخدوش می‌دانستند. امام هم از جنبه فکری و فلسفی، هم از جنبه دینی و هم از جنبه تجربه تاریخی بر چنین نظریاتی اشکالات جدی وارد می‌کنند.

یا ممکن است عده‌ای معتقد باشند که در انقلاب اسلامی دین‌مداری اصل شد و ملیت در حاشیه قرار گرفت. اما از آن طرف به آنها پاسخ داده می‌شود آنچه در انقلاب اسلامی ایران در حاشیه قرار گرفت ناسیونالیسم بود. ناسیونالیسم، ایدئولوژی نژادگرایانه‌ای بود که در رژیم پیشین مقابل هویت و ملیت ایرانی قرار گرفت. دین در رژیم پیشین در مقابل این پدیده قرار گرفت و در انقلاب اسلامی، ملیت به مفهوم ناسیونالیسم پهلوی نفی شد. همان‌طوری که در انقلاب اسلامی، اسلام در مقابل غرب‌گرایی قرار گرفت نه دانش غربی؛ غرب‌گرایی



همیشه دانش غربی را در ایران در حاشیه قرار داد و در حقیقت انقلاب اسلامی آمد که این سیطره را به هم ریزد.

این مقدمه از آن جهت گفته شد که متوجه باشیم باز کاوی آرمان‌های نهضت ۱۵ خرداد و انقلاب اسلامی در چشم‌انداز احساسات امروزی ایران و جهان، اگر چه می‌تواند روشی در میان روش‌های دیگر باشد اما باز کاوی اصیلی نیست؛ باز کاوی اصیل را تا حدودی باید در آرمان‌های دوران نفی رژیم گذشته و تأسیس نظام جدید جست‌وجو کرد.

یکی از شیوه‌های مطالعه حقانیت و اصالت نیروهای نهضت در حرکت بزرگ مردم ایران در سال‌های ۴۲ تا ۵۷، رجوع به اسناد به‌جامانده از این دوران است. از میان این اسناد انعکاس پایگاه اجتماعی کسانی که در ۱۵ خرداد به صحنه آمدند و در مقابل رژیم پهلوی صف‌آرایی کردند، جلوه دیگری از ماهیت فراگیری قشرهای اجتماعی نهضت امام خمینی در این دوران است.

سفارش خود امام خمینی در شناخت بخشی از وجوه قیام ۱۵ خرداد به عنوان طلایه انقلاب اسلامی، ناظر به این پایگاه اجتماعی است. امام در سالگرد قیام ۱۵ خرداد در سال ۱۳۵۸ می‌فرمایند:

... ۱۵ خرداد چرا به وجود آمد؟ و مبدأ وجود آن چه بود؟ و دنباله آن در سابق چه بود؟ و الان چیست؟ و بعدها چه خواهد بود؟ ۱۵ خرداد را کی به وجود آورد؟ و دنباله آن را کی تعقیب کرد؟ و الان کی همان دنباله را تعقیب می‌کند؟ و پس از این امید به کیست؟ ۱۵ خرداد برای چه مقصدی بود؟ و تاکنون برای چه مقصدی است؟ و بعدها برای چه مقصدی خواهد بود؟ ۱۵ خرداد را بشناسید؛ و مقصد ۱۵ خرداد را بشناسید؛ و کسانی که ۱۵ خرداد را به وجود آوردند بشناسید؛ و کسانی که ۱۵ خرداد را دنبال کردند بشناسید؛ و کسانی که از این به بعد امید تعقیب آنها هست بشناسید و مخالفین ۱۵ خرداد، و مقصد ۱۵ خرداد را بشناسید...

باید دید این جمعیت کی هستند. اینها که ۱۵ خرداد را به وجود آوردند و آنها که در ۱۵ خرداد، به طوری که مشهور است، پانزده هزار فدایی دادند و آنهایی که پس از ۱۵ خرداد و ۱۵ خردادها و پس از قتل عام ۱۵ خرداد و قتل عام‌های دیگر در میدان‌ها آمدند، چه قشری از جمعیت بودند؟ آنهایی که ۱۵ خرداد را به وجود آوردند، آنهایی که دنباله ۱۵ خرداد را تاکنون رساندند، آنهایی که برای شکستن سد رژیم فعالیت کردند، آنهایی که به خیابان‌ها ریختند و فریاد «الله اکبر» کردند، همین قشر از جمعیت بودند. حق مال همین قشر از جمعیت است؛ دیگران هیچ حقی ندارند...<sup>۱</sup>





عده‌ای می‌خواهند دوستداران انقلاب اسلامی را با دور کردن از احساسات بنیانگذار انقلاب و هدف‌های آن و نیروهایی که برای این هدف‌ها جان خود را در کف گرفته و در مقابل یک رژیم تا دندان مسلح، بی‌رحم و خون‌ریز صف آرایی کردند، در معرض چالش استحاله قرار دهند. چون به زودی با از بین رفتن نسل انقلابی کار بررسی انقلاب اسلامی دشوار خواهد شد. چرا؟ چون می‌گویند زمانی که انقلاب‌های بزرگ موفق شوند، علت‌های آنها دیگر ناپدید خواهند شد و همین ناپدید شدن علت‌ها، انقلاب‌ها را فهم‌ناپذیر خواهد ساخت.

برای اینکه در معرض چالش چنین استحاله‌ای نباشیم، می‌خواهیم بخشی از ارکان نهضت ۱۵ خرداد و انقلاب اسلامی را نه از زبان نسل انقلابی ایران، بلکه از زبان مأموران امنیتی رژیم شاه مرور کنیم.

اسنادی که در این بخش آورده شده، انعکاس بسیار کوچکی از دریای عظیم مستنداتی است که پیرامون قیام خونین ۱۵ خرداد سال ۴۲ وجود دارد و کمتر در معرض دید مورخین و مردم قرار گرفته است. در گزینش این اسناد هیچ انگیزه خاصی را دنبال نمی‌کنیم؛ اینها اسنادی است که در آرشیو بنیاد تاریخ‌پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی گردآوری شده و به نوعی با تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی نسبت دارد.

برای نسل جوان که فضای شور انقلابی و آرمان‌های ملت ایران را در این دوران از نزدیک حس نکرده‌اند و درک شهودی از انقلاب اسلامی ندارند، مطالعه این اسناد خالی از لطف نیست. همان‌طوری که برای نسل اول انقلاب اسلامی که خالق آن حماسه بزرگ هستند نیز بازخوانی آنها شاید یادآور همدلی و هماهنگی آن دوران باشد.

این اسناد بخشی از فیش‌برداری‌های وزارت اطلاعات است از پرونده‌های ساواک رژیم شاه، درباره کسانی که در قیام ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ دستگیر شده‌اند؛ و شامل همه مطالب پرونده افراد بازداشتی نیست بلکه خلاصه‌ای از پرونده می‌باشد.

آنچه در این اسناد قابل توجه است فراگیری پایگاه اجتماعی کسانی است که در نهضت ۱۵ خرداد بدون این که هیچ حزبی، سازمانی یا جریانی هدایت آنها را داشته باشند به نام خمینی و به نام اسلام، خودجوش به خیابان‌ها آمدند و شعارشان «یا مرگ یا خمینی» بود. اسناد به ما می‌گوید در این قیام از تمام قشرهای اجتماعی یعنی کاسب، کشاورز، صنعتگر، طلبه، دانش‌آموز، دانشجو، کارمند، کارگر، وکیل، باسواد و بی‌سواد حضور داشتند. این نشان می‌دهد که نهضت امام خمینی از آغاز تا پیروزی انقلاب اسلامی، نه نهضت احزاب، گروه‌ها، طبقات اقتصادی و سیاسی و جریان‌های خاص اجتماعی بلکه نهضت ملت بزرگ ایران بود. مسئولان ما باید بدانند که اگر امروز براریکه قدرت تکیه زده‌اند مدیون کاسبان، کشاورزان، کارگران، دانش‌آموزان، دانشجویان و سایر قشرهایی هستند که نه برای مطامع دنیایی بلکه برای آزادی، استقلال و عزت ایران اسلامی و به عشق خمینی به میدان مبارزه آمدند.



## گزارش اطلاعات داخلی

موضوع: .....  
 محل: .....  
 عطف بشماره: .....  
 منبع خبر: .....  
 تقویم: .....  
 شماره: .....  
 تاریخ حادثه: .....  
 تاریخ وصول خبر: .....  
 تاریخ گزارش: .....

تعلیق: گزارشی فوری چهار هزار نفر کفن بدون که ازرواسین و همچنین از کفن بطرف تهران  
 عزیمت نموده بودند، بر اثر برخورد با نیروی زاندا در و تیراندازی بطرف آنها متواری شده  
 و موفق با جشاع مجدد در تکرار شده اند .

مستند در تاریخ ۱۳۳۱

۴۱۳۲

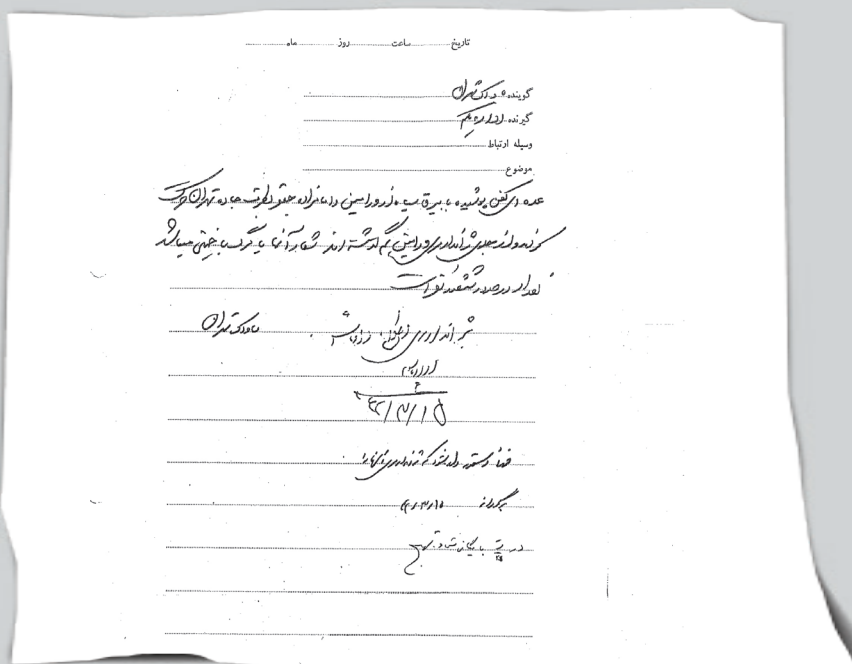
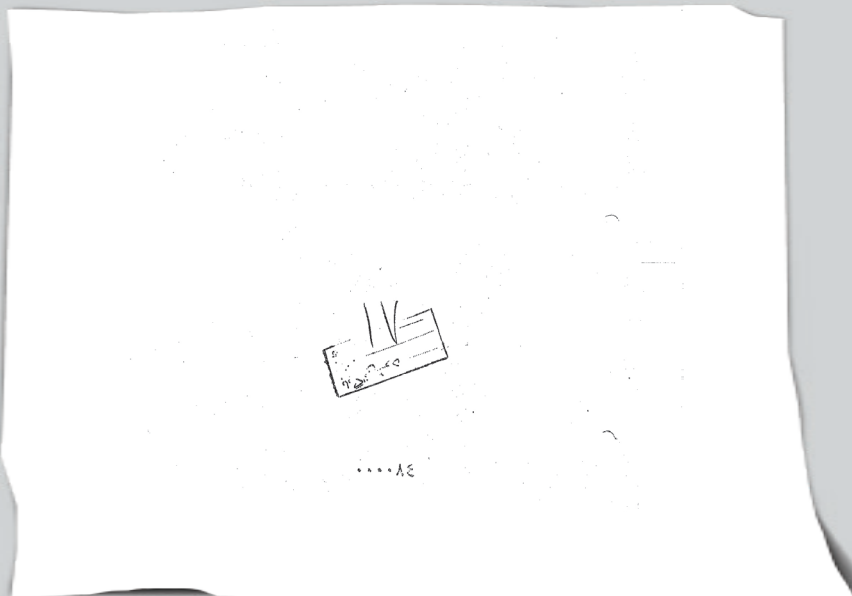
در تاریخ ۱۳۳۱

با یک نفر دیگر

تعداد نسخه: ۵  
 کپی نگین: ۵  
 شماره نسخه در بخش ۲۱۲ - اداره سوم - اداره دوم .

۱۳۳۱-۲۱۲

۴۰۰۰۰





وزارت اطلاعات ..... نخعی محرم‌نامه ..... تعداد ..... فیش دارد  
ترتیب حروف ..... مرکز فیش بایگانی ..... تاریخ صدور

|                             |                                                       |
|-----------------------------|-------------------------------------------------------|
| شهرت: <b>سید صوفی</b>       | نام: <b>سید علی احمد</b>                              |
| نام پدر: <b>اسحاق</b>       | شماره پرونده: <b>۶۵۹۰</b>                             |
| نام قبلی: <b>سید</b>        | نام اصلی: <b>سید</b>                                  |
| شماره: <b>۱۴۳۶</b>          | تاریخ تولد: <b>۱۳۱۷</b>                               |
| شماره شناسنامه: <b>۱۴۳۶</b> | محل تولد: <b>تهران</b>                                |
| محل صدور: <b>تهران</b>      | نوع اقامت: <b>اقدم هندو</b>                           |
| تابعیت: <b>ایران</b>        | محل سکونت: <b>تهران - شاهپور - کوچه حاجت‌بیگ قنار</b> |
| مذهب: <b>اسلام</b>          | دیگر: <b>۱۲۰</b>                                      |
| شماره پرونده: <b>۲۵۸۵۰</b>  | فرعی: <b>شماره تلفن ۲۵۸۵۰</b>                         |

۶۷-۱۲۴

وزارت اطلاعات ..... نخعی محرم‌نامه ..... تعداد ..... فیش دارد  
ترتیب حروف ..... مرکز فیش بایگانی ..... تاریخ صدور

|                             |                                                       |
|-----------------------------|-------------------------------------------------------|
| شهرت: <b>کریم</b>           | نام: <b>محمد</b>                                      |
| نام پدر: <b>جیب الله</b>    | شماره پرونده: <b>۶۵۹۰</b>                             |
| نام قبلی: <b>کریم</b>       | نام اصلی: <b>محمد</b>                                 |
| شماره: <b>۱۴۳۶</b>          | تاریخ تولد: <b>۱۳۱۷</b>                               |
| شماره شناسنامه: <b>۱۴۳۶</b> | محل تولد: <b>تهران</b>                                |
| محل صدور: <b>تهران</b>      | نوع اقامت: <b>اقدم هندو</b>                           |
| تابعیت: <b>ایران</b>        | محل سکونت: <b>تهران - شاهپور - کوچه حاجت‌بیگ قنار</b> |
| مذهب: <b>اسلام</b>          | دیگر: <b>۱۲۰</b>                                      |
| شماره پرونده: <b>۲۵۸۵۰</b>  | فرعی: <b>شماره تلفن ۲۵۸۵۰</b>                         |

۶۷-۱۲۴

وزارت اطلاعات ..... نخعی محرم‌نامه ..... تعداد ..... فیش دارد  
ترتیب حروف ..... مرکز فیش بایگانی ..... تاریخ صدور

|                            |                                                       |
|----------------------------|-------------------------------------------------------|
| شهرت: <b>حسین</b>          | نام: <b>سید موسی</b>                                  |
| نام پدر: <b>سید یعقوب</b>  | شماره پرونده: <b>۵۱۹</b>                              |
| نام قبلی: <b>سید</b>       | نام اصلی: <b>سید</b>                                  |
| شماره: <b>۷۸۸</b>          | تاریخ تولد: <b>۱۳۰۹</b>                               |
| شماره شناسنامه: <b>۷۸۸</b> | محل تولد: <b>تهران</b>                                |
| محل صدور: <b>تهران</b>     | نوع اقامت: <b>اقدم هندو</b>                           |
| تابعیت: <b>ایران</b>       | محل سکونت: <b>تهران - شاهپور - کوچه حاجت‌بیگ قنار</b> |
| مذهب: <b>اسلام</b>         | دیگر: <b>۱۲۰</b>                                      |
| شماره پرونده: <b>۲۵۸۵۰</b> | فرعی: <b>شماره تلفن ۲۵۸۵۰</b>                         |

۶۷-۱۲۴



توضیحات: همکاران در هر سال ۱۵ خرداد ۴۲ - اجتماع دیگر کنس  
در راهپایایی و جلوس کنس احام بر سر ماشین را تمام هنرهای  
و ایامی را متوجه در صورت ۱۷ و ۴۲ - در منزل در کشور و وزارت  
سرگشته و در صورت ۴۲ و ۴۲ - قرار وضع دیگر همکاران را از ادو  
دند  
نا صبر را تمام همکاران که در ۱۵ خرداد ۴۲ - بعد از شروع راهپایایی  
که کنس احام را جلوس می‌کردم و طرفداران را به رفیق خود نشان می‌داد  
و آنچه کنس

توضیحات: دست را به هر دو سال ۱۵ خرداد ۴۲ - اجتماع دیگر کنس  
در راهپایایی و جلوس کنس احام بر سر ماشین را تمام هنرهای  
و ایامی را متوجه در صورت ۱۷ و ۴۲ - در منزل در کشور و وزارت  
سرگشته و در صورت ۴۲ و ۴۲ - قرار وضع دیگر همکاران را از ادو  
دند  
نا صبر را تمام همکاران که در ۱۵ خرداد ۴۲ - بعد از شروع راهپایایی  
که کنس احام را جلوس می‌کردم و طرفداران را به رفیق خود نشان می‌داد  
و آنچه کنس

توضیحات: همکاران در هر سال ۱۵ خرداد ۴۲ - اجتماع دیگر کنس  
در راهپایایی و جلوس کنس احام بر سر ماشین را تمام هنرهای  
و ایامی را متوجه در صورت ۱۷ و ۴۲ - در منزل در کشور و وزارت  
سرگشته و در صورت ۴۲ و ۴۲ - قرار وضع دیگر همکاران را از ادو  
دند  
نا صبر را تمام همکاران که در ۱۵ خرداد ۴۲ - بعد از شروع راهپایایی  
که کنس احام را جلوس می‌کردم و طرفداران را به رفیق خود نشان می‌داد  
و آنچه کنس



وزارت اطلاعات  
ترتیب حروف ..... فهرست فیش بایگانی ..... تعداد ..... فیش دارد

|                      |                  |                      |                  |
|----------------------|------------------|----------------------|------------------|
| شهرت: باقری          |                  | نام: محمدی           |                  |
| نام پدر: حاج آبراهیم |                  | شماره پرونده: ۶۵۹۰   |                  |
| نام قبلی: مستعار     |                  | اصلی                 |                  |
| شماره: ۲۵            | تاریخ تولد: ۱۳۰۵ | محل تولد: ران و محفل | محل سکونت: تهران |
| شماره: ۲۵            | تاریخ تولد: ۱۳۰۵ | محل تولد: ران و محفل | محل سکونت: تهران |
| محل صدور: کس         | محل سکونت: کس    | محل سکونت: کس        | محل سکونت: کس    |
| تأیید: ایران         | مذهب: کس         | مذهب: کس             | مذهب: کس         |
| شماره پرونده:        | فرعی:            | فرعی:                | فرعی:            |

۶۷-۱۴۴

وزارت اطلاعات  
ترتیب حروف ..... فهرست فیش بایگانی ..... تعداد ..... فیش دارد

|                       |                  |                      |                  |
|-----------------------|------------------|----------------------|------------------|
| شهرت: محمدی           |                  | نام: محمد حسن        |                  |
| نام پدر: محمد ابراهیم |                  | شماره پرونده: ۶۵۹۰   |                  |
| نام قبلی: مستعار      |                  | اصلی                 |                  |
| شماره: ۱۹۱            | تاریخ تولد: ۱۳۱۳ | محل تولد: ران و محفل | محل سکونت: تهران |
| شماره: ۱۹۱            | تاریخ تولد: ۱۳۱۳ | محل تولد: ران و محفل | محل سکونت: تهران |
| محل صدور: خنوی        | محل سکونت: خنوی  | محل سکونت: خنوی      | محل سکونت: خنوی  |
| تأیید: ایران          | مذهب: خنوی       | مذهب: خنوی           | مذهب: خنوی       |
| شماره پرونده:         | فرعی:            | فرعی:                | فرعی:            |

۶۷-۱۴۴

وزارت اطلاعات  
ترتیب حروف ..... فهرست فیش بایگانی ..... تعداد ..... فیش دارد

|                     |                  |                      |                  |
|---------------------|------------------|----------------------|------------------|
| شهرت: بیات          |                  | نام: علیرضا عباسی    |                  |
| نام پدر: محمد مصطفی |                  | شماره پرونده: ۶۵۹۰   |                  |
| نام قبلی: مستعار    |                  | اصلی                 |                  |
| شماره: ۲            | تاریخ تولد: ۱۳۱۳ | محل تولد: ران و محفل | محل سکونت: تهران |
| شماره: ۲            | تاریخ تولد: ۱۳۱۳ | محل تولد: ران و محفل | محل سکونت: تهران |
| محل صدور: تبریز     | محل سکونت: تبریز | محل سکونت: تبریز     | محل سکونت: تبریز |
| تأیید: ایران        | مذهب: تبریز      | مذهب: تبریز          | مذهب: تبریز      |
| شماره پرونده:       | فرعی:            | فرعی:                | فرعی:            |

۶۷-۱۴۴



توضیحات: منشأ برالیه در مردابان ۱۵ خرداد ۴۲ به اتمام می‌رسد.  
 حضور اهل حج و عمره که به حج تمتع و قسطنطنیه و استانبول و آذربایجان  
 و به غیر از اینها و دیگران حضرت امام از آنکه راهی تهران می‌شوند که  
 بعد از آنجا به راه تهران می‌روند در ۱۵ خرداد ۴۲ به حج تمتع در صوفیه ۴۲/۱۵  
 در کنگره می‌نشینند. در صوفیه ۴۲/۱۵ قرار می‌گیرد به وقت بعد از ظهر  
 اجتماع می‌گردد. ۵ هزار تومان به کاروانسرای شیراز  
 نامه‌ها را طی می‌کنند که از آنجا می‌روند. و بعد از آن حضرت امام به راه  
 در حوضات به راه می‌روند به حج تمتع.

توضیحات: منشأ برالیه در مردابان ۱۵ خرداد ۴۲ به اتمام می‌رسد.  
 در راه حج و عمره که به حج تمتع و قسطنطنیه و استانبول و آذربایجان  
 و به غیر از اینها و دیگران حضرت امام از آنکه راهی تهران می‌شوند که  
 بعد از آنجا به راه تهران می‌روند در ۱۵ خرداد ۴۲ به حج تمتع در صوفیه ۴۲/۱۵  
 در کنگره می‌نشینند. در صوفیه ۴۲/۱۵ قرار می‌گیرد به وقت بعد از ظهر  
 اجتماع می‌گردد. ۵ هزار تومان به کاروانسرای شیراز  
 نامه‌ها را طی می‌کنند که از آنجا می‌روند. و بعد از آن حضرت امام به راه  
 در حوضات به راه می‌روند به حج تمتع.

توضیحات: منشأ برالیه در مردابان ۱۵ خرداد ۴۲ به اتمام می‌رسد.  
 در راه حج و عمره که به حج تمتع و قسطنطنیه و استانبول و آذربایجان  
 و به غیر از اینها و دیگران حضرت امام از آنکه راهی تهران می‌شوند که  
 بعد از آنجا به راه تهران می‌روند در ۱۵ خرداد ۴۲ به حج تمتع در صوفیه ۴۲/۱۵  
 در کنگره می‌نشینند. در صوفیه ۴۲/۱۵ قرار می‌گیرد به وقت بعد از ظهر  
 اجتماع می‌گردد. ۵ هزار تومان به کاروانسرای شیراز  
 نامه‌ها را طی می‌کنند که از آنجا می‌روند. و بعد از آن حضرت امام به راه  
 در حوضات به راه می‌روند به حج تمتع.



وزارت اطلاعات خیلای محرماتنه تعداد ..... فیش دارد  
ترتیب حروف ..... مرکز فیش بایگانی تاریخ صدور .....

|                             |                                                       |                                      |
|-----------------------------|-------------------------------------------------------|--------------------------------------|
| شهرت: <b>خیلای محرماتنه</b> |                                                       | نام: <b>حسین</b>                     |
| نام پدر: <b>غلامرضا</b>     | شماره پرونده: <b>۶۵۹۰</b>                             | شماره پرونده: <b>۶۵۹۰</b>            |
| نام قبلی: <b>غلامرضا</b>    | نام اصلی: <b>حسین</b>                                 |                                      |
| شماره: <b>۲۴</b>            | تاریخ تولد: <b>۱۳۲۴</b>                               | محل: <b>کازرون خاندان</b>            |
| شماره: <b>۲۴</b>            | محل تولد: <b>یزد</b>                                  | نوع انعام: <b>انعام با قدم همدان</b> |
| محل صدور: <b>یزد</b>        | محل سکونت: <b>رجبیه یزد - خ کازرون - کوه دانی یزد</b> |                                      |
| مذهب: <b>کامی</b>           | شماره پرونده: <b>۸</b>                                | فرعی: <b>کامی</b>                    |

۶۷-۱۲۲

وزارت اطلاعات خیلای محرماتنه تعداد ..... فیش دارد  
ترتیب حروف ..... مرکز فیش بایگانی تاریخ صدور .....

|                               |                                              |                                      |
|-------------------------------|----------------------------------------------|--------------------------------------|
| شهرت: <b>بختی</b>             |                                              | نام: <b>احمد</b>                     |
| نام پدر: <b>رضا</b>           | شماره پرونده: <b>۶۵۹۰</b>                    | شماره پرونده: <b>۶۵۹۰</b>            |
| نام قبلی: <b>رضا</b>          | نام اصلی: <b>احمد</b>                        |                                      |
| شماره: <b>۷۲۰۲</b>            | تاریخ تولد: <b>۱۳۲۱</b>                      | محل: <b>دنا کوه مسافر خان</b>        |
| شماره: <b>۷۲۰۲</b>            | محل تولد: <b>خرم دره زکات</b>                | نوع انعام: <b>انعام با قدم همدان</b> |
| محل صدور: <b>خرم دره زکات</b> | محل سکونت: <b>صمدان درواز محزون سا فرخان</b> |                                      |
| مذهب: <b>ارلام ابرام</b>      | شماره پرونده: <b>خوش قدم</b>                 | فرعی: <b>خوش قدم</b>                 |

۶۷-۱۲۲

وزارت اطلاعات خیلای محرماتنه تعداد ..... فیش دارد  
ترتیب حروف ..... مرکز فیش بایگانی تاریخ صدور .....

|                            |                                                 |                                      |
|----------------------------|-------------------------------------------------|--------------------------------------|
| شهرت: <b>بهرارش</b>        |                                                 | نام: <b>یوسف</b>                     |
| نام پدر: <b>اسراهم</b>     | شماره پرونده: <b>۶۵۹۰</b>                       | شماره پرونده: <b>۶۵۹۰</b>            |
| نام قبلی: <b>اسراهم</b>    | نام اصلی: <b>یوسف</b>                           |                                      |
| شماره: <b>۳۶۲۱</b>         | تاریخ تولد: <b>۱۳۰۵</b>                         | محل: <b>شیراز نسیس</b>               |
| شماره: <b>۳۶۲۱</b>         | محل تولد: <b>زنجان</b>                          | نوع انعام: <b>انعام با قدم همدان</b> |
| محل صدور: <b>زنجان</b>     | محل سکونت: <b>خ - صفا - سنگاه صحر - کوه چمن</b> |                                      |
| مذهب: <b>ایران - اسلام</b> | شماره پرونده: <b>نور احتیاط صحر</b>             | فرعی: <b>نور احتیاط صحر</b>          |

۶۷-۱۲۲



فیضیات: مستشار البدر در جریان ۱۵ خرداد ۴۲، ۱۴۰۱ م اقدام  
 صلواتیج و نشریات در راهیجی و ایوان آستوب و بطور اولیج  
 در میدان قزوین ساعت ۱۲ و نشریات در روز شرف ۴۲  
 قمار بازداشت و توقیف. مجرای قمار التزم مبلغ ۵۰۰۰ تومان  
 صادر و اعلام شد.  
 تاریخ نشریه قزوین: ۱۴۰۱ م، ۱۴۰۲ م، ۱۴۰۳ م، ۱۴۰۴ م، ۱۴۰۵ م، ۱۴۰۶ م، ۱۴۰۷ م، ۱۴۰۸ م، ۱۴۰۹ م، ۱۴۱۰ م، ۱۴۱۱ م، ۱۴۱۲ م، ۱۴۱۳ م، ۱۴۱۴ م، ۱۴۱۵ م، ۱۴۱۶ م، ۱۴۱۷ م، ۱۴۱۸ م، ۱۴۱۹ م، ۱۴۲۰ م، ۱۴۲۱ م، ۱۴۲۲ م، ۱۴۲۳ م، ۱۴۲۴ م، ۱۴۲۵ م، ۱۴۲۶ م، ۱۴۲۷ م، ۱۴۲۸ م، ۱۴۲۹ م، ۱۴۳۰ م، ۱۴۳۱ م، ۱۴۳۲ م، ۱۴۳۳ م، ۱۴۳۴ م، ۱۴۳۵ م، ۱۴۳۶ م، ۱۴۳۷ م، ۱۴۳۸ م، ۱۴۳۹ م، ۱۴۴۰ م، ۱۴۴۱ م، ۱۴۴۲ م، ۱۴۴۳ م، ۱۴۴۴ م، ۱۴۴۵ م، ۱۴۴۶ م، ۱۴۴۷ م، ۱۴۴۸ م، ۱۴۴۹ م، ۱۴۵۰ م، ۱۴۵۱ م، ۱۴۵۲ م، ۱۴۵۳ م، ۱۴۵۴ م، ۱۴۵۵ م، ۱۴۵۶ م، ۱۴۵۷ م، ۱۴۵۸ م، ۱۴۵۹ م، ۱۴۶۰ م، ۱۴۶۱ م، ۱۴۶۲ م، ۱۴۶۳ م، ۱۴۶۴ م، ۱۴۶۵ م، ۱۴۶۶ م، ۱۴۶۷ م، ۱۴۶۸ م، ۱۴۶۹ م، ۱۴۷۰ م، ۱۴۷۱ م، ۱۴۷۲ م، ۱۴۷۳ م، ۱۴۷۴ م، ۱۴۷۵ م، ۱۴۷۶ م، ۱۴۷۷ م، ۱۴۷۸ م، ۱۴۷۹ م، ۱۴۸۰ م، ۱۴۸۱ م، ۱۴۸۲ م، ۱۴۸۳ م، ۱۴۸۴ م، ۱۴۸۵ م، ۱۴۸۶ م، ۱۴۸۷ م، ۱۴۸۸ م، ۱۴۸۹ م، ۱۴۹۰ م، ۱۴۹۱ م، ۱۴۹۲ م، ۱۴۹۳ م، ۱۴۹۴ م، ۱۴۹۵ م، ۱۴۹۶ م، ۱۴۹۷ م، ۱۴۹۸ م، ۱۴۹۹ م، ۱۵۰۰ م، ۱۵۰۱ م، ۱۵۰۲ م، ۱۵۰۳ م، ۱۵۰۴ م، ۱۵۰۵ م، ۱۵۰۶ م، ۱۵۰۷ م، ۱۵۰۸ م، ۱۵۰۹ م، ۱۵۱۰ م، ۱۵۱۱ م، ۱۵۱۲ م، ۱۵۱۳ م، ۱۵۱۴ م، ۱۵۱۵ م، ۱۵۱۶ م، ۱۵۱۷ م، ۱۵۱۸ م، ۱۵۱۹ م، ۱۵۲۰ م، ۱۵۲۱ م، ۱۵۲۲ م، ۱۵۲۳ م، ۱۵۲۴ م، ۱۵۲۵ م، ۱۵۲۶ م، ۱۵۲۷ م، ۱۵۲۸ م، ۱۵۲۹ م، ۱۵۳۰ م، ۱۵۳۱ م، ۱۵۳۲ م، ۱۵۳۳ م، ۱۵۳۴ م، ۱۵۳۵ م، ۱۵۳۶ م، ۱۵۳۷ م، ۱۵۳۸ م، ۱۵۳۹ م، ۱۵۴۰ م، ۱۵۴۱ م، ۱۵۴۲ م، ۱۵۴۳ م، ۱۵۴۴ م، ۱۵۴۵ م، ۱۵۴۶ م، ۱۵۴۷ م، ۱۵۴۸ م، ۱۵۴۹ م، ۱۵۵۰ م، ۱۵۵۱ م، ۱۵۵۲ م، ۱۵۵۳ م، ۱۵۵۴ م، ۱۵۵۵ م، ۱۵۵۶ م، ۱۵۵۷ م، ۱۵۵۸ م، ۱۵۵۹ م، ۱۵۶۰ م، ۱۵۶۱ م، ۱۵۶۲ م، ۱۵۶۳ م، ۱۵۶۴ م، ۱۵۶۵ م، ۱۵۶۶ م، ۱۵۶۷ م، ۱۵۶۸ م، ۱۵۶۹ م، ۱۵۷۰ م، ۱۵۷۱ م، ۱۵۷۲ م، ۱۵۷۳ م، ۱۵۷۴ م، ۱۵۷۵ م، ۱۵۷۶ م، ۱۵۷۷ م، ۱۵۷۸ م، ۱۵۷۹ م، ۱۵۸۰ م، ۱۵۸۱ م، ۱۵۸۲ م، ۱۵۸۳ م، ۱۵۸۴ م، ۱۵۸۵ م، ۱۵۸۶ م، ۱۵۸۷ م، ۱۵۸۸ م، ۱۵۸۹ م، ۱۵۹۰ م، ۱۵۹۱ م، ۱۵۹۲ م، ۱۵۹۳ م، ۱۵۹۴ م، ۱۵۹۵ م، ۱۵۹۶ م، ۱۵۹۷ م، ۱۵۹۸ م، ۱۵۹۹ م، ۱۶۰۰ م، ۱۶۰۱ م، ۱۶۰۲ م، ۱۶۰۳ م، ۱۶۰۴ م، ۱۶۰۵ م، ۱۶۰۶ م، ۱۶۰۷ م، ۱۶۰۸ م، ۱۶۰۹ م، ۱۶۱۰ م، ۱۶۱۱ م، ۱۶۱۲ م، ۱۶۱۳ م، ۱۶۱۴ م، ۱۶۱۵ م، ۱۶۱۶ م، ۱۶۱۷ م، ۱۶۱۸ م، ۱۶۱۹ م، ۱۶۲۰ م، ۱۶۲۱ م، ۱۶۲۲ م، ۱۶۲۳ م، ۱۶۲۴ م، ۱۶۲۵ م، ۱۶۲۶ م، ۱۶۲۷ م، ۱۶۲۸ م، ۱۶۲۹ م، ۱۶۳۰ م، ۱۶۳۱ م، ۱۶۳۲ م، ۱۶۳۳ م، ۱۶۳۴ م، ۱۶۳۵ م، ۱۶۳۶ م، ۱۶۳۷ م، ۱۶۳۸ م، ۱۶۳۹ م، ۱۶۴۰ م، ۱۶۴۱ م، ۱۶۴۲ م، ۱۶۴۳ م، ۱۶۴۴ م، ۱۶۴۵ م، ۱۶۴۶ م، ۱۶۴۷ م، ۱۶۴۸ م، ۱۶۴۹ م، ۱۶۵۰ م، ۱۶۵۱ م، ۱۶۵۲ م، ۱۶۵۳ م، ۱۶۵۴ م، ۱۶۵۵ م، ۱۶۵۶ م، ۱۶۵۷ م، ۱۶۵۸ م، ۱۶۵۹ م، ۱۶۶۰ م، ۱۶۶۱ م، ۱۶۶۲ م، ۱۶۶۳ م، ۱۶۶۴ م، ۱۶۶۵ م، ۱۶۶۶ م، ۱۶۶۷ م، ۱۶۶۸ م، ۱۶۶۹ م، ۱۶۷۰ م، ۱۶۷۱ م، ۱۶۷۲ م، ۱۶۷۳ م، ۱۶۷۴ م، ۱۶۷۵ م، ۱۶۷۶ م، ۱۶۷۷ م، ۱۶۷۸ م، ۱۶۷۹ م، ۱۶۸۰ م، ۱۶۸۱ م، ۱۶۸۲ م، ۱۶۸۳ م، ۱۶۸۴ م، ۱۶۸۵ م، ۱۶۸۶ م، ۱۶۸۷ م، ۱۶۸۸ م، ۱۶۸۹ م، ۱۶۹۰ م، ۱۶۹۱ م، ۱۶۹۲ م، ۱۶۹۳ م، ۱۶۹۴ م، ۱۶۹۵ م، ۱۶۹۶ م، ۱۶۹۷ م، ۱۶۹۸ م، ۱۶۹۹ م، ۱۷۰۰ م، ۱۷۰۱ م، ۱۷۰۲ م، ۱۷۰۳ م، ۱۷۰۴ م، ۱۷۰۵ م، ۱۷۰۶ م، ۱۷۰۷ م، ۱۷۰۸ م، ۱۷۰۹ م، ۱۷۱۰ م، ۱۷۱۱ م، ۱۷۱۲ م، ۱۷۱۳ م، ۱۷۱۴ م، ۱۷۱۵ م، ۱۷۱۶ م، ۱۷۱۷ م، ۱۷۱۸ م، ۱۷۱۹ م، ۱۷۲۰ م، ۱۷۲۱ م، ۱۷۲۲ م، ۱۷۲۳ م، ۱۷۲۴ م، ۱۷۲۵ م، ۱۷۲۶ م، ۱۷۲۷ م، ۱۷۲۸ م، ۱۷۲۹ م، ۱۷۳۰ م، ۱۷۳۱ م، ۱۷۳۲ م، ۱۷۳۳ م، ۱۷۳۴ م، ۱۷۳۵ م، ۱۷۳۶ م، ۱۷۳۷ م، ۱۷۳۸ م، ۱۷۳۹ م، ۱۷۴۰ م، ۱۷۴۱ م، ۱۷۴۲ م، ۱۷۴۳ م، ۱۷۴۴ م، ۱۷۴۵ م، ۱۷۴۶ م، ۱۷۴۷ م، ۱۷۴۸ م، ۱۷۴۹ م، ۱۷۵۰ م، ۱۷۵۱ م، ۱۷۵۲ م، ۱۷۵۳ م، ۱۷۵۴ م، ۱۷۵۵ م، ۱۷۵۶ م، ۱۷۵۷ م، ۱۷۵۸ م، ۱۷۵۹ م، ۱۷۶



وزارت اطلاعات  
تربیب حروف ..... خیلای محرماتنه ..... تعداد ..... فیش دارد  
مرکز فیش بایگانی ..... تاریخ صدور

|                      |                                          |                                          |
|----------------------|------------------------------------------|------------------------------------------|
| شهرت: حکیم زاده      |                                          | نام: علی                                 |
| نام پدر: محمد        | شماره پرونده: ۵۱۹                        | نام قبلی: مستعار                         |
| شماره: ۱۲            | تاریخ تولد: ۱۳۱۷                         | محل تولد: خراسان                         |
| شناخته: ۱۲           | محل صدور: تربیت حریف                     | محل سکونت: خیابان - تهران - میدان - کوچه |
| تأیید: ایران - اسلام | محل سکونت: خیابان - تهران - میدان - کوچه | مذهب: کلام                               |
| شماره پرونده: ۶۷-۱۲۴ | فرعی                                     |                                          |

وزارت اطلاعات  
تربیب حروف ..... خیلای محرماتنه ..... تعداد ..... فیش دارد  
مرکز فیش بایگانی ..... تاریخ صدور

|                      |                                          |                                          |
|----------------------|------------------------------------------|------------------------------------------|
| شهرت: حسین ری        |                                          | نام: محمد علی                            |
| نام پدر: محمد صیرز   | شماره پرونده: ۵۱۹                        | نام قبلی: مستعار                         |
| شماره: ۱۴۹۹          | تاریخ تولد: ۱۳۱۳                         | محل تولد: خراسان                         |
| شناخته: ۱۴۹۹         | محل صدور: تهران                          | محل سکونت: خیابان - تهران - میدان - کوچه |
| تأیید: ایران - اسلام | محل سکونت: خیابان - تهران - میدان - کوچه | مذهب: کلام                               |
| شماره پرونده: ۶۷-۱۲۴ | فرعی                                     |                                          |

وزارت اطلاعات  
تربیب حروف ..... خیلای محرماتنه ..... تعداد ..... فیش دارد  
مرکز فیش بایگانی ..... تاریخ صدور

|                      |                                          |                                          |
|----------------------|------------------------------------------|------------------------------------------|
| شهرت: محمد علی       |                                          | نام: سید عباس                            |
| نام پدر: احمد        | شماره پرونده: ۶۵۹۰                       | نام قبلی: مستعار                         |
| شماره: ۳۶۸۶          | تاریخ تولد: ۱۳۲۴                         | محل تولد: خراسان                         |
| شناخته: ۳۶۸۶         | محل صدور: تهران                          | محل سکونت: خیابان - تهران - میدان - کوچه |
| تأیید: ایران - اسلام | محل سکونت: خیابان - تهران - میدان - کوچه | مذهب: کلام                               |
| شماره پرونده: ۶۷-۱۲۴ | فرعی                                     |                                          |



توضیحات: شماره ای در هر بیان ۱۵ خرداد ۱۳۶۱ - انجام ایام  
حاجه لکتر و استوب و دیگران و اقوام هذا جمیع در حال میسر است  
از قم به تهران در دوازده تومان رشتگی در نزدانی میسر شود  
در مصرف ۱۴۶۱ ع. که مبلغ پنجاه هزار در مصرف شد

[illegible][illegible]





توضیحات: شماره رای در جراید ۱۵ خرداد ۴۲ به اتمام اقدام دهند  
 ۱. منبج و شرکت در راه همکاران در صورتی ۴۲۶۱۴ به اتمام رسید  
 در میان توضیحات در کتابخانه وزارت است. در صورتی ۴۲۶۱۴  
 قرار بر این است صورت تبدیل به قرار التزام مبلغ پنج هزار  
 تومان صادره آزاد میگردند

توضیحات: نامه در جراید ۱۵ خرداد ۴۲ به اتمام شرکت در راه همکاران  
 و اقدام منبج در صورتی ۴۲۶۱۴ به اتمام رسید. ۱۱ در جراید  
 به اتمام رسید. در کتابخانه وزارت است. در صورتی ۴۲۶۱۴  
 قرار بر این است صورت تبدیل به قرار التزام مبلغ دو هزار تومان  
 صادره آزاد میگردند

توضیحات: شماره رای در جراید ۱۵ خرداد ۴۲ به اتمام شرکت  
 در راه همکاران و انجمن در صورتی ۴۲۶۱۴ به اتمام رسید. ۱۹ در  
 جراید به اتمام رسید. در کتابخانه وزارت است. در صورتی ۴۲۶۱۴  
 قرار بر این است صورت تبدیل به قرار التزام مبلغ یک هزار تومان  
 اعلام صادره میگردند



[illegible]

توضیحات: عضو دارالامیر در جمعی ۱۵ فروردین ۱۳۰۴. این هم شرکت  
در این جمعی و این را دستوب و علیا و اقامت جدا شصت در  
مهر ۱۳۰۴. ۱۳۰۴. ۱۳۰۴. در جمعی که با خدیجه شادان کوچه جم  
در تکیه و بازداشت شصت و در مهر ۱۳۰۴. ۱۳۰۴. ۱۳۰۴. ۱۳۰۴.  
صورت: تبی علی و قرار الترام دو هزار تومان صادر و آنرا از دست



وزارت اطلاعات خلیجی محرمانه تعداد ..... فیش دارد  
ترتیب حروف ..... مرکز فیش بایگانی تاریخ صدور .....

|                            |                           |                          |
|----------------------------|---------------------------|--------------------------|
| شهرت: حاجی کانی            |                           | نام: حاج شیخ عبدالرحیم   |
| نام پدر: حاج شیخ آقا میرزا | شماره پرونده: ۵۱۹         | نام فیش: —               |
| نام متعارف: —              | شماره: ۹۹۶                | شماره: —                 |
| شناسنامه: —                | تاریخ تولد: —             | محل تولد: —              |
| محل صدور: حوزه علمیه       | محل تولد: حوزه علمیه      | نوع اقامت: اقامت در منزل |
| تابعیت: ایران              | محل سکونت: حضرت عبدالعظیم | جنبه: آب انبار           |
| موضوع: —                   | موضوع: —                  | موضوع: —                 |
| شماره پرونده: —            | فرعی: —                   | فرعی: —                  |

۶۷-۱۳۳

وزارت اطلاعات خلیجی محرمانه تعداد ..... فیش دارد  
ترتیب حروف ..... مرکز فیش بایگانی تاریخ صدور .....

|                     |                       |                          |
|---------------------|-----------------------|--------------------------|
| شهرت: حسین زارن     |                       | نام: رضا                 |
| نام پدر: علی        | شماره پرونده: ۶۲۴۲    | نام فیش: —               |
| نام متعارف: —       | شماره: —              | شماره: —                 |
| شناسنامه: —         | تاریخ تولد: —         | محل تولد: —              |
| محل صدور: قم        | محل تولد: قم          | نوع اقامت: اقامت در منزل |
| تابعیت: ایران اسلام | محل سکونت: درخت میرزا | جنبه: آب انبار           |
| موضوع: —            | موضوع: —              | موضوع: —                 |
| شماره پرونده: —     | فرعی: —               | فرعی: —                  |

۶۷-۱۳۳

وزارت اطلاعات خلیجی محرمانه تعداد ..... فیش دارد  
ترتیب حروف ..... مرکز فیش بایگانی تاریخ صدور .....

|                     |                     |                          |
|---------------------|---------------------|--------------------------|
| شهرت: حسن جانی      |                     | نام: مرتضی               |
| نام پدر: علی        | شماره پرونده: ۶۲۴۳  | نام فیش: —               |
| نام متعارف: —       | شماره: —            | شماره: —                 |
| شناسنامه: —         | تاریخ تولد: —       | محل تولد: —              |
| محل صدور: تهران     | محل تولد: تهران     | نوع اقامت: اقامت در منزل |
| تابعیت: ایران اسلام | محل سکونت: خیابان — | جنبه: کوچه               |
| موضوع: —            | موضوع: —            | موضوع: —                 |
| شماره پرونده: —     | فرعی: —             | فرعی: —                  |

۶۷-۱۳۳



توضیحات: مصفا را به دستبرد ۱۵۰ هزار ریال به حساب ارقام حسبه  
اخراج و یک ریال ۲۰۰۰۰ ریال به حساب ارقام حسبه ۱۴۰۰ ریال به حساب ارقام حسبه  
خداوند رحیم و فرزندان را به حساب ارقام حسبه ۱۴۰۰ ریال به حساب ارقام حسبه  
صورتی به حساب ارقام حسبه ۱۴۰۰ ریال به حساب ارقام حسبه و  
صورتی به حساب ارقام حسبه ۱۴۰۰ ریال به حساب ارقام حسبه و



وزارت اطلاعات ..... خلیجی محرمه نه ..... تعداد ..... قیش دارد .....  
ترتیب حروف ..... هس کز قیش بایگانی ..... تاریخ صدور .....

|                        |                                         |                          |  |
|------------------------|-----------------------------------------|--------------------------|--|
| شهرت: رضائی            |                                         | نام: امیر                |  |
| نام پدر: حسین          |                                         | شماره پرونده: ۶۵۹۳       |  |
| نام قبلی: —            |                                         | نام اصلی: —              |  |
| شماره شناسنامه: ۲۷     | تاریخ تولد: ۱۳۱۷                        | محل: تبریز - قزوین       |  |
| محل صدور: اراک - قزوین | محل تولد: اراک - قزوین                  | نوع اقامت: اقامت قهرمانی |  |
| تأیید: امیر - اسلام    | محل سکونت: خیابان شاهسیر - قزوین - اراک | محل: قزوین - اراک        |  |
| مذهب: —                | شماره پرونده: قزوین                     |                          |  |

۶۷-۱۳۴

وزارت اطلاعات ..... خلیجی محرمه نه ..... تعداد ..... قیش دارد .....  
ترتیب حروف ..... هس کز قیش بایگانی ..... تاریخ صدور .....

|                         |                                  |                            |  |
|-------------------------|----------------------------------|----------------------------|--|
| شهرت: رضائی             |                                  | نام: قربان                 |  |
| نام پدر: علی            |                                  | شماره پرونده: ۶۵۹۳         |  |
| نام قبلی: —             |                                  | نام اصلی: —                |  |
| شماره شناسنامه: ۲       | تاریخ تولد: ۱۳۲۰                 | محل: کازرون - قزوین - اراک |  |
| محل صدور: اهواز - اهواز | محل تولد: اهواز - اهواز          | نوع اقامت: اقامت قهرمانی   |  |
| تأیید: امیر - اسلام     | محل سکونت: کازرون - قزوین - اراک | محل: قزوین - اراک          |  |
| مذهب: —                 | شماره پرونده: قزوین              |                            |  |

۶۷-۱۳۴

وزارت اطلاعات ..... خلیجی محرمه نه ..... تعداد ..... قیش دارد .....  
ترتیب حروف ..... هس کز قیش بایگانی ..... تاریخ صدور .....

|                        |                                |                          |  |
|------------------------|--------------------------------|--------------------------|--|
| شهرت: روشنی            |                                | نام: محمود               |  |
| نام پدر: علی           |                                | شماره پرونده: ۶۵۹۳       |  |
| نام قبلی: —            |                                | نام اصلی: —              |  |
| شماره شناسنامه: ۲۷     | تاریخ تولد: ۱۳۱۷               | محل: طراوت               |  |
| محل صدور: اراک - قزوین | محل تولد: اراک - قزوین         | نوع اقامت: اقامت قهرمانی |  |
| تأیید: امیر - اسلام    | محل سکونت: اراک - قزوین - اراک | محل: قزوین - اراک        |  |
| مذهب: —                | شماره پرونده: قزوین            |                          |  |

۶۷-۱۳۴

[illegible]

توضیحات: ست. رایبه درج. رب. ۱۵ خرداد ۴۲. از تمام کلاس درس  
را بهیچانی و احکام جمعیاً بهیچ در صوفیه ۴۳. ساخت جمود ۱۲  
در حوالی ابن ماجویه. در تکیه و وزیران در صوفیه ۴۴.  
قرار و زیارت صوفیه تبدیل. قیام از تمام ۵ هزار و ۲۰۰ صادره  
اعلام میگرد  
ست. رایبه درج. رب. ۱۵ خرداد ۴۲. از تمام کلاس درس  
را بهیچانی و احکام جمعیاً بهیچ در صوفیه ۴۳. ساخت جمود ۱۲  
در حوالی ابن ماجویه. در تکیه و وزیران در صوفیه ۴۴.  
قرار و زیارت صوفیه تبدیل. قیام از تمام ۵ هزار و ۲۰۰ صادره  
اعلام میگرد

توضیحات: نام پدر در حصر ایران ۱۵ خرداد ۱۳۲۲ - انجام شرکت در راهپای  
و اقدام ضد انگلیس در صیف ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ - در میان هواپیمای درگیر  
و در سفر به ایران کل در زمان جنگ شرکت در و در صیف ۱۳۶۲ و ۱۳۶۳ - قرار بازداشت  
در وقت آمدن به قرار التزام بیولوژی ۵۷ در زمان دوران ۱۳۵۷ اعلام شرکت در



وزارت اطلاعات خیلای محرماته تعداد ..... فیش دارد  
ترتیب حروف ..... مرکز فیش بایگانی تاریخ صدور .....

|                   |                                       |                            |                                       |
|-------------------|---------------------------------------|----------------------------|---------------------------------------|
| شهرت: حسین        |                                       | نام: سیر احمد              |                                       |
| نام پدر: سیر محمد | شماره پرونده: ۵۱۹                     | نام قبلی: مستعار           |                                       |
| شماره: ۴۷۲        | تاریخ تولد: ۱۳۱۷                      | محل تولد: طلم              | محل صدور: همدان                       |
| شناخته: ۴۷۲       | محل تولد: همدان                       | نوع اتهام: اقدام ضد امنیتی | محل سکونت: همدان - خیابان - منزل شخصی |
| تأیید: ایران بخیر | محل سکونت: همدان - خیابان - منزل شخصی |                            |                                       |
| مذهب: ...         | شماره پرونده: ...                     |                            |                                       |
| فرعی: ...         | ...                                   |                            |                                       |

۶۷-۱۴۴

وزارت اطلاعات خیلای محرماته تعداد ..... فیش دارد  
ترتیب حروف ..... مرکز فیش بایگانی تاریخ صدور .....

|                   |                   |                            |                |
|-------------------|-------------------|----------------------------|----------------|
| شهرت: حسین        |                   | نام: سیر محمد              |                |
| نام پدر: سیر محمد | شماره پرونده: ۵۱۹ | نام قبلی: مستعار           |                |
| شماره: ...        | تاریخ تولد: ...   | محل تولد: ...              | محل صدور: ...  |
| شناخته: ...       | محل تولد: ...     | نوع اتهام: اقدام ضد امنیتی | محل سکونت: ... |
| تأیید: ایران بخیر | محل سکونت: ...    |                            |                |
| مذهب: ...         | شماره پرونده: ... |                            |                |
| فرعی: ...         | ...               |                            |                |

۶۷-۱۴۴

وزارت اطلاعات خیلای محرماته تعداد ..... فیش دارد  
ترتیب حروف ..... مرکز فیش بایگانی تاریخ صدور .....

|                    |                    |                  |                |
|--------------------|--------------------|------------------|----------------|
| شهرت: سهراب        |                    | نام: حبیب        |                |
| نام پدر: محمد کاظم | شماره پرونده: ۶۵۹۳ | نام قبلی: مستعار |                |
| شماره: ۴۶۱         | تاریخ تولد: ۱۳۱۲   | محل تولد: ...    | محل صدور: ...  |
| شناخته: ...        | محل تولد: ...      | نوع اتهام: ...   | محل سکونت: ... |
| تأیید: ایران بخیر  | محل سکونت: ...     |                  |                |
| مذهب: ...          | شماره پرونده: ...  |                  |                |
| فرعی: ...          | ...                |                  |                |

۶۷-۱۴۴

[illegible]



وزارت اطلاعات خلیه محرماتنه تعداد ..... فیش دارد  
ترتیب حروف ..... سرگز فیش پایتگاهی تاریخ صدور

|                     |                                             |                           |
|---------------------|---------------------------------------------|---------------------------|
| شهرت: حسین زاده     |                                             | نام: علی اله              |
| نام پدر: حاج علی    | شماره پرونده: ۵۱۹                           | نام فیش: مستعار           |
| شماره شناسنامه: ۱۵۶ | تاریخ تولد: ۱۳۰۸                            | محل تولد: سرای داربانک    |
| محل صدور: کاندلر    | محل تولد: کاشمر                             | نوع اتهام: اقدام ضد امنیت |
| تأیید: لا           | محل سکونت: دروازه امام زاده حسن - کوچه چوبی | مطلب: لا                  |
| شماره پرونده: فرعی  | محل کار: حسین زاده حسن - کاشمر - کاشمر      |                           |

۶۷-۱۲۴

وزارت اطلاعات خلیه محرماتنه تعداد ..... فیش دارد  
ترتیب حروف ..... سرگز فیش پایتگاهی تاریخ صدور

|                        |                                                |                           |
|------------------------|------------------------------------------------|---------------------------|
| شهرت: حسینی            |                                                | نام: سید علی              |
| نام پدر: سید کاظم      | شماره پرونده: ۵۱۹                              | نام فیش: مستعار           |
| شماره شناسنامه: ۱۳۷    | تاریخ تولد: ۱۳۲۲                               | محل تولد: دفتر دار        |
| محل صدور: سمبستر تبریز | محل تولد: سمبستر                               | نوع اتهام: اقدام ضد امنیت |
| تأیید: ایران - اسلام   | محل سکونت: مودرجهری در قاشگاه متل ملا محمد     | مطلب: لا                  |
| شماره پرونده: فرعی     | محل کار: بازار ترمیم - صمدیه - دفتر دار - جهره |                           |

۶۷-۱۲۴

وزارت اطلاعات خلیه محرماتنه تعداد ..... فیش دارد  
ترتیب حروف ..... سرگز فیش پایتگاهی تاریخ صدور

|                    |                                    |                           |
|--------------------|------------------------------------|---------------------------|
| شهرت: حسینی        |                                    | نام: ابوالفضل             |
| نام پدر: اصغر      | شماره پرونده: ۵۱۹                  | نام فیش: مستعار           |
| شماره شناسنامه: —  | تاریخ تولد: —                      | محل تولد: راننده قلعهک    |
| محل صدور: زنجان    | محل تولد: زنجان                    | نوع اتهام: اقدام ضد امنیت |
| تأیید: لا          | محل سکونت: جهره - جهره - در قاشگاه | مطلب: لا                  |
| شماره پرونده: فرعی | محل کار: کوچه چوبی                 |                           |

۶۷-۱۲۴

توضیح: مستأجر البیوم و مریض ۱۵ خرداد ۴۲ - ایستقامت تمام  
 عند الصبح و ایجاب استسباب و عیال و غیره در هر صبح ۱۵ و ۱۶  
 در میان راه تا رسیدن به محل اقامت و غیره در هر صبح  
 ۴۲ و ۱۶ - قرار زیارت حضرت تعجیل به قرار التزام مبلغ دو هزار تومان  
 صادر و از آنجا برد



وزارت اطلاعات  
تربیب حروف ..... فهرست فیش بایگانی ..... تعداد ..... فیش دارد

شهرت: حریری نام: محمد حسن

نام پدر: عبدالمجید شماره پرونده: ۵۱۹ نام فیش: — نام مستعار: —

شماره: ۶۶۵۴ تاریخ تولد: ۱۳۰۹ محل تولد: تهران - خیابان: قزوینی - کوچه: ...

محل صدور: تهران - خیابان: قزوینی - کوچه: ...

نام پیت: ایران - اسلام محل سکونت: تهران - خیابان: قزوینی - کوچه: ...

مذهب: ...

شماره پرونده: ... فرعی: ...

۶۷-۱۲۴

وزارت اطلاعات  
تربیب حروف ..... فهرست فیش بایگانی ..... تعداد ..... فیش دارد

شهرت: حریری نام: محمد حسن

نام پدر: محمد حسن شماره پرونده: ۵۱۹ نام فیش: — نام مستعار: —

شماره: ۳۳۹ تاریخ تولد: ۱۳۱۶ محل تولد: تهران - خیابان: قزوینی - کوچه: ...

محل صدور: تهران - خیابان: قزوینی - کوچه: ...

نام پیت: ایران - اسلام محل سکونت: تهران - خیابان: قزوینی - کوچه: ...

مذهب: ...

شماره پرونده: ... فرعی: ...

۶۷-۱۲۴

وزارت اطلاعات  
تربیب حروف ..... فهرست فیش بایگانی ..... تعداد ..... فیش دارد

شهرت: حریری نام: محمد حسن

نام پدر: حبیب الله شماره پرونده: ۵۱۹ نام فیش: — نام مستعار: —

شماره: ۲۲۹۴ تاریخ تولد: ۱۳۲۲ محل تولد: تهران - خیابان: قزوینی - کوچه: ...

محل صدور: تهران - خیابان: قزوینی - کوچه: ...

نام پیت: ایران - اسلام محل سکونت: تهران - خیابان: قزوینی - کوچه: ...

مذهب: ...

شماره پرونده: ... فرعی: ...

۶۷-۱۲۴



قوضات: ششماره در مجرای ۱۵ جزء در ۲۴: ۱۱. تمام برکت  
در اوج بیاضی و هاله تمام جلد هشیج و اری و دیوار آفتاب و جسم بیاض  
در جنابان شاه هوش و رنگی غرضانی من شود. در صورت ۱۱ از ۲۴  
قرار ضعیف دیگر در صدد آزار می باشد  
تا ری در شکر فیدند ۱۵ جزء ۱۵ جزء در ۱۵ جزء



وزارت اطلاعات ..... خلیجی محرمانه ..... تعداد ..... فیش دارد  
ترتیب حروف ..... هرگز فیش بایگانی ..... تاریخ صدور .....

|                             |                           |                           |                         |
|-----------------------------|---------------------------|---------------------------|-------------------------|
| شهرت: <b>نریمان</b>         |                           | نام: <b>حسین</b>          |                         |
| نام پدر: <b>حسین</b>        | شماره پرونده: <b>۶۵۷۸</b> | نام فیش: <b>۶۵۷۸</b>      | نام مستعار: <b>۶۵۷۸</b> |
| شماره شناسنامه: <b>۶۵۷۸</b> | تاریخ تولد: <b>۱۳۱۳</b>   | محل تولد: <b>تهران</b>    | محل سکونت: <b>تهران</b> |
| محل صدور: <b>تهران</b>      | محل سکونت: <b>تهران</b>   | محل سکونت: <b>تهران</b>   | محل سکونت: <b>تهران</b> |
| تأیید: <b>اسرار</b>         | تأیید: <b>اسرار</b>       | تأیید: <b>اسرار</b>       | تأیید: <b>اسرار</b>     |
| شماره پرونده: <b>۶۵۷۸</b>   | فرعی: <b>۶۵۷۸</b>         | شماره پرونده: <b>۶۵۷۸</b> | فرعی: <b>۶۵۷۸</b>       |

وزارت اطلاعات ..... خلیجی محرمانه ..... تعداد ..... فیش دارد  
ترتیب حروف ..... هرگز فیش بایگانی ..... تاریخ صدور .....

|                             |                           |                           |                         |
|-----------------------------|---------------------------|---------------------------|-------------------------|
| شهرت: <b>محمدی</b>          |                           | نام: <b>محمد</b>          |                         |
| نام پدر: <b>محمد</b>        | شماره پرونده: <b>۶۵۷۸</b> | نام فیش: <b>۶۵۷۸</b>      | نام مستعار: <b>۶۵۷۸</b> |
| شماره شناسنامه: <b>۶۵۷۸</b> | تاریخ تولد: <b>۱۳۱۳</b>   | محل تولد: <b>تهران</b>    | محل سکونت: <b>تهران</b> |
| محل صدور: <b>تهران</b>      | محل سکونت: <b>تهران</b>   | محل سکونت: <b>تهران</b>   | محل سکونت: <b>تهران</b> |
| تأیید: <b>اسرار</b>         | تأیید: <b>اسرار</b>       | تأیید: <b>اسرار</b>       | تأیید: <b>اسرار</b>     |
| شماره پرونده: <b>۶۵۷۸</b>   | فرعی: <b>۶۵۷۸</b>         | شماره پرونده: <b>۶۵۷۸</b> | فرعی: <b>۶۵۷۸</b>       |

وزارت اطلاعات ..... خلیجی محرمانه ..... تعداد ..... فیش دارد  
ترتیب حروف ..... هرگز فیش بایگانی ..... تاریخ صدور .....

|                             |                           |                           |                         |
|-----------------------------|---------------------------|---------------------------|-------------------------|
| شهرت: <b>محمد قاسمی</b>     |                           | نام: <b>محمد</b>          |                         |
| نام پدر: <b>محمد قاسمی</b>  | شماره پرونده: <b>۶۵۷۸</b> | نام فیش: <b>۶۵۷۸</b>      | نام مستعار: <b>۶۵۷۸</b> |
| شماره شناسنامه: <b>۶۵۷۸</b> | تاریخ تولد: <b>۱۳۱۷</b>   | محل تولد: <b>تهران</b>    | محل سکونت: <b>تهران</b> |
| محل صدور: <b>تهران</b>      | محل سکونت: <b>تهران</b>   | محل سکونت: <b>تهران</b>   | محل سکونت: <b>تهران</b> |
| تأیید: <b>اسرار</b>         | تأیید: <b>اسرار</b>       | تأیید: <b>اسرار</b>       | تأیید: <b>اسرار</b>     |
| شماره پرونده: <b>۶۵۷۸</b>   | فرعی: <b>۶۵۷۸</b>         | شماره پرونده: <b>۶۵۷۸</b> | فرعی: <b>۶۵۷۸</b>       |

توضیحات: حبس را پس از هر یک از ۱۵ روز در ۳۰ موقوفه  
 کند و از طرف دواک و سنگی و غیره زمان قتل قلعه میسر  
 می شود پس از این از او منع موقوفه نیست نه و عوارض  
 متعذر است پس از این همه در دواک و سنگی

توضیحات: حساب بر پایه درجه بران ۱۵ جزو ۲۰ منظور شده  
در هر روز عید ۱۰ صبح در این مکانها میباشند های بیشتر  
۱۵ و ۲۰  
در این روزها و در این روزها در هر روز میباشند  
در این روزها و در این روزها در هر روز میباشند  
در این روزها و در این روزها در هر روز میباشند



وزارت اطلاعات خلیسی محرمانه تعداد ..... فیش دارد  
ترتیب حروف ..... هرگز فیش بایگانی تاریخ صدور ۱۳۹۹/۹/۲۹

|                 |                          |                  |                  |
|-----------------|--------------------------|------------------|------------------|
| شهرت: مقبری     |                          | نام: حسین        |                  |
| نام پدر: حسن    | شماره پرونده: ۵۲۱۴       | نام قبلی: مستعار | اصلی             |
| شماره: ۷۱۱      | تاریخ تولد: ۱۳۱۶         | محل تولد: تهران  | محل سکونت: تهران |
| شناسنامه: ۷۱۱   | تاریخ تولد: ۱۳۱۶         | محل تولد: تهران  | محل سکونت: تهران |
| محل صدور: تهران | نوع انجام: اقدام         | تاریخ: ۱۳۹۹/۹/۲۹ | محل سکونت: تهران |
| تأیید: ایران    | محل سکونت: تهران         | محل سکونت: تهران | محل سکونت: تهران |
| مذهب: اسلام     | شماره پرونده: ۴۰۱۶۶۲۹۹۶۱ | فرعی: ۵۳۶۱۳      |                  |

۶۷-۱۳۴

وزارت اطلاعات خلیسی محرمانه تعداد ..... فیش دارد  
ترتیب حروف ..... هرگز فیش بایگانی تاریخ صدور ۱۳۹۹/۹/۲۹

|                   |                          |                  |                  |
|-------------------|--------------------------|------------------|------------------|
| شهرت: صهری نژاد   |                          | نام: عباس        |                  |
| نام پدر: ابوالفضل | شماره پرونده: ۴۵۷۸       | نام قبلی: مستعار | اصلی             |
| شماره: ۴۳۲۰۵      | تاریخ تولد: ۱۳۱۵         | محل تولد: تهران  | محل سکونت: تهران |
| شناسنامه: ۴۳۲۰۵   | تاریخ تولد: ۱۳۱۵         | محل تولد: تهران  | محل سکونت: تهران |
| محل صدور: تهران   | نوع انجام: اقدام         | تاریخ: ۱۳۹۹/۹/۲۹ | محل سکونت: تهران |
| تأیید: ایران      | محل سکونت: تهران         | محل سکونت: تهران | محل سکونت: تهران |
| مذهب: شیعه        | شماره پرونده: ۴۰۱۶۶۲۹۹۶۱ | فرعی: ۵۳۶۱۳      |                  |

۶۷-۱۳۴

وزارت اطلاعات خلیسی محرمانه تعداد ..... فیش دارد  
ترتیب حروف ..... هرگز فیش بایگانی تاریخ صدور ۱۳۹۹/۹/۲۹

|                  |                          |                  |                  |
|------------------|--------------------------|------------------|------------------|
| شهرت: مقبری نژاد |                          | نام: محمود       |                  |
| نام پدر: صادق    | شماره پرونده: ۵۲۱۴       | نام قبلی: مستعار | اصلی             |
| شماره: ۱۵۶       | تاریخ تولد: ۱۳۱۴         | محل تولد: تهران  | محل سکونت: تهران |
| شناسنامه: ۱۵۶    | تاریخ تولد: ۱۳۱۴         | محل تولد: تهران  | محل سکونت: تهران |
| محل صدور: تهران  | نوع انجام: اقدام         | تاریخ: ۱۳۹۹/۹/۲۹ | محل سکونت: تهران |
| تأیید: ایران     | محل سکونت: تهران         | محل سکونت: تهران | محل سکونت: تهران |
| مذهب: اسلام      | شماره پرونده: ۴۰۱۶۶۲۹۹۶۱ | فرعی: ۵۳۶۱۳      |                  |

۶۷-۱۳۴

[illegible]



وزارت اطلاعات خلیلی محرم‌سأنه تعداد ..... فیش دارد  
ترتیب خروج مرکز فیش پایگانی تاریخ صدور .....

|                      |                    |                    |
|----------------------|--------------------|--------------------|
| شهرت: دارا بکر       |                    | نام: ام            |
| نام پدر: عباس        | شماره پرونده: ۶۵۸۸ | نام قبلی: —        |
| نام مستعار: —        | نام اصلی: —        | شماره شناسنامه: —  |
| تاریخ تولد: ۱۳۲۲     | محل تولد: تهران    | محل صدور: تهران    |
| محل سکونت: تهران     | محل سکونت: تهران   | محل سکونت: تهران   |
| شماره پرونده: ۵۲۰۷۱۶ | فرعی: —            | تاریخ صدور: ۶۷-۱۲۴ |

وزارت اطلاعات خلیلی محرم‌سأنه تعداد ..... فیش دارد  
ترتیب خروج مرکز فیش پایگانی تاریخ صدور .....

|                  |                   |                    |
|------------------|-------------------|--------------------|
| شهرت: زنگنه      |                   | نام: داور          |
| نام پدر: حاجی    | شماره پرونده: ۳۳۳ | نام قبلی: —        |
| نام مستعار: —    | نام اصلی: —       | شماره شناسنامه: —  |
| تاریخ تولد: —    | محل تولد: تهران   | محل صدور: تهران    |
| محل سکونت: تهران | محل سکونت: تهران  | محل سکونت: تهران   |
| شماره پرونده: —  | فرعی: —           | تاریخ صدور: ۶۷-۱۲۴ |

وزارت اطلاعات خلیلی محرم‌سأنه تعداد ..... فیش دارد  
ترتیب خروج مرکز فیش پایگانی تاریخ صدور .....

|                      |                    |                    |
|----------------------|--------------------|--------------------|
| شهرت: دقتر           |                    | نام: حلیل          |
| نام پدر: دقتر        | شماره پرونده: ۵۲۱۲ | نام قبلی: —        |
| نام مستعار: —        | نام اصلی: —        | شماره شناسنامه: —  |
| تاریخ تولد: ۱۳۳۱     | محل تولد: تهران    | محل صدور: تهران    |
| محل سکونت: تهران     | محل سکونت: تهران   | محل سکونت: تهران   |
| شماره پرونده: ۵۲۰۶۱۱ | فرعی: —            | تاریخ صدور: ۶۷-۱۲۴ |



توضیحات: منشأ برالیه در جریان ۱۵ خرداد ۴۲... بر انجام بهرگز  
در راه هیبتی و اقدام چند امینتی و ایجاد آفتاب در طوایف و در صورت  
۴۱ و ۴۲ در صورت آن تو خجسته... از طرفت و راکت و تکلیف و زندان  
بعضی بنام منتقل... در ۹ و ۱۰ و ۱۱... قرار بازداشت و وقت تبدیل  
... قرار التزام صلح... و هزار تومان اعلام میگرد  
آدرین گل گار: سبزه میدان... مقابل بانک ملی... خیابان حسن  
صغری

توضیحات: منشأ برالیه در جریان ۱۵ خرداد ۴۲... در صورت ۴۲ و ۴۳  
... اتفاق... و هزار تومان... و هزار تومان... و هزار تومان...  
... و هزار تومان... و هزار تومان... و هزار تومان...  
... و هزار تومان... و هزار تومان... و هزار تومان...  
... و هزار تومان... و هزار تومان... و هزار تومان...  
... و هزار تومان... و هزار تومان... و هزار تومان...

توضیحات: منشأ برالیه در جریان ۱۵ خرداد ۴۲... بر انجام بهرگز  
در راه هیبتی و اقدام چند امینتی و ایجاد آفتاب در طوایف و در صورت  
۴۱ و ۴۲ در صورت آن تو خجسته... از طرفت و راکت و تکلیف و زندان  
بعضی بنام منتقل... در ۹ و ۱۰ و ۱۱... قرار بازداشت و وقت تبدیل  
... قرار التزام صلح... و هزار تومان اعلام میگرد  
آدرین گل گار: سبزه میدان... مقابل بانک ملی... خیابان حسن  
صغری



وزارت اطلاعات  
شعبه فیش و پرونده  
تعداد ..... فیش دارد  
ترتیب حروف ..... مرکز فیش بایگانی تاریخ صدور

|                     |                       |                  |                                  |
|---------------------|-----------------------|------------------|----------------------------------|
| شهرت: حاج محمد      |                       | نام: عباسعلی     |                                  |
| نام پدر: علی محمد   | شماره پرونده: ۵۱۹     | نام فقیه: —      | نام مستعار: —                    |
| شماره شناسنامه: ۸۴۶ | تاریخ تولد: ۱۳۲۳      | محل تولد: تهران  | محل سکونت: تهران - کوچه سید شهاب |
| محل صدور: تهران     | نوع اقامت: اقامت دائم | تاریخ صدور: ۱۳۴۵ | محل سکونت: تهران - کوچه سید شهاب |
| تأیید: —            | محل سکونت: تهران      | محل سکونت: تهران | محل سکونت: تهران                 |
| شماره پرونده: —     | فرعی: —               | شماره پرونده: —  |                                  |

۶۷-۱۳۳

وزارت اطلاعات  
شعبه فیش و پرونده  
تعداد ..... فیش دارد  
ترتیب حروف ..... مرکز فیش بایگانی تاریخ صدور

|                       |                       |                  |                  |
|-----------------------|-----------------------|------------------|------------------|
| شهرت: هادی            |                       | نام: حسین        |                  |
| نام پدر: محمد رضا     | شماره پرونده: ۵۵۸۸    | نام فقیه: —      | نام مستعار: —    |
| شماره شناسنامه: ۱۸۷۵۴ | تاریخ تولد: —         | محل تولد: تهران  | محل سکونت: تهران |
| محل صدور: تهران       | نوع اقامت: اقامت دائم | تاریخ صدور: ۱۳۴۵ | محل سکونت: تهران |
| تأیید: —              | محل سکونت: تهران      | محل سکونت: تهران | محل سکونت: تهران |
| شماره پرونده: —       | فرعی: —               | شماره پرونده: —  |                  |

۶۷-۱۳۳

وزارت اطلاعات  
شعبه فیش و پرونده  
تعداد ..... فیش دارد  
ترتیب حروف ..... مرکز فیش بایگانی تاریخ صدور

|                   |                       |                  |                  |
|-------------------|-----------------------|------------------|------------------|
| شهرت: ذریع        |                       | نام: حجاز        |                  |
| نام پدر: عباسعلی  | شماره پرونده: ۵۵۸۸    | نام فقیه: —      | نام مستعار: —    |
| شماره شناسنامه: — | تاریخ تولد: ۱۳۲۱      | محل تولد: تهران  | محل سکونت: تهران |
| محل صدور: تهران   | نوع اقامت: اقامت دائم | تاریخ صدور: ۱۳۴۵ | محل سکونت: تهران |
| تأیید: —          | محل سکونت: تهران      | محل سکونت: تهران | محل سکونت: تهران |
| شماره پرونده: —   | فرعی: —               | شماره پرونده: —  |                  |

۶۷-۱۳۳





توضیحات: مستشار البر در جریان ۱۵ خرداد ۴۲ به اجتماع شرکت  
 در راهپایشی و اقدام ضد اعتیاد و اخراج وایکس، آریستو، وایکس، در مسجد  
 ۴۲، ۱۴ خرداد ۴۲ در میان سید در بین آنها هر کس که گمان کرد که در میان  
 الله و فتح القریب و کما هکذا، نزد وایکس، غنی می‌دادند و کسلی وایکس  
 می‌شد و در مسجد ۴۲، ۱۴ خرداد ۴۲ در وقت شب به یکلای التزام ۵۰ هزار تومان  
 از قتلین و کما هکذا، شغرت انجام بوده اند  
 در مسجد

توضیحات: نامبرده در جریان ۱۵ خرداد ۴۲ به اجتماع شرکت  
 در راهپایشی و اقدام ضد اعتیاد و اخراج وایکس، آریستو، وایکس، در مسجد  
 و کسلی، وایکس، وایکس، در مسجد ۴۲، ۱۴ خرداد ۴۲ در وقت  
 شب به یکلای التزام ۵۰ هزار تومان و کما هکذا، شغرت  
 کار انجام داده و کما هکذا، شغرت

توضیحات: مستشار البر در جریان ۱۵ خرداد ۴۲ به اجتماع شرکت  
 در راهپایشی و اقدام ضد اعتیاد و اخراج وایکس، آریستو، وایکس، در مسجد  
 و کسلی، وایکس، وایکس، در مسجد ۴۲، ۱۴ خرداد ۴۲ در وقت  
 شب به یکلای التزام ۵۰ هزار تومان و کما هکذا، شغرت



وزارت اطلاعات خلیلی حضرت ماه تیش دارد  
تاریخ صدور ۱۳۹۹/۱۲/۲۹

|                     |                    |                    |                  |
|---------------------|--------------------|--------------------|------------------|
| شهرت: میرزا عباس    |                    | نام: میرزا عباس    |                  |
| نام پدر: میرزا علی  | شماره پرونده: ۶۵۷۸ | تاریخ تولد: ۱۳۱۷   |                  |
| نام قبلی: —         | نام مستعار: —      | شماره شناسنامه: ۱۸ | محل صدور: قم     |
| محل سکونت: تهران    |                    | محل تولد: قم       | نوع اهلام: نوع ۱ |
| تأیید: ۱۳۹۹/۱۲/۲۹   |                    | محل سکونت: تهران   |                  |
| شماره پرونده: ۵۲۲۲۱ |                    | فرعی: —            |                  |

۶۷-۱۴۲

وزارت اطلاعات خلیلی حضرت ماه تیش دارد  
تاریخ صدور ۱۳۹۹/۱۲/۲۹

|                   |                   |                      |                  |
|-------------------|-------------------|----------------------|------------------|
| شهرت: حاج مراد    |                   | نام: محمد علی        |                  |
| نام پدر: محمد علی | شماره پرونده: ۵۱۹ | تاریخ تولد: ۱۳۱۰     |                  |
| نام قبلی: —       | نام مستعار: —     | شماره شناسنامه: ۱۲۱۷ | محل صدور: تهران  |
| محل سکونت: تهران  |                   | محل تولد: تهران      | نوع اهلام: نوع ۱ |
| تأیید: ۱۳۹۹/۱۲/۲۹ |                   | محل سکونت: تهران     |                  |
| شماره پرونده: —   |                   | فرعی: —              |                  |

۶۷-۱۴۲

وزارت اطلاعات خلیلی حضرت ماه تیش دارد  
تاریخ صدور ۱۳۹۹/۱۲/۲۹

|                   |                   |                   |                  |
|-------------------|-------------------|-------------------|------------------|
| شهرت: حاج مراد    |                   | نام: اکبر         |                  |
| نام پدر: محمد رضا | شماره پرونده: ۵۱۹ | تاریخ تولد: ۱۳۲۴  |                  |
| نام قبلی: —       | نام مستعار: —     | شماره شناسنامه: — | محل صدور: —      |
| محل سکونت: تهران  |                   | محل تولد: —       | نوع اهلام: نوع ۱ |
| تأیید: ۱۳۹۹/۱۲/۲۹ |                   | محل سکونت: تهران  |                  |
| شماره پرونده: —   |                   | فرعی: —           |                  |

۶۷-۱۴۲



توضیحات: مهتابی در بهار ۱۵ خرداد ۴۲ به اجتماع مشترک در راهپایانی اقدامات نهضت در بهار ۴۲ برگزار شد. در توجیهات از ظرفیت و کارهای تکمیلی و برپا شدن مراسم و جشنها و همچنین اقدامات نهضت در بهار ۴۲ و بازداشت صورت تبدیل به قرار التزامات و مبلغ دو هزار و سیصد و پنجاه هزار ریال اعلام گردید.

توضیحات: مهتابی در بهار ۱۵ خرداد ۴۲ به اجتماع مشترک در راهپایانی اقدامات نهضت در بهار ۴۲ برگزار شد. در توجیهات از ظرفیت و کارهای تکمیلی و برپا شدن مراسم و جشنها و همچنین اقدامات نهضت در بهار ۴۲ و بازداشت صورت تبدیل به قرار التزامات و مبلغ دو هزار و سیصد و پنجاه هزار ریال اعلام گردید.

توضیحات: مهتابی در بهار ۱۵ خرداد ۴۲ به اجتماع مشترک در راهپایانی اقدامات نهضت در بهار ۴۲ برگزار شد. در توجیهات از ظرفیت و کارهای تکمیلی و برپا شدن مراسم و جشنها و همچنین اقدامات نهضت در بهار ۴۲ و بازداشت صورت تبدیل به قرار التزامات و مبلغ دو هزار و سیصد و پنجاه هزار ریال اعلام گردید.



وزارت اطلاعات  
شیرازی حضرت ماه  
تعداد ..... فیش دارد  
تاریخ صدور ۷۹/۹/۷۹  
مرکز فیش بایگانی

|                        |                    |                             |                       |
|------------------------|--------------------|-----------------------------|-----------------------|
| شهرت: میرزا صالح       |                    | نام: عباس                   |                       |
| نام پدر: صالح          | شماره پرونده: ۶۵۷۸ | نام فیش: ۱۵۱۹               | شماره شناسنامه: ۱۵۱۹  |
| نام مستعار: ---        | اصلی: ۱۵۱۷         | تاریخ تولد: ۱۳۱۷            | محل تولد: کازرون فارس |
| محل صدور: ۸ تهران      | محل سکونت: تهران   | نوع اهلام: اقدام علیه امنیت | تاریخ: ۱۳۱۷           |
| لا بهیت: ایران         | مذهب: اسلام        | محل سکونت: کازرون فارس      |                       |
| شماره پرونده: ۴۰۶۶۶۶۶۶ | فرعی: ۵۲/۹/۱۹      |                             |                       |

۶۷-۱۳۳

وزارت اطلاعات  
شیرازی حضرت ماه  
تعداد ..... فیش دارد  
تاریخ صدور ۷۹/۹/۷۹  
مرکز فیش بایگانی

|                        |                    |                             |                       |
|------------------------|--------------------|-----------------------------|-----------------------|
| شهرت: میرزاده          |                    | نام: خسرو                   |                       |
| نام پدر: رفیع          | شماره پرونده: ۶۵۷۸ | نام فیش: ۱۳۹۱               | شماره شناسنامه: ۱۳۹۱  |
| نام مستعار: ---        | اصلی: ۱۳۱۹         | تاریخ تولد: ۱۳۱۹            | محل تولد: کازرون فارس |
| محل صدور: اهلیان       | محل سکونت: اهلیان  | نوع اهلام: اقدام علیه امنیت | تاریخ: ۱۳۱۹           |
| لا بهیت: ایران         | مذهب: اسلام        | محل سکونت: کازرون فارس      |                       |
| شماره پرونده: ۴۰۶۶۶۶۶۶ | فرعی: ۵۲/۹/۱۹      |                             |                       |

۶۷-۱۳۳

وزارت اطلاعات  
شیرازی حضرت ماه  
تعداد ..... فیش دارد  
تاریخ صدور ۷۹/۹/۷۹  
مرکز فیش بایگانی

|                        |                    |                             |                       |
|------------------------|--------------------|-----------------------------|-----------------------|
| شهرت: میرامینی         |                    | نام: سید محمد               |                       |
| نام پدر: احمد          | شماره پرونده: ۶۵۷۸ | نام فیش: ۱۳۴۳۸              | شماره شناسنامه: ۱۳۴۳۸ |
| نام مستعار: ---        | اصلی: ۱۳۱۹         | تاریخ تولد: ۱۳۱۹            | محل تولد: کازرون فارس |
| محل صدور: گدکلیان      | محل سکونت: گدکلیان | نوع اهلام: اقدام علیه امنیت | تاریخ: ۱۳۱۹           |
| لا بهیت: ایران         | مذهب: اسلام        | محل سکونت: کازرون فارس      |                       |
| شماره پرونده: ۴۰۶۶۶۶۶۶ | فرعی: ۵۲/۹/۱۹      |                             |                       |

۶۷-۱۳۳

توضیحات: منشا براسمه درج بالا ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ به انجام برگشت  
در راهپایانی واقعه که منشا منتهی در روز ۱۳۴۲ به سمت ۱۹ از  
طرفت واک در یکباره و چون فکرم که نه اقدام منشا منتهی خود را از  
روغ میخواند و نه ایلا ۱۰ خرداد ۱۳۴۲ وقت تبدیل به قرار از تمام  
۵۵ هزار تومان اعلام شد در



وزارت اطلاعات  
ترتیب حروف ..... فهرست فیش پایگانی  
نویسنده: ..... تعداد ..... فیش دارد  
تاریخ صدور: ۱۳۹۹/۹/۲۹

|                       |                                                 |                            |
|-----------------------|-------------------------------------------------|----------------------------|
| شهرت: در بیان         |                                                 | نام: علی                   |
| نام پدر: صهری         | شماره پرونده: ۲۵۸۸                              | نام قبلی: صهری             |
| شماره شناسنامه: ۴۲    | تاریخ تولد: ۱۳۲۳                                | محل: خلیج - طبرستان - واصل |
| محل صدور: دماوند      | محل تولد: دماوند                                | نوع اهلیات: اقدام ضد امنیت |
| تأیید: ایران بریتانیا | محل سکونت: صهری - مدرسه قائمیه تهران - طبقه دوم | مذهب: شیعه                 |
| شماره پرونده: ۶۷-۱۲۴  | فرعی: آدرس محل تولد: س. و. حمله قائم آباد       |                            |

وزارت اطلاعات  
ترتیب حروف ..... فهرست فیش پایگانی  
نویسنده: ..... تعداد ..... فیش دارد  
تاریخ صدور: ۱۳۹۹/۹/۲۹

|                      |                                           |                            |
|----------------------|-------------------------------------------|----------------------------|
| شهرت: حلی            |                                           | نام: حسن                   |
| نام پدر: اکبر        | شماره پرونده: ۶۵۷۱                        | نام قبلی: حلی              |
| شماره شناسنامه: —    | تاریخ تولد: —                             | محل: مزار دوبرگ            |
| محل صدور: اردستان    | محل تولد: اردستان                         | نوع اهلیات: اقدام ضد امنیت |
| تأیید: ایران         | محل سکونت: دماوند - حمله آقاسید - محل پدر | مذهب: اسلام شیعه           |
| شماره پرونده: ۶۷-۱۲۴ | فرعی: آدرس محل تولد: مزار دوبرگ           |                            |

وزارت اطلاعات  
ترتیب حروف ..... فهرست فیش پایگانی  
نویسنده: ..... تعداد ..... فیش دارد  
تاریخ صدور: ۱۳۹۹/۹/۲۹

|                       |                                          |                            |
|-----------------------|------------------------------------------|----------------------------|
| شهرت: صهری (سید محمد) |                                          | نام: سید محمد              |
| نام پدر: سید علی      | شماره پرونده: ۶۵۷۱                       | نام قبلی: صهری             |
| شماره شناسنامه: ۱۸۴   | تاریخ تولد: ۱۳۰۴                         | محل: واصل - طبرستان        |
| محل صدور: تهران       | محل تولد: تهران                          | نوع اهلیات: اقدام ضد امنیت |
| تأیید: ایران          | محل سکونت: تهران - خیابان خراسان - خ. ۲۲ | مذهب: شیعه                 |
| شماره پرونده: ۶۷-۱۲۴  | فرعی: آدرس محل تولد: واصل - طبرستان      |                            |

قضية: مشاير الیه سرحدیوں ۱۵ جردار ۱۲۰۰۰ اجناس سیکڑے راہبانی  
وایداد سب و ایل و کرکری سرحد سیکڑے عقلا طاققام ضلعانیت در  
سبب حیا کرکری درمنزل انصاف خود از طرف سداک سیکڑے دریا کرکری  
در انتقاد از دولت و دفاع از مراجع و طلب و قیمت از مراجع  
را سرحد لازم و واجب دانسته و دفاع از خود را تقبیض  
در بعضی حالات امام صادق (ع) در سال ۴۲۰ هجری در دوا قاضی  
از دوا انتقاد میکنند  
آدمی در سیکڑے از نامہ در سیکڑے نیست







توضیحات: هشتم اردیبهرد در جریان ۱۵۰ خرداد ۴۲، اجتماع مشترک در کلاسهای  
 و با قرار همزمانی، و این اجتماع، در ۱۵۰ خرداد ۴۲، اجتماع مشترک در کلاسهای  
 و این اجتماع، در ۱۵۰ خرداد ۴۲، اجتماع مشترک در کلاسهای  
 و این اجتماع، در ۱۵۰ خرداد ۴۲، اجتماع مشترک در کلاسهای  
 و این اجتماع، در ۱۵۰ خرداد ۴۲، اجتماع مشترک در کلاسهای  
 و این اجتماع، در ۱۵۰ خرداد ۴۲، اجتماع مشترک در کلاسهای

توضیحات: هشتم اردیبهرد در جریان ۱۵۰ خرداد ۴۲، در صحنه ۱۵۰ خرداد ۴۲،  
 و این اجتماع، در ۱۵۰ خرداد ۴۲، اجتماع مشترک در کلاسهای  
 و این اجتماع، در ۱۵۰ خرداد ۴۲، اجتماع مشترک در کلاسهای  
 و این اجتماع، در ۱۵۰ خرداد ۴۲، اجتماع مشترک در کلاسهای  
 و این اجتماع، در ۱۵۰ خرداد ۴۲، اجتماع مشترک در کلاسهای  
 و این اجتماع، در ۱۵۰ خرداد ۴۲، اجتماع مشترک در کلاسهای

توضیحات: هشتم اردیبهرد در جریان ۱۵۰ خرداد ۴۲، اجتماع مشترک  
 و این اجتماع، در ۱۵۰ خرداد ۴۲، اجتماع مشترک در کلاسهای  
 و این اجتماع، در ۱۵۰ خرداد ۴۲، اجتماع مشترک در کلاسهای  
 و این اجتماع، در ۱۵۰ خرداد ۴۲، اجتماع مشترک در کلاسهای  
 و این اجتماع، در ۱۵۰ خرداد ۴۲، اجتماع مشترک در کلاسهای  
 و این اجتماع، در ۱۵۰ خرداد ۴۲، اجتماع مشترک در کلاسهای



وزارت اطلاعات خلیجی محرماتنه تعداد ..... قش دارد  
ترتیب حروف ..... مرکز قیش بایگانی تاریخ صدور ۹۹/۹/۷۴

|                    |                    |                  |                                 |
|--------------------|--------------------|------------------|---------------------------------|
| شهرت: مصطفی        |                    | نام: قدرت الله   |                                 |
| نام پدر: علی شاد   | شماره پرونده: ۶۵۷۸ | نام قش: قش       | نام مستعار: -                   |
| شماره: ۱۶۳         | تاریخ تولد: ۱۳۶۶   | محل تولد: خاوند  | محل سکونت: تهران - خیابان میرزا |
| محل صدور: تهران    | محل تولد: خاوند    | نوع اقامت: اقامت | محل سکونت: تهران - خیابان میرزا |
| نام پست: -         | نام پست: -         | نام پست: -       | نام پست: -                      |
| شماره پرونده: ۵۳۱۱ | تاریخ تولد: ۱۳۶۶   | محل تولد: خاوند  | محل سکونت: تهران - خیابان میرزا |
| نام قش: قش         | نام قش: قش         | نام قش: قش       | نام قش: قش                      |

۶۷-۱۲۴

وزارت اطلاعات خلیجی محرماتنه تعداد ..... قش دارد  
ترتیب حروف ..... مرکز قیش بایگانی تاریخ صدور ۹۹/۹/۷۴

|                    |                    |                  |                                 |
|--------------------|--------------------|------------------|---------------------------------|
| شهرت: مصطفی        |                    | نام: قدرت الله   |                                 |
| نام پدر: علی شاد   | شماره پرونده: ۶۵۷۸ | نام قش: قش       | نام مستعار: -                   |
| شماره: ۱۱۸         | تاریخ تولد: ۱۳۱۲   | محل تولد: خاوند  | محل سکونت: تهران - خیابان میرزا |
| محل صدور: تهران    | محل تولد: خاوند    | نوع اقامت: اقامت | محل سکونت: تهران - خیابان میرزا |
| نام پست: -         | نام پست: -         | نام پست: -       | نام پست: -                      |
| شماره پرونده: ۵۳۱۱ | تاریخ تولد: ۱۳۱۲   | محل تولد: خاوند  | محل سکونت: تهران - خیابان میرزا |
| نام قش: قش         | نام قش: قش         | نام قش: قش       | نام قش: قش                      |

۶۷-۱۲۴

وزارت اطلاعات خلیجی محرماتنه تعداد ..... قش دارد  
ترتیب حروف ..... مرکز قیش بایگانی تاریخ صدور ۹۹/۹/۷۴

|                    |                    |                  |                                 |
|--------------------|--------------------|------------------|---------------------------------|
| شهرت: مصطفی        |                    | نام: قدرت الله   |                                 |
| نام پدر: علی شاد   | شماره پرونده: ۶۵۷۸ | نام قش: قش       | نام مستعار: -                   |
| شماره: ۴۱          | تاریخ تولد: -      | محل تولد: خاوند  | محل سکونت: تهران - خیابان میرزا |
| محل صدور: تهران    | محل تولد: خاوند    | نوع اقامت: اقامت | محل سکونت: تهران - خیابان میرزا |
| نام پست: -         | نام پست: -         | نام پست: -       | نام پست: -                      |
| شماره پرونده: ۵۳۱۱ | تاریخ تولد: -      | محل تولد: خاوند  | محل سکونت: تهران - خیابان میرزا |
| نام قش: قش         | نام قش: قش         | نام قش: قش       | نام قش: قش                      |

۶۷-۱۲۴



توضیحات: نامه به درجه ۱۵ خرداد ۴۲. اجتماع مشترک در  
در اهواز و قیام هندامین در روز ۱۵ خرداد ۴۲. سکت ۱۱ از طرف  
س و اکب و کتیر در روز ۱۵ خرداد ۴۲. سکت ۱۱ از طرف  
۱. قیام هندامین در روز ۱۵ خرداد ۴۲. سکت ۱۱ از طرف  
کتیر و سار و طعم مشترک در  
آدرس: دکتر سحر و سحر

توضیحات: نامه به درجه ۱۵ خرداد ۴۲. اجتماع مشترک در  
س و اکب و کتیر در روز ۱۵ خرداد ۴۲. سکت ۱۱ از طرف  
۱. قیام هندامین در روز ۱۵ خرداد ۴۲. سکت ۱۱ از طرف  
کتیر و سار و طعم مشترک در  
آدرس: دکتر سحر و سحر

توضیحات: نامه به درجه ۱۵ خرداد ۴۲. اجتماع مشترک در  
س و اکب و کتیر در روز ۱۵ خرداد ۴۲. سکت ۱۱ از طرف  
۱. قیام هندامین در روز ۱۵ خرداد ۴۲. سکت ۱۱ از طرف  
کتیر و سار و طعم مشترک در  
آدرس: دکتر سحر و سحر

[illegible]



توضیحات: مستشار عالی در جریان ۱۵ خرداد ۴۲ با اجتماع شرکت  
در راهپایانی و اقدام فدا صبح در مورد ۱۵ خرداد ۴۲ ساعت  
حدود ۱۸ در میدان قزوین. در میان تظاهر کننده و  
با زرادست منتهی در صحنه ۱۵ خرداد ۴۲ قرار داشت صفت  
تیم ملی به قرار التزام مبلغی دو هزار تومان اعلام و آزاد میگرد.

توضیحات: مستشار عالی در جریان ۱۵ خرداد ۴۲ با اجتماع شرکت  
در راهپایانی و اقدام فدا صبح در مورد ۱۵ خرداد ۴۲ ساعت ۸  
از طرف سواک و تکلیف و در صحنه ملی زنانی منتهی و چون  
مستشار اقدام فدا صبح منتهی ازاد روح فدا صبح کتبه و قرار مبلغ  
تکلیف و سواک در صحنه در  
تیم ملی در مقابل آتش العاصم و جری نورانی

توضیحات: مستشار عالی در جریان ۱۵ خرداد ۴۲ با اجتماع شرکت  
در راهپایانی و اقدام فدا صبح در مورد ۱۵ خرداد ۴۲ ساعت ۹ صبح  
در صحنه ملی شمالی از طرف سواک و تکلیف و زنانی منتهی و  
چون مستشار اقدام فدا صبح منتهی ازاد روح قرار داشت صفت  
قرار التزام مبلغی ۵۰ هزار تومان اعلام و اعلام میگرد.



وزارت اطلاعات خبلی مجرمانه تعداد ..... فیش دارد  
ترتیب حروف ..... سرگز فیش پایگانی تاریخ صدور .....

|                 |                  |                           |              |
|-----------------|------------------|---------------------------|--------------|
| شهرت: سرخس      |                  | نام: سرخس                 |              |
| نام پدر: سرخس   |                  | شماره پرونده: ۶۵۷۸        |              |
| نام قبلی: —     |                  | نام اصلی: —               |              |
| شماره: ۱۴       | تاریخ تولد: ۱۳۱۰ | محل تولد: —               | محل: —       |
| شناسنامه: —     | محل صدور: کاشان  | نوع اتهام: اقدام ضد امنیت | محل سکونت: — |
| تأیید: ایمان    | مذهب: شیعه       | تاریخ صدور: —             | محل سکونت: — |
| شماره پرونده: — |                  | فرعی: —                   |              |

۶۷-۱۲۴

وزارت اطلاعات خبلی مجرمانه تعداد ..... فیش دارد  
ترتیب حروف ..... سرگز فیش پایگانی تاریخ صدور .....

|                                   |               |                           |              |
|-----------------------------------|---------------|---------------------------|--------------|
| شهرت: هشتدری                      |               | نام: هشتدری               |              |
| نام پدر: فتح الله                 |               | شماره پرونده: ۶۵۷۸        |              |
| نام قبلی: —                       |               | نام اصلی: —               |              |
| شماره: —                          | تاریخ تولد: — | محل تولد: —               | محل: —       |
| شناسنامه: —                       | محل صدور: قم  | نوع اتهام: اقدام ضد امنیت | محل سکونت: — |
| تأیید: اسرار                      | مذهب: شیعه    | تاریخ صدور: —             | محل سکونت: — |
| شماره پرونده: ۴۰۱، ۶۶، ۲۲، ۳۳، ۴۴ |               | فرعی: ۵۲، ۷، ۲۷           |              |

۶۷-۱۲۴

وزارت اطلاعات خبلی مجرمانه تعداد ..... فیش دارد  
ترتیب حروف ..... سرگز فیش پایگانی تاریخ صدور .....

|                                   |                  |                           |              |
|-----------------------------------|------------------|---------------------------|--------------|
| شهرت: سگینی                       |                  | نام: سگینی                |              |
| نام پدر: صالح                     |                  | شماره پرونده: ۶۵۷۸        |              |
| نام قبلی: —                       |                  | نام اصلی: —               |              |
| شماره: —                          | تاریخ تولد: ۱۳۱۱ | محل تولد: —               | محل: —       |
| شناسنامه: —                       | محل صدور: —      | نوع اتهام: اقدام ضد امنیت | محل سکونت: — |
| تأیید: اسرار                      | مذهب: اسلام      | تاریخ صدور: —             | محل سکونت: — |
| شماره پرونده: ۴۰۱، ۶۶، ۲۲، ۳۳، ۴۴ |                  | فرعی: ۵۲، ۷، ۲۷           |              |

۶۷-۱۲۴

توضیحات: مشارالیه در جریان ۱۵ خرداد ۴۲، با انجام شرکت  
سودم به جنگ و قتال و اقدام به عملیات امنیتی، عملکرد و شرکت  
در راهپایشی در زمینه سبب حمایت از جنبش ملت از طرف  
س واک دنگیر و زندانیان سرک و راه و شرکت در اقدامات  
امنیتی، برده اند و در پی حفظ امنیت و برقراری اوضاع و احوال  
الانجام ۵ هزار تومان صادر و اعلام میگردد.  
تأیید و تصدیق از سوی مقامات در سال ۴۲، کسبه و بازرگانان  
و نهضتیان شرکت در راهپایشی نمودند.

توضیحات: مشارالیه در جریان ۱۵ خرداد ۴۲، با انجام شرکت  
در راهپایشی و اقدامات امنیتی از طرف س واک دنگیر و زندانیان  
قتل و طاعن بازداشت میگردید و در پی حفظ امنیت و برقراری  
اوضاع و احوال، شرکت در راهپایشی نمودند و ۵ هزار تومان  
صادر و اعلام میگردد.

توضیحات: مشارالیه در جریان ۱۵ خرداد ۴۲، با انجام شرکت  
در راهپایشی و اقدامات امنیتی از طرف س واک دنگیر و زندانیان  
قتل و طاعن بازداشت میگردید و در پی حفظ امنیت و برقراری  
اوضاع و احوال، شرکت در راهپایشی نمودند و ۵ هزار تومان  
صادر و اعلام میگردد.  
از نامبرده، مستنداتی که مقرر میگردد، مستند است.



وزارت اطلاعات  
ترتیب حروف ..... خلیلی محرم‌نامه ..... فیش دارد ..... تعداد ..... فیش دارد .....  
مرکز فیش بایگانی ..... تاریخ صدور ..... فیش دارد ..... تعداد ..... فیش دارد .....  
شهرت: نورمحمدی نام پدر: غلام حسین نام: .....  
نام: ..... شماره پرونده: ۵۲۱۴ اصل: .....  
شماره: ۴۰۷ تاریخ تولد: ۱۳۲۲ محل: کازکاش  
شناخته: ..... محل صدور: ..... محل تولد: ..... نوع اقامت: اقامت بهرامیه  
تأیید: ..... محل سکونت: مخ سیروان - کاشانی کبری  
مذهب: ..... شماره پرونده: ۴۰۱۶۶۴۸۵۴۸  
فرعی: ۱۳۵۲، ۶۱۱  
۶۷-۱۲۴

وزارت اطلاعات  
ترتیب حروف ..... خلیلی محرم‌نامه ..... فیش دارد ..... تعداد ..... فیش دارد .....  
مرکز فیش بایگانی ..... تاریخ صدور ..... فیش دارد ..... تعداد ..... فیش دارد .....  
شهرت: نجفی زاده نام پدر: عباس نام: .....  
نام: ..... شماره پرونده: ۵۲۱۴ اصل: .....  
شماره: ۱۳۲ تاریخ تولد: ۱۳۰۶ محل: دهقان  
شناخته: ..... محل صدور: جگرانج محل تولد: جگرانج نوع اقامت: اقامت بهرامیه  
تأیید: ..... محل سکونت: مخ - جگران  
مذهب: ..... شماره پرونده: ۴۰۱۶۶۴۸۵۴۸  
فرعی: ۱۳۵۲، ۱۱، ۲۸  
۶۷-۱۲۴

وزارت اطلاعات  
ترتیب حروف ..... خلیلی محرم‌نامه ..... فیش دارد ..... تعداد ..... فیش دارد .....  
مرکز فیش بایگانی ..... تاریخ صدور ..... فیش دارد ..... تعداد ..... فیش دارد .....  
شهرت: صردانی نام پدر: محمد حسین نام: .....  
نام: ..... شماره پرونده: ۴۵۷۸ اصل: .....  
شماره: ۸۹ تاریخ تولد: ۱۳۰۴ محل: نیرا  
شناخته: ..... محل صدور: قزوین محل تولد: قزوین نوع اقامت: اقامت بهرامیه  
تأیید: ..... محل سکونت: کلا دن قزوین  
مذهب: ..... شماره پرونده: ۴۰۱۶۶۴۸۵۴۸  
فرعی: ۵۲، ۲۸  
۶۷-۱۲۴



توضیحات: شماره ۱۵ در جدول ۱۵ خرداد ۴۲ در روز ۱۴ خرداد ۱۳۴۲  
۱. اجتماع مشترک در هیأتی که به شماره ۱۵ خرداد ۴۲ در روز ۱۴ خرداد ۱۳۴۲  
در هیأتی که به شماره ۱۵ خرداد ۴۲ در روز ۱۴ خرداد ۱۳۴۲  
۱. هیأتی که به شماره ۱۵ خرداد ۴۲ در روز ۱۴ خرداد ۱۳۴۲  
تقریباً به مدت ۱۵ روز در هیأتی که به شماره ۱۵ خرداد ۴۲ در روز ۱۴ خرداد ۱۳۴۲  
بوده که فقط فقط هیأتی که به شماره ۱۵ خرداد ۴۲ در روز ۱۴ خرداد ۱۳۴۲  
در هیأتی که به شماره ۱۵ خرداد ۴۲ در روز ۱۴ خرداد ۱۳۴۲  
هیأتی که به شماره ۱۵ خرداد ۴۲ در روز ۱۴ خرداد ۱۳۴۲  
... از این هیأتی که به شماره ۱۵ خرداد ۴۲ در روز ۱۴ خرداد ۱۳۴۲  
اجتماعی که به شماره ۱۵ خرداد ۴۲ در روز ۱۴ خرداد ۱۳۴۲

توضیحات: شماره ۱۵ در جدول ۱۵ خرداد ۴۲ در روز ۱۴ خرداد ۱۳۴۲  
۱. اجتماع مشترک در هیأتی که به شماره ۱۵ خرداد ۴۲ در روز ۱۴ خرداد ۱۳۴۲  
در هیأتی که به شماره ۱۵ خرداد ۴۲ در روز ۱۴ خرداد ۱۳۴۲  
۱. هیأتی که به شماره ۱۵ خرداد ۴۲ در روز ۱۴ خرداد ۱۳۴۲  
تقریباً به مدت ۱۵ روز در هیأتی که به شماره ۱۵ خرداد ۴۲ در روز ۱۴ خرداد ۱۳۴۲  
بوده که فقط فقط هیأتی که به شماره ۱۵ خرداد ۴۲ در روز ۱۴ خرداد ۱۳۴۲  
در هیأتی که به شماره ۱۵ خرداد ۴۲ در روز ۱۴ خرداد ۱۳۴۲  
هیأتی که به شماره ۱۵ خرداد ۴۲ در روز ۱۴ خرداد ۱۳۴۲  
... از این هیأتی که به شماره ۱۵ خرداد ۴۲ در روز ۱۴ خرداد ۱۳۴۲  
اجتماعی که به شماره ۱۵ خرداد ۴۲ در روز ۱۴ خرداد ۱۳۴۲

توضیحات: شماره ۱۵ در جدول ۱۵ خرداد ۴۲ در روز ۱۴ خرداد ۱۳۴۲  
۱. اجتماع مشترک در هیأتی که به شماره ۱۵ خرداد ۴۲ در روز ۱۴ خرداد ۱۳۴۲  
در هیأتی که به شماره ۱۵ خرداد ۴۲ در روز ۱۴ خرداد ۱۳۴۲  
۱. هیأتی که به شماره ۱۵ خرداد ۴۲ در روز ۱۴ خرداد ۱۳۴۲  
تقریباً به مدت ۱۵ روز در هیأتی که به شماره ۱۵ خرداد ۴۲ در روز ۱۴ خرداد ۱۳۴۲  
بوده که فقط فقط هیأتی که به شماره ۱۵ خرداد ۴۲ در روز ۱۴ خرداد ۱۳۴۲  
در هیأتی که به شماره ۱۵ خرداد ۴۲ در روز ۱۴ خرداد ۱۳۴۲  
هیأتی که به شماره ۱۵ خرداد ۴۲ در روز ۱۴ خرداد ۱۳۴۲  
... از این هیأتی که به شماره ۱۵ خرداد ۴۲ در روز ۱۴ خرداد ۱۳۴۲  
اجتماعی که به شماره ۱۵ خرداد ۴۲ در روز ۱۴ خرداد ۱۳۴۲



وزارت اطلاعات  
تاریخ حروف ..... فهرست فیش بایگانی ..... تعداد ..... فیش دارد

|                          |                                                   |                       |                                        |
|--------------------------|---------------------------------------------------|-----------------------|----------------------------------------|
| شهرت: <b>دستگیری</b>     |                                                   | نام: <b>احمد</b>      |                                        |
| نام پدر: <b>علی احمد</b> | شماره پرونده: <b>۶۲۴۲</b>                         | نام اصلی: <b>احمد</b> | تاریخ تولد: <b>۱۸</b>                  |
| نام فامیلی: <b>احمد</b>  | شماره شناسنامه: <b>۱۸</b>                         | محل صدور: <b>اراک</b> | محل تولد: <b>اراک</b>                  |
| تاریخ صدور: <b>۱۸</b>    | محل سکونت: <b>خیابان راه مری - خ صاحب جمع کوی</b> | تاریخ فوت: <b>۱۸</b>  | محل فوت: <b>تهران - خیابان راه مری</b> |
| تاریخ فوت: <b>۱۸</b>     | محل فوت: <b>تهران - خیابان راه مری</b>            | تاریخ فوت: <b>۱۸</b>  | محل فوت: <b>تهران - خیابان راه مری</b> |
| تاریخ فوت: <b>۱۸</b>     | محل فوت: <b>تهران - خیابان راه مری</b>            | تاریخ فوت: <b>۱۸</b>  | محل فوت: <b>تهران - خیابان راه مری</b> |

۶۷-۱۳۳

وزارت اطلاعات  
تاریخ حروف ..... فهرست فیش بایگانی ..... تعداد ..... فیش دارد

|                             |                                          |                           |                                        |
|-----------------------------|------------------------------------------|---------------------------|----------------------------------------|
| شهرت: <b>رئیس</b>           |                                          | نام: <b>فتح الله</b>      |                                        |
| نام پدر: <b>عبدالله</b>     | شماره پرونده: <b>۶۵۹۳</b>                | نام اصلی: <b>فتح الله</b> | تاریخ تولد: <b>۱۳۲۳</b>                |
| نام فامیلی: <b>فتح الله</b> | شماره شناسنامه: <b>۱۳۲۳</b>              | محل صدور: <b>تهران</b>    | محل تولد: <b>تهران</b>                 |
| تاریخ صدور: <b>۱۳۲۳</b>     | محل سکونت: <b>تهران - خیابان راه مری</b> | تاریخ فوت: <b>۱۳۲۳</b>    | محل فوت: <b>تهران - خیابان راه مری</b> |
| تاریخ فوت: <b>۱۳۲۳</b>      | محل فوت: <b>تهران - خیابان راه مری</b>   | تاریخ فوت: <b>۱۳۲۳</b>    | محل فوت: <b>تهران - خیابان راه مری</b> |

۶۷-۱۳۳

وزارت اطلاعات  
تاریخ حروف ..... فهرست فیش بایگانی ..... تعداد ..... فیش دارد

|                              |                                          |                            |                                        |
|------------------------------|------------------------------------------|----------------------------|----------------------------------------|
| شهرت: <b>نجفی زاده</b>       |                                          | نام: <b>نجفی زاده</b>      |                                        |
| نام پدر: <b>علی</b>          | شماره پرونده: <b>۸۲۱۳</b>                | نام اصلی: <b>نجفی زاده</b> | تاریخ تولد: <b>۱۳۲۳</b>                |
| نام فامیلی: <b>نجفی زاده</b> | شماره شناسنامه: <b>۱۳۲۳</b>              | محل صدور: <b>تهران</b>     | محل تولد: <b>تهران</b>                 |
| تاریخ صدور: <b>۱۳۲۳</b>      | محل سکونت: <b>تهران - خیابان راه مری</b> | تاریخ فوت: <b>۱۳۲۳</b>     | محل فوت: <b>تهران - خیابان راه مری</b> |
| تاریخ فوت: <b>۱۳۲۳</b>       | محل فوت: <b>تهران - خیابان راه مری</b>   | تاریخ فوت: <b>۱۳۲۳</b>     | محل فوت: <b>تهران - خیابان راه مری</b> |

۶۷-۱۳۳



توضیحات: مصفا را به درجه یارن ۱۵ خرداد ۴۲ به انجام برگزید  
در تظاهرات و اقدامات ضد استعماری در روز ۱۴ خرداد ۴۲ در کنار  
کمیته یارن و بهاء الدین هاشمی القزینی می‌اندازد. دستگیر و بازداشت  
شده و در روز ۱۵ خرداد ۴۲ بازداشت صورت می‌گیرد. قرار التزام  
می‌گیرد. دو هزار تومان مجازات می‌گیرد.  
عمل دستگیر می‌شود و از تودیه‌ها و احزاب سوسیالیست ۱۸ روز بازداشت

توضیحات: مصفا را به درجه یارن ۱۵ خرداد ۴۲ به انجام برگزید و در تظاهرات  
و اقدامات ضد استعماری در روز ۱۴ خرداد ۴۲ در کنار  
کمیته یارن و بهاء الدین هاشمی القزینی می‌اندازد. دستگیر و بازداشت  
شده و در روز ۱۵ خرداد ۴۲ بازداشت صورت می‌گیرد. قرار التزام  
می‌گیرد. دو هزار تومان مجازات می‌گیرد.

توضیحات: مصفا را به درجه یارن ۱۵ خرداد ۴۲ به انجام برگزید  
در تظاهرات و اقدامات ضد استعماری در روز ۱۴ خرداد ۴۲ در کنار  
کمیته یارن و بهاء الدین هاشمی القزینی می‌اندازد. دستگیر و بازداشت  
شده و در روز ۱۵ خرداد ۴۲ بازداشت صورت می‌گیرد. قرار التزام  
می‌گیرد. دو هزار تومان مجازات می‌گیرد.



وزارت اطلاعات خلیجی محرم‌نامه تعداد ..... فیش دارد  
ترتیب حروف ..... هرگز فیش بایگانی تاریخ صدور

|                 |                   |                  |
|-----------------|-------------------|------------------|
| شهرت: حاجی رحیم |                   | نام: محمد        |
| نام پدر: حاج    | شماره پرونده: ۵۱۹ | نام فقیه: —      |
| نام: —          | شماره: —          | نام: —           |
| شماره: ۱۱       | تاریخ تولد: ۱۳۰۵  | محل تولد: کاشان  |
| محل صدور: کاشان | محل سکونت: کاشان  | محل سکونت: کاشان |
| تأیید: —        | محل سکونت: کاشان  | محل سکونت: کاشان |
| مذهب: —         | محل سکونت: کاشان  | محل سکونت: کاشان |
| شماره پرونده: — | محل سکونت: کاشان  | محل سکونت: کاشان |
| فرعی: —         | محل سکونت: کاشان  | محل سکونت: کاشان |

۶۷-۱۲۲

وزارت اطلاعات خلیجی محرم‌نامه تعداد ..... فیش دارد  
ترتیب حروف ..... هرگز فیش بایگانی تاریخ صدور

|                        |                    |                  |
|------------------------|--------------------|------------------|
| شهرت: آزاد - دبیر آزاد |                    | نام: محمد        |
| نام پدر: حسین          | شماره پرونده: ۶۲۴۲ | نام فقیه: —      |
| نام: —                 | شماره: —           | نام: —           |
| شماره: ۲۹۵             | تاریخ تولد: ۱۳۲۳   | محل تولد: کاشان  |
| محل صدور: کاشان        | محل سکونت: کاشان   | محل سکونت: کاشان |
| تأیید: —               | محل سکونت: کاشان   | محل سکونت: کاشان |
| مذهب: —                | محل سکونت: کاشان   | محل سکونت: کاشان |
| شماره پرونده: —        | محل سکونت: کاشان   | محل سکونت: کاشان |
| فرعی: —                | محل سکونت: کاشان   | محل سکونت: کاشان |

۶۷-۱۲۲

وزارت اطلاعات خلیجی محرم‌نامه تعداد ..... فیش دارد  
ترتیب حروف ..... هرگز فیش بایگانی تاریخ صدور

|                     |                    |                  |
|---------------------|--------------------|------------------|
| شهرت: محمدکادوت نور |                    | نام: حسین        |
| نام پدر: محمدسرازم  | شماره پرونده: ۶۲۴۲ | نام فقیه: —      |
| نام: —              | شماره: —           | نام: —           |
| شماره: ۴۷۶۲۵        | تاریخ تولد: ۱۳۲۳   | محل تولد: کاشان  |
| محل صدور: اصفهان    | محل سکونت: کاشان   | محل سکونت: کاشان |
| تأیید: —            | محل سکونت: کاشان   | محل سکونت: کاشان |
| مذهب: —             | محل سکونت: کاشان   | محل سکونت: کاشان |
| شماره پرونده: —     | محل سکونت: کاشان   | محل سکونت: کاشان |
| فرعی: —             | محل سکونت: کاشان   | محل سکونت: کاشان |

۶۷-۱۲۲



توضیحات: مستشارالیه در جریان ۱۵ خرداد ۴۲ به اتهام سرکشی و ولع در مصحف ۱۵۰۰ ریالی در تکیه و بازداشت می‌گردد. با خلع دکن در میان و نه بهر وجه نیست. تا به روز هفدهم آبان ۴۲ بهر وجهی سرکشی

توضیحات: مستشارالیه در جریان ۱۵ خرداد ۴۲ به اتهام سرکشی در راهپیمایی و ایجاد آشوب و ولع و اقدام علیه امنیت در مصحف ۱۵۰۰ ریالی در میان و بازداشت می‌گردد. بهر وجهی سرکشی و سرکشی اقدام علیه امنیت بود. در مصحف ۱۵۰۰ ریالی بهر وجهی سرکشی و سرکشی در میان و بهر وجهی سرکشی

توضیحات: مستشارالیه در جریان ۱۵ خرداد ۴۲ به اتهام اقدام علیه امنیت و ایجاد آشوب و ولع و اقدام علیه امنیت در مصحف ۱۵۰۰ ریالی در میان و بازداشت می‌گردد. بهر وجهی سرکشی و سرکشی اقدام علیه امنیت بود. در مصحف ۱۵۰۰ ریالی بهر وجهی سرکشی و سرکشی در میان و بهر وجهی سرکشی



وزارت اطلاعات  
تربیت حروف ..... سرگز فیش بایگانی ..... تعداد ..... فیش دارد

|                        |                    |                |               |
|------------------------|--------------------|----------------|---------------|
| شهرت: محمد صالح        |                    | نام: محمد صالح |               |
| نام پدر: علی           | شماره پرونده: ۶۵۷۸ | نام قبلی: —    | نام متعارف: — |
| شماره: ۴۱              | تاریخ تولد: ۱۳۵۷   | محل تولد: —    | محل سکونت: —  |
| محل صدور: —            | محل تولد: —        | محل سکونت: —   | محل سکونت: —  |
| تاریخ: —               | محل تولد: —        | محل سکونت: —   | محل سکونت: —  |
| شماره پرونده: ۴۰۱۶۶۲۷۸ | فرعی: ۵۲۷۱         |                |               |

۶۷-۱۲۴

وزارت اطلاعات  
تربیت حروف ..... سرگز فیش بایگانی ..... تعداد ..... فیش دارد

|                        |                    |                                    |               |
|------------------------|--------------------|------------------------------------|---------------|
| شهرت: دلداره           |                    | نام: <del>محمد صالح</del> علی اکبر |               |
| نام پدر: حاج محمد بابا | شماره پرونده: ۶۵۸۸ | نام قبلی: —                        | نام متعارف: — |
| شماره: —               | تاریخ تولد: —      | محل تولد: —                        | محل سکونت: —  |
| محل صدور: —            | محل تولد: —        | محل سکونت: —                       | محل سکونت: —  |
| تاریخ: —               | محل تولد: —        | محل سکونت: —                       | محل سکونت: —  |
| شماره پرونده: ۴۰۱۶۶۲۷۸ | فرعی: ۵۲۷۲         |                                    |               |

۶۷-۱۲۴

وزارت اطلاعات  
تربیت حروف ..... سرگز فیش بایگانی ..... تعداد ..... فیش دارد

|                        |                    |                |               |
|------------------------|--------------------|----------------|---------------|
| شهرت: صالح             |                    | نام: محمد صالح |               |
| نام پدر: محمد          | شماره پرونده: ۶۵۷۸ | نام قبلی: —    | نام متعارف: — |
| شماره: ۶۷۶             | تاریخ تولد: ۱۳۱۹   | محل تولد: —    | محل سکونت: —  |
| محل صدور: —            | محل تولد: —        | محل سکونت: —   | محل سکونت: —  |
| تاریخ: —               | محل تولد: —        | محل سکونت: —   | محل سکونت: —  |
| شماره پرونده: ۴۰۱۶۶۲۷۸ | فرعی: ۵۵۲۸۲۷       |                |               |

۶۷-۱۲۴

توضیحات: حضرت الباقی در جمادی الاول ۱۵۰۰ هـ در اصفهان بمشکات سحر  
را جمعی باقی گذاشتند لهذا استخراج در صورتی ۱۵۴۵ هـ بمشکات سحر ۱۰۰  
جلوه می کرد نثری استثنائی از طرف سید ذکاوت در نگارش و سحر باقی مشتمل  
بر سحر در در وصف ۱۴۰۰ هـ قیام ضعیف بنابر تصدیق آنرا ضعیف در  
نام برده در ذریعته ای است که در حدیث خود گفته اند «ما علمت» که در این سحر  
مشکات در حدیث از این جهت در حدیث الفیض آمده است که در حدیث از این

توضیحات: سن مالیه در حصر باناست ۱۵ هزار و ۴۲۰ درم در  
۱۵۰۰ ۴۲۰۰ به انعام شرکت را همیشگی و ایام دیوار و استوب و  
اقدام مضارعت داخل و تکلیف و بار ناصر در بار زارست مرتبه  
صاحب میگردد و چون در قضاات حکم کرد که اقدام مضارعتی نوز  
از دست مالیه منع غنیمت نلوا و قمار باز زارست مرتبه  
قرار التزام مبلغ ۴۰۰۰۰ ریال ببار و اعلام مختبر  
ناصر و حاجی محمد ۴۰۰۰۰ و در زمان بار ناصر



وزارت اطلاعات خلیلی مهرمانه تعداد ..... فیش دارد  
ترتیب حروف ..... مرکز فیش بایگانی تاریخ صدور .....

|                            |                                             |                            |
|----------------------------|---------------------------------------------|----------------------------|
| شهرت: حسنکاری              |                                             | نام: حمید                  |
| نام پدر: خلاصی             | شماره پرونده: ۶۵۷۸                          | نام فیش: مسعود             |
| شماره: ۲۸۰                 | تاریخ تولد: ۱۳۹۷                            | محل: خل: دارشیر            |
| محل صدور: کرمانشاه         | محل تولد: کرمانشاه                          | نوع اتهام: اقدام ضد امنیتی |
| تأیید: اسارت               | محل سکونت: چهارم - طبرستان - خرابه - دارشیر |                            |
| شماره پرونده: ۴۰۱,۶۶,۲۹,۲۷ | فیش: ۵۲,۷,۹                                 |                            |

۶۷-۱۲۴

وزارت اطلاعات خلیلی مهرمانه تعداد ..... فیش دارد  
ترتیب حروف ..... مرکز فیش بایگانی تاریخ صدور .....

|                            |                                           |                            |
|----------------------------|-------------------------------------------|----------------------------|
| شهرت: صراری                |                                           | نام: حاجی                  |
| نام پدر: ولی               | شماره پرونده: ۶۵۷۸                        | نام فیش: مسعود             |
| شماره: —                   | تاریخ تولد: —                             | محل: خل: شیر شریف          |
| محل صدور: کابلان           | محل تولد: کابلان                          | نوع اتهام: اقدام ضد امنیتی |
| تأیید: اسارت               | محل سکونت: تهران - ج. صیبریه - سابل تهران |                            |
| شماره پرونده: ۴۰۱,۶۶,۲۹,۲۷ | فیش: ۵۶,۷,۷                               |                            |

۶۷-۱۲۴

وزارت اطلاعات خلیلی مهرمانه تعداد ..... فیش دارد  
ترتیب حروف ..... مرکز فیش بایگانی تاریخ صدور .....

|                            |                                           |                            |
|----------------------------|-------------------------------------------|----------------------------|
| شهرت: نجفی                 |                                           | نام: حمید                  |
| نام پدر: محمد قلی          | شماره پرونده: ۶۵۷۸                        | نام فیش: مسعود             |
| شماره: ۷۷۴                 | تاریخ تولد: ۱۳۱۵                          | محل: خل: آهنگر             |
| محل صدور: قم               | محل تولد: قم                              | نوع اتهام: اقدام ضد امنیتی |
| تأیید: اسارت               | محل سکونت: تهران - ج. صیبریه - سابل تهران |                            |
| شماره پرونده: ۴۰۱,۶۶,۲۹,۲۷ | فیش: ۱۳۵,۸,۲,۷                            |                            |

۶۷-۱۲۴



توضیحات: صفایه در جریان ۱۵ خرداد ۴۲ مقفول شد،  
در مورخه ۴۲/۳/۱۴ ساعت ۱۴ با تمام شرکتها راهپیمایی  
از طرف سدا و کد و دیگر شرکتها راهپیمایی از طرف سدا و کد  
کنترل شد و شکایتی تیره در میان نداشت  
و با دریافت ۵ هزار تومان از مشتری در

[illegible]



وزارت اطلاعات خلیسی محرم‌نامه تعداد ..... قش دارد  
ترتیب حروف ..... مرکز فیش بایگانی تاریخ صدور .....

|                        |                                       |                             |  |
|------------------------|---------------------------------------|-----------------------------|--|
| جهت: هتروس             |                                       | نام: ذبیح الله              |  |
| نام پدر: حسن           | شماره پرونده: ۶۵۷۸                    | نام قبلی: مستعار            |  |
| شماره: ۶۰۶             | تاریخ تولد: ۱۳۱۰                      | محل تولد: خلیل: طلبه - واکه |  |
| محل صدور: هتروس        | محل تولد: خیری                        | نوع اقامت: اقدام مستقیم     |  |
| تأیید: امیران          | محل سکونت: خری - کوچه تلگراف - پیش بک | محل سکونت: اسلام            |  |
| شماره پرونده: ۴۰۶۲۲۲۱۵ | فرعی: ۱۳۵۲/۶۱۹                        |                             |  |

۶۷-۱۳۳

وزارت اطلاعات خلیسی محرم‌نامه تعداد ..... قش دارد  
ترتیب حروف ..... مرکز فیش بایگانی تاریخ صدور .....

|                        |                                            |                         |  |
|------------------------|--------------------------------------------|-------------------------|--|
| جهت: طالب              |                                            | نام: سید                |  |
| نام پدر: بابا          | شماره پرونده: ۶۵۷۸                         | نام قبلی: مستعار        |  |
| شماره: ۶۱۱             | تاریخ تولد: -                              | محل تولد: خلیل: کفاش    |  |
| محل صدور: اردبیل       | محل تولد: اردبیل                           | نوع اقامت: اقدام مستقیم |  |
| تأیید: امیران          | محل سکونت: ج - احمدی - کوچه سید - کوچه سید | محل سکونت: کاشانی       |  |
| شماره پرونده: ۴۰۶۲۲۲۱۵ | فرعی: ۱۳۵۲/۷۷                              |                         |  |

۶۷-۱۳۳

وزارت اطلاعات خلیسی محرم‌نامه تعداد ..... قش دارد  
ترتیب حروف ..... مرکز فیش بایگانی تاریخ صدور .....

|                        |                                              |                             |  |
|------------------------|----------------------------------------------|-----------------------------|--|
| جهت: سید باجی          |                                              | نام: مجید (البرج) (سید)     |  |
| نام پدر: سید جلال      | شماره پرونده: ۶۵۷۸                           | نام قبلی: مستعار            |  |
| شماره: ۴۸۸             | تاریخ تولد: ۱۳۰۷                             | محل تولد: خلیل: طلبه - واکه |  |
| محل صدور: شیراز        | محل تولد: شیراز                              | نوع اقامت: اقدام مستقیم     |  |
| تأیید: امیران          | محل سکونت: کوی قرآن - کوچه سید باجی - پیش بک | محل سکونت: اسلام            |  |
| شماره پرونده: ۴۰۶۲۲۲۱۵ | فرعی: ۵۲، ۷، ۱                               |                             |  |

۶۷-۱۳۳

[illegible]



وزارت اطلاعات خیلای محترمانه تعداد ..... فیش دارد  
ترتیب حروف ..... مرکز فیش بایگانی تاریخ صدور ..... ۶۷-۱۲۳

|                                              |                                              |                                              |                                              |
|----------------------------------------------|----------------------------------------------|----------------------------------------------|----------------------------------------------|
| شهرت: حسین                                   |                                              | نام: محمد                                    |                                              |
| نام پدر: محمود                               | شماره پرونده: ۵۱۹                            | شماره فیش: اصلی                              | شماره پرونده: ۶۵۸۸                           |
| نام: فقیه مصطفی امام محمد                    | تاریخ تولد: ۱۳۵۵                             | محل تولد: خنک: واعظ - طبس                    | محل صدور: زنجان                              |
| شماره شناسنامه: ۲۴۵۱۹                        | محل تولد: زنجان                              | محل سکونت: زنجان - کوچه امام محمد مبتدل محفل | تاریخ تولد: ۱۳۵۵                             |
| نام پست: آبران - کنگر                        | محل سکونت: زنجان - کوچه امام محمد مبتدل محفل | محل سکونت: زنجان - کوچه امام محمد مبتدل محفل | محل سکونت: زنجان - کوچه امام محمد مبتدل محفل |
| محل سکونت: زنجان - کوچه امام محمد مبتدل محفل | محل سکونت: زنجان - کوچه امام محمد مبتدل محفل | محل سکونت: زنجان - کوچه امام محمد مبتدل محفل | محل سکونت: زنجان - کوچه امام محمد مبتدل محفل |
| شماره پرونده: ۶۷-۱۲۳                         | فرعی                                         | شماره پرونده: ۶۷-۱۲۳                         | فرعی                                         |

وزارت اطلاعات خیلای محترمانه تعداد ..... فیش دارد  
ترتیب حروف ..... مرکز فیش بایگانی تاریخ صدور ..... ۶۷-۱۲۳

|                       |                      |                      |                      |
|-----------------------|----------------------|----------------------|----------------------|
| شهرت: داوری           |                      | نام: عباس            |                      |
| نام پدر: حسین         | شماره پرونده: ۶۵۸۸   | شماره فیش: اصلی      | شماره پرونده: ۶۵۸۸   |
| نام: فقیه مصطفی       | تاریخ تولد: ۱۳۱۵     | محل تولد: خنک: صفتی  | محل صدور: اراک       |
| شماره شناسنامه: ۲۴۵۱۹ | محل تولد: اراک       | محل سکونت: خنک: صفتی | محل سکونت: خنک: صفتی |
| نام پست: آبران - کنگر | محل سکونت: خنک: صفتی | محل سکونت: خنک: صفتی | محل سکونت: خنک: صفتی |
| محل سکونت: خنک: صفتی  | محل سکونت: خنک: صفتی | محل سکونت: خنک: صفتی | محل سکونت: خنک: صفتی |
| شماره پرونده: ۶۷-۱۲۳  | فرعی                 | شماره پرونده: ۶۷-۱۲۳ | فرعی                 |

وزارت اطلاعات خیلای محترمانه تعداد ..... فیش دارد  
ترتیب حروف ..... مرکز فیش بایگانی تاریخ صدور ..... ۶۷-۱۲۳

|                                              |                                              |                                              |                                              |
|----------------------------------------------|----------------------------------------------|----------------------------------------------|----------------------------------------------|
| شهرت: نجفی                                   |                                              | نام: محمد                                    |                                              |
| نام پدر: ابوالقاسم                           | شماره پرونده: ۵۲۱۳                           | شماره فیش: اصلی                              | شماره پرونده: ۵۲۱۳                           |
| نام: فقیه مصطفی                              | تاریخ تولد: ۱۳۲۳                             | محل تولد: خنک: حصار                          | محل صدور: زنجان                              |
| شماره شناسنامه: ۲۴۵۱۹                        | محل تولد: زنجان                              | محل سکونت: زنجان - کوچه امام محمد مبتدل محفل | محل سکونت: زنجان - کوچه امام محمد مبتدل محفل |
| نام پست: آبران - کنگر                        | محل سکونت: زنجان - کوچه امام محمد مبتدل محفل | محل سکونت: زنجان - کوچه امام محمد مبتدل محفل | محل سکونت: زنجان - کوچه امام محمد مبتدل محفل |
| محل سکونت: زنجان - کوچه امام محمد مبتدل محفل | محل سکونت: زنجان - کوچه امام محمد مبتدل محفل | محل سکونت: زنجان - کوچه امام محمد مبتدل محفل | محل سکونت: زنجان - کوچه امام محمد مبتدل محفل |
| شماره پرونده: ۶۷-۱۲۳                         | فرعی                                         | شماره پرونده: ۶۷-۱۲۳                         | فرعی                                         |



توضیحات: ممتاز برالیم در صبح یازدهم خرداد ۱۳۴۲. اجتماع مشترک در راهپیای بی. و اقدام هماهنگی بی. و ای. با دستور دبیران و کارکنان مرکز به جنگ و قتال در صبح ۱۳۴۲. بی. و ای. به همراه همکاران در آنجا که ای. در یک طرف و بی. در طرف دیگر و در تمام طول روز در صبح ۱۳۴۲. قرار بر اینست که بی. و ای. به قرار التزام عملی جزو بی. و ای. و در هر دو طرف ۵ هزار نفر و ۵ هزار نفر قرار دارند.

نتیجه: در یک به تساوی حقوقی زن و مرد به علم و دولت و در سطح ملی اتفاق دانزد دولت و امام را سرچشمه تعلیم و معارف میکنند.

توضیحات: نامبرین در صبح یازدهم خرداد ۱۳۴۲. اجتماع مشترک در راهپیای بی. و اقدام هماهنگی بی. و ای. با دستور دبیران و کارکنان مرکز به جنگ و قتال در صبح ۱۳۴۲. بی. و ای. به همراه همکاران در آنجا که ای. در یک طرف و بی. در طرف دیگر و در تمام طول روز در صبح ۱۳۴۲. قرار بر اینست که بی. و ای. به قرار التزام عملی جزو بی. و ای. و در هر دو طرف ۵ هزار نفر و ۵ هزار نفر قرار دارند.

توضیحات: ممتاز برالیم در صبح یازدهم خرداد ۱۳۴۲. اجتماع مشترک در راهپیای بی. و اقدام هماهنگی بی. و ای. با دستور دبیران و کارکنان مرکز به جنگ و قتال در صبح ۱۳۴۲. بی. و ای. به همراه همکاران در آنجا که ای. در یک طرف و بی. در طرف دیگر و در تمام طول روز در صبح ۱۳۴۲. قرار بر اینست که بی. و ای. به قرار التزام عملی جزو بی. و ای. و در هر دو طرف ۵ هزار نفر و ۵ هزار نفر قرار دارند.



وزارت اطلاعات خلیجی محرم‌نامه تعداد ..... فیش دارد  
ترتیب حروف ..... مرکز فیش بایگانی تاریخ صدور .....

|                       |                          |                            |
|-----------------------|--------------------------|----------------------------|
| شهرت: زمان            |                          | نام: عبداله                |
| نام پدر: عصمت‌الله    | شماره پرونده: ۳۳۳        | نام فقیه: مستشار           |
| شماره: ۱۰             | تاریخ تولد: ۱۳۲۳         | محل تولد: کارگر حیات       |
| محل صدور: قلعوچو دریا | محل تولد: ارک            | نوع اقامت: اقدام ضد امنیتی |
| تابعیت: ایران         | محل سکونت: در شهری تهران | محل سکونت: کوچه حسن میر    |
| مذهب: ...             | محل سکونت: کوچه حیدری    | محل سکونت: کوچه حسن میر    |
| شماره پرونده: ۶۷-۱۳۳  | فرعی: ...                | محل سکونت: کوچه حیدری      |

وزارت اطلاعات خلیجی محرم‌نامه تعداد ..... فیش دارد  
ترتیب حروف ..... مرکز فیش بایگانی تاریخ صدور .....

|                      |                   |                            |
|----------------------|-------------------|----------------------------|
| شهرت: فریدون علوی    |                   | نام: مسعود                 |
| نام پدر: سیدهای      | شماره پرونده: ۳۳۳ | نام فقیه: مسعود            |
| شماره: ۲۶۸           | تاریخ تولد: ۱۳۲۰  | محل تولد: تهران            |
| محل صدور: مسعود      | محل تولد: مسعود   | نوع اقامت: اقدام ضد امنیتی |
| تابعیت: ایران        | محل سکونت: تهران  | محل سکونت: کوچه سمرقند     |
| مذهب: ...            | محل سکونت: تهران  | محل سکونت: کوچه سمرقند     |
| شماره پرونده: ۶۷-۱۳۳ | فرعی: ...         | محل سکونت: کوچه سمرقند     |

وزارت اطلاعات خلیجی محرم‌نامه تعداد ..... فیش دارد  
ترتیب حروف ..... مرکز فیش بایگانی تاریخ صدور .....

|                      |                    |                            |
|----------------------|--------------------|----------------------------|
| شهرت: مرزبها         |                    | نام: تقی                   |
| نام پدر: تقی         | شماره پرونده: ۶۵۹۳ | نام فقیه: تقی              |
| شماره: ...           | تاریخ تولد: ...    | محل تولد: کارگر حیات       |
| محل صدور: خلیجی      | محل تولد: خلیجی    | نوع اقامت: اقدام ضد امنیتی |
| تابعیت: ایران        | محل سکونت: تهران   | محل سکونت: کوچه سمرقند     |
| مذهب: ...            | محل سکونت: تهران   | محل سکونت: کوچه سمرقند     |
| شماره پرونده: ۶۷-۱۳۳ | فرعی: ...          | محل سکونت: کوچه سمرقند     |

[illegible][illegible]

9Y-1449Y-1219Y-12





توضیحات: ...ست و البته در صبح باین ۱۵ خرداد ۴۲ با اتمام  
در راهپایش و اقدام هندو اهنج در صبح ۱۴ خرداد ۴۲  
در راهپایش و در تکیه و زمانه بر ۱۴ خرداد ۴۲ از او رنج  
مفاتی منت بزن ... و قرار شد ... دیگر ... در صبح

توضیحات: ...ست و البته در صبح باین ۱۵ خرداد ۴۲ با اتمام  
در راهپایش و اقدام هندو اهنج در صبح ۱۴ خرداد ۴۲  
در راهپایش و در تکیه و زمانه بر ۱۴ خرداد ۴۲ از او رنج  
قرار بزدانت صوقت تبدیل ... قرار التزام دوزار تومان اعلام  
و ... در صبح  
از نامه به ... دیگر ... در صبح

توضیحات: ...ست و البته در صبح باین ۱۵ خرداد ۴۲ با اتمام  
در راهپایش و اقدام هندو اهنج در صبح ۱۴ خرداد ۴۲  
در راهپایش و در تکیه و زمانه بر ۱۴ خرداد ۴۲ از او رنج  
قرار بزدانت صوقت تبدیل ... قرار التزام مبلغ هزار تومان  
اعلام و ... در صبح



وزارت اطلاعات خلیجی محرمانه تعداد ..... فیش دارد  
ترتیب حروف ..... مرکز فیش بایگانی تاریخ صدور .....

|                          |                          |                          |                          |
|--------------------------|--------------------------|--------------------------|--------------------------|
| شهرت: <b>محمد سرخ</b>    |                          | نام: <b>اسرار</b>        |                          |
| نام پدر: <b>علی</b>      | شماره پرونده: <b>۴۵۳</b> | شماره: <b>۹</b>          | تاریخ تولد: <b>۱۳۱۸</b>  |
| نام فقی: <b>محمد</b>     | نام مستعار: <b>اصلی</b>  | محل صدور: <b>کاشان</b>   | محل تولد: <b>کاشان</b>   |
| شماره: <b>۹</b>          | شماره: <b>۹</b>          | محل سکونت: <b>پارک</b>   | محل سکونت: <b>پارک</b>   |
| محل صدور: <b>کاشان</b>   | محل تولد: <b>کاشان</b>   | محل سکونت: <b>پارک</b>   | محل سکونت: <b>پارک</b>   |
| نام پست: <b>امیر</b>     | نام پست: <b>امیر</b>     | نام پست: <b>امیر</b>     | نام پست: <b>امیر</b>     |
| مذهب: <b>اسلام</b>       | مذهب: <b>اسلام</b>       | مذهب: <b>اسلام</b>       | مذهب: <b>اسلام</b>       |
| شماره پرونده: <b>۴۵۳</b> | شماره پرونده: <b>۴۵۳</b> | شماره پرونده: <b>۴۵۳</b> | شماره پرونده: <b>۴۵۳</b> |
| فرعی: <b>محمد</b>        | فرعی: <b>محمد</b>        | فرعی: <b>محمد</b>        | فرعی: <b>محمد</b>        |

۶۷-۱۳۴

وزارت اطلاعات خلیجی محرمانه تعداد ..... فیش دارد  
ترتیب حروف ..... مرکز فیش بایگانی تاریخ صدور .....

|                          |                          |                          |                          |
|--------------------------|--------------------------|--------------------------|--------------------------|
| شهرت: <b>محمد محمدی</b>  |                          | نام: <b>محمد</b>         |                          |
| نام پدر: <b>محمد</b>     | شماره پرونده: <b>۴۵۳</b> | شماره: <b>۹</b>          | تاریخ تولد: <b>۱۳۱۸</b>  |
| نام فقی: <b>محمد</b>     | نام مستعار: <b>اصلی</b>  | محل صدور: <b>کاشان</b>   | محل تولد: <b>کاشان</b>   |
| شماره: <b>۹</b>          | شماره: <b>۹</b>          | محل سکونت: <b>پارک</b>   | محل سکونت: <b>پارک</b>   |
| محل صدور: <b>کاشان</b>   | محل تولد: <b>کاشان</b>   | محل سکونت: <b>پارک</b>   | محل سکونت: <b>پارک</b>   |
| نام پست: <b>امیر</b>     | نام پست: <b>امیر</b>     | نام پست: <b>امیر</b>     | نام پست: <b>امیر</b>     |
| مذهب: <b>اسلام</b>       | مذهب: <b>اسلام</b>       | مذهب: <b>اسلام</b>       | مذهب: <b>اسلام</b>       |
| شماره پرونده: <b>۴۵۳</b> | شماره پرونده: <b>۴۵۳</b> | شماره پرونده: <b>۴۵۳</b> | شماره پرونده: <b>۴۵۳</b> |
| فرعی: <b>محمد</b>        | فرعی: <b>محمد</b>        | فرعی: <b>محمد</b>        | فرعی: <b>محمد</b>        |

۶۷-۱۳۴

وزارت اطلاعات خلیجی محرمانه تعداد ..... فیش دارد  
ترتیب حروف ..... مرکز فیش بایگانی تاریخ صدور .....

|                          |                          |                          |                          |
|--------------------------|--------------------------|--------------------------|--------------------------|
| شهرت: <b>محمد محمدی</b>  |                          | نام: <b>محمد</b>         |                          |
| نام پدر: <b>محمد</b>     | شماره پرونده: <b>۴۵۳</b> | شماره: <b>۹</b>          | تاریخ تولد: <b>۱۳۱۸</b>  |
| نام فقی: <b>محمد</b>     | نام مستعار: <b>اصلی</b>  | محل صدور: <b>کاشان</b>   | محل تولد: <b>کاشان</b>   |
| شماره: <b>۹</b>          | شماره: <b>۹</b>          | محل سکونت: <b>پارک</b>   | محل سکونت: <b>پارک</b>   |
| محل صدور: <b>کاشان</b>   | محل تولد: <b>کاشان</b>   | محل سکونت: <b>پارک</b>   | محل سکونت: <b>پارک</b>   |
| نام پست: <b>امیر</b>     | نام پست: <b>امیر</b>     | نام پست: <b>امیر</b>     | نام پست: <b>امیر</b>     |
| مذهب: <b>اسلام</b>       | مذهب: <b>اسلام</b>       | مذهب: <b>اسلام</b>       | مذهب: <b>اسلام</b>       |
| شماره پرونده: <b>۴۵۳</b> | شماره پرونده: <b>۴۵۳</b> | شماره پرونده: <b>۴۵۳</b> | شماره پرونده: <b>۴۵۳</b> |
| فرعی: <b>محمد</b>        | فرعی: <b>محمد</b>        | فرعی: <b>محمد</b>        | فرعی: <b>محمد</b>        |

۶۷-۱۳۴



توضیحات: منشور را به مدیر اجرایی ۱۵ خرداد ۴۲ به اجتماع اقدام  
 نهادا هنجیج و ایجاب و ملوآ. بموجب و شرکت در راه همدیگر در صورتی  
 ۱۴۲۴م در میان توضیحات: در شرکت و بازداشت هر یک  
 در صورتی ۱۴۲۴م هرگاه بازداشت صورت گیرد به جرایم التزام  
 هر یک دو هزار تومان خواهد بود و اگر در صورتی

توضیحات: منشور را به مدیر اجرایی ۱۵ خرداد ۴۲ به اجتماع شرکت  
 راه همدیگر و ایجاب و ملوآ. بموجب و شرکت در راه همدیگر در صورتی  
 ۱۴۲۴م در میان توضیحات: در صورتی ۱۴۲۴م هرگاه بازداشت هر یک  
 در صورتی ۱۴۲۴م هرگاه بازداشت صورت گیرد به جرایم التزام  
 هر یک دو هزار تومان خواهد بود و اگر در صورتی

توضیحات: منشور را به مدیر اجرایی ۱۵ خرداد ۴۲ به اجتماع  
 شرکت در راه همدیگر و ایجاب و ملوآ. بموجب و شرکت در راه همدیگر در صورتی  
 ۱۴۲۴م در میان توضیحات: در صورتی ۱۴۲۴م هرگاه بازداشت هر یک  
 در صورتی ۱۴۲۴م هرگاه بازداشت صورت گیرد به جرایم التزام  
 هر یک دو هزار تومان خواهد بود و اگر در صورتی



وزارت اطلاعات ..... خلیجی محرم نامه ..... تعداد ..... فیش دارد  
ترتیب حروف ..... مرکز فیش بایگانی ..... تاریخ صدور

|                    |                    |                  |                  |
|--------------------|--------------------|------------------|------------------|
| شهرت: دمیجانی      |                    | نام: علام علی    |                  |
| نام پدر: امیر      | شماره پرونده: ۶۲۴۳ | نام قبلی: —      | نام مستعار: —    |
| شماره: —           | تاریخ تولد: —      | محل تولد: تهران  | محل سکونت: تهران |
| محل صدور: تهران    | محل سکونت: تهران   | محل سکونت: تهران | محل سکونت: تهران |
| تأیید: اسرار اسلام | محل سکونت: تهران   | محل سکونت: تهران | محل سکونت: تهران |
| مذهب: —            | محل سکونت: تهران   | محل سکونت: تهران | محل سکونت: تهران |
| شماره پرونده: —    | محل سکونت: تهران   | محل سکونت: تهران | محل سکونت: تهران |
| فرعی: —            | محل سکونت: تهران   | محل سکونت: تهران | محل سکونت: تهران |

۶۷-۱۲۴

وزارت اطلاعات ..... خلیجی محرم نامه ..... تعداد ..... فیش دارد  
ترتیب حروف ..... مرکز فیش بایگانی ..... تاریخ صدور

|                      |                    |                  |                  |
|----------------------|--------------------|------------------|------------------|
| شهرت: سمادات گامشانی |                    | نام: سید رحمان   |                  |
| نام پدر: سید علی     | شماره پرونده: ۶۲۴۳ | نام قبلی: —      | نام مستعار: —    |
| شماره: ۲۱            | تاریخ تولد: —      | محل تولد: تهران  | محل سکونت: تهران |
| محل صدور: تهران      | محل سکونت: تهران   | محل سکونت: تهران | محل سکونت: تهران |
| تأیید: اسلام ایران   | محل سکونت: تهران   | محل سکونت: تهران | محل سکونت: تهران |
| مذهب: —              | محل سکونت: تهران   | محل سکونت: تهران | محل سکونت: تهران |
| شماره پرونده: —      | محل سکونت: تهران   | محل سکونت: تهران | محل سکونت: تهران |
| فرعی: —              | محل سکونت: تهران   | محل سکونت: تهران | محل سکونت: تهران |

۶۷-۱۲۴

وزارت اطلاعات ..... خلیجی محرم نامه ..... تعداد ..... فیش دارد  
ترتیب حروف ..... مرکز فیش بایگانی ..... تاریخ صدور

|                    |                   |                  |                  |
|--------------------|-------------------|------------------|------------------|
| شهرت: شیخ الاسلامی |                   | نام: شیخ         |                  |
| نام پدر: محمد      | شماره پرونده: ۴۵۲ | نام قبلی: —      | نام مستعار: —    |
| شماره: ۳۶۹         | تاریخ تولد: ۱۳۲۰  | محل تولد: تهران  | محل سکونت: تهران |
| محل صدور: تهران    | محل سکونت: تهران  | محل سکونت: تهران | محل سکونت: تهران |
| تأیید: اسلام ایران | محل سکونت: تهران  | محل سکونت: تهران | محل سکونت: تهران |
| مذهب: —            | محل سکونت: تهران  | محل سکونت: تهران | محل سکونت: تهران |
| شماره پرونده: —    | محل سکونت: تهران  | محل سکونت: تهران | محل سکونت: تهران |
| فرعی: —            | محل سکونت: تهران  | محل سکونت: تهران | محل سکونت: تهران |

۶۷-۱۲۴



توضیحات: مشایخ و علمای در جریان ۱۵ خرداد ۴۲ به اجتماع شرکت  
در راهپیمایی وایجا در آتشوب و ملوا اقدام ضد اجتماعی  
در صبح ۱۵ خرداد ۴۲ در مقابل کلاه نوری دهستان  
همراه دستکار به به طیف کیمیشیم کاهن در شکله و زرادشت مرکز  
در صبح ۱۵ خرداد ۴۲ کاهن زرادشت به وقت تبدیل به قرار التزام  
صلح هیچ کار توان جدا در آمارا در  
ست ران در بهای جوی ملکوتی دهستان در شکله و زرادشت  
با باقی جمع حضور یافته اند

توضیحات: مشایخ و علمای در جریان ۱۵ خرداد ۴۲ به اجتماع شرکت  
در راهپیمایی وایجا در آتشوب و ملوا و احاطه ککر در صبح ۱۵ خرداد  
۴۲ صبح ۹ صبح در شکله و زرادشت است و در صبح ۱۵ خرداد ۴۲  
قرار زرادشت به وقت تبدیل به قرار التزام صلح ۵ هزار تن  
صافه زرادشت در

توضیحات: مشایخ و علمای در جریان ۱۵ خرداد ۴۲ به اجتماع شرکت  
در راهپیمایی وایجا در آتشوب و ملوا و اقدام ضد اجتماعی  
در صبح ۱۵ خرداد ۴۲ در مقابل کلاه نوری دهستان در شکله  
و زرادشت شرکت در صبح ۱۵ خرداد ۴۲ کاهن زرادشت به وقت تبدیل  
به قرار التزام صلح ۵ هزار تن در



[illegible][illegible]



وزارت اطلاعات خلیسی محرم‌نامه تعداد ..... فیش دارد  
ترتیب حروف ..... مرکز فیش بایگانی تاریخ صدور .....

|                      |                    |                      |                                             |
|----------------------|--------------------|----------------------|---------------------------------------------|
| شهرت: بقائی          |                    | نام: محمد صفی        |                                             |
| نام پدر: محمد حسن    | شماره پرونده: ۶۵۹۵ | نام قبلی: محمد حسن   | نام متعارف: محمد حسن                        |
| شماره شناسنامه: ۲۵۶  | تاریخ تولد: ۱۳۱۰   | محل تولد: قزوین      | محل سکونت: تهران - خیابان - دروازه چهارراهن |
| تأهیت: ایران - تهران | مذهب: شیعه         | شماره پرونده: ۶۷-۱۲۴ | فرعی: محمد حسن                              |

۶۷-۱۲۴

وزارت اطلاعات خلیسی محرم‌نامه تعداد ..... فیش دارد  
ترتیب حروف ..... مرکز فیش بایگانی تاریخ صدور .....

|                    |                    |                      |                   |
|--------------------|--------------------|----------------------|-------------------|
| شهرت: رحیمی        |                    | نام: روح الله        |                   |
| نام پدر: حبیب الله | شماره پرونده: ۶۵۹۶ | نام قبلی: رحیمی      | نام متعارف: رحیمی |
| شماره شناسنامه: ۲۲ | تاریخ تولد: ۱۳۱۶   | محل تولد: اراک       | محل سکونت: اراک   |
| تأهیت: اسلام ایران | مذهب: شیعه         | شماره پرونده: ۶۷-۱۲۴ | فرعی: محمد رحیمی  |

۶۷-۱۲۴

وزارت اطلاعات خلیسی محرم‌نامه تعداد ..... فیش دارد  
ترتیب حروف ..... مرکز فیش بایگانی تاریخ صدور .....

|                       |                    |                      |                                     |
|-----------------------|--------------------|----------------------|-------------------------------------|
| شهرت: رحیمی           |                    | نام: علوم رحیم       |                                     |
| نام پدر: علی          | شماره پرونده: ۶۵۹۷ | نام قبلی: رحیمی      | نام متعارف: رحیمی                   |
| شماره شناسنامه: ۱۹۱۲۱ | تاریخ تولد: ۱۳۰۶   | محل تولد: قم         | محل سکونت: تهران - خیابان - چهارراه |
| تأهیت: ایران - اسلام  | مذهب: شیعه         | شماره پرونده: ۶۷-۱۲۴ | فرعی: محمد رحیمی                    |

۶۷-۱۲۴



توضیحات: شماره الفبای درج شده ۱۵ هزار و ۴۲۰ است. این احکام بیشتر کسری  
در حدیثی است و از احکام عهد افضلیت در دسترس نگذاشته است. در میان عهد العظیم  
از طرف سوادک در کتب دیگر و از دسترس نبود و در حدیثی ۱۴۰۴ و ۴۰۴ قرار  
از دسترس نیست. تبدیل: از کتاب التبرک صلیف ص ۵۵ هزار و ۲۰۰ اعلام حضور  
۵۵۰۰۰ شماره الفبای درج شده ۴۰۴ هزار و ۲۰۰ است. این احکام بیشتر کسری  
است و از احکام عهد افضلیت در دسترس نگذاشته است.

توضیحات: مقدار آب در هر بار ۱۵۰ هزار لیتر است. جهت شستن در  
آب صابون و اقدام به شستن و آب را با آب سرد و صابون در صورت  
نیاز ۱۲ در میان نفرین در حال شستن و شستن آب سرد و صابون  
و بارها شستن. در صورتی که ۱۰ بار بارها شستن صورت عمل  
تعمیرات التزام و مبلغ ۲۰ هزار تومان صادر و اعلام گردید  
تا به هر حال در این باب الله اعلم و در این باب



وزارت اطلاعات خلیجی مهرمانه تمداد ..... فیش دارد  
ترتیب حروف ..... مرکز فیش بایگانی تاریخ صدور

|                 |                                          |
|-----------------|------------------------------------------|
| شهرت: حسین      | نام: سید محمد صالح                       |
| نام پدر: ضیاء   | شماره پرونده: ۵۱۹                        |
| نام قبلی: —     | نام اصلی: —                              |
| شماره: —        | تاریخ تولد: ۱۳۲۴                         |
| شماره: —        | محل تولد: قم                             |
| محل صدور: قم    | نوع اقامت: اقدام ضد امنیتی               |
| تابعیت: ایران   | محل سکونت: تهران - خیابان مریز - پلاک ۴۴ |
| مذهب: —         | محل سکونت: تهران - خیابان مریز - پلاک ۴۴ |
| شماره پرونده: — | فرعی: —                                  |

۶۷-۱۲۴

وزارت اطلاعات خلیجی مهرمانه تمداد ..... فیش دارد  
ترتیب حروف ..... مرکز فیش بایگانی تاریخ صدور

|                       |                                          |
|-----------------------|------------------------------------------|
| شهرت: حسین            | نام: سید کاظم                            |
| نام پدر: سید مصطفی    | شماره پرونده: ۵۱۹                        |
| نام قبلی: —           | نام اصلی: —                              |
| شماره: ۱۹۷۹           | تاریخ تولد: ۱۳۱۳                         |
| شماره: —              | محل تولد: اصفهان                         |
| محل صدور: اصفهان      | نوع اقامت: اقدام ضد امنیتی               |
| تابعیت: ایران - اسلام | محل سکونت: تهران - خیابان مریز - پلاک ۴۴ |
| مذهب: —               | محل سکونت: تهران - خیابان مریز - پلاک ۴۴ |
| شماره پرونده: —       | فرعی: —                                  |

۶۷-۱۲۴

وزارت اطلاعات خلیجی مهرمانه تمداد ..... فیش دارد  
ترتیب حروف ..... مرکز فیش بایگانی تاریخ صدور

|                                         |                                          |
|-----------------------------------------|------------------------------------------|
| شهرت: حسین                              | نام: سید علی                             |
| نام پدر: بهلول                          | شماره پرونده: ۵۱۹                        |
| نام قبلی: —                             | نام اصلی: —                              |
| شماره: —                                | تاریخ تولد: —                            |
| شماره: —                                | محل تولد: تهران - خیابان مریز - پلاک ۴۴  |
| محل صدور: تهران - خیابان مریز - پلاک ۴۴ | نوع اقامت: اقدام ضد امنیتی               |
| تابعیت: ایران - اسلام                   | محل سکونت: تهران - خیابان مریز - پلاک ۴۴ |
| مذهب: —                                 | محل سکونت: تهران - خیابان مریز - پلاک ۴۴ |
| شماره پرونده: —                         | فرعی: —                                  |

۶۷-۱۲۴



توضیحات: شماره ۱۵ در جدول ۱۵ خرداد ۴۲ - اجتماع شرکت  
در راه هیئت و ایام در ایام و آتش و در ایام شرکت در هیئت ۴۶  
۴۶ در هیئت ۹ در هیئت ۹ در هیئت ۹ در هیئت ۹ در هیئت ۹ در هیئت ۹  
و در هیئت ۱۵ در هیئت ۱۵ در هیئت ۱۵ در هیئت ۱۵ در هیئت ۱۵ در هیئت ۱۵  
در هیئت ۱۵ در هیئت ۱۵ در هیئت ۱۵ در هیئت ۱۵ در هیئت ۱۵ در هیئت ۱۵  
در هیئت ۱۵ در هیئت ۱۵ در هیئت ۱۵ در هیئت ۱۵ در هیئت ۱۵ در هیئت ۱۵  
در هیئت ۱۵ در هیئت ۱۵ در هیئت ۱۵ در هیئت ۱۵ در هیئت ۱۵ در هیئت ۱۵

توضیحات: شماره ۱۵ در جدول ۱۵ خرداد ۴۲ - اجتماع شرکت  
در راه هیئت و ایام در ایام و آتش و در ایام شرکت در هیئت ۴۶  
۴۶ در هیئت ۹ در هیئت ۹ در هیئت ۹ در هیئت ۹ در هیئت ۹ در هیئت ۹  
و در هیئت ۱۵ در هیئت ۱۵ در هیئت ۱۵ در هیئت ۱۵ در هیئت ۱۵ در هیئت ۱۵  
در هیئت ۱۵ در هیئت ۱۵ در هیئت ۱۵ در هیئت ۱۵ در هیئت ۱۵ در هیئت ۱۵  
در هیئت ۱۵ در هیئت ۱۵ در هیئت ۱۵ در هیئت ۱۵ در هیئت ۱۵ در هیئت ۱۵  
در هیئت ۱۵ در هیئت ۱۵ در هیئت ۱۵ در هیئت ۱۵ در هیئت ۱۵ در هیئت ۱۵

توضیحات: شماره ۱۵ در جدول ۱۵ خرداد ۴۲ - اجتماع شرکت  
در راه هیئت و ایام در ایام و آتش و در ایام شرکت در هیئت ۴۶  
۴۶ در هیئت ۹ در هیئت ۹ در هیئت ۹ در هیئت ۹ در هیئت ۹ در هیئت ۹  
و در هیئت ۱۵ در هیئت ۱۵ در هیئت ۱۵ در هیئت ۱۵ در هیئت ۱۵ در هیئت ۱۵  
در هیئت ۱۵ در هیئت ۱۵ در هیئت ۱۵ در هیئت ۱۵ در هیئت ۱۵ در هیئت ۱۵  
در هیئت ۱۵ در هیئت ۱۵ در هیئت ۱۵ در هیئت ۱۵ در هیئت ۱۵ در هیئت ۱۵  
در هیئت ۱۵ در هیئت ۱۵ در هیئت ۱۵ در هیئت ۱۵ در هیئت ۱۵ در هیئت ۱۵



وزارت اطلاعات

خیامی محرم ساله

تعداد ..... فیضی دارد

مترقیب حروفی ....

مرکز فیش بایگانی

تاریخ صدور

[illegible]

98-144

وزارت اطلاعات

خیلی محرمانه

تعداد ..... قیش دارد

ترتيب حروف.....

مرکز فیش بایگانی

تاریخ صدور

[illegible]

9Y-124

وزارت اطلاعات

خیلی محرمانه

تعداد ..... فیش دارد

تَرْقِیُّ حُرُوفِ .....

مرکز فیش بايگانی،

تاریخ صدور

|               |       |               |       |
|---------------|-------|---------------|-------|
| شہرت:         | جینٹ  | نام:          | کیم   |
| نام پدر:      | حسین  | شماره پروندہ: | ۵۱۹   |
| تعلیمی:       | متوسط | اصولی         |       |
| شماره:        | —     | تاریخ تولد:   | —     |
| محل صدور:     | کمرنگ | محل تولد:     | کمرنگ |
| تاریخات:      | ۱۳۰۵  | محل سکونت:    | کمرنگ |
| ملاحظات:      | مدرسه | تعلیم:        | مدرسه |
| شماره پروندہ: |       | تعلیم:        | مدرسه |
| فرعی          |       |               |       |

9V-12V

توضیحات: مدت زمان درجه گرفتن ۱۵ روز در ۴۲ ساعت است. تمام این مدت در مدرسه میمانند. در صورتی که این مدت به ۱۷ روز برسد، در صورتی که توضیحات دیگر را در نظر بگیرد، زمان آن سه هفته است. در صورتی که ۴۶ یا ۴۷ روز باشد، سه هفته است. به این ترتیب، به هیچ وجه در مدرسه تمام نمیکنند.

از آنجا که هر دو هفته است، دیگر در مدرسه در نمیروند.

حضرت: حضرت ابوالحسن علی (ع) در جریان ۱۵ فروردین ۴۲۰ هجری قمری در مقام مبارک  
در راه بیاضی در ایام آب و شنبه در محل و در حضور ۴۵ هزار نفر در  
حضرت در شکیب و در زمان حضور خود در حضور ۱۵ هزار نفر در  
حضرت در شکیب و در زمان حضور خود در حضور ۱۵ هزار نفر در  
حضرت در شکیب و در زمان حضور خود در حضور ۱۵ هزار نفر در

توضیحات: مشاور البرید در حبس است. (۱) ضرر از ۱۰۰ ریال تجاوز نمی کند.  
آفتاب و دیبا احتیاجات در مصرف ۴۰ ریال، دستگیر و در مصرف  
۱۰۰ ریال، قمار و بازی است. تبدیل به الزام مبلغ هزار تومان حاصل  
و از آن نه ریال از او بقیه در  
اصلاحات دیگر ارجح نیست. (۲)





## بسمه تعالی

### برگه درخواست اشتراک فصلنامه پانزده خرداد

#### خواننده گرامی

شما می‌توانید برای دریافت اشتراک این فصلنامه، برگه درخواست اشتراک را تکمیل و به همراه اصل حواله بانکی به مبلغ ۱۶۰۰۰ تومان برای اشتراک چهار مجلد (واریزی به حساب جاری شماره ۰۱۰۰۷۹۶۰۰۴۰۰۴ در بانک صادرات شعبه جماران - کد ۱۵۴۸ به نام فصلنامه پانزده خرداد)، به نشانی: تهران، خیابان دیباجی جنوبی، خیابان شهید تسلیمی، کوچه زاور، کوچه گل (دست راست)، کوچه دادآفرین، کوچه صدر، پلاک ۶، صندوق پستی ۷۳۸۵-۱۹۳۹۵ ارسال نمایید.

|                     |                            |
|---------------------|----------------------------|
| نام و نام خانوادگی: | نام مؤسسه:                 |
| میزان تحصیلات:      | رشته تحصیلی:               |
| نشانی:              |                            |
| آدرس الکترونیک:     |                            |
| تلفن:               | شماره و تاریخ حواله بانکی: |
| شماره اشتراک قبلی:  |                            |

اساتید و دانشجویان محترم می‌توانند با ارسال مدارک خود از ۵۰٪ تخفیف حق اشتراک فصلنامه بهره‌مند شوند.

#### نکات ضروری

۱. کپی حواله بانکی را تا قطعی شدن اشتراک نزد خود نگه دارید.
۲. از ارسال وجه نقد خودداری فرمایید.
۳. در صورت تغییر نشانی، امور مشترکین را از نشانی جدید مطلع فرمایید.

امور مشترکین





# بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی

## منتشر کرده است:

---

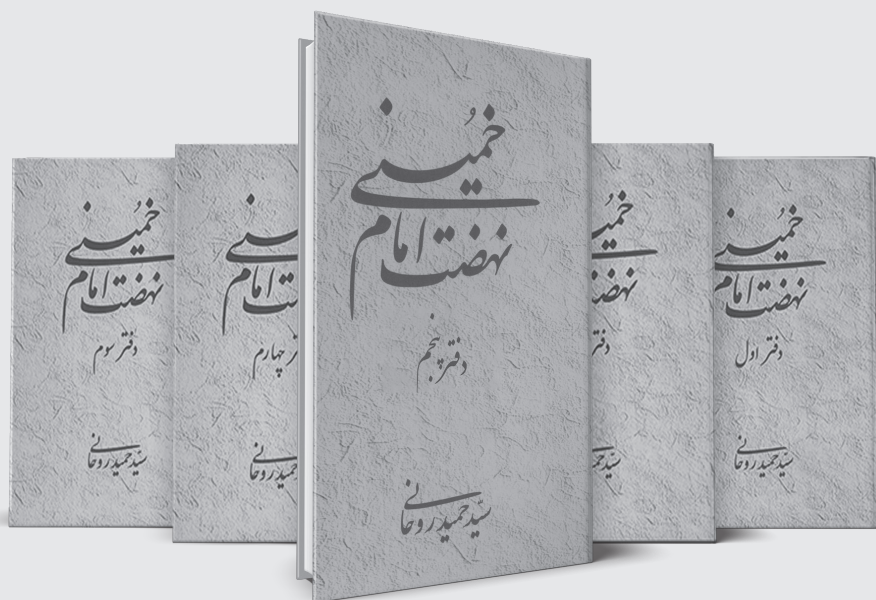
علاقه‌مندان به تهیه کتب انتشار یافته بنیاد، می‌توانند به فروشگاه کتاب انتشارات کیهان (به آدرس: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان فخر رازی و خیابان دانشگاه، پلاک ۱۲۱۰) مراجعه نمایند.



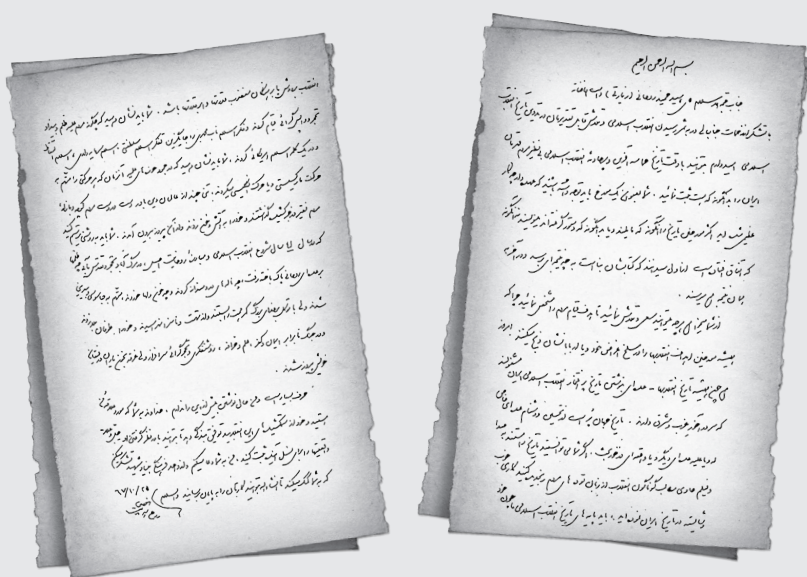
بنیاد  
تاریخ پژوهی  
و دانشنامه‌ی  
انقلاب اسلامی

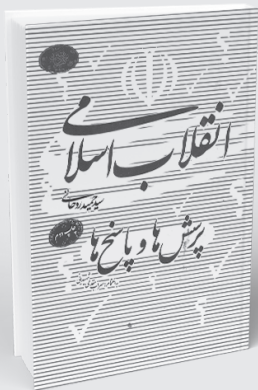


# بشارت... دفتر پنجم نهضت امام خمینی به زودی منتشر خواهد شد



نامه‌ای که مانند آن ظرف چهل سال گذشته نوشته نشد...





منتشر شد:

## انقلاب اسلامی پرسش‌ها و پاسخ‌ها

نویسنده: سید حمید روحانی

قطع: وزیری / قیمت: ۷۵۰۰۰ تومان / تعداد صفحات: ۳۲۶

در دورانی به سری بریم که تهاجم دشمن علیه انقلاب اسلامی وارد مرحله جدیدی شد و این بار اذهان مردم ایران و همه حامیان انقلاب در اقصی نقاط جهان را مورد هجوم قرار داده است. نظریه بازتکرار مستمر برخی شبهات، شایعات و تحریفات تاریخی، نوشتار حاضری تواند گره گشا باشد.



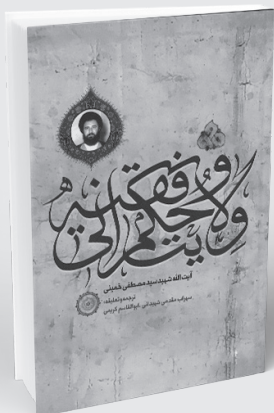
منتشر شد:

## قیام پانزده خرداد طلیحه نهضت امام خمینی

نویسنده: دکتر مظفر نامدار

قطع: وزیری / قیمت: ۶۵۰۰۰ تومان / تعداد صفحات: ۳۳۶

این اثر شامل مجموعه مقالات خواندنی است که اغلب در فصلنامه پانزده خرداد انتشار یافته و اکنون برای نخستین بار در مجموعه‌ای مجزا و در قالب کتاب منتشر شده است.

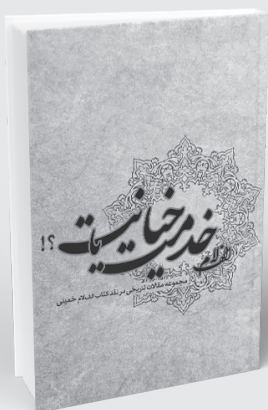


منتشر شد:

## ولایت و حکمرانی فقیه

نویسنده: آیت الله شهید سید مصطفی خمینی  
ترجمه و تعلیقه: سهراب مقدمی شهیدانی و ابوالقاسم کریمی  
قطع: وزیری / قیمت: ۶۵۰۰۰ تومان / تعداد صفحات: ۲۴۱

این نوشتار نخستین ترجمه از رساله ولایت فقیه آیت الله سید مصطفی خمینی است.



به زودی منتشر خواهد شد...

## الف لام خدمت یا خیانت

به کوشش: سهراب مقدمی شهیدانی

مجموعه مقالات تاریخی در نقد کتاب الف لام خمینی

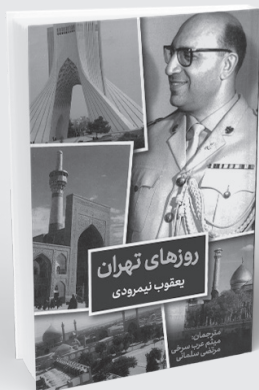


به زودی منتشر خواهد شد...

## عمار انقلاب

نویسنده: سهراب مقدمی شهیدانی

حیات نامه فکری و سیاسی علامه محمد تقی مصباح یزدی از تولد  
تا پیروزی انقلاب اسلامی



به زودی منتشر خواهد شد...

## روزهای تهران یعقوب نیمرودی

مترجمان: میثم عرب سرخی / مرتضی سلمانی

بسیاری از محققان و علاقه‌مندان حوزه تاریخ روابط رژیم صهیونیستی و رژیم پهلوی برای دریافت عمق روابط باید به عملکرد یعقوب نیمرودی در ایران توجه کنند. این کتاب اولین اثر او در این رابطه است. در انتظار کتاب‌های بعدی او از همین ناشر باشید.